توانا بود هر که دانا بود

راهنمای قم

با

۶۴ گراور و یک نقشه

بیادگار گشایش ساختمان دبیرستان حکمت

از انتشارات دفتر آستانهٔ قم

(۱۸ مهر ماه ۱۳۱۷ شمسی مطابق ۱۵ شعبان المعظم ۱۳۵۷ قمری)

چاپخانهٔ مجلس

توانا بود هر که دانا بود

راهنمای قم

با

۶۴ گراور و یک نقشه

بیادگار گشایش ساختمان دبیرستان حکمت

از انتشارات دفتر آستانهٔ قم

(۱۸ مهر ماه ۱۳۱۷ شمسی مطابق ۱۵ شعبان المعظم ۱۳۵۷ قمری)

چاپخانهٔ مجلس

مقدمه

بقلم رشید یاسمی (استاد دانشگاه تهران)

روشن ترین دلیل قدمت شهر قم مکان جغرافیائی وانشعاب راههای عمدهٔ تجارتی است بحکم اقتضای مکانی ازدوره‌ای که ری و اصفهان آبادی گرفته است ناچار این شهر هم که در میان آنها قرار دارد بحلیه عمارت آراسته شده است . قدمت این شهر بپایه ایست که بنای آن را بیکی از پادشاهان پیشدادی یعنی تهمورس (۱) نسبت داده اند ، شکی نیست که در زمان ساسانیان قم معروف بوده است . در کتابی که از آن عهد بخط پهلوی باقی مانده و عنوانش خسرو کواذان وریذکی است (یعنی خسرو پسرقباد و غلامی) نام قم ذکر شده است . خلاصهٔ این کتابرا ثعالبی (۲) آورده است در این کتاب مینویسد خسرو ازغلام خود موسوم به ریذك خوش آرزو پرسید که بوی بهشت چگونه است جواب داد :

« اگر بوی شراب خسروانی وسیب شامی و گل فارسی وشاهسپرم سمر قندی وترنج طبری ونرگس مسکی(۳) وبنفشهٔ اصفهانی وزعفران‌قمی وبونی (بوانی) و نیلوفرسیروانی‌وند (٤) را فراهم آوری از بوی بهشت بوئی توانی برد »

---

۱ ـ حمد الله مستوفی در نزهة القلوب صفحهٔ ٦٧ چاپ اروپا .

۲ ـ غرر اخبار الملوك الفرس.

۳ ـ نرکس مسکی نوع خاصی است کوچکتر از نرکس معمول که آنرا بسبب بوی خوشی‌که دارد مسکی (مشکی) گویند .

٤ ـ ند مخلوطی است از سه‌چیز معطر : عود هندی ، مشك تبتی و عنبر شجری .

در شاهنامهٔ فردوسی هم سه جا نام قم ذکر شده است که حاکی از اشتهار آن در عهد ساسانیان تواند بود. هنگام حملهٔ عرب در سال ۲۳ هجری ابو موسی اشعری این شهر را فتح کرد، در عهد خلافت مأمون مردم قم بریاست یحیی بن عمران سر بشورش برداشتند وازادای خراج خودداری کردند خلیفه علی بن هشام را بسر کوبی شورشیان فرستاد. دراین واقعه حصار استوار قم ویران ومبلغ هفت ملیون درهم بعنوان خراج گرفته شد. اما مردم قم در زمان خلافت المعتز (۲۵۲ - ۲۵۵) هجری مجدداً گردن از فرمان خلفا بیرون کشیدند. موسی بن بغا حاکم عراق بامر خلیفه بجانب قم راند و قتل عامی صعب کرد و گروهی از وجوه اعیان آنجا را باسارت برد. ابن حوقل سیاح وجغرافی نگار در قرن چهارم هجری بقم رفته و حصار آنجا را وصف کرده است. در آن زمان باغهای شاداب بر گرد حصار قم بوده است و مخصوصاً پسته و فندق آنجا شهرت داشته است.

استخری نیز شمه‌ای از حصار قم بنگارش آورده و گوید آب مشروب اهالی از چاهها و آب انبار هائی است که بوضعی بدیع ساخته اند.

این نویسنده از تعصب مردم قم در تشیّع و حب خاندان رسول سخن رانده است.

در اندرون و بیرون حصار مقابر و مزار های بسیار از بزرگان شیعه موجود بوده است (۱).

بنا بر قول استخری در یك منزلی شهر دیهی بوده بنام قریة المجوس که مردم آن همه کیش زردشتی داشته‌اند. کثرت آثار زردشتی مثل مَعبد و آتشکده و دخمه و غیره که در اطراف قم بوده از روی کتاب

---

۱ - امین احمد رازی عدد این مقابررا ٤٤٤ نوشته است.

گرانبهای ترجمهٔ تاریخ قم معلوم تواند شد (۱).

یاقوت نام قدیم قم را کمندان مینویسد که بعد بتخفیف آنجا را قم خوانده اند (۲) و گوید آثاردژهای قدیم ایرانی هنوزدرآنجا دیده‌میشود. یك پل سنگی بر رود خانه بسته اند که شهر قدیم را از شهر اسلامی جدا میکرده است.

حمد الله مستوفی در نزهة القلوب (۳) گوید از بلاد عجم چهار شهر معتبر بوده است و در این معنی گفته اند:

چهار شهر است عراق از ره تخمین گویند
طول وعرضش صد در صد بودو کم نبود
اصفهان کاهل جهان جمله مقرند بدان
در اقالیم چنان شهر معظم نبود
همدان جای شهان کز قبل آب و هوا
در جهان خوشتر از آن بقعهٔ خرم نبود
قم به نسبت کم از اینهاست ولیکن آن نیز
نیك نیك ار که نباشد بد بد هم نبود
معدن مردمی و کان کرم شاه بلاد
ری بود ری که چو ری در همه عالم نبود

ونیز حمدالله دربیان تومان قم و کاشان گوید « قم ازاقلیم چهارمست

---

۱ - تالیف حسن بن محمد بن حسن قمی در سال ۳۷۸ قمری بزبان عربی و ترجمه حسن بن علی بن حسن عبد الملك قمی بفارسی در سال ۸۰۵ قمری تصحیح و تحشیه دانشمند اختر شناس آقای سید جلال الدین تهرانی (چاپ تهران آذر ۱۳۱۳).

۲ - نزهة القلوب کمندان را از قصبات اصفهان شمرده است بنا براین کمیدان صحیح است، رجوع شود بمتن این کتاب ص ۲ - ۱.

۳ - چاپ اروپا صفحهٔ ۹.

طهمورث ساخت طالع عمارتش برج جوزا دور باروش زیادت از ده هزار گام است وهوایش معتدل است آبش ازرودی که ازجربادقان(۱) میآید و در آنجا همچون آوه در زمستان یخ آب در چاه می بندند تا به هنگام گرما باز میدهد و آب چاهش درپانزده گزی بود و اندکی بشوری مایل بود. از ارتفاعاتش غله و پنبه بسیاربود وازمیوه هایش انار وفستق و و خربزه و انجیر سرخ نیکوست. در آن شهر درخت سروسخت نیکو میباشد و مردم آنجا شیعهٔ اثنی عشری اند وبغایت متعصب واکثر آن شهر اکنون خراب است (۲) اما با روش بیشتر برجاست (۳).»

نیز حمد الله گوید: «کوه نمك لان میانه آوه و قم ازخاك است و با هیچ کوه پیوسته نیست و از غایت شوری برف بر آن قرار نمیگیرد و بر فرازش نتوان رفت که پای فرو رود وبا هنر ها نمکی را نشاید که تلخ بود. دورش سه فرسنگ بود بر اوهیچ آب ورستنی نبود وازده فرسنگ باز دیدار دهد»(٤)در جای دیگر گوید کاه قم بهتر ازجو ساوه است(٥).

٭٭٭

در زمان ما این شهر کهن که قبل از اسلام و بعد از اسلام همواره مرکزیت اقتصادی و تجاری و مذهبی داشته باوجود نزدیکی بپایتخت در بد ترین احوال بود. وضع داخلی وخارجی شهردرناپاکی ضرب المثل، معارف جدید در مراحل ابتدائی، آشنائی باتمدن در پایه بسیار نازل بود.

---

۱ ـ گلپایگان.

۲ ـ نیمه اول قرن هشتم هجری (آخرعهد مغول).

۳ ـ نه مستوفی نه سایر جغرافی نویسان قدیم ذکری ازمرقد مطهر حضرت معصومه نکرده اند ولی عموماً مرکزیت قم را از لحاظ تشیع تصدیق نموده اند.

٤ ـ صفحهٔ ۲۰۰ چاپ اروپا.

٥ ـ صفحهٔ ٦۳ چاپ اروپا.

لکن بزودی این نقطه مهم نیز مثل سایر نقاط کشور مورد توجه حیات بخش **اعلیحضرت همایون شاهنشاه بزرگ** واقع شده اصلاحات شهری و بهداری و اقتصادی شروع گردید، ساختن شاهراهها مخصوصاً عبور خط آهن این شهر را جنبشی سخت داد. وزارت معارف نیز که پیوسته در اجراء نیات ملوکانه و نشر علم میکوشد بهبود اوضاع معارفی قم را مورد توجه قرار داد، در توسعه و تکمیل مدارس و ترویج ورزش و ایجاد مدارس دوشیزگان جدی بلیغ مبذول داشت، مهمترین مراکز این شهر که مطمح نظر سیاحان و زوار است یعنی آستانه مقدس وضعی که شایسته این عصر فرخنده باشد نداشت. آقای آقاسید محمد باقر متولی باشی و فرزند ایشان آقای مصباح برای اصلاح امور این مرکز مهم مذهبی دستورهای وزارت اوقاف را پذیرفته بتجدید سازمان و تنظیم امور آستانه پرداختند، در آمد و هزینه و مصارف موقوفات و عده خدام و کارگزاران آستانه را معین و در اصلاح خرابی های ابنیه مقدسه وسایر منضمات آن جدی بلیغ مبذول داشتند، یکی از کارهای پسندیده که بکوشش آقای مصباح نایب التولیهٔ آستانه قم انجام شده طبع همین کتاب است که برای معرفی ابنیه مختلفه و آشنا کردن جویندگان تاریخی بجزئیات اوضاع آستانه و سایر متعلقات آن بهترین وسیله بشمار است.

دیگر حفظ نفایس آستانه که از سالیان دراز در مخزنهای نا مناسب افتاده و قرین گرد و غبار و دور از استفادهٔ نظار بود بیم آن میرفت که بکلی اشیاء ظریف آنجا از میان برود و ضایع و فاسد شود(۱) از آنجا که بهترین وسیله جلب سیاحان خارجی و داخلی نمایش این قبیل آثار نفیسه است

۱ - از جمله نفایس این موزه قالی‌های عهد صفویه است که درنمایشگاه لندن مورد توجه عموم نظار و اهل اطلاع گردید و اکنون درموزهٔ قم درمکان محفوظ نصب است.

و دیدن آنها موجب مزید بصیرت و تحریك همت بینندگان تواند شد وزارت معارف دستور داد که یکی از ضمایم غربی آستانه را بصورت موزه درآورند و اشیاء رابطرز علمی با توضیحات لازم در آنجا قرار دهند و زوار و واردین را بتماشای آنجا ترغیب نمایند. این قسمت بوسیله آقای گدار رئیس اداره عتیقات وزارت معارف و مطابق نقشهٔ رسمی ایشان با بهترین وجهی انجام گرفت و در ۲۲ آبان ۱۳۱۴ مصادف با نیمهٔ شعبان مراسم گشایش رسمی آن با حضور جنابان رئیس الوزراء و وزیر داخله و وزیر معارف صورت گرفت.

چون در هر گوشهٔ استانه بنگاه های جدید را بوسیله ماده تاریخ معرفی کرده اند نگارنده نیز ابیاتی در تاریخ گشایش موزه سروده که در سر درموزه نصب ودر صفحه (۸۰) این کتاب درج است (۱).

البته با توسعهٔ روز افزونی که این بنگاه جدید حاصل میکند مکان فعلی گنجایش و شایستگی نخواهد داشت و بزودی در کنار همین مکان محوطه‌ای‌را که درنظر گرفته‌اند تبدیل بموزهٔ زیبائی موافق اسلوب موزه سازی جدید خواهند نمود.

دیگر از تأسیسات معارفی که تأثیر آن در رواج تعلیم و تربیت فوق‌العاده است بنای دبیرستان زیبائی است که اکنون ساختمانش بپایان رسیده و دبیرستان حکمت بآنجا انتقال می یابد(۲). نخست در زمین مجاور رودخانه طرح ریزی شد ولی سستی خاك نمناك آنجا شایسته چنین بنای پایداری نبود، پس مکان فعلی‌را اختیار کردند از جهت استحکام زمین و

---

۱ - موزهٔ قم اگرچه کوچك است ولی چون زمانا تأسیس آن مقدم برموزه های تهران و مشهد وشیراز وخوزستان بوده آنرا نخستین موزه شمردیم.

۲ - برای افتتاح رسمی دبیرستان روز پانزدهم شعبان ۱۳۵۷ مطابق ۱۸ مهر ماه ۱۳۱۷ مقرر شده و اینکه در صفحهٔ ۱۴ سطر هفتم خرداد ماه نوشته شده اشتباه است.

زیبائی مناظر و گشادگی اطراف مزایای بسیار دارد، در ساختمان این دبیرستان کوشش فوق العاده در پی ریزی شده است که سستی عمومی خاك این نقطه را تدارك نماید، همراهی اداره تولیت آستانه در پیشرفت این بنا یکی از خدمات مهمهٔ معارفی محسوب میشود. نگارنده تاریخ ساختمان دبیرستان را در قطعهٔ فارسی ذیل آورده است که در مدخل بنا تحریر شود:

بگاه خسرو دانا رضا شاه	که از دانائیش ایران تواناست
شهنشاه بزرگ داد گستر	که رأی تابناکش کشور آراست
وزیر نامور حکمت پی افکند	بقم کاخی که بس ستوار و زیباست
دبیرستان حکمت گشت نامش	که کان دانش و باغ هنر هاست
جوانان اندرین گلزار چینند	گل کردار نیك و گفتهٔ راست
کلید فرهی و کامیابی	ازین در جست هر کش چشم بیناست

بتاریخش رشید یاسمی گفت
« کلید کامها در دست داناست »

چون معرفی ابنیه آستانه از لحاظ علم معماری و برای جلب سیاحان ضرورت داشت و در ادوار اخیر کتابی که احوال این بنگاه مقدس را شرح دهد تألیف نگشته بود وزارت معارف دوسال قبل دستور دادند که مقدمات این کار فراهم آید. هیئتی برای تهیه و طبع کتاب معین شد و نگارنده طرح این تألیف و تکلیف هر یك از اعضاء هیئت را معین نموده و اینك باین صورت در آمده است. اگر چه از حیث استفاده از سفرنامه سیاحان خارجی که در ادوار گذشته آمده و اشاراتی نسبت باین شهر دارند تألیف کنونی کامل و غنی نیست لکن از سایر جهات حاوی مطالب سودمند و ناگفته است مخصوصاً عکسها و نقشه آن برای معرفی ابنیه آستانه و سایر نقاط مهمهٔ قدیم این شهر بسیار مفید است. فاضل محترم آقای سید علی اکبر

برقعی که از دانشمندان قم هستند و در تدریس علوم قدیمه و ترویج معارف جدید مجاهدتها کرده و میکنند چنانکه از دیرزمانی مدرسه حیات بکوشش ایشان بر پای است عهده دار تألیف این کتاب شده و باین صورت سود بخش آنرا بپایان آورده‌اند. آقای سرمدی رئیس معارف و آقای سپهبدی رئیس موزهٔ قم و آقای بینش پور دبیر تاریخ و جغرافیا و آقای مهدی خطیب دبیر ادبیات و سایر کارکنان معارف نیز هر یك در قسمتی کوشش کامل کرده اند .

فهرست مندرجات

توضیح علاوه برفهرست مزبور ٦۴ گراور مربوط بنفایس آستانه و موزه و تأسیسات جدید با شرح مختصری در زیر هر یک بضمیمه نقشهٔ آستانه در آخر کتاب است.

فصل اول - تاریخچهٔ قم

وجه تسمیه و اشتقاق قم

در بارهٔ کلمه قم و اینکه ریشه آن چه بوده است گفتارهائی سست و خالی از حقیقت از تاریخ نگاران دیده میشود که پایهٔ درستی ندارد مثل توجیهی که برقی صاحب کتاب بیان نموده است که قم در آغاز جای جمع شدن آبها بوده است وعرب چنان جای را قمو یا قمقه نام دهد در صورتیکه **اولاً** قم هیچگاه جای جمع آبها نبوده و این جلگهٔ سراشیب که از سه طرف کوهها بآن احاطه دارد گنجایش آن را ندارد مگر درهشت فرسنگی آن (دریاچه حوض سلطان) که در تاریخ نام مخصوصی برای آن می‌بینیم و **ثانیاً** قمقه هرگاه بمعنی آفتابه باشد چه ربطی با قم و چه مناسبتی با جای جمع شدن آب دارد ومثل توجیهی که حمزه در کتاب اصفهان نموده است که قم در ابتدا هفت دیه بوده که از آنجمله کمیدان است. واعراب اشعریین از میان آن دیها نام کمیدان را اختیار کردند و چهار حرف از جمله شش حرف آنرا بینداختند و بر دو حرف اختصار کردند و گفتند کُم وسپس آنرا معرّب کردند و گفتند قم در صورتیکه این وجه تسمیه هم معلوم نیست حقیقتی داشته باشد بخصوص با طرزی که حمزه میگوید

و آنگهی کلمهٔ کمیدان‌را در تواریخ و کتب‌عرب‌بهمین نحو می‌بینیم(۱) و **تعجب اینجاست** که در لفظ کمیدان تصرف و تعریبی هم نشده است و هم اکنون بنام‌دیرین خود باقیست‌و مثل‌توجیهات دیگری که نگارش آنها با تاریخچه نگاری مناسب نیست .

چنانکه باز نموده شد دربارهٔ قم هیچیك از آن اندیشه ها درست نیست و حقیقت آنست که قم در اصل کُم بوده وسراسر این جلگه‌را کم می گفتند(۲) و دیها که‌هریك نام‌مخصوصی داشته‌دیهای کم بوده‌است‌تا آنزمان که‌شهری در آن‌بنا نهادند‌آنرا بهمان نام خود کُم نامیدند وچون اشعریین عرب بودند و شیوه ایشان تعریب و تصرف در صورت الفاظ بیگانه است کاف را بقاف تبدیل کردند و گفتند قم.

قم پیش از بنای اسلامی

اراضی این سر زمین حاصلخیز و بمناسبت رودخانه ای که از کنار آن میگذشته‌است میتوان حدس زد که همواره معمور و آباد بوده است لکن چگونگی آنرادرست نمیدانیم جز اینکه پیش ازبنای اسلامی بدیهای بزرگ و کوچکی که فواصل آنها از هم چندان دور نبوده است تقسیم میشده است چنانکه از بسیاری دیها و قلعه ها آنرا چهل حصار گویندو ما در تاریخ اسامی دیها و قلعه‌ها را کما بیش می‌بینیم .

ازاین‌دیها هفت دیه جزو شهر گردید بشرحیکه پس‌از این‌نگاشته میشود و چند دیه بر جای ماند که هنوز هم بنام دیرین و نخستین خود باقیست و آبادی خود را کما بیش از دست نداده است وبقیه دیهاازبین

---

۱ ـ کتاب البلدان، چاپ لندن ص ۲۷۴ .

۲ ـ برهان قاطع در ماده کُم ـ لسان العجم ص ۲۵۶ .

رفته وسکنه آنهابشهر منتقل شدندو سبب شهر شدن قم و رود اعراب اشعری (۱) باین محل بوده است .

و داستانش چنین است که اشعریین در لشکر عبد الرحمن بن محمد بودند و میان عبد الرحمن و حجاج بن یوسف والی عراقین آتش جنگ شعله ور بود و در بیشتر جنگ ها فتح نصیب عبدالرحمن بود تا آنکه در دیر الجماجم عبدالرحمن شکست یافت و لشکر حجاج چیره گشتند عبدالرحمن بگریخت ولشکریانش فرار کردند از آنمیان عبدالله واحوص واسحق ونعیم وعبدالرحمن پسران سعدبن مالك اشعری درسال ۹٤ قمری بناحیت قم آمدند (۲) وچون بقم رسیدند یزدان فاذار (یزدان پایدار) رئیس ابرشتجان ایشان را بنواخت و اکرامی تمام نموده و در منزلی مخصوص ایشان را جای دادو در سال ۹۹ دیه ممجان را برای مسکن ایشان معین کرد و هم در این سال دیه جمر را باقطاع بایشان داد ونیز ابزار کشت و زرع ایشان آماده نموده تا کار زراعت برایشان راست آمد و نیز دیه فرایه را بایشان داد تاچراگاه شتران و اسبان و گوسفندانشان باشد وهمواره بنیان دوستی در میان ایشان استوار بود تادرسال ۱۱٤ که یزدانفاذار رامرگ فرارسید (۳) واشعریین باکوششی هرچه تمامتر دراستقلال خود کوشیدند تا آن اندازه که توانستند قم را شهری آباد کنند .

بنای شهر قم

گفتیم اشعریین در قم فرود آمدند و بکار کشت کاری پرداختند

---

۱ - اشعریین یکی ازقبایل عرب بودند و در عصر پیغمبر ص بآئین اسلام مشرف گشتند ودردوره اسلام پیشرفت کاملی نمودند وبمناصب عالیه رسیدند و از میانهٔ ایشان پسران سعدبن مالك اشعری نامی بلند برای خود درتاریخ تشیع وبنای شهرقم باقی گذاردند.

۲ - معجم البلدان ص ۱٦۰ - ترجمهٔ تاریخ قم ص ۲٦۲ .

۳ - ترجمهٔ تاریخ قم ص ۲٤٤ .

لکن نا گفته نماند که ایشان بیشتر از ثروتی که با خود آورده بودند استفاده کردند زیرا بزودی برسراسر این سرزمین و همچنین بر سکنه آن چیره گشتند و بیشتر دیها و وضیعتها را بخریدند ودر اندك زمانی مالك بیشتر قم گشتند و پسران اعمام خود را از کوفه طلبیدند و هریك را دیه ویا ضیعتی بخشودند(۱) و تشکیل خانوادهٔ بزرگ ومهمّی دادند و خانه‌ها از نو بنیان نهادند بدانسان که ابنیه بیکدیگر پیوسته گشت و تدریجاً سکنه دیهای دیگر بایشان پیوستند و خانه‌ها بنا نهادندو قلعه ها که مساکن ایشان بود ترك گفتند و تمام دیه مالون و دیه ممجان و قسمتی از دیه قزدان و جمر زیر ابنیه افتاد و دیهای دیگر از میان رفت مگر چند دیه که هنوز هم برجاست، در این وقت باروئی گرد شهر کشیدند و در آن روزگار شهری که بی‌بارو بود پایمال ترکتازان وغارتگران میشد . این بارو ازطرف شمال بر ظاهر کمیدان فرا پیش دیهٔ مزدجان کشیده شدو از طرف شمال شرقی بر اراضی جمر و سعد آباد و قزدان آنجا که بیرون دوازه ری است میگذشت واز طرف شرق آخر دیه ممجان رامیگرفت واز پایان دیه مالون که در قسمت جنوبی است میگذشت و از آنجا بطرف غرب پیش میرفت تا بباروی شمال متصل میگردید .

سال بنای شهر قم و جدا شدن ان از اصفهان

در بارهٔ سال بنای شهر قم مورخین بر یك تاریخ اتفاق نکرده اند. بعضی برانند که در سال ۸۳ هجری بوده است و بعضی گویند در سال ۲۰۳ میباشد لکن نه بر قول اول میتوان اعتماد کرد نه بر قول دوم زیرا اولاً سنهٔ هشتاد و سه یا چهار هجری سال فرود آمدن اشعریین بقم میباشد وما سالها اشعریین را در قم می بینیم بدون آنکه کوچکترین تغییری در قم

۱ ـ ترجمهٔ تاریخ قم ص ۲۴۴ .

داده باشند و ثانیاً در سال ۲۰۳ قم شهری آباد بوده است بلکه درست آنست که بگوئیم در سال ۱۸۹ قم شهر گردیده است و این همان سالی است که قم از اصفهان جدا گردیده و استقلال یافته است و هرچند پیش از این سال تاحدی آباد بوده لکن شهر حسابی نبوده است اینست که ما سال ۱۸۹ را سال بنای آن میدانیم و سبب جدا شدن آن از اصفهان این بوده است : که قم و کاشان وساوه از رستاقهای اصفهان بوده (۱) نه والی منصوب داشتند و نه جداگانه خراجگزار بودند بلکه والی اصفهان در امور ملکی آنحدود مداخلهٔ مستقیم مینمود وهم خراج آنهارا میگرفت تا آنگاه که قم آباد گردید . حمزة بن یسع بن عبد الله بگفتهٔ مؤلف تاریخ قم (۲) وعبد الله بن کوشید بگفتهٔ ابن رسته (۳) ازهرون الرشید درخواست کردند که قم را از اصفهان جدا گرداند و مستقیماً خراجگزار باشند بشرحی که مفصل است وجای نگارش آن نیست هرون الرشید درخواست آنان را بپذیرفت و خراج قم را از اصفهان جدا کرد .

چون اینکار بوقوع پیوست قم جانی تازه گرفت ورونقی بسزا یافت و سرای والیان در آن بساختند و برعمران و آبادی ووسعت آن افزودند ودیهائی ازنو نهادند وزراعت پیشرفت کاملی نمود بقسمی که زراعتهائی که درقم هیچ سابقه نداشت مانند زعفران عمل آوردند و قم از هر جهة استقلال یافت و شهر حسابی گردید .

رودخانهٔ قم

سر چشمهٔ رودخانهٔ قم کوه زرد بختیاری است ازگلپایگان

---

۱ ـ المسالك و الممالك چاپ لیدن ص ۲۱ .

۲ ـ ترجمهٔ تاریخ قم ص ۲۸ .

۳ ـ الاعلاق النفیسه چاپ لیدن ص ۱۵۲ .

و کمره و محلات گذشته دیها و مزارع را مشروب نموده و بقم میآید و فاضل آب آن بمسیله و دریاچهٔ حوض سلطان میریزد . این رودخانه را نامهای چندی بوده است از آنجمله رود گل افشان و رود انار بار ولعل رود ولعل ورولعل بار (۱) و آبش همه جا شیرین و گوارا است ودرنزدیکی قم اندکی شور میگردد. مجرای این رودخانه درقدیم الایام جنوب وغرب شهر بوده جائی که آنرا وادی عتیق گویند و آثار آن اکنون برجاست . این مجری کم کم و بتدریج پرشد و آب آن بالا آمد تا بحدیکه از محلی که اکنون پل نو راه اصفهان است آب سرازیر شد و میان قم و کمیدان روان گردید ، همین جائی که اکنون رودخانه است ورودخانه عتیق خشك شد و مدتی چنان بود تا آنگاه که بارد یگر چشمه های آن زاینده گشت و مزارع سراجه و لنگرود که از خشك شدن این مجری زیانی فاحش دیده بود مشروب شد و برای هرضیعه و مزرعه جوئی بر گرفتند ومدت سی سال چنین بود تا آنکه دوباره آب آن بکلی منقطع گردید و خشك شد (۲) .

اشعریین آب رودخانه را با مستقه تقسیم میکردند ومستقه آهنی بوده است مانند ذراع که بر آن نشانهائی بوده که میزان آن را بدان معلوم میکرده اند و هر نشانی دلیل بوده است بر مقدار مستقه لکن بعد از آن بخروار قسمت شده است و در وقت ممیّزی میرزا بابای آشتیانی به بیست و دو خروار قسمت شده که از آنجمله هشتصد و بیست خروار آن برای شرب مردم شهر اختصاص داده شد .

رودخانهٔ قم در فصل بهار طغیان میکند و در آن هنگام مقدار

---

۱ ـ سفر نامهٔ قم خطی ص ۹۸ .

۲ ـ ترجمهٔ تاریخ قم ص ۵۰ .

زیادی سنگریزه در مجری باقی میگذارد که عرصه مسیل را تنك میکند.
در سال ۹۴۴ هجری قمری در زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی آب رودخانه طغیان کرد وقسمتی از شهررا خراب نمود (۱). شاه طهماسب و همچنین سلاطین صفویه بعد از اومقرر داشتند همه ساله رعایا از اطراف بیایند و رودخانه را تنقیه کنند تا آب آن بپائین گرآید و در این باره فرامین و احکام نیز از آنان دیده شده است (۲) و نیز درسال ۱۳۰۴ قمری رودخانه طغیان کرد و بشهر وارد گردید، علینقی میرزا که در آنوقت حاکم قم بود مردم را جمع کرد و از طغیان آن جلوگیری نمود و هم سدّ باغ ریك را ببست (۳) درشب دوم خرداد ۱۳۱۳ شمسی سیلی عظیم جنبش کرد و از بالای سدّ رودخانه بطرف شهر روان گردید و در فاصله کمی عمارات و بیوتات چندین محله را خراب و شوری در شهر بر پا کرد که مانندش هرگز میاد ونزدیك بهزار خانه‌را ویران نمود. دراین موقع دولت بسه کار مهم که هر کدام ضرورت داشت اقدام نمود: اول آنکه سدّ رودخانه‌را ببست، دوم پل رودخانه‌را تعمیر نمودووسعت داد، سیم رودخانه که از سنگ و شن پرشده بود پاك نمود.

زراعت قم

زراعت فعلی قم با زراعتهائی که سابق میشده هیچ شباهت ندارد زیرا تاریخ نشان میدهد که در این شهر زراعتهای مفید و پر قیمتی وجود داشته و اکنون نشانی از آنها نیست از جمله زراعت زعفران بوده (٤) که

---

۱ ـ در ماده تاریخ این سیل گفته اند : خاك قم را بباد داد این آب.
۲ ـ سفرنامهٔ قم ص۸۹.
۳ ـ روزنامه ایران که در آنوقت منتشر میگشت شرح آنرا درج نمود.
٤ ـ ترجمهٔ تاریخ قم ص ۱۰۸ و ص ۱۲۰ و ص ۱۲۲.

روزی مایه سرفرازی کشاورزان این شهر بوده است بلکه از تاریخ میتوان فهمید که محصول زعفران قم در درجه اول بوده است(۱) و نیز بادام یکی از محصول های خوب این شهر بوده و درقم وفور داشته است و همچنین زیره در اینشهر بخوبی عمل میآمده است(۲).
و نیز انجیر سرخ در قم بغایت نیکو بوده است(۳) و از درختان درخت کاج وقتی در قم بسیار بوده و زینت افزای خیابانها و بستانها بوده است چنانکه از نقشه‌ای که شاردن ازقم برداشته مشاهده میشود که درطول خیابان درختهای بسیار وجود داشته لکن تدریجاً از میان رفته و اکنون یکی از آن درخت ها برای نمونه باقی مانده و در دوازده‌قلعه است و یکی از مناظر زیبای شهر است .

صنایع قم

در شهر قم صنایعی وجود داشته که برخی از آن تا همین اواخر بوده و قسمتی از آن ازمیان رفته است ازجمله در قم کارخانه حریر بافی بوده که حریر آن فوق‌العاده ممتاز بوده است(۴) وهمچنین سریرها و تختهای اینشهر در خوبی شهره بوده است (۵) و هم در این شهر چندی کارخانه

---

۱ ـ نهایة الارب سفر اول ص ۳۷۱ .
۲ ـ ترجمهٔ تاریخ‌قم‌ص۱۱۲ .
۳ ـ زینةالمجالس .
۴ ـ تاریخ سرجان ملکم ص۲۷۶ .
۵ ـ مختصر کتاب البلدان چاپ لندن ص۵۰ .
ابن فقیه همدانی مؤلف مختصرکتاب البلدان از جغرافی دانان قرن دوم هجری است ، درکتاب مذکور فصلی در مدح غربت و اغتراب ایراد نموده وگوید و لولا اغتراب المغتربین ما عرف ما بین الاندلس الی الصبین تا آنجا که گوید و لاجمعت الملوك بین الصفایح الیمانیه والقضب الهندیه والکراسی القمیة و از شهر های ایران فارس را بزرهای نیکو و قم را بکرسیها و نهاوندرا بصوالج (گری بازی) وری را بجامه ها و قزوین را بگلیم ها و شوشتر را بدیباها ستوده است .

بلورسازی و شیشه گری دائر بوده است که هر گونه اسباب چراغ و لامپ و غلیان و میوه خوری و شربت خوری و تُنگ با کمال خوبی بیرون میداده است و هم کارخانه چینی سازی که کاسه و قدح و بشقاب و از هر قبیل ظروف در آن میساختند (۱) .

اما اکنون صنعتی که از صنعت های دیگران در خوبی و ظرافت ممتاز باشد در قم نیست مگر چند صنعت که مهم نیست از قبیل نمد مالی و سوهان پزی .

معادن قم

در قم معادنی چند وجود دارد که بعضی از آنها استخراج شده از قبیل سنك مرمر درقریه کهك ده فرسنگی قم و در زمان امین السلطان که صحن جدید آستانه را بنا مینمود مقداری از آن استخراج کردند و نیز در این چند سال اخیر برای ساختمانهای دولت مقداری بیرون آورده و از قبیل معدن مس(۲) که در کوه مسگران نیم فرسنگی قم وجود دارد و در زمان پیش مس آنرا استخراج میکردند و گویند در آمد و هزینهٔ آن برابر نبوده بلکه مصرف استخراج آن بیش از میزان فائده اش بوده و از قبیل معدن نمك که همواره مورد استخراج و استفاده بوده است .

و اما معادنی که تاکنون استخراج نشده یکی معدن فیروزه است در قم و خلجستان (۳) و دوم خاك چینی است در علی آباد قم و محلات (٤) و سیم خاك لعاب چینی در نزدیکی منظریه و چهارم سولفات دوسود و

---

۱ - سفرنامه قم ص۷۷ .
۲ - جغرافیای کیهان ص٤۱ .
۳ - جغرافیای کیهان ص٤۲ .
٤ - جغرافیای احتسابیان ص۳۹ .

همچنین شوره (۱) و شاید اگر کنجکاوی کنند معادن دیگری نیز کشف شود .

مدارس

بدیهی است در هر شهری که مدارس بیشتر وجود داشته باشد رونق دانش و گرمی بازار علم در آنجا بیشتر است اعم از اینکه مدارس مزبور مدارس دینی باشد که علوم عقلیه و نقلیه در آن تحصیل شود و خواه دبستانها و دبیرستانها و دانشکده ها و دانش سراها که طبق مقتضیات زمان معارف جدید در آنها تدریس میگردد .

پیش از نهضت علمی اخیر در ایران دانشگاه همان مدارس قدیمی بوده و البته در میان مستخرجین این مدارس نوابغی هم بوده اند از قبیل زکرّیای رازی در طب و شیخ الرئیس ابوعلی سینا در فلسفه و خواجه نصیرالدین درریاضیات وفلسفه، فارابی معلم ثانی درفنون متنوعه وغیرایشان . از این نوع مدارس در قم شش باب دائر بوده ازاینقرار **اول** مدرسهٔ فیضیه که بصحن عتیق متصل میباشد و سابقاً مدرسهٔ کوچکی بوده ودر سال ۱۲۲۳ قمری باشاره سلطان وقت آنرا بزرگ نمودند بشکل مربع مستطیل وچهل وهشت حجره در آن بساختند . دراین اواخر برروی حجرات آن حجراتی بنا کردند بطوریکه اکنون دارای حجرات فوقانی وتحتانی است، **دوم** مدرسهٔ رضویه که آنرا مدرسه لکها (۲) نیزمیگویند . این مدرسه در

---

۱ ـ جغرافیای کیهان ص۳۹ و ص۴۲.

۲ ـ لکها بر وزن رکها نام طایفه ایست ازهفت طائفه زندیه که جزو ایلات قم محسوب میشود و در زمان آقا محمد شاه آنان را بقم آوردند و سبب نام نهادن آن مدرسه به لکها معلوم نگردید و شاید این طائفه در آن تعمیراتی کرده اند .

بازار کهنه واقعست ، گویند بامر حضرت رضاء بنا شده است (۱). در آن هنگام که حضرت ازقم بمرو میرفت فرمود این مدرسه را بنا کردند بشرحی که در فرحة الغرّی مذکور است این مدرسه مربع وبیست و چهار حجره دارد و درضلع غربی آن مسجد آن است ، **سوم** مدرسه مؤمنیه درجنوب شرقی شهر واقع است جائی که اکنون آباد نیست .

این مدرسه در زمان شاه سلطان حسین بسال ۱۱۱۳ بنا شده وبنایش استوار و وضعش دلکش بوده است وسر دری بلند دارد ودر کتیبه آن اشعاری است که ماده تاریخ بنای آنرا متضمّن است و آن اینست « بهترین مدارس عالم » **چهارم** مدرسه جهانگیرخان برابر مسجد جامع وبیست باب حجره دارد ، **پنجم** مدرسه مهدیقلی خان جنب گذر عبدالله خان ، **ششم** مدرسه حـ ج مولی محمد صادق جنب گذر حکیم کوچك (قاضی سعید قمی) ودر سال ۱۲۷۳ قمری صدر اعظم نوری آنرا بنا نهاد وعمارت آن دوطبقه و بیست و سه حجره دارد و در قسمت جنوبی آن شبستان و جلوی شبستان ایوانیست بلند وکتیبه آن گچ بریست بخط ثلث و بقلم میرزا علی اکبر فیض .

و اما مدارس جدید از دبستانها و دبیرستانها در قم و توابع آن بقرار ذیل است :

(۱) دبستانهای دولتی	شش پایه	٤	مجموع ۲۰ دبستان
	پنج «	۳	
	چهار «	٥	
	سه «	۳	
	دو «	٥	

۱ ـ فرحة الغرّی چاپ تهران ، ص ٤٦ .

(۲) دبستانهای ملّی	شش پایه	۳	۳
(۳) دبیرستان دولتی (حکمت)			۱
(٤) دبیرستان ملّی (حیات)			۱
(٥) مدارس شبانه اکابر			۱۳

لکن دبیرستان دولتی بنائی مخصوص نداشته است تا در سال ۱۳۱٤ وزارت معارف در نظر گرفت دبیرستانی که از هرجهة تمام باشد در قم بنا نماید ، این بود که در روز بیست و یکم آبان ۱۳۱۳ شمسی مطابق پانزدهم شعبان ۱۳٥٤ آقایان رئیس الوزراء ورئیس مجلس ووزیر داخله در زمینی که برای محل دبیرستان معیّن شده بود حضور بهمرسانیدند و مراسم نصب اولین سنك بنا بعمل آمد، جناب آقای حکمت وزیر معارف پشت میز خطابه قرار گرفته ونطقی ایراد نمودند که خلاصه آن ذیلاً ذکر میشود:

خلاصه نطق جناب آقای وزیر معارف

از آقایان محترم بسیار متشکرم که در نصب اولین سنگ بنای دبیرستان قم و اینکار خیر و مقدّس شرکت فرموده اند ، دبیرستان قم که در آیندهٔ نزدیکی عمارتی باشکوه خواهد شد برای تربیت وتعلیم جوانان این شهراست که در آن تحصیل نمایند و شهرقم که یکی ازشهرهای تاریخی است جای آنرا دارد که چنین دبیرستانی را هم دارا باشد ولازم بتذکار نیست که در عصر حاضر تحصیل باید در مدارسی انجام شود که همه گونه وسایل در آن جمع باشد و بسیار جای تأسف بود که شهر قم که یکی از شهرهای مهم و ازلحاظ سیاسی وعلمی همه وقت موقعی ممتاز داشته است دارای دبیرستانی نباشد و اکنون بسی جای خوشوقتی است که باین کار مفید اقدام میشود .

شهر قم یکی از شهر های قدیمی ایران وبنا بنوشتهٔ مورخین تجدید بنای آن منسوب بهقباد ساسانی است، پس ازاسلام هم شهرقم مرکزتشیّع بوده بزرگان و علمائی از این شهر برخاسته اند از قبیل شیخ صدوق و ابن العمید ملقب بذو الکفایتین وزیر رکن الدوله که یکی از بزرگان ادب محسوب است، ازشعرای بزرك که خودرا منسوب بشهرقمدانسته اند یکی نظامی صاحب خمسه است که میگوید:

چو درکوچه در بحر گنجه گمم   ولی ازقهستان شهر قمم

در هرصورت اینشهر یکی از شهر های مهم ایران است و درقدیم یکی از مراکز مهم تشیّع بوده و معروف است که شیعیان قم هیچ وقت تقیّه نمیکردند.

امروز که یکی از اعیاد شیعه است (۱) البته در چنین روز مقدسی پایهٔ علم وادب را کار گذاردن میمنت خواهد داشت، امید است امثال همان علمائی که از این سر زمین بر خاسته و مشعل فروزانی درعالم دانش بوده اند نیز از این سر زمین بر خیزد.

و شاید بین همین جوانانی که فعلاً می بینیم مشغول تحصیل هستند در آینده شعرائی بزرك بر خاسته و مایهٔ افتخار شهر قم شوند:

فیض روح القدس ارباز مدد فرماید   دیگرانهم بکنند آنچه مسیحا میکرد

دبیرستان قم که امروز از آقای رئیس الوزراء استدعا میکنم اولین سنك بنای آنرا کار گذارند مطابق نقشه ای بنا خواهد شد که از طرف مهندس وزارت معارف ترسیم شده وشانزده هزار ذرع مساحت آن خواهد بود، ازاین مقدار یکهزار ودویست متر برای بنا ومقداری ازآن

---

۱ - روز بیست و یکم آبان مصادف بود با پانزدهم شعبان روز تولد حضرت حجت روز عید شیعه.

جهت میدان ورزش تخصیص داده شده است و بطوری که در نقشه ملاحظه مینمایند بنای دبیرستان دو طبقه و دارای کلیهٔ لوازم ازقبیل سالن کنفرانس و کتابخانه و غیره است که جوانان در موقع فراغت از تحصیل استفاده نمایند، اگرموفق شویم خود عمارت هم زیبا و دلکش مانند این نقشه باشد مایهٔ خوشوقتی و سرفرازی خواهد بود .

چنانکه جناب آقای وزیر معارف فرمودند در این بنا همه گونه وسائل آماده خواهد گشت و در خرداد سال ۱۳۱۷ مراسم افتتاح آن بعمل خواهد آمد .

مساجد

در شهر قم مساجد بزرك و کوچك بسیار است و در اینجا از دو مسجد نام میبریم یکی مسجد جامع ودیگری مسجد امام حسن ع که اولی از جنبه قدمت و نفاست بنا و دومی از لحاظ تاریخی بودن آن دارای اهمیّت میباشد. اما مسجد جامع در طرف شرقی قم واقعست جائی که بیشتر آباد و مرکز شهر بوده است .

این مسجد مقصوره بلند وباشکوه دارد و ارتفاع آن تقریباً بیست وهشت متر میباشد ودر دوطرف مقصوره دوگوشواره واقعست که فضای مقصوره را بیشتر وسعت و امتداد میدهد، قاعده مقصوره مربع و هرضلعی از آن ۱۳/۲۳ متر میباشد وهمین مقدار مساحت هریك از دو گوشواره جنبین آنست بنا براین طول مسجد ازمقصوره ودو گوشواره ۳۹/۶۹ متر میباشد. جلوی مقصوره ایوانیست که ارتفاع آن‌تقریباً هیجده متروعرض آن ۱۳/۲۳ متر میباشد و برابر این ایوان ایوان کوچکی است که

ساختمانهای شرقی وغربی را بهم متصل مینماید وازهرطرف ساختمانها صحن مسجد را فرا گرفته است و در قسمت غربی صحن شبستانی است دارای هیجده ستون بغیر از ستونهائی که دیوارشبستان محسوب میشود. تاریخ بنای آنرا در یکی از ستونهای مقصوره نوشته اند ٥٢٩ لکن نمیتوان براین نوشته اعتماد کرد زیرا معلوم نیست که نویسنده آن کیست و مدرکش چه بوده است ومؤلف مرآت البلدان آنرا از بناهای ابوالعدیم اشعری دانسته است که درقرن سیم هجری میزیسته است لکن این گمان هم پایهٔ درستی ندارد زیرا مسجد ابو العدیم اشعری میان قم و کمیدان بوده است همین جائی که مسجد امام حسن است یادرطول آن، بهرحال بنای آن قدیمی ویقین داریم که از بناهای‌قرن‌هفتم است. مؤلف مرآت ـ البلدان در بارهٔ این مسجد مینویسد «آنچه از مسافران و سیاحان شنیده شده در هیچ شهر و بلادی مسجدی نیست که مقصوره آن باین وسعت و ارتفاع بوده باشد» خلاصه بعدها از سال ١٢٤٦ تا سال ١٢٤٨ تعمیرات و ساختمانهائی در آن مسجد شده از قبیل‌ایوان بزرك و کوچك و کتیبه ـ هائی که برجا هست بخط محمد رضای شریف قمی و محمد حسن از آن روزگار میباشد.

و اما مسجد امام حسن عسگری را احمد بن اسحق بامر آن امام ساخته است (١).

لکن نگارنده را در این باره عقیده اینست که این همان مسجد ابو العدیم اشعری است که در سال ٢٦٥ بنا نهاده است و مسجد جامع قم بوده میان قم و کمیدان. امّا حدود این مسجد وبناهای اولیه آن معلوم

---

١ ـ نجم الثاقب ص ١٤٥.

نیست‌واز کتیبه‌ای که در محراب ایوان است‌وسال‌بنای آنرا ۱۱۲۹ نوشته است معلوم میگردد که در زمان شاه سلطان‌حسین‌تعمیرات و یاساختمان‌هائی در آن شده وگویند مادر شاه سلطان حسین بانی آن بوده‌است ، لکن بناهای فعلی از حاجی علینقی کاشانی است مگر شبستان که از حاج محمد ابراهیم قمی است .

امار نفوس قم

در دوره های سابق آمارنفوس روی اساس درستی نبوده ومورخین از روی حدس و تخمین چیزی میگفتند و بسا که از مبالغه و یا اغراق خالی‌نبوده است .

شهر قم پیش از فتنهٔ امیر تیمور شهری معتبر و آباد بوده است و در فتنه تیمور تقریباً با خاك یکسان شده است (۱)، بعد ازاین فتنه بار دیگر رو بترقی گذاشت و هنوز جانی نگرفته بود که با فتنه افغانان رو برو شد و بگفته سرجان مالکم (۲) قم در فتنهٔ افغان بکلی خراب شد واگر چه بعد از آن قدری آبادی یافت امّا هنوز مثل خرابهٔ وسیع بنظر میآید . قدر یقینی اینست که قم پیش از آن دو فتنه از شهر فعلی معتبرتر وآبادتر و پر جمعیّت تر بوده است لکن احصائیه صحیحی از آن دوره ها در دست نداریم .

درسال ۱۲۸٦ قمری نفوس قم بیست و چهار هزار نفر بوده‌است و درسال ۱۳۰٤ قمری سی و پنجهزار ولی اگر شمارهٔ نفوس قم را مطابق اوراق شناسنامه که اداره آمار تنظیم نموده است میزان قرار دهیم و از

۱ - هربرت آنرا چنین وصف کند « هنوز فاطمه لباس عزای خود را ازتن بیرون نیاورده است برای آنکه قم تل خاکی بیش نیست » .

۲ - تاریخ سرجان ملکم ص ۲۷٦ .

شماره های دیگر که پایهٔ درستی ندارد صرف نظر کنیم جمعیّت قم تا روز آخر ماه خرداد سال ۱۳۱۶ به ۵۵۰۰۰ نفر بالغ شده است.

امامزادگان

در قم و پیرامون آن مقابریست بنام مقابر امامزادگان. امین احمد رازی در هفت اقلیم گوید در قم و اطراف آن چهار صد و چهل و چهار مقبرهٔ امامزادگان و مشایخ است و اگر بر امامزادگان مشایخ را نیز بیفزائیم چنانکه امین احمد افزوده است خیلی بیش از این مقدار خواهد بود زیرا قم همواره مرکز مشایخ حدیث و سادات جلیل القدر بوده و قبرستان قم پر است ازاجساد ایشان، لکن مقابر بسیاری از آنان را که بجلالت قدر در تاریخ مذکورند نمی شناسیم مانند: حسن بن علی بن جعفربن عبد الله بن حسن بن علی بن جعفر الصادق که از اجلهٔ فقها و محدّثین بوده است و مانند ابو الحسن موسی بن احمدبن محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا که مردی فاضل و نیکو سیرت و متواضع بوده و نقابت سادات قم وکاشان و آوه بدو مفوض بوده است وغیر اینان ازسادات اجلاء ومانند محمد بن حسن صفارقمی مؤلف کتاب بصایرالدرجات که از اصحاب حضرت عسکری و محدثی جلیل القدر بوده است ومانند محمد بن خالد برقی که از دانشمندان شهیر و نویسندگان بزرگ است از مشایخ.

واز طرفی مقابری با گنبد وصحن وسرا می بینیم که تاریخ صاحب قبر را نمیدانیم و از ترجمهٔ حالش بیخبریم بنا بر این امامزادگانی راکه در تاریخ مذکورند و قبرشان معلوم است ذکر میکنیم.

اول حضرت معصومه ع بنت موسی بن جعفر علیهم السلام که بجلالت قدر موصوف است و تاریخ اورا جداگانه مینویسیم . **دوم** موسی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام که اورا مبرقع (۱) لقب داده اند و مردی جلیل ـ القدر و از خوبان و برگزیدگان میباشد و محدث نوری کتابی تألیف نموده بنام بدر مشعشع دراحوال موسی مبرقع در سال ۲۵۹ بقم آمد، عرب قم بدو پیغام فرستادند که از مجاورت ما باید بیرون روی، موسی ازقم بیرون رفت وبجانب کاشان شتافت، چون بکاشان رسید احمد بن عبدالعزیز بن عجلی اورا اکرام کرد وخلعت های بسیار بوی بخشید ومقرر گردانید که درهرسال یك هزار مثقال طلا بایکسر اسب مسرّج باوبدهد، ابوالعدیم حسین بن علی بن ادم و یکی دیگر از رؤسای عرب پس از بیرون رفتن موسی از قم برسیدند و مردم قم را بسبب بیرون کردن موسی توبیخ و سرزنش نمودند . پس از آن رؤسای عرب را بطلب موسی بفرستادند تا شفاعت کردند و اورا بقم باز آوردند و بسی اکرام و احترام کردند و از مال خود برای او خانه و همچنین ضیعه از ورثه مزاحم بن علی اشعری بخریدند وبیست هزار درهم نیزباو دادند . بعد از آن خواهرانش زینب و ام محمد و میمونه دختران حضرت جواد از کوفه بیرون آمدند و درقم باو پیوستند و موسی درقم میبود تا آنگاه که در شب چهارشنبهٔ بیست و دوم ربیع الاخر سال ۲۹۶ از دنیا برفت و اورا در سرائی که بخود او اختصاص داشت دفن کردند و مزارش اکنون در قم با گنبد و صحن است . **سیم** ابوعلی محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا که مردی فاضل بوده و بغایت پرهیزکار و خوش محاوره و خوش منظر و

۱ـ موسی طلعتی زیبا و شمایلی موزون داشته و بر روی خود برقع می افکنده است، بدین جهت اورا مبرقع گویند .

ستوده رفتار، ابومسلم محمدبن بحر اصفهانی والی قم با آنکه مسلك اعتزال داشته و سنّی بوده در بارهٔ ابوعلی گفت من تشبیه نمیکنم اورا درسکون و فضل و نشستن مگر بائمه علیهم السلام و در حیرتم چرا شیعیان اورا امام نمیدانند. ابوعلی روز یکشنبهٔ سیم ماه ربیع الاول سال ۳۱۵ وفات یافت و در جنب قبر موسی دفن گردید. **چهارم** احمدبن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر الصادق مردی پرهیزکار و عابد بوده و از حلیهٔ بصر عاری و در زمینی که آنرا مالون می گفتند بدنش را بخاك سپردند و اکنون قبرش باگنبد و صحن است. **پنجم** ابوفضل سلطان محمدشریف بن ابی القاسم علی بن محمد بن حمزة القمی بن احمد بن محمد بن عبدالله الباهر بن علی بن الحسین مردی فاضل و جلیل القدر و نقیب سادات قم بوده است وقبرش در محله‌ای که بنام اواست (سلطان محمد شریف) واقعست واورا فرزندان و اعقابی است که در ری بمناصب عالیه رسیده‌اند. **ششم** علی بن جعفر الصادق که قبرش بیرون دروازهٔ کاشان و دارای گنبد و صحن و ضریح چوبین است و رواقش از بهترین کاشیهای قرن هشتم آراسته بود و اکنون آن کاشیها در موزهٔ آستانه است. علی بن جعفرمردی دانشمند و پرهیزکار وثقه بوده و کتابی تألیف نموده است و زمان چهار امام را در یافته است لکن درست آنست که در عریض (عریض مانند زبیر دیهی است در یکفرسنگی مدینه) مدفون باشد و آنکه در قم مدفون است دور نیست که نوادهٔ او باشد زیرا علی بن جعفر را چهارپسر بوده است: محمد و احمد الشعرانی و حسن و جعفر و از جعفر فرزندی بوجود آمد که اورا علی نام نهادند (۱). **هفتم** محمد بن موسی الکاظم علیه السلام که سیّدی جلیل القدر و بفضل و صلاح معروف بوده است و قبرش جنب

---

۱ ـ مستدرك الوسائل جلد سیم ص ۶۲۷ .

قبر علی بن جعفر است و برکاشی روی قبر که اکنون در موزه است دو لوحه است یکی از علی بن جعفر و دیگر از محمّدبن موسی الکاظم لکن درست آنست که محمد بن موسی الکاظم در شیراز مدفون باشد نزدیك مقبرهٔ برادرش احمد معروف بشاه چراغ . **هشتم** حمزة بن موسی الکاظم که مؤلف تاریخ قم قبراورا نزدیك میدان زکریا بن آدم همین محلی که اکنون مشهد او است ودارای گنبد وصحن وضریح میباشد دانسته است (۱)، لکن درست آنست که حمزة بن موسی در ری مدفون باشد قرب مقبره حضرت عبد العظیم . **دهم و یازدهم و دوازدهم** میمونه وام محمد وزینب دختران حضرت جواد علیه السلام وام محمد دختر موسی مبرقع که هر چهار تن در جنب حضرت معصومه مدفونند و زینب دختر موسی مبرقع وام محمد دختر احمد بن موسی و فاطمه دختر محمد بن احمد بن موسی و بریهه دختر محمد بن احمدبن موسی وام سلمه وام کلثوم دختران محمدبن احمدبن موسی که همگان در جنب مشهد موسی مبرقع مدفونند جائی که آنرا چهل دختران گویند .

مشاهیر قم

از قم بزرگان و نامورانی بر خاستند که نام بلند شان زیب محافل علم و ادب است مانند شیخ صدوق رئیس محدثین و ابن قولویه استاد فقیه یگانه شیخ مفید وبرقی بارع در بیشتر علوم و فنون وحسین بن سهل فیلسوف شهیر که ابن عمید وزیر در حق او گفته است اگر از شهر ها همین یك کس بیرون آمده باشد مارا بس است و خواجه نصیر الدین طوسی که در شرق و غرب مشهور است و ابن عمید وزیر رکن الدوله

---

۱ ـ ترجمهٔ تاریخ قم ص ۲۱٦.

دیلمی که در حق او گفته‌اند «فن انشاء به‌عبدالحمید آغاز گردیدو بابن‌عمید ختم شد» وپسرش ابوالفتح بن عمید ملقب بذوالکفایتین وزیر رکن‌الدوله و مؤید الدوله دیلمی و مؤید الدین قمی وزیر سه تن از خلفای عباسی و تاج الملك ابو الغنایم قمی وزیر ملك شاه سلجوقی و مجد الملك براوستانی وزیر برکیارق و نظامی گنجوی قمی صاحب خمسه و در اینجا برای نمونه از هر طبقه بنام چند نفر اکتفا میکنیم.

فقهاء و محدثین

از این طبقـه در قم بسیار بوده اند و از بسیاری آنان قم را کوفهٔ صغیر نام نهادند و ما بذکر چند نفر از ایشان اکتفا میکنیم :

ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی که از بزرگان‌مشایخ حدیث ورؤسای مذهب شیعه است ودر سال ۳۲۹ قمری وفات یافت و مصنّفاتش بسیاراست. ازجمله کتاب‌التوحید، کتاب التفسیر، کتاب الامامة (۱).

ابو جعفرمحمدبن‌علی‌بن‌حسین‌بن‌موسی بن بابویه القمی ملقب به‌صدوق رئیس محدثین و پیشوای فقهاء و مجتهدین است و در میان علمای قم در حفظ و غزارت علم مانندش پیـدا نشد (۲) و رکن الدوله دیلمی بغایت اورا احترام مینمود. مردم ری‌درخواست کردند که جنابش در ری اقامت گزیند بپذیرفت و در ری رفت و همانجا وفات یافت بسال ۳۸۱. مصنّفاتش بسیارو گویند سیصدتصنیف‌دارداز جمله کتاب من‌لایحضره الفقیه که یکی از اصول حدیث است و قبرش در ری میباشد.

---

۱ ـ نامه دانشوران ج ۱ ص ۳ .

۲ ـ فهرست شیخ .

ابوعبدالله حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی
برادر اعیانی شیخ صدوق و در شمار بزرگان علماء و محدثین است واورا مصنّفانی است . از جمله کتاب التوحید و نفی التشبیه، کتاب الرّدعلی الواقفیّه و بعضی از کتب خودرا برای صاحب بن عبادتألیف نموده است (۱) .

زکریابن آدم بن عبدالله بن سعد الاشعری القمی ترجمه‌اش بیاید.

ابو القاسم جعفربن محمدبن جعفربن موسی بن قولویه القمی
از بزرگان حدیث و اساطین فقه بشمار است و ترجمه اش بیاید.

علی بن ابرهیم بن هاشم القمی ترجمهٔ حالش بیاید.

ابو محمد جعفربن احمدبن علی القمی محدثی خبیر وعالمی بصیر بوده است و مصنّفاتی دارد از جمله کتاب المسلسلات دراحادیث مسلسل.

ابن شاذان محمدبن احمدبن علی القمی فقیهی نبیه و محدثی جلیل و خواهر زادهٔ ابن قولویه بوده و کتابی در منقبت علی بن ابی طالب تألیف نموده و در آن صد منقبت از احادیث مخالفین آورده است و شیخ اجل کراجکی آن کتاب را در مسجد الحرام برد و قرائت کرده و از آن کتاب نقل مینماید (۲).

شاذان بن جبرئیل بن اسمعیل بن ابیطالب القمی محدثی بارع و فقیهی کامل بوده است . مصنّفاتی دارد از جمله کتاب زاد المسافر و کتاب تحفة المؤلف النّاظم و عمدة المکلف الصائم (۳) .

سعدبن عبدالله بن ابی خلف الاشعری القمی ازصحابه امام حسن عسگری و مردی جلیل القدر ودانشمند بوده است . مصنّفاتی دارد از

---

۱ ـ نامه دانشوران ج ۱ ص ۵ .
۲ ـ تنقیح المقال ص ۳۷.
۳ ـ روضات الجنات ص ۳۰۷ .

جمله کتاب الضّیاء فی‌الامامة، کتاب المنتجبات. وفاتش درسال ۳۰۱ هجری است.

زکریابن‌ادریس القمی مکنّی بابو جریر ترجمه اش‌بیاید.

محمدبن ابی القاسم القمی الملقب بما جیلویه داماد احمد بن ابی عبدالله برقی‌ودانشمندی بزرك بوده است وعلامه حلی‌درباره او گفته است «**سیدنا من اصحاب القمیین**» (۱) مصنفاتش بسیار است از جمله کتاب المشارب، کتاب الطب.

محمدبن الحسن الصفار القمی از صحابهٔ حضرت عسگری و فقیهی گرانمایه بوده است و تصانیفش بسیارباشد. ازجمله کتاب بصائر-الدرجات، وفاتش در سال ۲۹۰ در قم بوده است.

ابو عبد الله محمدبن خالد البرقی القمی ادیبی‌اریب‌ودانشمندی بزرك مایه و از صحابهٔ حضرت‌رضا بوده است (۲)، مصنفاتی دارد ازجمله کتاب التنزیل و التعبیر، کتاب التفسیر.

احمدبن محمدبن خالدالبرقی مؤلف‌کتاب محاسن از دانشمندان درجه اول بوده است و در سال ۲۷٤ از دنیا برفت و احمدبن عیسی که فقیه و رئیس قم بود با سرو پای برهنه جنازهٔ اورا تشییع کرد. مصنفاتش زیاد است ازجمله کتاب‌الحقایق، کتاب طبقات‌الرجال، کتاب العجائب، کتاب جداول الحکمة و کتاب البلدان (۳).

محمدبن علی‌بن محبوب‌القمی از ثقات محدثین است و مصنفاتی دارد ازجمله کتاب الجامع و کتاب الزبرجد و کتاب الزّمرّد.

---

۱ - خلاصة الرجال ص ۷۷.

۲ - فهرست ابن الندیم ص ۳۰۹.

۳ - نامه دانشوران ج ٤ ص ۱۰٦.

سید مجدالدین الحسینی القمی فاضلی مقدام و ادیبی نسّابه بوده و کتاب الانساب از مصنفات اوست.

محمدبن الحسن بن احمدبن الولید القمی محدثی جلیل القدر و بلند مرتبه و رئیس و فقیه قمیین بوده است و تصانیفی دارد از جمله کتاب تفسیر القرآن و کتاب الجامع (۱).

محمدبن احمدبن داودبن علی القمی فقیه و پیشوای قمیّین بوده و گویند در عصر او کسی درحفظ و فقه با او برابر نبود و تصانیفی دارد از جمله کتاب الذخایر و کتاب العلل.

ابوالحسن علی بن عبیدالله الملقب بمنتجب الدین ازمشاهیر ثقات و محدثین است و کتاب فهرست معروف از مؤلفات اوست و رافعی شافعی از علمای عامّه نزد او تلمّذ کرده و در یکی از مؤلفاتش اورا ستوده است.

سعدبن ابرهیم القمی از فقهای جلیل القدر و مؤلف کتاب تقدیر الدرجات است (۲).

سید صدرالدین بن السید محمد باقرالرضوی القمی عالمی نحریر و فقیهی کامل بوده و استاد اکبر نزد او تلمّذ کرده و از او تعبیر میکند به السیّد السنّد الاستاد و از مصنفات او یکی شرح وافیه است (۳).

محمد طاهربن محمد حسین القمی علیه الرحمه بعداً مذکور خواهدشد.

---

۱ - فهرست ابن الندیم ص ۳۱۳.
۲ - فهرست ابن الندیم ص ۳۱۲.
۳ - روضات الجنات ص ۳۳۲.

فیلسوفان

الوالمحارب حنین بن سهل بن محارب القمی از بزرگان فلاسفه و حکما است و همان کسی است که ابن عمید وزیر بوجودش افتخار میکرد(۱).

خواجه نصیرالدین محمدبن محمد الجهرودی الطوسی (۲) دانشمندی بیمانند و محققی گران سنك بود. جرجی زیدان در آداب اللغة العربیه درحق خواجه چنین نگارد: در خزانه کتب او بیش از چهارصد هزار مجلد بود. خواجه ستاره شناسان و فیلسوفان را جمع کرد واوقافی بر آنان مقرر فرمود و چنان علم بر دست اینمرد پارسی در بلاد مغول (مراد قلمرو و مملکت هلاکو است) تابیدن گرفت که گوئی نوری بود درشب تار. مصنفات خواجه بسیار است از جمله کتاب تجرید الکلام که جماعتی از بزرگان آنرا شرح کرده اند از این جماعت علامه حلی است وشیخ شمس الدین اصفهانی ومولی علی قوشجی شافعی و مولی عبدالرزاق لاهیجی قمی. ولادت خواجه در روز پانزدهم جمادی الاولی سال ۵۹۷ اتفاق افتاد و در سال ۶۷۲ وفات نمود و قبرش در روضه کاظمین است.

قاضی سعید محمدبن محمد مفید قمی از سران عرفان وسروران حکمت بشمار است و در استنباط دقائق و نکات حکمیّه و کشف اسرار مکنونه گوئی بروح القدس مؤید بوده است، مصنفاتش بسیار است ازجمله کتاب اربعینیّات که چهل رساله است و هر رساله چهل باب از ابواب معارف.

---

۱ ـ مجالس المؤمنین.

۲ ـ جهرود وطوس نوج معرّب طوس نو ومولد خواجه است و اکنون آنرا طینوج خوانند در نه فرسنگی قم واقعست.

وزراء

مؤیدالدین محمدبن عبدالکریم القمی وزیردانشمندوکارآگاه بوده و وزارت سه تن از خلفای عباسی را نموده است: الناصر والظاهر و المستنصر. درپایان امر مستنصر براو خشمگین شد و اورا با برادرش حسن و پسرش فخرالدین احمد وسایر اصحابش بگرفت ودر حبس افکند. مؤیدالدین در یکی از سراهای سلطنت محبوس بود و همانجا وفات یافت (سال ۶۲۹).

ابوالفضل محمدبن الحسین المعروف بالاستاد ابن‌العمیدالقمی وزیری دانشمند و بیمانند بود و در فلسفه و نجوم و علوم ادبیه و فن ترسّل مهارتی بسزا داشت و در بارهٔ او گفته اند:

«**بدأت الکتابة بعبد الحمید وختمت بابن العمید**» ابن عمید وزیر رکن الدوله بود، علمارا دوست میداشت وشعرارا نوازش می کرد و صاحب بن عباد بواسطه شرف صحبت او بصاحب ملقب شد.

ابوالفتح علی بن محمدبن العمید القمی پس ازوفات‌پدربوزارت رکن الدوله رسید و ذوالکفایتین‌لقب یافت. بزرگی اوبمرتبه‌ای بود که صاحب بن عباد با همه فضل و جلالتی که داشت اورا مدح گفتی و بپا خاستی و بر او بخواندی و ثعالبی در حق اوگفته است: **عین الشرف لسانه و سیف الملك سنانه** یعنی زبانش چشمهٔ بزرگی و شرف است و قلمش شمشیر پادشاهی وسلطنت. اشعار نیکو میگفت ورسائل دلپذیر مینوشت و پس از فوت رکن الدوله وزیر مؤید الدوله گردید لکن درپایان امرمؤید الدوله براو سخت گرفت ودر زندانش انداخت وهمچنان در زندان میبود تا از جهان برفت.

شرف الدین ابو طاهر بن سعد القمی وزیر سلطان سنجر سلجوقی بود و مردی نیکو سیرت و دیندار و با نهایت حلم ووقار بکار وزارت میپرداخت .

تاج الملك ابو الغنائم قمی پس از خواجه نظام الملك بوزارت ملکشاه سلجوقی رسید، و زیری باحزم و تدبیربوده است.

مجد الملك ابو الفضل اسعد بن محمد البر اوستانی القمی براوستان دیه بوده است در نیم فرسنگی قم، مجد الملك وزیر برکیارق و مردی هنرمند بوده و میخواسته است در دیوان حقوق اصلاحی کند لکن مقربان سلطان مهلتی ندادند و اورا بکشتند بسال ٤٧٦ وجنازه اش را بکربلا بردند ودر آنجا دفن کردند. آثارخیریه مجدالملك بسیاراست.

خواجه نصیر الدین وزیر هلاکو بوده و مختصری از ترجمهٔ حالش گذشت .

شعراء

ابو محمد الیاس بن یوسف نظامی تخلص میلموده ودر دیه تا(۱)از دیهای تفرش از توابع قم متولد گردید. نظامی از شعرای داستان‌سرای بیمانند است بلکه حکیمی بلند مرتبه است که در طی سرائیدن اشعار و داستانهای نغز مطالب بلند حکمت و فلسفه را گنجانیده و الحق خوب ازعهده بر آمده است، وفاتش درسال ٥٨٧ اتفاق افتاد.

رکن الدین قمی معاصر کمال الدین اسمعیل اصفهانی و اثیرالدین اومانی است، در نظم ونثر وغزل و قصیده ماهربوده است، این شعر مطلع یکی ازقصاید اوست :

۱ـ خود فرماید:

چو درکوچه در بحرگنجه گمم	ولی ازقهستان شهر قمم
بقم قریه هست تا، نام او	نظامی از آنجا شده نامجو

صبح بر آمد ز کوه‌خنجرزردربرش   کشته روان بر افق‌خون زسرخنجرش

شهیدی قمی[1] معاصرسلطان حسین بایقرا بوده است، وفاتش در سال ۹۳۵ بوده و این بیت از او است:

زمام از دست لیلی در ربای ای ناقه کاری کن

سر خود گیر و بر مجنون سر گردان گذاری کن

صهبای قمی نامش محمدتقی و ازمشتاق‌اصفهانی تخلص گرفته‌است، شاعری غزلسرا بوده و در سال ۱۱۹۱ وفات نمود، این شعراز او است:

مارا از یاد میتوان برد   وز خاطرما نمی توان رفت

شرر قمی نامش حسینعلی بك و فرزند آذر بیکدلی مؤلف آتشکده است، شاعری غزلسرا بوده و این شعر از او است:

باد باید به پریشانی آنزلف نکوشد   یا بعطّار بگوئید که عنبر نفروشد

قمی خواهرزاده شهیدی قمی است و معاصرسلطان حسین میرزا، این شعر از او است:

آنم که بعالم زمن افتاده تری نیست   آزارمن سوخته چندان هنری نیست

حیرانی قمی شاعری شیرین گفتار بوده و از جمله ندیمان سلطان یعقوب، این شعر از او است:

زهجران تا یکی سوزد دل سرگشته و تن هم

چو شمع از آتش دل کاشکی میسوختم من هم

وحیدی قمی از جملهٔ نادره گویان است و این بیت از او است:

شادم من غمدیده بجور و ستم او   خوکرده غم او بمن و من بغم او

ذاتی قمی از صنایع شعریه بخوبی آگاه بوده و این شعر از او است:

بکنه ذات تو هرگز نمیرسد ذاتی   یکی‌زذات تومیگوید ازصفات یکی

قدرت قمی نامش سیّد علی و نسبش بموسی مبرقع منتهی‌میشود، شاعری توانا بوده، وفاتش درسال ۱۳۱٦ در قم اتفاق افتاد. این‌رباعی از او است:

اقبال شهان ز بخت برگشتهٔ ماست
سر سبزی باغ خلد ازکشتهٔ ماست
گردون که مدار عالم ازگردش او است
سر بسته بگویمت که سرگشتهٔ ماست

فصل دوم

شرح احوال حضرت معصومه و تاریخچهٔ آستانه و وضع قدیم این بنا

سر زمینی را که آستانهٔ حضرت معصومه در آن واقع است در قدیم الایام آنرا بابلان میگفتند و در تاریخ قم تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی که در سال ۳۷۸ آنرا برشتهٔ تحریر کشیده است و در دو موضع نام بابلان را برده است زمین بابلان ملك موسی بن خزرج اشعری بوده و پیش از آنکه حضرت معصومه در آن مدفون گردد بنائی نداشته است و اوّل بنائی که در آن شده همان مرقد مطهر است و این زمین را برای مدفن آن حضرت موسی بن خزرج معین نمود که هم مهماندار آنحضرت و هم در عصر خود رئیس و محترم بوده‌است. برای اینکه درست بتاریخچهٔ آستانه آشنا شویم لازم است اوّل شرح مختصری از کیفیت ورود حضرت معصومه بقم تا زمانیکه از دنیا رحلت فرموده نگاشته شود.

حضرت معصومه که فاطمه نام داشته است دختر موسی بن جعفر علیهم‌السلام بوده و بستودگی صفات و روحانیت و عبادت و بزرگی منزلت وتقوی ممتاز بوده است و پیش ازاینکه از مادر متولد گردد چندین سال حضرت صادق ع ازمقام و منزلت او خبر داد آنجاکه قم را بفضیلت یاد نمود و فرمود خدایرا حرمیست و آن مکه است و رسول خدا را

حرمیست و آن مدینه است و امیرالمؤمنین را حرمیست و آن کوفه است و ما را حرمیست و آن شهرقم است. بدانید که زود باشد که بشهرقم زنی ازفرزندان من فاطمه نام دفن شود و هر کسیکه بزیارت او رود بهشت او را واجب شود. راوی گوید این سخن حضرت صادق ع فرمودوهنوز موسی کاظم در شکم مادرش پیدا نشده بود و مادرش بدو حامله نگشته (۱) و شیخ اجل صدوق در کتاب عیون اخبارالرضا ونیزدر کتاب ثواب الاعمال سندرابسعد بن سعد میرساند واوپرسید ازحضرت رضا علیه السلام ازفاطمه بنت موسی بن جعفر فرمود کسیکه او را زیارت کند بهشت او را باشد و در فضل و ثواب زیارتش سه حدیث دیگر است.

حضرت معصومه ع درمدینه بود تا آنزمان که مأمون حضرت رضا را از مدینه بمرو طلبید تا ولایت عهد بدو تفویض نماید و این قضیه در سال دویست هجری روی‌داد. حضرت معصومه سال دیگر (۲۰۱) شور دیدار برادر بر سرش افتاد و با شوقی تمام براه افتاد و همی راه درنوردید تا بشهر ساوه رسید و در آنجا مریض وبیمار گردید، پرسید میان‌ساوه و قم چه مسافت است، گفتند ده فرسنگ. خادم خودرا فرمود شتاب کن ومرا بقم برسان از میان پسران سعد اشعری موسی بن خزرج شبانه باستقبال آن حضرت بیرون شتافت. چون بشرف خدمت آنحضرت رسید زمام ناقهٔ او بگرفت وبجانب شهر کشید و اورا بسرای خود فرودآورد و شرط خدمت بجای آورد لکن حضرت معصومه بیمار و ناتوان بود و پس ازهفده روز از این جهان درگذشت و بسرای جاودانی شتافت بسال ۲۰۱ هجری و پسران سعد را در سوك خود نشانید.

---

۱ ـ ترجمهٔ تاریخ قم ص ۲۱۵.

حضرت معصومه ع اختری بود تابان و بزیور تقوی‌وعفاف آراسته و درست آنست که پس از وفاتش تابنده تر و جهان افروزتر گردید و صحنهٔ قم را از روحانیت خود عبیر افشان کرد و بر عظمت و اعتبار شهر صد چندان بیفزود .

محرابی که حضرت معصومه ع در خانهٔ موسی بن خزرج در آن نماز خوانده بود برجای آن مسجدی بساختند وهنوز برجاست و سرائی که در آن نزول فرموده بود معروف است بستیّه (۱).

این بود تاریخ مختصری از حضرت معصومه اکنون باید دانست که در زمینی که مدفون گردید از آن پس چه تغییری رویداده است .

پسران سعد اشعری بر سر تربت او سایبانی ازبوریا ترتیب دادند، این بود تا آنگاه که زینب دختر حضرت جواد ع گنبدی بر سر تربت او بنا نهاد و درجنب قبر و زیر قبه حضرت معصومه دو بانوی دیگر مدفون گردید یکی امّ محمد دختر موسی مبرقع و یکی امّ اسحق جاریه محمّد بن موسی و سه بانوی دیگر در جنب ایشان مدفون شد که گنبدی جداگانه بر سرتربت ایشان بنا نهادند. اول میمونه دخترموسی مبرقع، دوم امّ حبیب جاریه ابوعلی محمّد بن‌احمد بن‌موسی، سوم امّ القاسم دخترعلی کوکبی (۲).

از اینها که گفته شد وضع بنای قدیمی آستانه معلوم گردید واینکه قبل از این همه ساختمانهای با شکوه در ابتدای امر دو قبه بیش نبوده و در زیر آن دوقبه فقط شش‌تن مدفون بوده اند .

قبّه حضرت معصومه ع دری داشته که بطرف رودخانه باز میشده است و این درهم کوچك و هم کوتاه بوده است، ابوالحسین زیدبن احمد

---

۱ ـ ستی درلغت عرب بمعنی بانو وخانم است و ستیه خانه ایست که ببانو منسوب است.
۲ ـ ترجمه تاریخ قم ص ۲۱٤ .

بن بحر اصفهانی که درقم عامل بود درسال ۳۵۰ هجری آن در را برداشت و برجای آن دری بزرگتر نصب کرد.

بنا براین بنای آستانه تا سال ۳۵۰ بهمان وضع نخستین بوده وفقط تغییری که در آن راه یافته است همان دَرِ کوچکی بوده است که برداشته‌اند و بزرگتر کرده اند.

در سال ۵۲۹ هجری شاه بیگم دختر عماد بیك که از زنان بلند همت و نیکو سیرت و ثروتمند بوده است گنبدی با شکوه بنیان نهاد (۱) و آن دو قبۀ کوچك را بر داشت و بیك گنبد بلند تر و بزرگتر تبدیل کرد. اطلاعاتی که از وضع این گنبد داریم اینست که سطح بیرونی گنبد کاشی بوده است لکن از چگونگی کاشیهای آن اطلاع درستی نداریم وسطح درونی گنبد از طلا ولاجورد نقش و نگار بوده است و قاعدۀ گنبد کثیر الاضلاع منظم بوده و هشت گوشه تشکیل میداده بطوریکه در چهار ضلع موازی آن چهار در از چوب گردو بوده است که بارنك زرد و بخور برّاق کرده بودند.

یقین داریم تا پیش از طلوع خاندان صفوی و ظهور سلطنت این سلسله آستانه با همان وضعی که نگاشته گشت بوده است دیگرنه ضریحی در آن نصب بوده و نه ایوانهای با شکوهی که اکنون دیده میشود و نه صحنهای سه گانه.

در زمان سلطنت خاندان صفوی بسال ۹۰۶ ببعد تعمیرات مهمی در آستانه می بینیم که در فصل سوّم ذکر میشود.

---

۱ - روح وریحان ص ٤٥٩.

فصل سوم

تاریخ اشخاصی که قسمتهائی افزوده و تعمیراتی کرده اند

در فصل دوم گذشت کـه بنای آستانه و وضع قـدیم آن چگونه بوده است و گفتیم که از زمان ظهور سلسله صفوی وسلطنت این خاندان در ایران تغییرات مهمی در آستانه روی داده است .

پیش از ظهور صفویه آستانه دارای همان گنبد کاشی میبود کـه شاه بیگم درسال ٥٢٩ هجری قمري بنا نهاده بود، پس‌از آن ازسال ٤٠٥ تا سال ٤١٣ مظفربن احمدبن اسمعیل مرقد مطهر را باخشتهای‌مختلف ـ الشکـل کاشی از مربـع و کوکبـی بیاراست بشرحي کـه در نفـایس آستانه بیاید .

دیگر نه ایوان طلای شمالي بود و نه ایوان شرقی آئینهٔ و نه مسجد بالای سر و نه دار السّیاده و نه صحن عتیق و نه صحن جدید و نه صحن زنانه و نه ضریح فولادین و یا نقره و نه بقـاع و مقابر سلاطین صفویه و کلیّـهٔ تغییراتی که در این آستانه بلکه کلیّـهٔ آستانهای مقدس شیعه پیدا شده از زمان صفویه ببعد بوده است که اکنون گزارش میشود .

اول کسیکه تغییری در وضع آستانه داد شـاه اسمعیل صفوی بود که ایوان قسمت شمالی را درسال ٩٢٥ بساخت و باکاشیهای معرّق

فیروزه فام آنرا بیاراست و صحن عتیق را شالوده ریخت و این ایوان یگانه مدخل (راهرو) آستانه گردید.

بعد از شاه اسمعیل شاه طهماسب برای مرقد مطهر ضریحی از کاشی بساخت و این کار بدست اعتماد الدوله که از رجال اول مملکت بوده است بسال ۹۵۰ انجام یافت و نیز شاه طهماسب بنای تاریخی دیگر بیادگار گذاشت و آن بنای ایوان جنوبی مدرسهٔ فیضیّه میباشد که بصحن عتیق چسبیده است و چنانکه گفتیم پس از بنای ایوان شمالی آستانه راهرو حرم صحن عتیق و همان ایوان با شکوه شاه اسمعیل بوده است و شاه طهماسب میخواست زائرین آستانه از دو ایوان با شکوه عبور نموده وارد حرم گردند نه اینکه ایوان را برای مدرسهٔ فیضیه ساخته باشد چنانکه بعضی گمان برند و در جای خود گوئیم که این مدرسه کوچک بوده و بعد ها آنرا بزرگ کرده اند ودر آن ایام گنجایش چنان ایوان رفیع و با شکوهی را نداشته است. بنای این ایوان با کاشیهای لاجوردی رنگ آن بسال ۹۳۹ بپایان رسیده است.

و شاه صفی اول صحن زنانه را که در قسمت جنوبی آستانه است در سال ۱۰۷۷ بنا نهاد. این صحن برای مقبره شاه عباس وشاه سلیمان و شاه سلطان حسین راه مخصوصی شد چنانکه می بینیم مدخل آنها در این صحن واقعست و شاه عباس ضریحی از فولاد سفید ترتیب داد (۱) ومرقد مطهر را بطوریکه ضریح کاشی را نیز فرا میگرفته بدان آرایش داد و ضریح نقره که اکنون دیده میشود همان فولادین است فقط صفحه هائی از نقره بر آن افزوده اند بشرحی که سپس نگاشته میگردد.

---

۱ - این ضریح بقدری سفید و براق بوده است که تاورنیه را در اشتباه انداخته و بدون تردید آنرا نقره انگاشته است.

ودر قسمت جنوب غربی آستانه شاه صفی ثانی بنائی بیفزود ، این بنـا که بسال ۱۰۷۷ بسی ماهرانه ساخته شده و از بنـا های تاریخی است مقبره شاه عباس ثانی میباشد چنانکه سیّاح شهیر تاورنیه در موقعی که انرا میساختند تماشا کرده و این جمله را در بارهٔ آن نوشته است (۱) .

«متصل در مقبره شاه عباس کار میکنند ومیخواهند آنرا یك بنـای خیلی عالی بنمایند، اهالی مسجد (مقصود ازمسجدآستانه است) بمن گفتند گنبد آن از طرف داخل نقره پوش خواهد شد دیوار های داخلی آن سنك مرمر است بارتفـاع ۷ ر ۳ متر و روی آنرا از گل و بوته نقش و نگار کرده اند.»

و در سمت غربی آستانه متصل بمقبره شاه عباس بنائی دیگرشاه سلطان حسین بسال ۱۱۰۷ بیفزود کـه مقبره پدرش شاه سلیمان در آن واقعست.

مرتضی قلیخان پسرعلیخان ملقب بصفی قلیخان که از رجال دولت صفویه بوده است ایوان آستانه را مرمّت نمود (۲).

اینها که نگارش یافت قسمت هائی بود که سلاطین صفویه و یا در زمان سلطنت ایشان افزوده گردیده است، امّا قسمت هائیکه ازاین تاریخ ببعد افزوده شده است بدین ترتیب میباشد :

در سال ۱۲۱۸ از طرف سلطان وقت گنبد مطهر را طلا نمودند بدین قرار که کاشی های گنبدرا برداشته و بجای آن خشتهای زراندود بکار بردند و سپس مسجد بالای سررا بسال (۱۲۳۶) بنـا نهادند و نیز در سال ۱۲٤۹ مقرر شده بود سقف و پایهٔ ایوان شاه اسمعیل صفوی را

۱ـ تاورنیه ص ۱٤۰.

۲ ـ آثار الشیعه ص ۲۰۹.

از خشت های زر بیارایند (۱) ولکن این مهم انجام نگرفت مگر در سال ۱۲۶۶ که آنرا بپایان رسانیدند و هم در آن اوقات صحن عتیق را وسعتی دادند ودرسمت شمال غربی آن بقعه ای برای مدفن فتحعلی‌شاه اختصاص داده شد و نیز مأذنه صحن عتیق را که در شمالی صحن عتیق واقعست بنا نهادند و آنرا با خشت های طلا بیاراستند و هم در سال ۱۲۲۱ درب طلای ضریح را بپای داشتند و نیز در سال ۱۲۲۱ کف حرم مطهر و همچنین زیر پای ضریح را سنك مرمر نمودند و نیز در سال ۱۲۲۱ دری ساختند و از شمش ها و پارچه های طلا آنرا بیاراستند و در هرمصراع اشعاری بنگاشتند و آنرا در ضلع شمالی رواق متصل بایوان طلا نصب نمودند . کیکاوس میرزا درزمانی که حکومت قم وکاشان داشت ودرقم متوقف بود سقف گنبد مطهررا در سال ۱۲۱۵ مقرنس نمود وسپس آنرا با آئینه بیاراست وکتیبه‌ای گردا گرد گنبد بنگاشت.

ونیز در سال ۱۲۷۶ ایوان شاه اسمعیل را با خشت های طلا آرایش دادند و در سال ۱۲۷۵ ضریح فولادین را نقره نمودند بدین ترتیب که صفحه هائی‌ازنقره بر روی فولاد بکار بردند وباکتیبه‌ای‌دور تا دور آن را مزین‌نمودند.

شهاب الملك گلدسته های ایوان طلا را بنا نهاد وآنرا باخشتهای کاشی‌ترتیب داد،کامران‌میرزا قسمت بالای آن دو میل گلدسته راطلانمود.

میرزا شفیع در زمانی که حکومت یزد داشت از یزد سنك های مرمری برای آستانه بفرستادورواق را با آن سنك‌ها فرش کردند وسنك ـ های قدیمی را بر داشتند و در ایوان بزرك (ایوان طلا) بکاربردند (۲).

---

۱ ـ ناسخ التواریخ جلد قاجاریه ص ۶۷ .

۲ ـ سفرنامهٔ قم خطی ص ۵۱ .

امین السلطان صحن جدید را بنا نهاد و شالودهٔ آنرا آقا ابراهیم امین السلطان بریخت و با عزمی متین باین مهم دست زد و قبرستان را تاحدود صحن فعلی از هر طرف پی برداری نمود لکن روزگار فرصتش نداد و مرگش فرا رسید و این مهم بر دست فرزند ارجمند نیکو سیرتش امین السلطان وزیر اعظم انجام یافت. نقشه بنای این صحن را استاد حسن معمار قمی طرح نمود. استاد حسن درعصر خود ازمعماران مشهوربلکه از همسران و همکاران برتر بوده است. این مرد همان کسی است که طاق مسجد سپهسالار حاج میرزا حسینخان را در طهران بنا نمود وتیمچهٔ بزرك بازار قم راکه برچهار ستون بپا داشته وحیرت انگیز است بساخت و بهترین گواه استادی و مهارتش همان بنا های اوست. امین السلطان در طرف غربی صحن جدید و شرقی رواق ایوان با شکوه بنا نمود و سقف آنرا مقرنس کرد و آنرا با قطعه های آئینه بزرك و کوچك بیاراست و دو اگلدسته کاشی کاری دوطرف ایوان بپای داشت و برابراین ایوان ایوان مقرنس با شکوهی که از کاشیهای منقش آرایش یافته بساخت و گرداگرد داخلی صحن حجرات بنا نهاد که بعد از آن مقابراشراف گردید و کتیبه کاشی که بر آن اشعار بخط نستعلیق نوشته اند درتمام دیوار های صحن وضع نمود و حوضی در وسط صحن احداث نمود و خلاصه برشکوه و جلال آستانه بسی افزود. میرزا صادق خان پروانه پسر حاج میرزا حسین نواده دختری سیّد الوزراء قائم مقام فراهانی ماده تاریخ بنای آنرا چنین آورده [نصر من الله وفتح قریب] و در سال ۱۳۰۳ بنای آن بپایان رسید.

میرزا علی اصغرخان اتابك در آستانه اصلاحی نمود و کتیبه‌ای گرداگرد دیوار حرم که بران چند حدیث نگاشته اند بسال ۱۳۱۸ قمری نصب نمود.

آقای سیّد محمد باقر متولی فعلی آستانه ایوان صحن زنانه را بسال ۱۳۴۹ از نو تعمیر نمود و خاتمی اشعاری نغز بسرود و بر کتیبهٔ آن نگاشته اند و هم در سال ۱۳۰۹ شمسی خزانه آستانه را تعمیر و بر سردر آن کتیبه‌ای از کاشی نصب نمود .

حاج مهدی سلامت دارالسّیاده را بمسجد بالای سر افزود و پیشتر محلی که اکنون‌دارالسیّاده است‌خانه‌ای بوده است معروف‌بخانه‌جبرئیلی .

نظام السلطنه حسینقلی خان مافی درسال ۱۳۱۰ قمری وهم درسال ۱۳۱٤ در ضلع غربی حرم دو در از نقره نصب نمود و شوریده شاعر اشعاری نظم نمود و در اطراف آن کتیبه‌ای نگاشته اند.

عزت الدوله در سال ۱۲۹۳ قمری دری از خاتم ترتیب داد و در ضلع شمال غربی رواق متصل بمسجد زنانه برپای داشت.

میرزا نصرالله فراهانی دو در از خاتم برآستانه وقف نمود درسال ۱۲۷۶، یکی را درضلع غربی متصل بمسجد بالای سر نصب نمود و دوم را در ضلع جنوب غربی جائیکه بمقبرهٔ شاه عباس ثانی باز میشود برپای داشت . اینها که نگاشته گشت تعمیراتی بود که درآستانه روی داده و بطور خلاصه ذکر شد امّا تغییراتی که در بناهای پیرامون آستانه رخ داده است از این قرار است:

در صحن زنانه طرف غربی در سال ۱۳۱٤ شمسی موزهٔ آستانه بنا نهاده شد بشرحی که جداگانه نگاشته‌آید.

در مدرسهٔ فیضیه تغییراتی داده شد این مدرسه ابتدا کوچك بوده و با همهٔ کوچکی بزرگانی از آن بر خاسته اند وعالم جلیل‌وحکیم شهیر مولی عبد الرزاق لاهیجی روزگاری درآن مدرس بوده و بفرا یاد دادن

علوم مشغول بوده است (۱). درسال ۱۲۲۳ بفرمان سلطان وقت آن را خراب و بر جای آن مدرسه کنونی را بنا نهادند. گفتیم که ایوان باشکوه شاه طهماسب صفوی دراین مدرسه واقعست بدین مناسبت درسه ضلع دیگر این مدرسهٔ شمالی وشرقی وغربی سه ایوان بنا نهادند وبا خشت‌های کاشی بیاراستند لکن چیزی نگذشت که خشت های کاشی آن بریخت در صورتیکه خشت های کاشی ایوان شاه طهماسبی با آنکه چهار صدو هفده سال از عمر آن میگذرد هنوز بر جاست و از تلؤلو و صفای آن کاسته نگردیده است. در اطراف ایوانها حجراتی ساخته شد و در عصر دانشمند شهیر حاج شیخ عبد الکریم حائری بشمارهٔ حجرات تحتانی حجرات فوقانی نیزدر آن بساختند و از کلیهٔ بنای مدرسه مرمت نمودند.

مدرسه دار الشفا مریضخانه آستانه و کوچك بوده است بعد ها نیز آنرا بزرك گردانیدند و اکنون مدرسه و نشیمن گاه طلاب است.

---

۱ ـ روضات الجنات ص ۳۵۳.

فصل چهارم

توصيف ابنيه آستانه و اطراف ان

با صورت كتيبه ها و ذكر مكان و طول و عرض و نوع خط و مضمون آن و تاريخ نگارش و نام نويسنده و مختصات معماري وارتفاع و عرض و طول بنا ها ونام معماران و كاشي سازان و شعراء .

اسلوب ساختمان ابنيه استانه

اسلوب ساختمان كليهٔ ابنيه آستانه از صحن جديد و صحن قديم و صحن زنانه و رواق و حرم مطهر و مقابر سلاطين صفويه و مسجد بالاى سر بطوريكه در نقشه ديده ميشود شبيه بمقطع عمودى گنبد شلجمى شكل است يعنى اگر گنبد شلجمى شكلى را همچون گنبد مطهر حضرت معصومه از نوك آن تا مقطع استوانه ها بدونيمه كنند عيناً شكل ابنيه آستانه بشكل يك نيمهٔ آن خواهد بود و البته نظرى مخصوص در انتخاب اين شكل داشته اند كه ابنيه آستانه شباهتى كامل با گنبد مطهر داشته باشد و اين قسمت يكى از شاهكار هاى مهندسى ومختصات معمارى و شايسته توجه مخصوص و شايان تقدير ميباشد.

اكنون بايد دانست كه چگونه ابنيه آستانه بشكل مقطع عمودى گنبد است چنانكه در نقشه مشاهده ميشود درب ورودى صحن جديد

و قسمت شرقی آن از طرف خیابان ارم نوك گنبد را تشکیل میدهد و ضلع غربی آن محل اتصال گنبد با بدنهٔ آن میباشد و قسمت صحن قدیم و حرم مطهر و صحن زنانه بدنهٔ آنرا تشکیل میدهد و مساحت آن از نوك ابنیه تا ساقه یعنی از درب ورودی خیابان ارم تا ایوان آئینه بیست برابر قطر و دهانه گنبد است و بعبارت دیگر هریك از مساحت و قطر دهانه گنبد مطهر یک بیستم ($\frac{1}{20}$) مساحت نوك تا ساقه وقطر دهانه ابنیه است.

مساحت کلیهٔ زمینی که ابنیه آستانه از حرم مطهر و رواقها وایوان ها و مسجد بالای سر و مقابر سلاطین صفویه وصحن قدیم وجدید و زنانه و موزه در آن قرار گرفته (۱۳۵۲۷) متر مربع میباشد، ازاین مقدار ۱۹۱٤ متر مربع مساحت زمینی است که زیر بنای گنبد و ایوانهای شمالی و جنوبی و شرقی و مسجد بالای سر و مقابر شاهان صفوی است.

گنبد مطهر

گنبد مطهر شلجمی شکل میباشد وقاعدهٔ آن مثمّن (هشت ترك) و فاصلهٔ هرضلعی از ضلع دیگر ۲٫۷۰ متر و طول هر ضلع ۳٫۸۰ متر میباشد. درتمام اضلاع آن دری از طلا و نقره وخاتم یا ساده بکار رفته است بشرحیکه بعد از این باز نموده میشود مگر ضلع جنوب شرقی که در آن دری نصب نیست و پیشتر شباکی داشته که جلوی مقبره شاه صفی بوده است و اکنون آنرا بر داشته و پیش روی ایوان صحن زنانه نصب نموده اند.

ارتفاع گنبد مطهر از سطح بام شانزده متر میباشد و محیط استوانه آن از داخل ۲۸٫۹٦ متر واز خارج ۳۵٫٦۰ مترمیباشد. یك

قسمت از آن از سطح بام بارتفاع (۹۰ر۰) آجری و بالا تر از آن بارتفاع یك متر کاشی خشتی فیروزه و بالاتر از آن بارتفاع ٤ متر که ساقهٔ گنبد بآن تمام میشود طلا و بارتفاع ۰٫٦۰ مقرنس طلا میباشد و کتیبه‌ای بعرض ۰٫٦۰ بخط نستعلیق طلائی در ساقه آن است و گنبد نیز با خشت‌ های طلا آراسته شده است. بانی طلا کاری سلطان وقت بوده و سرایندهٔ اشعار کتیبه فتحعلی خان صبا و معماران استاد محمود معمار قمی و نویسنده محمد الحسینی و سال بنا ۱۲۱۸ میباشد و در میان اشعار یادّیان و یامنّان و غیره نوشته شده است و اشعار کتیبه اینست.

آتش موسی عیان از سینهٔ سیناستی یا که زرین بارگاه بضعهٔ موساستی
بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر خاك درگاهش عبیر طره حوراستی
نو گلی رنگین ز طرف گلشن یسین بود آیتی روشن بصدر نامه طاهاستی
پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی زهره‌ای از آسمان عصمت زهراستی
پستی از صحن حریمش را به پاطاق حرم کاین مکان عزت و آن مسکن غبراستی

حاج محمد صادق اصفهانی که ناطق تخلص داشته و درفن ماده تاریخ گوئی سرآمد شعرای عصر خود بلکه شعرای هر عصری بوده شصت و دو بیت اشعار آبدار برشتهٔ نظم کشیده است که هر مصراعی از آن ماده تاریخ تذهیب گنبد مطهر است که مجموعاً یکصد و بیست و چهار ماده تاریخ است و اشعار دیگر نیز دو ماده تاریخ بنای مدرسهٔ فیضیه گفته است که آنها هم نهایت قدرت و توانائی اورا نشان میدهد، چون این اشعار در کتیبه‌ای نگارش نیافته و کمتر در دست رس است برای نمونه چند شعری از آن مذکور میگردد (۱).

---

۱ - نسخهٔ از این اشعار نزد آقای عبد العلی (معاون دیوان سابق) که از ادبای قم میباشد موجود بود و ایشان برای نگارنده فرستادند.

این قبه گلبنی است بزیور بر آمده

یاپاك گوهری است پر از زیور آمده

این دوحه ایست کامده از جنت العلی

یا کوکبی است سعد و منوّر بر آمده

این قبه راست جای بجائی که پایه اش

ازاوج مهرو ماه و زحل برتر آمده

این قبهٔ رفیع بجائی رسانده قدر

کز قدر با سپهر برین همسر آمده

ازدل سؤال کردم و گفتم مرا بگو

کاین صحن ازچه رو زجنان برتر آمده

دل در جواب گفت که اینك دراینسؤال

عقل طویل قاصر و هم اقصر آمده

بهتر بود بحسن و علوّ ازجنان در آن

مسکن که بنت موسی بن جعفر آمده

معصومهٔ که در ره ایوان اقدسش

از قدر و صدق حور و پری چاکر آمده

حرم مطهر

گفتیم که قاعدهٔ گنبد مثمّن (هشت ضلعی) است ودر هرضلعی از آن دری باز میشود مگر ضلع جنوب شرقی، اکنون بشرح آن میپردازیم اول درطلا که در قسمت شمال شرقی متصل برواق ایوان طلا نصب شده است بارتفاع ۳٫۲۰ متر و عرض ۲٫۸ متر صفحه زیرین آن را از نقره مزین نموده اند و روی آنرا با پارچه های طلا باشکال مختلف

اژدر در هم و کوکبی و مضلع منظم و غیر منظم آراسته اند وهم در آن نامهای خدا کنده و نگاشته اند و دانش که یکی از شعرای آن دوره بوده اشعاری نظم کرده وبران نگاشته اند. عدد اشعار بیست وچهار و چند شعری از آن انتخاب میشود :

تبارك الله از این در که زایرانش را
زهر صریر شود کشف هر نهانی راز

چه در درِ حرم بنت موسی جعفر
که از شرافت او یافت بزم قرب طراز

گل ریاض امامت که طایران حرم
حریم گلشن او را شدند زمزمه ساز

خور از رواق فلك سر نهد بپای درش
بهر سحر که کنند این رواقرا در باز

بشوق آنکه در این در نهند جایگهش
چه رنجها که طلا را رسید از دم گاز

نخست روی برین آستان نهد هر کس
که رستگاری انجام خواهد از آغاز

نگاشت خامهٔ دانش برای تاریخش
که سوی جنت اعلی درِ جنان شد باز

سال بنا ۱۲۲۱ هجری قمری است. دوم درنقره که درضلع شرقی حرم واقع است بارتفاع ۲٫۷۵ متر و عرض ۱٫۷ متر و آنرا ازصفحات نقره پوشانیده اند و هم بر روی صفحات نقره کنده‌کاریهای زیبا کرده‌اند و در جوانب آن کتیبه ایست بخط نستعلیق که از نقره کنده اند و

نامهای خدا و اشعار در آن نگاشته اند. بانی آن حسینقلی خان مافی نظام السلطنه و ناظم اشعار شوریده که یکی از شعرای زبردست شیراز بوده و نویسنده محمد ابراهیم شهیر به میرزا محمود و عمل محمد تقی و سال وقف ۱۳۱۰ و عدد اشعار هیجده و چند شعری از آن انتخاب میشود :

تبارك الله از این بقعه بهشت طراز
که برگذشته نشیبش سپهر را زفراز

فضای او چو فضای ارم نشاط افزای
هوای او چو هوای بهشت غم پرداز

بخاك اوست نهان طرفه گوهری کز قدر
زهفت گوهر این نه صدف بود ممتاز

بنام فاطمه معصومه آفتاب حیا
که اخت خسرو طوس است و دخت شاه حجاز

بدور باش حیا آفتاب گردون را
ز پیش رانده همی تا بچرخ چارم باز

نظام سلطنت آن میر سر فراز دری
زنقره کرد دراین کاخ دلفروز فراز

پی سرودن تاریخ این در سیمین
صلا زدند بشوریده شاعر شیراز

سرود منطق شوریده سال تاریخش
دراین رواق همایون در جنان شد باز

۱۳۱۰

نظام السلطنه غیر از این در یك در نقرهٔ دیگری بارتفاع ۳٫۱۵ متر و عرض ٤ متر بر آستانه وقف نموده است و در رواقی که مابین

ایوان آئینه و حرم مطهر میباشد نصب نموده است. درروی صفحات سیمین این در نیز نامهای خدا و اشعار بخط نستعلیق نوشته شده است وهم کنده‌کاریهای زیبا دارد. ناظم اشعار شوریدهٔ شیرازی، نویسنده محمد ابراهیم تهرانی شهیر به میرزا محمود، عمل محمدتقی، عدد اشعار چهارده، سال وقف ۱۳۱٤ و چند بیتی از اشعار آن مذکور میگردد:

دری زسیم بقم بر کشاد از نو میر
که در شرف ز زمین برشد از سپهر اثیر
خجسته حضرت معصومه آنکه بر مه و خور
دریده پرده و خود در هزار پرده ستیر
نعال خادم او گوشوار گوش سپهر
غبار درگه او توتیای چشم بصیر
ز شرم این در سیمین شگفت می نبود
که سر ببوته خجلت فرو برد اکسیر
سرود منطق شوریده سال تاریخش
دری زسیم بقم بر کشاد از نو میر
۱۳۱٤

برسنگ مرمر پائین در نقره این دو شعر بخط نستعلیق نوشته‌شده است:

ای سجده گاه خلق جهان آستان تو باریده فیض حق بجهان ز آسمان تو
درحادثات هردوجهان انس وجان همه بنهاده سر بدرگه دار الامان تو

سیم درخاتم بارتفاع ۲٫۵ متر وعرض ۱٫۵ متر که درضلع شمال غربی و بمسجد زنانه گشوده میشود. این دراز دو در دیگر خاتم که در دو ضلع دیگر حرم مطهر است بهتر و خاتم کاری آن مهمتر است واطراف آن کتیبه‌ای دارد. واقف عزت الدوله، ناظم اشعار وفاء عمل استاد

حیدر شیرازی، سال وقف ۱۲۹۳، عدد اشعار هشت وچند شعری از آن گزیده میگردد:

حبّـذا زین بقعهٔ عالی که از مجدو شرافت
قبـلهٔ ابدال گشت و کـعبـهٔ آمـال آمـد
خوابگاه بضعهٔ موسی بن جعفر کز فروغش
جلوهٔ موسی عیان از چشم اهل حال آمـد
عصمت کبری و ناموس نبـی همنام زهرا
کاسمانـی از حیـا و عـزت و اقبـال آمـد
گفت مصراعی وفا از طبع و شد تاریخ این در
کاین درو درگه مطاف عزت و اقبال آمد
۱۲۹۳

چهارم و پنجم درهای خاتمی کـه بمسجد بالای سر و مقبرهٔ شاه عباس ثانی گشوده میشود و ارتفاع و عرض این دو در نیز مانند ارتفاع درخاتم مسجدزنانهاست واطراف کتیبه ایست، درقسمت بالای آن نوشته شده است السلام علیك یا اباعبدالله وعلي الارواح التي حلت بفنائك تا آخر سلامی که در زیارت عاشوراست. بعد از آن بیست ودو شعر از از اشعـار محتشم کاشانی بخط نستعلیق دراطراف آن نوشته شده است، مطلـع اشعار اینست:

باز این چه شورش است که درخلق عالم است
باز این چه نوحـه و چه عزا و چه مـاتم است

و بیت آخر آن اینست:

نوبت باولیا چو رسید آسمان طپید زان ضربتی که برسر شیرخدا زدند

واقف میرزا نصرالله فراهانی در ماه ربیع الثانی ۱۲۷۶ قمری.

ششم و هفتم درهائی که در دو طرف راست و چپ در نقره است و ساده و بدون کتیبه است. ازارهٔ قاعده گنبد مطهّر از داخل حرم سنگ مرمر است بارتفاع ۱/۷۵ متر و بالای ازارهٔ مرمر کتیبه ایست از کاشی معرّق و زمینهٔ آن لاجوردی است و کتیبهٔ آن بخط ثلث بعرض ۰/۵۳ و با مرکّب سفید و زرد احادیث ذیل بر آن نوشته شده است:

بسمه تیمّناً بذکره روی عن الامام الّذی هو بالحقّ ناطق ابیعبدالله جعفر الصادق علیه الصّلوة و السّلام مسنداً الي رسول الله ص اذا كان يوم القيمة نادى مناد ايّها الخلائق انصتوا فان محمّداً يكلّمكم فينصت الخلائق فيقول النّبيّ يا معشر الخلائق من كان له عندى يدٌ او منّةٌ او معروفٌ فليقم حتّي اكافيه فيقولون بآبائنا و اُمّهاتنا ایُّ یدٍ او منّةٍ او معروفٍ لنا اليك والْمنّة و المعروف لله و لرسوله علي جميع الخلائق فيقول بلي من آوىٰ احداً من اهل بيتي و روّاهم و كساهم من عرى و اشبع جائعهم فليقم حتّى اكافيه فيقوم اناس قدفعلوا ذلك فيأتي النّدا من عندالله يا محمّد يا حبيبي قد جعلت مكافاتهم اليك الجنّة فاسكنهم من حيث شئت فيسكنهم الجنّة - قال النّبيّ ص شيعَةُ علّيٍ هم الفائزون قال النّبی ص مثل اهل بيتي كمثل سفينة نوح من ركب فيها نجى و من تخلّف عنها غرق صدق رسول الله قال النّبی و انّي اوشك ان ادعىٰ فاجيب و انّي تارك فيكم الثقلين كتاب الله حبل ممدود من السّماء الي الارض و

عترتي و اهل بيتي فانظروا كيف تخلفونني فيهما صدق ـ قال النّبي ص الجنّة حرمت على ظلم اهل بيتي و اذاني وعترتي ومن اصطنع صنيعة الى احدٍ من بني عبدالمطلب ولم يجازه عليها فانا اجازيه عليها اذا لقيني يوم القيمه صدق ـ قال النّبي ص والذى نفس محمّد بيده لو انّ عبد اجاء يوم القيمه بعمل سبعين نبيًّا ما قبل الله ذلك منه حتي يلقيه بولايتي و ولاية اهل بيتى ـ و قال النّبي ص انا و اهل بيتى شجرة في الجنه و اغصانها في الدّنيا فمن شاء اتّخذ الي ربّه سبيلا صدق رسول الله قال رسول الله اَرْبَعةٌ انا لهم شفيعٌ يوم القيمة ولو اتوني بذنوب اهل الارض المكرّم لذريّتي و القاضي لهم حوائجهم والسّاعي لهم في امورهم عندما اضطرّوا اليه والمحّب لهم بقلبه و لسانه .

این کتیبهٔ درضلع شمالی دیوار خزینهٔ سابق تمام میشود وبعد از آن است (حسب الامر حضرت میرزا علی اصغر خان صدر اعظم اتمام یافت ۱۳۱۸) .

بالای کتیبهٔ مرمر تا زیر سقف بارتفاع ۳ متر آئینه‌کاری پس از آن کتیبه ایست بخط ثلث بعرض ۰/۶۰ که بر آن سورهٔ هل اتی نوشته شده است، پس از آن پنج آیه از آخر سوره حشر که ابتدایش اینست لا یستوی اصحاب الجنه و اصحاب النار الخ ، بعد از آن یك آیه از آخر سورهٔ انّافتحنا که اوّلش اینست محمّد رسول الله الی آخر و بعد از آن است صدق الله العلي العظيم و صدق رسوله النّبي الكريم ونحن علي ذلك

من الشاهدين و الشاکرين بانی مقرنس آئينه کيکاوس ميرزا سال بنا ۱۲۵۱.

در دوطرف راست و چپ ضلع شمال غربی متّصل باسطوانهٔ درب طلا در داخل حرم کتيبه ايست مشتمل بر نام بانی آن کيکاوس ميرزا و تاريخ بنا که سنهٔ ۱۲۵۱ ميباشد.

ضريح مطهر

مرقد مطهّر با خشت های مختلف الشّکل کاشی از مربع مستطيل و مضلّع کوکبی و نيم کوکبی ۱/۲۰ متر و طول ۲/۹۵ متر و عرض ۱/۲۰ متر زمينهٔ لاجوردی و نقره و قهوه و فيروزه ای آراسته شده و کاشيهای اطراف مرقد خشتی لب برگردان و کاشيهای بدنهٔ مرقد کوکبی و نيم کوکبی است و بانی کاشيهای مرقد مظفر ابن احمدبن اسمعيل است. کاشی ساز و نويسندهٔ آن محمدبن طاهربن ابی‌الحسين و نويسندهٔ ديگر آن ابو زيداست. خطوط آن کوفی و نسخ و برجسته و ساده است و تاريخ آن از سال ۶۰۵ تا سال ۶۱۳ ميباشد و کاشيهای روی مرقد مطهّر پانزده پارچه، طول هر خشتی ۰/۵۹. و عرض آن ۰/۴۰. ميباشد و برآن پنج کتيبه است. کتيبهٔ اول بخط نسخ برجستهٔ شنجرفی آية‌الکرسی است، دوم بخط نسخ طلائی آيات متعددی از قرآن، کتيبهٔ سوّم بخط کوفی برجسته شنجرفی آيات مختلفه قرآن، کتيبه چهارم بخط نسخ طلائی سورهٔ تبارك ـ الذی بيده‌الملك، کتيبهٔ پنجم آيهٔ انّ الذين آمنوا وعملوا الصالحات الايه، در پائين کتيبهٔ پنجم بخطّ نسخ برجسته شنجرفی نوشته شده است کتبه وعمله **محمدبن ابی طاهر بن ابی الحسين** و در وسط يك مربع‌الشّکلی نوشته شده است الملك لله الواحد القهار و در کاشيهای اطراف مرقد مطهر از بالا تا پائين سور قرآن يسن والرحمن وتبارك و هل‌اتی وسورهٔ قدر نوشته

شده است با خطوط نسخ برجسته شنجرفی وساده ودرکاشیهای کوکبی
نیم کوکبی احادیث بسیاری بخط نسخ طلائی و شنجرفی وسفید نوشته شده است
و تیمناً چند حدیث ذکر میشود قال النّبي ص من كفّ لَسانه عن اعراض ـ
النّاس اقاله الله عَثْرَتَهُ يوم القيمة ـ من فرق بين والدةٍ و وَلدها فرق الله
بينه و بين الجنة ـ حسن السّؤال نصف العلم ـ الزّنا يورث الفقر الله
تعالي عون العبد مادام العبد في عون اخيه.

مرقد مطهر یا ضریح محاذات ندارد بلکه درست ما بین دو زاویهٔ
شمالی و جنوبی ضریح است و این انحراف از جهت آنست که ضریح
کاملاً مسامت قبله نیست، درپشت ضریح نقره ضریح کاشی است و
زمینهٔ آن لاجوردی است و کتیبه‌ای دارد بخطّ ثلث، بانی کاشیهای ضریح
شاه طهماسب صفوی است بسال ۹۵۰، نویسنده آن علی الحسینی و کتیبه
اینست :

اللهمّ صلّ علي النّبي محمّد المصطفي و صلّ علي الامام علىّ ـ
المرتضي (جمله بعد از این درپشت درب طلا واقع شده) .

و صلّ علي الامام زين العابدين علىّ وَ صلّ علي الامام الباقر و صلّ
علي الامام الصّادق جعفر و صلّ علي الامام موسي و صلّ علي الامام
علىّ الرّضا و صلّ علي الامام محمّد التقي و صلّ علي الامام علىّ النّقي و
صلّ علي الامام الحسن العسكرى و صلّ علي الامام الهمام المهدىّ ـ
الهادى محمّد صاحب الزّمان وخليفة الرّحمن القائم بالحقّ الدّاعي

الي الصّدق المطلق صلوات الله عليه و عليهم اتّفق عمارة هذه الروضة المنوّرة المقدّسه الّتي شرفها سميّ بنت النّبي فاطمه بنت مولانا و سيدنا ابي ابراهيم موسي بن جعفر بن محمّد بن عليّ بن الحسين اخوه الحسن بن علي بن ابيطالب ع وعمّة محمد التقي وعليّ النقي و الحسن الزّكي و محمّد المهدى صاحب العصر و الزّمان و خليفة الرّحمن (۱) باسط مهاد الامن و الامان ماحي الكفر و الطّغيان ناشر العدل و الاحسان هادى الخلائق الي اشرف الاديان السّلطان بن السّلطان ابو المظفّر طهماسب بهادرخان خلّدالله تعالي ملكه وسلطانه و افاض علي العالمين بدوام احسانه و ابدّ ظلال معدلته علي مفارق المسلمين الي يوم الدّين كتبه عليّ الحسيني سنهٔ ۹۵۰.

بعد از ضریح کاشی خشتی فیروزه ضریح نقره است بارتفاع ۲/۱۰ متر (دو متر و ده سانتیمتر) وطول ۵/۲۵ متر و عرض ۴/۸۳ متر. این ضریح فولادین بوده و روی آنرا با صفحات نقره آراسته اند و دارای جدارهای مشبّك و غیر مشبّك میباشد. جدارهای مشبك آن میان جدارهای ساده واقع شده و مفاصل آنها مانند سیب کروی است اما در جدارهای ساده آن روی صفحات نقره صفحه های سیمین مضلّعی بکار برده اند که بر انها نامهای خداوند یا دیّان و یا سبحان و یا منّان وغیر آنها نوشته شده است و بالای آن کتیبه ایست بخط نستعلیق که از نقره بیرون آورده اند و بر آن اشعاری نوشته شده است. ناظم اشعار کتیبهٔ بالای سر خادم و ناظم

---

۱ - ظاهراً عبارتی از کتیبه افتاده .

اشعار کتیبه پائین پاحرم، عدد اشعار چهل و سال بنا ۱۲۷۵ میباشد و از اشعار از هر قسمت بیتی چند گزیده میگردد :

کتیبهٔ اول بالای سر

یارب این خلد برین یا جنّت المأواستی
یا همایون بارگاه بضعهٔ موسی استی
این مهین بانو که در درج شرافت اختری است
نسل پاك زاده انسیّهٔ الحورا استی
فاطمه اخت الرّضا سلطان دین روحی فداه
خاك درگاه تو از عرش علا اعلاستی
مرجع اهل زمان و شافع یوم المعاد
خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی
گو بیاید تا ببیند این همایون بارگاه
آنکه منکر بر وجود جنّت دنیاستی
چون بدیدی این بنا را عقل گفتی کاسمان
صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی
در پی تاریخ این استاد خادم زد رقم
جنّت عدن این بنا (لایقره) او ادناستی

کتیبهٔ دوم پائین پا

این مرقد منوّره و این ضریح پاك (مصراع دوم افتاده است)
بر خاك بانوئیست که از فرش درگهش در عرش افتخار نماید بسیط خاك
هر کو بدل نکارد تخم ولای تو بی شبهه تخم اوز حرام است شبهه ناك
چون شد محیط گوهر خاتون تاج بخش از جود شاه تاج بخش این درج تابناك

محرم کمینه داعی مداح بر سرود   باداهمي زجود ملك این ضریح پاك

ضریح نقره را روی پایه هائی از سنك مرمر بقطر ۳۰ر. نصب نموده اند و اشعاری در آن کنده اند، ناظم اشعار فتحعلی خان صبا، عدد اشعار بیست، سال بنا ۱۲۴۰ وچند شعری از آن گزیده میگردد:

تبارك الله از این بارگاه عرش آهنك
نه بلکه عرش بَرِ فرشت آبگینه و سنك

ز شرم قبّهٔ زرینت عرش را گویند
که شد به پرده این نه رواق سیمین رنك

بلی چو دردل تو گوهر گران سنگی است
سزد بدارد اگر باوی آفرینش سنگ

همان خجسته گهر نیست موسی جعفر
که آمد از گهر آرا چنین بفرّو به هنگ

ز نه رواق فلك هفت بانوی عذ را
بدامن شرفش افتخار را زده چنگ

بآستانش همواره خسروان زمین
بسجده خاصه شهنشاه آسمان اورنگ

فشاند زروگهر خوار تر ز خارو زخاك
بخاك گردش رشك نگار خانه تنگ

بسنك مرمر آراست آن حرم پایان
که ماند آینهٔ چین ز شرم او در رنك

نوشت کلك صبا از براي تاریخش
به بوم این حرم از شاه آسمان فرّسنك

ایوان طلا

ایوان طلا درصحن عتیق واقعشده و ازبناهای شاه اسمعیل صفوی است و از کاشیهای معرّق لاجوردی که در نهایت خوبی و نفاست است بنا شده است . ارتفاع آن ۱٤٫۸۰ متر و عرض آن تا دار الحفاظ ۸/۷۰ متر و سقف آن مقرنس و با خشتهای طلا آراسته اند . بانی ایوان شاه اسمعیل صفوی، سال بنا ۹۲۵ وطلا کاری ایوان درسال ۱۲۷٦ شده. طاق بند جلوی ایوان بعرض ۱/۲۰ متر کاشی معرّق زمینه لاجوردی و مابین آن وسقف طلا کتیبه ایست بخط ثلث ومرکب سفید و زمینه لاجوردی که بر آن سطور ذیل نوشته شده‌است، نویسنده ولی الحسینی

الحمدلله الّذی هدانا لهذا و ما کنّا لنهتدی لو لا ان هدانا الله امّا بعد فقد اتّفق بناء هذه العمارة الرّفیعه والرّوضه المنیعة المقدّسه في زمن خلافة السّلطان الاعدل الاعدل خلیفة الله في العالم مالك ـ الرّقاب مولي الملوك العرب و العجم حامي الایمان ماحي اثار الکفر و الطّغیان ناشر العدل و الاحسان باسط الامن و الامان هادی الخلائق الي اشرف الادیان المخصوص بعنایة الملك الدّیان السلطان بن ـ السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه اسمعیل بهادر خان اللّهم خلّد میامن معدلته و آثار رحمته علي مفارق المسلمین و ابّد و شیّد قواعد ارکان خلافته وسلطنته الي یوم الدین باعلاء کلمة الحق وترویج مذهب المعصومین بالنّبي العربي ابي القاسم محمد خاتم النّبیین و

سیّد المرسلین و سیّد الاولین و الاخرین صلی الله علیه و عترته الطّاهرین و سلّم تسلیماً ابداً سرمداً الحمدلله اوّلاً و آخراً و ظاهراً و باطناً في تاریخ شهر رجب المرجب سنة خمس و عشرین و تسعمائه هجریة نبویّه کتبه ولیّ الحسینی.

زیر ابروی ایوان طلا کتیبه ایست بخط ثلث، نویسنده نور اصفهانی و عمل حسن القمی و کتیبه اینست:

قال الله تبارك و تعالي الله نور السّموات و الارض تا آخر آیهٔ نور پس از آنست في بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه تا آخر آیه، بعد از آنست صدق الله العلي العظیم و صدق رسوله النّبي الکریم و نحن علي ذلك من الشّاهدین و الشّاکرین عمل حسن القمي کتبه نور الاصفهاني و نیز در وسط آیات در محل تلاقی دو طاق نوشته شده است: عمل استاد محمد معمار قمی ۱۲۲۵، کاتبه رضا الرضوی عمل استاد حسن قمی.

معلوم میشود که در تاریخ ۱۲۲۵ از ایوان شاه اسمعیل مرمّتی شده و معماران استاد محمد و استاد محمود بوده اند و نویسندگان یکقسمت نور اصفهانی و قسمت دیگر رضای رضوی بوده است:

در پیشروی ایوان طلا بخط نستعلیق از طلا نام سلطان وقت و سال ۱۲۷۶ نوشته شده.

بدنهٔ ایوان کاشی معرّق، زمینه فیروزه بارتفاع ۱/۸۰ متر ودارای

کتیبه ایست از کاشی معرّق زمینهٔ لاجوردی بخط ثلث که حدیث ذیل نوشته شده است.

روی الزّمخشری في تفسیره الموسوم بالکشّاف و الثّعلبي في تفسیره الموسوم بکشف البیان عن رسول الله صلي الله علیه و آله و سلّم قال الا و مَنْ مات علي حبّ آل محمّد مات شهیداً الا و من مات علي حب آل محمّد مات مغفوراً الا و من مات علي حبّ آل محمّد مات مؤمناً متکملاً الا و من مات علي حب محمّد و آل محمّد بشّره ملك الموت و نکیرٌ و منکرٌ بالجنّة الا و من مات علي حبّ محمّد و آل محمّد زُفّ الي الجنّة الا و من مات علي حبّ محمد و آل محمد فتح الله له في قبره بابین الي الجنه الا و من مات علي حبّ محمّد و آل محمّد جعل الله قبره مزار ملائکة الرّحمة الا و من مات علي بُغض آل محمّد جاء یوم القیمة مکتوب بین عینیه ایسٌ من رحمة الله الا و من مات علي بُغض آل محمّد مات کافراً الا و من مات علي بُغض آل محمّد لم یشمّ رائحة الجنة صدق. بعد از آن نست: اللهم صلّ علي المصطفي محمّد و المرتضي علیّ و البتول فاطمه و السّبطین الحسن و الحسین و زین العابدین علیّ و الباقر محمّد و الصّادق جعفر و الکاظم موسي و الرّضا علیّ و التّقي محمّد و النّقي علیّ و الزّکي الحسن و الحجّة القائم مهدی صاحب الزّمان الائمّة الهدی و مصابیح الدجي بهم اتولّي و من اعدائهم اتبرّء.

جرزهابادوایوان جنبین آن کاشی معرّق، زمینه لاجوردی ومنتهی الیه ایوان‌طلا متّصل بحرم مطهر دار الحفّاظ است و دارای کتیبه ایست بخط ثلث و بر آن حدیث ذیل نوشته شده است:

قال مصنّف عیون اخبار الرّضا فیما جاء عن الرّضا ع في زیارة فاطمة بنت موسي بن جعفر علیهم السلام حدثنا ابي و محمّد بن موسي بن متوکل قال حدّثنا علیّ بن ابراهیم بن هاشم عن (این قسمت از کتیبه درموقع نصب دَرِ طلا ازمیان رفته است) عن ابي الحسن الثّالث عن الرضا ع سئل من زیارة فاطمه بنت موسي بن جعفر ع فقال من زارها فله الجنّة صدق ابن رسول الله و صلیّ الله علي محمّد خاتم النبیّین و آله الطّیبین و عترته الطّاهرین.

اطراف دَرِ طلا سنگهای مرمر بکار رفته است واشعاری بر آن کنده اند، ناظم اشعار فتحعلي خان صبا، سال بناء ۱۲۲۱، عدد اشعار ده وچند شعري از آن گزیده میگردد:

این آستان بضعه موسی بن جعفر است
کز افتخار روی سلاطین براین دراست

این آستان وان حرم آمد که جبرئیل
در بام عرش پایهٔ آن چون کبوتر است

لبّیك زائران و خروش معلّمان
صدره زصوت شهپر جبریل خوشتر است

این زیب و فرّ که زیب وفرّ از این حرم گرفت
هم از ارادت مَلِك داد گستر است

میخی فتاده کو به تك از لعل پاره اش

زان دیدهٔ ستاره بدین در مسمّر است

کلك صباش از پی تاریخ زد رقم

کز دل مدام چهر سلاطین براین دراست

ماده تاریخ فوق با سال بنا مطابق نیست و شاید تغییری در آن راه یافته باشد و درسنگ مرمر پائین دَرْ بخط نستعلیق این دوبیت نوشته شده است:

این در که براین درگه بی شبه و نظیر

آید ز گشودن زوی آهنك صریر

گوئی ملکی بود که از بهر طواف

چون بال گشاید زند از شوق صفیر

گلدسته های ایوان طلا که در جنبین ایوان واقع است ارتفاع آن از سطح صحن ۲۰ر۳۲ متر و قطر آن ۵ر۱ متر و بشکل استوانه میباشد و از کاشیهای گره سازی بشکل مار پیچ بنا شده است و در وسط پیچها الله و محمد و علی بخط کوفی است. زمینه کاشیها فیروزه،زیرطارمی چوبی (مأذنه) مقرنس کاشی است و سر مأذنه‌ها طلا کاری است. بانی گلدسته ها شهاب الملك و بانی طلا کاری کامران میرزا است.

ایوان ائینه

ایوان آئینه از شاهکار های ابنیه و از ایوانهای با شکوه میباشد و گذشته از زیبائی بنا استادان فن و معماران هنر مند مهارتهائی در آن بکار برده اند و میتوان گفت ساختمان آن از زیر تا ببالا از مختصات معماری است. ارتفاع این ایوان ازسطح صحن ۸۰ر۱٤ متر وعرض آن

۷/۸۷ متر وطول آن ۹ متر میباشد. دارای چهارستون سنك سیاه بارتفاع ۱۱ متر که جلوی ایوان نصب شده است و دوستون دیگر که درعمارت تالارچه دو طبقه جنبین ایوان است. ازارهٔ ایوان بارتفاع ۸ر۱ متر سنك مرمر است. بدنهٔ ایوان با آئینه تزیین شده است وسقف آن مقرنس آئینه دو قطعه شلجمی شکل است. زیر سقف مقرنس کتیبه ایست ازسنك مرمر که بخط ثلث بر آن نوشته شده است: الله نور السموات و الارض آلایه. بعد از آن نام سلطان وقت و بانی آن نوشته شده. کاتب کتیبه رجبعلی خادم مشهدی و تاریخ کتیبه سال ۱۳۰۳ میباشد. دردو طرف شمال و جنوب ایوان دو کفش کن و دو تالارچه فوق آنها ساخته شده‌است. عرض هریك از آنها ۳٫۶۵ متر میباشد و چهار ستون سنك سیاه که دو ستون آن در زیر و دو ستون در بالا قرار گرفته است بارتفاع ۴٫۰۰ متر جرز ها و پشت بغل و طاق بند و بدنهٔ کفش کن ها تا زیر طاق کاشی معرّق زمینه لاجوردی میباشد. پشت بغل تالارچه و کتیبهٔ آن سنك تراش است و سقف تالارچه و کفش کن ها گره سازی است از چوب و آئینه. بانی میرزا علی اصغر خان اتابك و معمار استاد حسن معمار قمی و نجّار ملا حسین نجّار باشی و بنّا استاد ابراهیم میباشد.

مابین ایوان آئینه و حرم مطهر رواقی است بطول ۱۴٫۶۰ متر و عرض ۳٫۷۰ متر. این رواق نیز مانند ایوان آئینه ازسنك مرمر و آئینه تزیین شده است ودرب نقرهٔ نظام السلطنه دراین رواق نصب شده‌است. از ارهٔ آن بارتفاع ۱٫۱۵ متر سنك مرمر و بالای آن تا زیر سقف آئینه کاری وسقف آن مقرنس آئینه است و درقسمت فوقانی این رواق بالاخانه ایست که هشت ستون آئینه در آن بکار رفته است.

گلدسته های ایوان آئینه که بلند ترین گلدسته های آستانه است از دو جنبه اسلوب ساختمان و ارتفاع آنها دارای اهمیّت میباشد. ارتفاع آنها از سطح بام ۲۸ متر و محیط آن ۳٫۳۰ متر و اسلوب ساختمان باشکال مختلف میباشد. یك قسمت از آن ازسطح بام بارتفاع ۳متر مضلّع مثمّن (هشت ترك) بعد از آن بارتفاع ۰٫۵۰ مقرنس بعد از آن بارتفاع یك متر مدوّر، بعد از آن بارتفاع ۲٫۵۰ متر مثمّن (هشت ترك) و بعداز آن تا زیر طارمی چوبی بشکل استوانه وزیر طارمی کتیبه ایست بخط کوفی بارتفاع ۰٫۸۰ و بعد از آن بارتفاع یك متر مقرنس وبدنه آنها از سطح بام تا سر میله تمام کاشی کاری و از جنس کاشی گره سازی و زمینهٔ آن فیروزه ایست، بانی امین السلطان ومعمار استاد حسن معمار قمی است.

مسجد بالای سر

مسجد بالای سر دو قسمت میباشد یك قسمت آن که دار السّیاده است بطول ۱۸٫۸ متر و عرض ۱۴٫۶۰ دارای سه ستون آجری و بدنه آنهارا گچ اندود کرده اند و عرض ستونها مختلف میباشد. عریض ترین آنها ۲٫۵ متر، ازاره آن سنك سفید و کاشی خشتی، بدنه وسقف آن گچی است و در ضلع جنوبی آن پهلوی مقبرهٔ شاه سلیمان صفوی عمارتی است بطول ۱۱٫۴۱ متر وعرض ۶٫۱۰ متر که پیشتر مدرس آقای حاج شیخ عبد الکریم بوده و اکنون مدفن ایشان است. سقف آن یزدی بندی و بدنه و سقف گچی است و بانی آن حاج مهدی سلامت میباشد و قسمت دیگر مسجد بالای سر آن است که بحرم مطهر متصل میباشد بطول ۸٫۷۰ متر و عرض ۶/۷۰ متر، سقف آن مقرنس گچی است و زیر طاق بند کتیبه ایست بخط نستعلیق که از گچ بریده‌اند. ناظم اشعار اشراقی، عدد

اشعار ۳۲، سال بنا ۱۲۳٤ و چند شعری از آن گزیده میگردد:

تا کند در بزم گردون گردش این زرّینه جام

دور گردون باد یارب شاه عالم را بکام

آنکه آمد در حریم احترامش مهر و ماه

این یکی رومی کنیز و آن یکی زنگی غلام

حضرت معصومه بنت موسی جعفر که هست

آفتاب آسمان حضرت خیر الانام

در جوار مرقد پاکش همایون مسجدیست

کاهل طاعت راست روز و شب دران مسجد مقام

الغرض چون شد مقیم این کعبه اهل صفا

در جوار این همایون مرقد عرش احترام

کلك گوهر زای اشراق از پی تاریخ او

زد رقم کامد مقیم این حرم بیت الحرام

در محراب مسجد روی خشت کاشی دو شعر ذیل نوشته شده است بخط نستعلیق:

از حکم تقی شاه سلیمان اقبال (۱)

بر پا چو شد این مسجد فردوس مثال

گفتم پی تاریخ که باد این مسجد

تا روز جزا قبلهٔ ارباب کمال

---

۱ - گویا درست این مصراع نگارش نیافته است و بر جای از حکم تقی شاه سلیمان اقبال چیز دیگر بوده است

مقابر سلاطین صفویه

مقبرهٔ شاه عباس ثانی در ضلع جنوب غربی حرم مطهر واقعست و دری نیز ازحرم بآن گشوده میشده‌است. اسلوب ساختمان مقبره بشکل کثیر الاضلاع منظم و دوازده ضلعی است و ارتفاع آن ۱۲ متر و طول و عرض آن هریك ۸ر۱۰ متر میباشد. سطح زمین مقبره‌از کاشی خشتی سادهٔ فیروزه است. ازاره آن بارتفاع ۷ر۳ متر سنك مرمر میباشد که بر روی آن گل و بوته نقش کرده اند و در نهایت نفاست است وزیر طاق بند کتیبه ایست از سنك مرمر و بخط نسخ بران کنده‌اند: بسم الله الرحمن الرحیم یسبح لله مافی السّموات و الارض تا آخر سوره جمعه. پس از آن است کتبه محمد رضا الامامی سنهٔ ۱۰۷۷ و صندوق قبر از مس ساخته شده است و پارچه های فولاد کثیر الاضلاع منظم و غیر منظم با میخ های طلا بر آن کوبیده اند و بر آن نقش و نگار های زیبا کرده اند. این صندوق بر روی پایه هائی از سنك مرمر نصب شده است و بر آن اشعاری بخط نستعلیق کنده‌اند. اشعارش سست وبرای نمونه چند بیتی مذکورمیگردد:

جمشید باخلاص ز شاه اسلام   چون منصب تولیت گرفت از انعام
بر مرقد پاك پدر آن زبده ناس   یعنی صفی ثانی افلاك اساس
صندوق‌چوساخت‌عقل‌تاریخش‌گفت   صندوق مزار شاه عالم عباس

بقعهٔ شاه سلیمان صفوی در شمال موزه و جنوب دار السّیاده واقع شده است بطول ۸ر۱۰ متر و عرض ۵ر۱۰ متر و مقبره دارای صندوق چوبین و کنده کاری است. ازاره هر دو بقعه بارتفاع ۳۰ر۱ مترسنگ مرمر میباشد و روی سنك های مرمر را با گل و بوته تزیین کرده اند و در چهار زاویه چهار ستون سنك مرمر است که حجاری شده است و در بالای سنگ های مرمر ازاره گچ بری کرده اند، عرض

گچ بریها ۰/۷۲ میباشد و گچ بریها را رنگ آمیزی کرده اند، زیر طاقبند کتیبه ایست که از گچ بریده اند، عرض گچ بری کتیبه ۰/۴۷ و بخط ریحان بر آن نوشته اند: بسم الله الرّحمن الرّحیم سبّح لله مافی السّموات وما في الارض وهو العزیز الحکیم تا آخر سوره حشر، بعد از آن کتبه ابو طالب الحسین الخطیب القمی فی سنة ۱۱۰۷.

بقعهٔ شاه صفی در ضمن توصیف صحن زنانه مذکور میگردد.

صحن عتیق

صحن عتیق که سابقاً یگانه بنای بیرونی حرم مطهر بوده و ایوان شاه اسمعیل درجنوب آن واقعست فضای آن طولاً ۳۵/۷۰ متر و عرضاً ۳۴/۷۰ متر میباشد. دیوار های این صحن بارتفاع ۰/۵۵ از سنگ و بقیهٔ آن کاشی کاری است. درضلع مقابل ایوان طلا ایوانیست بطول ۸/۷۵ و عرض ۲/۵ متر وارتفاع ۱۳ متر. ازاره آن ۱/۵۰ متر کاشی خشتی و بدنهٔ آن گچی و سقف آن مقرنس آویزی میباشد. درزیر سقف مقرنس کتیبه‌ایست کاشی زمینه لاجوردی بطول ۱۲ متر وعرض ۰/۳۰ متر که بخط نستعلیق اشعاری بر آن نوشته شده است. بانی سیدحسین متولی‌باشی، شاعر آقای مجیدقمی متخلص بسیّد، نویسنده میرزاعمو، سال بنا ۱۳۰۱ هجری قمری، عدد اشعار هفت وجبهه وابروی ایوان کاشی خشتی لاجوردی است، سر در ایوان سنگی ازمرمر میباشد بطول ۱/۲ متر وعرض ۰/۵۳ که بر آن صورت وقفنامه‌قنات ناصری رابخط نستعلیق کنده‌اند، عدد سطور ۱۶ سطر، سال وقف ۱۲۷۸، نویسنده ابوالفضل بن‌فضل‌الله و دربام ایوان مذکور مأذنه ایست بشکل هرم مربع القاعده که آنرا باخشتهای طلا تزئین کرده‌اند و در ضلع شرقی ایوان ساعتی بزرگ نصب کرده‌اند، بانی میرزاعلی

مشکوة الملك و برسردر آن بخط نستعلیق نام سلطان وقت نوشته شده است. ایوان مذکور مدخل صحن عتیق از مدرسه فیضیه است و مدخل آن بطول ۵/۶۰ متر و عرض ۳/۵۰ متر میباشد و در زوایهٔ جنوب غربی صحن عتیق یك هشتی واقع است بطول ۱۴/۰ و عرض ۷/۲۰، این هشتی راهرو مدرسهٔ محمد شاه است که درقسمت غربی صحن عتیق افتاده است و از آن هشتی دو در بدار الشّیاده و مسجد بالای سرا گشوده میشود و مدرسهٔ محمد شاه دارای هشت حجره و هشت دالان راهرو میباشد و در ضلع شرقی آن وسط صحن حوضی بنا شده است و فضای مدرسه طولاً ۱۶/۶۰ متر و عرضاً ۱۲/۸۰ متر میباشد و در ضلع شمال شرقی آن فضائی است بدون بنا که درب آب انبار صحن عتیق میباشد و درضلع غربی صحن عتیق بقعه ایست که مقبرهٔ محمد شاه در آنست بشکل هشت ضلعی که چهار ضلع جهات اصلی آن ۳/۵ متر و چهار ضلع جهات فرعی آن ۱/۹ متر میباشد. طول بقعه ۶ متر وعرض آن ۶ متر و راهروی که بمقبره مهد علیا متصل است این بقعه کثیرالاضلاع را بیضی مانند نموده است و سقف بقعه محمد شاه مقرنس آئینه و بدنهٔ آن گچ بری است و در وسط بقعه مقبره واقع شده است و سقف مقبره مهد علیا گچ بری و آئینه است و بدنه گچ بری و درضلع شمالی غربی صحن بقعه دیگری است که مقبرهٔ فتحعلی شاه در آن واقع است. طول آن ۶/۲۰ متر وعرض آن ۵/۵۰ متر میباشد. این بقعه نیز کثیرالاضلاع هشت ضلعی است که چهار ضلع شمالی و جنوبی و شرقی و غربی آن بطول ۳ متر و چهار ضلع جهات فرعی آن بطول ۲ متر میباشد. ازارهٔ آن سنك مرمر وبدنه وسقف گچ بری است و در ضلع شمال شرقی صحن عتیق مقبرهٔ مستوفی الممالك است آنهم

کثیرالاضلاع هشت ضلعی که جهات اصلی آن بطول ۳ متر وجهات فرعی آن بطول ۲ متر میباشد وطول بقعه ٦ متر و عرض ۵/۵۰ متر، ازارهٔ آن سنگ مرمر وبدنه وسقف گچ بری‌است و بر سردر مقبره مستوفی‌الممالك زیرطاق بند ایوان کتیبه ایست بخط نستعلیق که اشعاری بر آن نوشته شده که مطلعش این است :

تبارك‌الله از این روضه بهشت سرشت

که سرزند زشرف خاکش‌ازسرشت بهشت

و در ضلع شرقی صحن عتیق راهرویست کـه مدخل صحن جدید بصحن عتیق میباشد، طول آن ۹/۱۰ متر وعرض ٦/۹۲ وسقف آن یزدی بندی با آجر و کاشی است.

صحن جدید

صحن جدید ازبناهای باشکوه آستانه و بااسلوب دلپذیری ساختمان شده است یعنی از دربهای ورودی خیابان موزه بطور هشت ضلعی منظم مستطیل‌است . اضلاع شرقی وغربی آن هریك ٧٦/٦ مترواضلاع شمالی وجنوبی آن هریك ٤٦/٨ متر میباشد وچهارضلع آن که درجهات فرعی واقعند هریك بطول ۳/٧ متر میباشد و از درب ورودی خیابان ارم شکم دریدگی پنج ضلعی کـه اضلاع شمالی و جنوبی آن ۱۰ متر و دو ضلـع فرعی آن ۵/۸ متر میباشد و دارای چهار ایوان میباشد شرقی و غربی و شمالی وجنوبی که شرح هریك جداگانه میآید مگر ایوان غربی که‌آئینه است وشرحش گذشت و اطراف صحن را سی‌ویك حجره و ایوان زینت بخشیده‌است. طول هریك از ایوانهـا ۳ متر و عرض۲ متر میبـاشد مگر هشت ایوان که هرکدام دارای دو ستون و دو نیم ستون سنگ سیاه

میباشد بارتفاع ۳ متر وطول هریك ازاین ایوانهای هشت‌گانه ۶/۶۰ متر وعرض ۳/۲۰ متر میباشد. ازارهٔ کلیهٔ ایوانها از سنک سیاه است بارتفاع ۰/۵۵ و ازارهٔ پایه های صحن نیز از سنگ سیاه میباشد بارتفاع ۱/۵ متر و بدنه وسقف ایوانها وجرزها کاشی‌کاری است باشکال مختلف و سردرب ایوانهای‌چهارگانه‌را میله‌ها وگلدسته های بزرك وکوچکی قشنك‌وزیبا کرده است و در وسط قسمت شرقی صحن حوضی بنا شده است بشکل بیضی‌وطول آن ۱۹٫۵ متر و عرض آن ۱۲٫۶۰ متر میباشد.

امّا ایوانها آنکه در جهت شرقی واقع شده است برابر ایوان آئینه بسیار مهم و از صنایع بزرك معماری بشمار میرود و مخصوصاً مقرنس آویزی کاشی آن که خیلی مهم وجالب توجه میباشد. طول این ایوان ۷٫۸۰ متر و عرضش ۷٫۳۰ متر و ارتفاعش۱۳٫۶۰ متر میباشد، سقف مقرنس کاشی کاری و طاق بند و جرزها کاشی کره سازی زمینه فیروزه و زرد دارای حاشیه کاشی کاری بسیار دلپذیر وکتیبهٔ‌آن نیز کاشی‌است، زمینهٔ لاجوردی، بانی امین‌السلطان، معمار استاد محمدباقر قمی، نویسنده رجبعلی خراسانی،سال بنا ۱۳۰۳ وکتیبه اینست :

روی في السماء و العالم من البحار انه لما اخرج المأمون علي بن موسي الرضا عليه السلام من المدينة الي المرو سنة‌ماتين خرجت فاطمة اخته في سنة احدی و ماتين بطلبه فلما وصلت الي ساوة مرضت فسئلت کم بيني و بين قم قالوا عشرة فراسخ فأمرت خادمها فذهب بها الي قم و انزلها في بيت موسي بن خزرج بن سعد والاصح انه لما وصل الخبر الي آل سعد اتّفقو اوخرجوا

الـي ان يطلبوا منهـا النزول في ارض قم فسبق بينهم موسي بن خزرج فلما وصل اليها أخذ بزمام ناقتها و جرها الي قم و انزلها في داره فكانت فيها ستّة عشر يوما ثم قبضت الي رحمـة الله و رضوانه فدفنها موسي بن خزرج بعد التغسيل و التكفين في ارض له وهي التي الان مدفنها و بني علي قبرها من البواري سقفا الي ان بنت زينب بنت الجواد عليه السلام قبة عليها وروى في البحار ان زيارتها تعادل الجنه قد تم في سنه ۱۳۰۳ كتبه خادم الروضة الرضويه رجبعلي.

و در دو طرف این ایوان دو دالان بنا شده است که راهرو صحن از خیابان ارم میباشد و در بالای دالانها دو غرفه ساخته اند و در بالای ایوان ساعتی نصب نموده اند و بر سر درب ورودی محاذی خیابان ارم کتیبه ایست کاشی که بخط نستعلیق اشعاری از پروانه بران نوشته شده است، بعضی از اشعار این‌است :

برای دختر موسی بن جعفر از سر صدق

سپهر سوده بخـاك درش همـاره جبین

امین سلطان علی اصغر ابن ابراهیم

عیـان نمود بسطـح زمین بهشت برین

چو شد تمـام بتاریـخ گـفت پروانـه

بنـای صحن (ریختـه است)

۱۳۰۲

و پائین تر از آن کتیبه ایست کاشی که بران اشعار ذیل نوشته شده‌است، ناظم اشعار سیّد غمخوار، نویسنده میرزا آقای تبریزی:

زبهر حضرت معصومه ساخت اندر قم　　امین سلطان این صحن آسمان مقدار

سرود سیّد غمخوار بهر تاریخش　　زبعد هجرت احمد هزار و سیصد و چهار

و در ذیل آن بخط نستعلیق نوشته شده است نمقه میرزا آقا.

و در دو طرف شمالی و جنوبی شکم دریدکی پنج ضلعی متصل بقسمت هشت ضلعی منظم مستطیل دو گلدسته بشکل هشت‌ترک ساخته شده‌است، ارتفاع آن از سطح صحن ۱۳٫۵ متر و محیط آن ۹٫۹۰ متر و قطر آن ۳ متر میباشد و بدنهٔ آن تا زیر طارمی چوبی از کاشی گره سازی است:

ایوان شمالی که درب صحن از خیابان آستانه میباشد بارتفاع ۱۲٫۸۰ متر و طول ۷متر و عرض ۴٫۴۰ متر و بدنه وجرزها کاشی گره سازی وسقف رسمی باکاشی هفت‌رنك است. درزیر طاق بند کتیبه ایست کاشی و بخط ثلث حدیث ذیل بران نوشته‌شده است، بانی امین السلطان، نویسنده رجبعلی خراسانی، سال بنا ۱۳۰۳ و حدیث اینست:

روی عن عدّة من اهل الری انهم دخلوا علي ابيعبد الله عليه السلام و قالوا نحن من اهل الری فقال مرحبا باخواننا من اهل قم فقالوا نحن من اهل الری فاعاد الكلام قالوا ذلك مراراً فاجابهم بمثل ما اجاب به فقال عليه السلام ان لله حرماً وهو مكة و ان للرّسول حرماً وهو المدينه و ان لامير المؤمنين حرما وهو كوفة و ان لنا حرما و هو قم وستدفن فيها امرئة من اولادی

تسمي فاطمة من زارها و جبت له الجنة وروی ان رسول الله صلي الله عليه و آله و سلم لما اسری رأی ابليس بارکا بهذه البقعة فقال له قم یا ملعون فسميت بذلك و روی عن ابيعبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام انه قال اذا اصابكم بليّة و عناء فعليكم بقم فانه مأوی الفاطميين ومستراح المؤمنين وروی عن ابي الحسن علي بن موسي الرضا عليه السلام انه قال انّ للجنّة ثمانية ابواب لاهل قم واحد منها قد فرغ من التسويد الخادم المشهدی رجبعلي في سنة ۱۳۰۳.

در جبهۀ ایوان کتیبه ایست که اشعار ذیل بخط نستعلیق بر آن نوشته‌شده‌است،ناظم اشعار میرزا صادقخان پروانه،نویسنده میرزا آقای تبریزی.

کشت امین شه و صدر مهین بانی این صحن خوش و دلفریب
صادق پروانه بتاریخ گفت نصر من الله و فتح قریب

درنیم ستونهای دوطرف نوشته شده است بسم الله الرّحمن الرّحيم انا فتحنالك فتحاً مبيناً، تاریخ ۱۳۰۲.

در کتیبۀ سردرب همین ایوان از خارج صحن بخط نستعلیق اشعار ذیل نوشته شده است، ناظم اشعار پروانه، نویسنده میرزا آقای تبریزی:

بنا نهاد بتوفیق کردگار این صحن
وزیر اعظم علی اصغر ابن ابراهیم
چو بهر دختر موسی بن جعفر از سر صدق
امین سلطان آراست این ستوده حریم

برای مصدر تاریخ گفت پروانه

سیاق کعبهٔ ثانی ز پور ابراهیم

۱۳۰۳

ایوان جنوبی که مدخل صحن جدید است از خیابان موزه در ارتفاع و عرض و طول و کاشی کاری مانند ایوان شمالی است جز اینکه در کمر بند ایوان کتیبه است بخط ثلث که حدیث ذیل بران نوشته شده است ، کاتب رجبعلی مشهدی ، سال بنا ۱۳۰۳ :

روی عن انس بن مالك قال كنت ذا يوم جالسا عند النبي صلي الله عليه و آله اذ دخل علي بن ابيطالب عليه السلام فقال يا ابا الحسن اليّ اليّ ثم اعتنقه و قبل مابين عينيه وقال يا علي ان الله عز اسمه عرض ولايتك علي السموات فسبقت اليها السماء السابعه فزينها بالعرش ثم سبقت اليها السماء الرابعة فزينها بالبيت المعمور ثم سبقت اليها السماء الدنيا فزينها بالكواكب ثم عرضها علي الارضين فسبقت اليها مكه فزينها بالكعبة ثم سبقت اليها المدينة فزينها بي ثم سبقت اليها الكوفة فزينها بك ثم سبقت اليها قم فزينها بالعرب و فتح الله لهم بابا من ابواب الجنة و روى صفوان قال كنت عند ابي الحسن عليه السلام فجرى ذكر قم و اهله و ميلهم الي المهدى فترحم عليهم و قال رضي الله عنهم ثم قال ان للجنة ثمانية ابواب واحد منها لاهل قم و هم من خيار شيعتنا من بين

ساير البلاد خمرالله تعالي و لايتنا في طينتهم و روى عن الصادق عليه السلام انه قال ان لعلى قم ملكا رفرف عليها بجناحيها لا يريدها جبّارٌ بسوءٍ الا اذابه الله كذوب الملح في الماءِ قد فرغ من التحرير في شهر ربيع الثاني الخادم رجبعلي.

درسردرب ايوان اشعارى از ميرزا صادق خان پروانه بخط نستعليق نوشته شده است كه ماده تاريخش اين است:

سرود صادق پروانه بهر تاريخش   ببين بملك قم اينك در بهشت بپاى

۱۳۰۳

در ايوان مدخل صحن عتيق جديد كتيبه ايست كاشى زمينه لاجوردى وحديث ذيل بخط ثلث بر آن نوشته شده است، بانى سيّد حسين متولى باشى، نويسنده على اكبر فيض، سال بنا ۱۲۹۶.

روى صاحب كتـاب المناقب الفـاخرة في العترة الطاهرة بسنده عن ابن عباس رضي الله عنه قال رسول الله صلي الله عليـه و آله انا مدينة العلم و علي بابها فمن اراد العلم فليأت الي الباب ثم قال يا علي انا مدينة العلم و انت الباب كذب الذى زعم ان يصل الي المدينـة لا من الباب بني هذه نظام المجد تاج الحاج ميرزا سيد حسين متولي باشي حرره ميرزا علي اكبر الفيض في سنهٔ ۱۲۹۶، بسعى و اهتمام ميرزا على محمد باتمام رسيد.

در سردر ايوان مدخل صحن زنانه كتيبه ايست كاشى و حديث

ذيل بخط ثلث بران نوشته شده است، باني اتابك نويسنده رجبعلي مشهدي، سال بنا ۱۳۰۳.

روى في البحار عن واسط بن سليمان عن ابي الحسن علي بن موسي الرضا انه قال ان الجنّه ثمانية ابواب ولاهل قم واحد منها فطوبي لهم ثم طوبي و روى رجل من اهل الري قال قال ابو الحسن علي بن محمد بن علي بن موسي عليهم السلام بماسمّى قم لانه لما وصلت السفينة اليه في طوفان نوح قامت وهو قطعة من بيت المقدس و روى عن الائمة لولا القميون لضاع الدين كتبه الخادم المشهدي رجبعلي ۱۳۰۳.

گردا گرد صحن جديد كتيبه ايست از كاشي بطول ۲۵۸٫۸ كه بخط نستعليق بعرض ۰٫۶۰ر. اشعاري بران نوشته شده است، يك مصراع با مركب سفيد و يك مصراع با مركب زرد و استادان خط برانند كه از بهترين خطوط نستعليق ميباشد. نويسنده ميرزا آقاي تبريزي، ناظم اشعار ميرزا فتح الله كاشاني متخلص به شيباني و اشعار كتيبه دو قسمت ميباشد يكي نونيّه و آن ۵۳ بيت است و ديگري رائيّـه كه سي و شش شعر ميباشد و از هر قسمت چند بيتي مذكور ميگردد:

زمين شد از دو بنـا رشك آسمان برين
يكي بناي خليـل و يكـي بنـاي امين
خليل رحمن گشت آن بدان بناي قديم
امين سلطـان گشت اين بدين بناي متين

بدان نماز برد هر که راست دین درست
بدین نیاز برد هر که راست رأی رزین
بروزگار بنا ها بسی نها دستند
ولی نه چونین محکم نهاد و خوب ائین
رواق طاقش بر آسمان نهاد اساس
زمین خاکش بر فرق فرقد و پروین
چنین اثر نه بخلخ درست و نی بطراز
چنین اثر نه بچین ایدرونه درما چین
گر این بنا نگرد سخت شرمسار شود
کسیکه کرد ابا صوفیه به قسطنطین
بدین بنا که ز آب و گل این وزیر نهاد
بباد رفت همه نام آذر بر زین
دران بنا سخن از آفتاب و آذر بود
در این بنا همه شب ذکر مالك الارضین
کجا به بانی او این بنا که ماند بجای
فلك درود فرستد ملك کند تحسین
بنا مگو که عروس است کاسمان بلند
بهشت طرفه نگاری است میکند کابین
دو صف فرشته شب و روز اندر او پیدا است
صفی بسوی یسار و صفی بسوی یمین
بنای او چو بآخر رسید و گشت تمام
خدای حافظ آن کرد جبرئیل امین

بدین دلیل همی تا جهان بجای بود
بپای خواهد بود این بنای نغز چنین
در این کتیبه هم از بهر طبع شیبانی
کشد برشته سر کلکش این لئآل ثمین
که نه بنائی به زین کسی تواند کرد
نه هم ثنائی از این گونه محکم و شیرین
و نیز چند بیت از قافیه دوم مذکور میگردد:
چو مرد پر هنر افتاد و بخت بودش یار
چنین بماند از او در جهان چنین آثار
کجا بدرگه او بر نهد فرشته جبین
کجا بسایه او آسمان برد زنهار
بروزگار نگردد عزیز هرکه نکرد
بدست خویش همی خوار درهم و دینار
کسیکه درهم و دینار خوار مایه گرفت
از او بجای بماند چنین اثر بسیار
کدام اثر که همه روز جبرئیل امین
به پر خویش برد گردش از درو دیوار
کدام اثر که غباری کز او بلند شود
بدیده بر کشد از فخر گنبد دوار
بنامکوی که یک لخت از بهشت برین
فرو کشیدش اندر زمینش داده قرار
رواقهاش چو افلاك بی فساد و خلل
عماد هاش چو البرز محکم و ستوار

نه جنّت است چه جنّت مقام رحمت حق

نه کعبه است چه کعبه است قبله ابرار

بپاك تربت تخت رسول کرده است این

علی بن ابراهیم فخر آل تبار

اگر به مملکت ایدون امین سلطان است

امین یزدان است او بحکمت و اسرار

ایا کسی که بر این کاخ بگذری روزی

یکی برحمت از این رفتگان بیاد بیار

هزارو سیصدو سه چون گذشت از هجرت

بآخر آمد این قصر و این بلند حصار

در پایان اشعار نوشته شده است (بسعی و اهتمام مقرب الحضرة العليّه آقا میرزا عبد المولی باتمام رسید راقمه میرزا آقا) .

بانی کلیّه ابنیه صحن جدید میرزا علی اصغرخان اتابك امین السلطان، مباشر ساخمان میرزا عبد المولی و معمار ابنیه استاد حسن معمار قمی و کارگران مهم کاشی کاری و ساختمان استاد محمد باقر قمی وحاج غلامعلی و استاد محمد ابراهیم واستاد محمد شیرازی، نویسنده خطوط نستعلیق میرزا آقای تبریزی و خطوط ثلث رجبعلی خراسانی وناظم اشعار میرزا فتح الله شیبانی کاشانی و میرزا صادق خان پروانه فرزند حاج میرزا حسین نواده دختری سیّد الوزراء قائم مقام فراهانی .

صحن زنانه

صحن زنانه در ضلع غربی صحن جدید و در قسمت جنوبی حرم مطهر واقع شده است . فضای آن طولاً ۲٤ متر و عرضاً

۱۹/۶۰ متر میباشد. این صحن ساده و جرزهای آن آجری وبدنه آن کچی است و ایوانی در آن بنا شده است بطول ۸/۶۰ متر وعرض ۷/۷۰ متر جرز آجر تراشی و در وسط ایوان کتیبه ایست بخط نستعلیق که اشعار ذیل بر آن نوشته شده است و در وسط اشعار بخط نسخ یا دافع البلیّات یا غافر الخطیأت نوشته شده است، بانی تعمیر ایوان سیّد محمد باقر متولی و شاعر خائف میباشد و اشعار اینست:

خسرو پهلوی رضا شه راد	چون به تخت شهنشهی بنشست
سمی پنجمین امام هدی	تولیت آن سمّی پاك سرشت
دید درگاه بنت موسی را	از مرور زمانه ریخته خشت
کرد تعمیر جمله طاق و رواق	نام نیکی برای خویش بهشت
سال تاریخ آن ز خائف جست	بجنابش چنین جواب نوشت
قبر را بوس و سر بسای و بگو	زائر قبر او رود به بهشت

۱۳٤٦

ایوان مذکور برواق جنوبی حرم متصل است، رواق تا ستون متصل بحرم بطول ۸/۷۰ متر و عرض ۵/۷۰ مترمیباشد. ازارهٔ آن بارتفاع ۱/۸۰ متر سنك مرمر است و بالای ازاره کتیبه ایست از کاشی معرّق زمینه لاجورد و دنباله کتیبه حرم مطهر است که شرحش گذشت و بالای کتیبه تا سقف کاشی معرّق و اسلوب ساختمان بند رومی واسلیمی ورسمی سازی است. از این رواق دری بمقبره شاه عباس ثانی باز میشود و برابر آن دری است که بخزانهٔ سابق آستانه گشوده می شده است و بر سر در خزانه اشعار ذیل بخط نستعلیق روی کاشی نوشته شده است:

بعهد پهلوی آن خسرو سپهر سریر

مهین شهنشه گیتی ستان کشور گیر

بسال شمسی بعد از هزار و سیصد و نه
شد این خزانه بدستور تولیت تعمیر

مطاف اهل یقین منظر خدای اینجاست
خزانهٔ حرم و خانه خدای اینجاست
زفیض حضرت معصومه بضعهٔ موسی
همان زمین که کند فخر برسما اینجاست

مقبرهٔ شاه صفی درهمین رواق بوده لکن صندوق آنرا برداشته‌اند و اکنون با سطح زمین رواق برابر است .

از صحن زنانه جنب ایوان راهروی است که مدخل مقابل سلاطین صفویه است وهم اکنون مدخل موزهٔ آستانه از صحن مذکور است و کتیبه‌ای دارد از کاشی لاجوردی که بخط نستعلیق بامرکب زرداشعاری بر آن نوشته شده است و اشعار بردو قافیه میباشد لکن قسمتی از این اشعار مربوط بدورهٔ صفویه است وقسمتی مربوط بدورهٔ بعد است وشاید قسمت دوم در جائی دیگر بوده و در اینجا بکار برده اند . عدد اشعار قسمت اول ۱۲ بیت و عدد ابیات قسمت دوم هفت بیت میباشد و قسمتی از ابیات ذیلاً نقل میشود :

هذه جنّات عدن فادخلو ها خالدین
زائرانرا از صریر در رسد بر گوش جان
خشت ایوان بلندش غیرت خورشید و ماه
صحن ایوان رفیعش مهبط کرّوبیان
ز التفات پادشاه صورت و معنی صفی
شد سر افراز مهم تولیت جمشید خان

شد تمام از معجز اقبال شاهی این بنا
تا مگر همچون حرم گردد مطاف انس و جان
کرد بنیان اساسی بارگاهی کز شکوه
باد یارب تا ابد از عمر و شاهی کامران
این رقم زد از پی تاریخ معمار قضا
مهبط صفح آلهی مرقد صاحب قران

موزه

موزهٔ آستانه دو قسمت میباشد: یك سالون بطول ۱۷/۶۰ متر و عرض ۴/۹۰ متر وسالون دیگر بطول ۱۶/۲۰ وعرض ۵/۵۰ مترمیباشد. ازارهٔ آن کاشی خشتی، سقف و بدنه گچی و از صحن زنانه دری بدان گشوده میشود چنانکه مدخل آن طرف شمالی صحن و درب آن دربقعه شاه سلطان حسین می باشد و غیر از این در درب مخصوص دیگری از خیابان موزه دارد که ازارهٔ آن از سنك و بدنه وسقف آنرا از خشتهای کاشی تزیین کرده اند ودر کمر بند ایوان آن کتیبه و اشعار ذیل نوشته شده

توانا بود هر که دانا بود

وزارت معارف و اوقاف

در روزگار شهریاری اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رضا شاه کبیر ساختمان موزهٔ آستانه مقدسه معصومه در ۴ آبان ماه شمسی ۱۳۱۴ انجام یافت و اشعار ذیل با کاشی در سردر مرقوم شده:

در زمان شهنشهه ایران — پهلوی وارث کی و جمشید
موزهٔ شد بشهر قم بر پا — که در ایران کسش نظیر ندید
کوشش حکمت آن مهین دستور — گشت درهای بسته را چو کلید

ز افتتاحش بـه نیمـهٔ شعبـان مردمان را دوجشن بودو دوعید
سـال شمسی این گشـایش را چون رشید از فرشتگان پرسید
یکی از انمیان برون شد و گفت موزهٔ آستـانـه گشت پـدیـد
۱۳۱٤ کاشی سازخاک نگار مقدم (رجوع بفصل مخصوص موزه شود) .

مدرسهٔ فیضیه

مدرسه فیضیّه پیشتر مدرسهٔ کوچکی بوده که بعد ها بر وسعت آن افزوده شده است . طول آن ۷۰/۶۰ متر، وعرض آن ۵۰ مترمیباشد و در قسمت جنوبی آن ایوان با شکوهی است بطول ۱۱/۲۰ متر و عرض ٤ متر و ارتفاع ۱۲/۵۰ متر، جرز ها و کتیبه وطاق بند کاشی معرّق زمینه لاجوردی و سقف ایوان مقرنس گچی و ازارهٔ آن با بدنـه بارتفاع ۱/۵۰ متر کاشی خشتی و کتیبهٔ آن کاشی معرّق لاجوردی بخط ثلث، بانی ایوان شاه طهماسب صفوی، معمار استاد سلطان قمی، سال بنا ۹۳۹ میباشد و صورت کتیبه این است

بسمه تیمناً بذکره

قد اتفق بنـاء هذه العمارة الشریفه و العتبة السیدة العلیـة الفاطمیة في زمان دولة سلطان اعـاظم السلاطین برهان اکارم خلف الخواقین خلیفة الانبیاء والمرسلین والائمة الطاهرین المعصومین مشید مبانی الشریعـة المصطفویة مؤسس اساس الملة الرضویـة رافع الویة العدل وحسان السلطان بن االا لسلطان بن السلطـان ابو المظفر شاه طهماسب بهادرخان اید الله تعالي بالنصرة والتأبید

سلطنته و شوکته وبالخلود والتأبید لازال مستنآً له في هزمـه عمّا افاد الدین المبین فقامو المابزر امارته من التشریف في اعلاء معالم الشّرع المبین محمّد و آله اجمعین تسعاً تقاوة اکابر السادات بالنقباء و الاشراف امیر الدّین بالشرف الموسوی في سنه ۹۳٤[1].

در بالای طاق نوشته شده عمل تقی سلطانی قمی و در ذیل آن اشعاریست لایقـره و در اضلاع شمالی و شرقی و غربی آن سه ایوان دیگر است و هریك بارتفاع ۱۲/٥ متر و طول ۹ متر و عرض ٦ متـر میباشد . بدنه تا زیرسقف کاشی خشتی زمینـه زرد وسقف ایوان شرقی و شمالی مقرنس گچـی و سقف ایوان غربی گچی ساده و در عقب ایوان غربـی مسجدی است و در قسمت فوقانی مسجد مدرس واقع شده بطول ۹ متروعرض ٦ مترو کتیبه‌ای ازکاشی‌خشتی داشته واشعاری بر آن نگاشته است که اکنون خشت های آن ریخته و اشعارغیرمنظم است . در دور تا دور مدرسه چهل و یك حجره بناشده، ارتفاع هرحجره از سطح زمین تا بام ٤ مترمیباشد، جرز ها آجرتراش‌وجبهه‌ایوانهای‌حجرات کاشی‌خشتی زمینه‌لاجوردی‌است ودرزمان‌آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری‌درقسمت فوقانی‌حجرات حجراتی‌ساخته‌شده‌است واکنون‌تمام مدرسه دوطبقه است .

دار الشفاء

دار الشّفاء پیشتر مریضخانهٔ آستانه وکوچکتر از بنای فعلی بوده است . فضای حالیه آن طولاً ۷۰/٥ متر وعرضاً ۳۲ مترمیباشد وسی و دو حجره در آن بنا شده است. ایوانی درقسمت جنوبـی آن است کـه

---

۱ ـ جمله های آخرکـتیبه ظاهراً مغلوط است .

از آنجا بمدرسهٔ فیضیّه متصل میگردد. ارتفاع آن ۱۲ متر و طول آن ۱۳ متر و عرض آن ٤ متر میباشد. بدنهٔ آن کاشی خشتی زمینه زرد و جرز های آن آجری و سقف مقرنس بوده است دارای کتیبه‌ای میباشد بخط نستعلیق و اشعار ذیل بر آن نوشته شده است:

این همایون درگه فرخ پی گردون همال
درگه علم است و باب فضل و کریاس کمال
این مقرنس طاق چبود این منوّر شمسه چیست
آسمانی با شکوه و آفتابی بیزوال
این حرم حرمت حریم این عرش فرشا بارگاه
گشت بنیاد از مثال پادشاه بی مثال
باد یارب بخت بیدارش چو حی لاینام
باد یارب ملك و اقبالش چو ملك لایزال

در قسمت علیای آن سنك مرمر کبود رنگی مشتمل بر تاریخ آن، در قسمت شمالی دار الشفا ایوانیست بعرض ۱ متر و طول ۱۱/٥ متر وارتفاع ۸ متر، جرزها آجری و اطراف جرزها کاشی گره سازی وسقف آن با آجر و کاشی و دارای کتیبهٔ کاشی می باشد بخط ثلث و حدیث نبوی که زمخشری در کشّاف و ثعلبی در کشف العیان نقل کرده است بر آن نوشته شده است و حدیث مذکور را در جزو کتیبه های ایوان طلا نوشتیم تاهر کس خواهد بآن رجوع کند.

در زاویهٔ شرقی آن آب انباری است که در سال ۱۰۵۵ بنا شده است. سر درب آن بارتفاع ۸ متر و طول ٦ متر و عرض ۲/۷۰ متر میباشد سقف آن مقرنس و کتیبهٔ آن کاشی خشتی بخط ثلث، بانی آن میرزا تقی اعتماد الدوله از وزرای سلاطین صفویه بوده‌است. نویسنده محمد رضای امامی اصفهانی، سال بنا ۱۰۵۵ وصورت کتیبه اینست:

في ايّام الدّولة السّلطان الاعظم والخاقان الاكرم و مروّج مذهب الائمّة المعصومين عليهم السّلام السّلطان بن السّلطان بن السّلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابو مظفّر شاه عبّاس الثّاني الصّفوى الموسويّ الحسيني بهادر خان خلد الله ملكه و سلطانه توفيق اتمام يافت.

عمارت اين بركه خادم الامراء مخدوم الفقراء توفيق آثارى ايران مديرى اعتماد الدوله العليّة العاليه الخاقانيّة مير زا محمد تقى المشهور بالساور تقى خالصاً الى الله تعالى فى شهر ربيع الاول سنه خمسة و خمسين بعد الالف، كتبه محمد رضا الامامى الاصفهانى و نيز اشعار ذيل بخط نستعليق بر كاشى نوشته شده است :

زين بركه دستور كه بادا جاويد
بر ياد حسين هر آنكه يك قطره چشيد
فى الحال ز بهر سال تاريخش گفت
لعنت بيزيد باد و بر گور يزيد

ميرزا تقى از بهر صفى شاه جهان — اين بركه نمود خير بر عالميان
جستم زخرد حساب تاريخش گفت — اين بركه بنا كرده وزير ايران

در سال ۱۲٤۰ تقى خان بروجردى بركه مذكور را مرمّت نموده و در سنگى كه در قسمت فوقانى سردرب بركه نصب نموده هفت عدد شعر بر آن كنده است و سه شعر از آن مذكور ميگردد:

مظهر لطف حق تقى خانا — در بروجرد و در زمانه وحيد
بانى كار هاى خير و صواب — ايزدش داده است بخت سعيد
جرعهٔ آب خورد وانكه گفت — سبّ ولعنت به شمر باد و يزيد

فصل پنجم
در ذکر نفایس آستانه

اعم از آنچه در موزه است و آنچه در داخل ضریح و رواقها است با ذکر تاریخچهٔ واقف

باید دانست که از میان تمام اشیاء آستانه و موزه اشیائی نامبرده میشود که کاملا جنبهٔ نفاست را دارا میباشد و برای سایر اشیاء موزه باید بگراور های آخر کتاب مراجعه شود .

(الف) قالیها و قالیچه ها

۱ ـ قالی بزرگ ابریشمین مقبره شاه عباس ثانی دو تخته که با هم تشکیل کثیرالاضلاع دوازده ضلعی منظم را میدهند که فاصله هر ضلع از ضلع مقابل ۸/۲۲ متراست . قسمت وسط آن بطول ۲/۶ متروعرض ۱/۲۱ مترجای صندوق مقبره خالیست . زمینه متن کرم نقره رنگ ودارای چهار حاشیه است: حاشیه اول عنّابی، حاشیه دوم نقره، حاشیه سوم عنابی، حاشیه چهارم زنگاری با نقش درختان سرو وکاج و گلهای مختلف. بافنده آن استاد نعمت الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی بسال ۱۰۸۲ .

۲ ـ قالیچه ابریشمین روی صندوق مقبرهٔ شاه‌عباس بطول ۲/۸۷ متر و عرض ۱/۷۱ متر که باگلابتون وابریشم بافته شده است دارای گلهای برجستهٔ مختلف. یك ترنج در وسط وچهار گلدان گل زمینه متن کرم و

حاشیه آبی آسمانی. بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی (۱).

۳ ـ قالیچه ابریشمین هشت ضلعی بطول ۱/۹۰ متر وعرض ۸۰ سانتیمتر زمینه متن نخودی دارای شش سرو و نقش شش مرغ وشاخهای گل مختلف و حاشیه باریك برنك زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت الله جوشقانی، سال ۱۰۸۲، واقف شاه سلیمان صفوی.

٤ ـ قالیچه ابریشمین هشت ضلعی بطول ۱/۹۰ متر وعرض ۱/۱۳ متر، زمینه متن آبی دارای پنج سرو کوچك وشاخه‌های گل مختلف و زمینه حاشیه زرد وقرمز، بافنده استاد نعمت الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۵ ـ قالیچه ابریشمی هشت ضلعی بطول ۱/۸۹ متر وعرض ۱/۳۰ متر زمینه متن آبی آسمانی، دارای نقش چهار سرو و دو صورت آدم و چهار ماهی و هشت مرغ که در دهان دو ماهی از آنها دو عنکبوت میباشد و هفت پروانه و یك درب عمارت و شاخه های گل مختلف، زمینه حاشیه رنگ زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

٦ ـ قالیچه ابریشمین بطول ۱/۹۳ متر وعرض ۷۰ سانتیمتر زمینه متن آبی دارای نقش پنج سرو و ده مرغ وشاخه های گل مختلف و زمینه حاشیه زرد وقرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان.

۷ ـ قالیچه ابریشمین بطول ۱/۹۳ متروعرض ۷۳ سانتیمتر، زمینه متن آبی دارای نقش سه سرو وشاخه های گل مختلف و زمینه حاشیه زرد وقرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

---

۱ ـ قالیچه مزبور بامر دربار شاهنشاهی به نمایشگاه لندن ارسال و حائز درجه یك در دنیا گردید (روزنامه اطلاعات).

۸ ـ قالیچهٔ ابریشمین بطول ۱/۹۳ متر و عرض ۷۱ سانتیمتر، زمینه آبی دارای نقش پنج سرو و نه مرغ و چهار ماهی و شاخهای گل مختلف، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۹ ـ قالیچهٔ ابریشمین بطول ۱/۸۷ متر و عرض ۶۹ سانتیمتر زمینه متن آبی دارای نقش شش سرو و دو مرغ و زمینه حاشیه زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۱۰ ـ قالیچه ابریشمین بطول ۱/۹۱ متر و عرض ۶۹ سانتیمتر زمینه متن آبی دارای نقش پنج سرو و دو مرغ و شاخه های گل مختلف زمینه حاشیه زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۱۱ ـ قالیچه ابریشمین بطول ۱/۹۱ متر و عرض ۷۴ سانتیمتر زمینه متن آبی آسمانی دارای نقش سه سرو و شاخه های گل مختلف زمینه حاشیه زرد و قرمز و گلهای آبی، بافنده استاد نعمت الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۱۲ ـ قالیچهٔ ابریشمین بطول ۱/۸۶ متر و عرض ۶۹ سانتیمتر زمینه آبی آسمانی دارای نقش هشت سرو و دو پروانه و شاخه های گل مختلف حاشیه زرد و قرمز با گلهای آبی، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۱۳ ـ قالیچه جانمازی ابریشمین بطول ۱/۳۸ متر و عرض ۱/۰۵ متر زمینه متن لاکی دارای نقش شاخه و گلهای مختلف و در وسط قالی اسماءالله و آیات قرآن، قسمت حاشیه طرف پائین زمینه سبز با نقش گل و بوته و قسمت حاشیه بالا زمینه قرمز مشتمل بر آیات قرآن، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

(ب) کاشیها

۱٤ ـ کاشیهای مرقد مطهّر حضرت معصومه ع که از سال ٦٠٥ تا سال ٦١٣ ساخته شده است و از چند قسمت مرکّب میباشد. روی مرقدمطهر را پانزده پارچهٔ خشت کاشی بطول۲/۹۵متر وعرض ۱/۲۰متر فراگرفته است که طول هریك از خشت ها ۰/۵۹ سانتیمتر وعرض ۰/٤۰ سانتیمتر میباشد. بدنه قبر را سه قسم کاشی پوشانیده است: کاشیهای خشتی لب برگردان که با شکل مخصوصی بکاشیهای روی قبر متّصل میگردد و کاشیهای تمام کوکبی ونیمه کوکبی که زیرکاشیهای خشتی قرار گرفته‌است وکاشیهای خشتی که زیر کاشیهای کوکبی‌است.

ارتفاع قبر مطهّر ۱/۲۰ متر میباشد و این اندازه کاشیهای مذکور است. کتیبه های آنها مختلف میباشد بعضی‌دارای کتیبهٔ برجسته شنجرفی بخط نسخ بوده و بعضی کتیبه برجسته شنجرفی بخط کوفی وبرخی دارای کتیبه طلائی بخط نسخ میباشد و زمینه‌آنها نیزمختلف میباشد از لاجوردی و قلم طلا و قهوهٔ و نقرهٔ و نقوش آنها نیزیکسان نیست، بعضی برجسته و بعضی ساده میباشد و کتیبه ها عبارت از سوره یسن و سوره الرحمن و سوره تبارك و سوره هل اتی و آیات مختلفه قرآن وبعضی‌احادیث است. بانی آن مظفر بن احمد بن اسمعیل و نویسنده و سازنده آن محمد بن ابی طاهر بن ابی‌الحسین و نویسندهٔ دیگر آن ابوزید است.

کاشی های علی ابن جعفر

۱۵ ـ کاشی های محراب علی بن جعفر مرکب ازچهل وپنج پارچه کتیبهٔ چهارده پارچه و نیم خشت مثلث دو تکه خشت نازك هشت دانه و نیم کاشی با خط کوفی یکدانه خشت بزرك که دور آن سورهٔ اذا جاء

نصر الله نوشته، یکدانه خشت بزرك که دور آن اللهم صل علی محمد المصطفی نوشته، یکدانه خشت کاشی گل برجسته، یکدانه محراب شکسته، ۱۶ قطعه که خطوط آنها برجسته وثلث وزمینهٔ آنها لاجوردی وطلائی میباشد که از تاریخ ۷۱۰ تا ۷۴۰ هجری در کاشان توسط استاد جمال نقاش ساخته شده است.

۱۶ - کاشی های ازارهٔ علی بن جعفر هشت ترك دارای نقش حیوانات و طیور و گل و بوته طلائی است که استاد جمال نقاش در کاشان ساخته است.

۱۷ - کاشی های کتیبهٔ علی بن جعفر که در کارخانه سیّد رکن الدین در کاشان توسط استاد جمال نقاش ساخته شده است، زمینه لاجوردی، دارای گل و بوته طلائی، خشت ها مربع ۳۲ سانتیمتر در ۳۲ سانتیمتر، دارای حاشیه‌ای باندازه هشت سانتیمتر که بگل و بوته طلائی مزین میباشد.

۱۸ - کاشی های روی قبر علی بن جعفر که اندازه خشت آن ۷۵ در ۷۰ سانتیمتر میباشد، زمینه لاجوردی دارای اشکال ترنج وشاخه های افشان حاشیه ده سانتیمتر آیة الکرسی نوشته شده برجسته و در طرف راست لوحه محمد بن موسی الکاظم است و طرف چپ لوحه علی بن جعفر است.

کاشی های امام زاده اسماعیل

۱۹ - کاشی امام زاده اسمعیل که در سال ۶۶۱ هجری ساخته شده بشکل کوکبی زمینه قهوه طلائی دارای گل و بوته وسه سوار مغول، حاشیه دوسانتیمتر، زمینه سفید، اندازه خشت ۳۰ در ۳۰ سانتیمتر میباشد و از کاشی های امام زاده اسمعیل سه خشت دیگر در موزهٔ آستانه میباشد

یکی زمینهٔ آن فیروزه دارای نقش یك اژدهای برجسته و دوم زمینه بنفش دارای صورت شکار و سه مرغ و سیّم زمینه قهوه طلائی با نقش اژدهای برجسته.

(ج) زریها

۲۰ - پرده زری زمینه اطلس عنابی دارای گل های برجسته بطول ۳ متر و ۱۵۰ سانتیمتر و عرض ۱/۵ متر.

۲۱ - زری اطلس کهنه‌متن بوته‌برجسته‌زمینه‌مینائی‌طول ۱/۷۶ متر.

۲۲ - زری مرغی گلدار زمینه صورتی طول ۱متر وعرض ۰/۶۷ سانتیمتر عمل احمد.

۲۳ - زری گلدار زمینه قهوه دارای گلهای‌زردطول ۱/۳۵ متر عرض ۶۷ سانتیمتر.

۲۴ - پرده زری عمل سیفی دروسط‌صورت یك سروویك‌درخت زمینه زربفت طول ۲ متر عرض ۵۹ سانتیمتر.

۲۵ - قسمتی از زری نقشه چین کار استاداناصفهان دارای گل‌و بوته و نقش دو عقاب و یك اژدها در وسط طول ۶۵ سانتیمتر عرض ۵۳ سانتیمتر.

(د) قرآنها

۲۶- قرآن مجیدخط‌میر سنجری‌بخط ثلث، جلدسوخته اعلا، کاغذ ترمه، ورق اول مذهب‌باطلاء لاجوردی‌وشنجرف، خطوط وسط هرورق بخط ثلث با آب طلا نوشته شده، حاشیه اوراق با تذهیب مینا و طلا منقش گردیده، طول هر ورق۳۵سانتیمتر، عرض۲۵ سانتیمتر، واقف فخر الملوك، سال وقف ۱۲۳۰وقف بر آستانه حضرت معصومه.

۲۷- قرآن خطی جلد سوخته از طرف رو روغنی و ازطرف پشت سوخته، ورق اول هر سورهٔ مذهب باطلا ولاجورد خیلی عالی درتمام صفحه ها بین سطور سه سطر باطلای اشرفی و خط ثلث نوشته شده، این قرآن شبیه بخط یاقوت‌است ولی تاریخ ندارد، عدداوراق ۳۲۱ ورق، طول ۳۶ سانتیمتر، عرض ۲۱ سانتیمتر، واقف شاه سلیمان صفوی، سال وقف ۱۰۸۵.

۲۸- قرآن خطی جلدروغنی زمینه‌عنابی وسط ترنج،اغلب سرسوره‌ها بخط کوفی نوشته شده است، این قرآن خیلی قدیمی است، تاریخ کتابت آن ۵۹۰ میباشد، کاتب ابن مقلة بن سلیمان محمودو دارای مهرشاه سلطان حسین صفوی، جلد عوض شده و تازه است و دور جلد خط ثلث قدیم و کوفی بخط احمد نیریزی‌است، سال ۱۱۱۸، عدد اوراق ۲۸۰، طول ۲۸ و عرض ۱۶ سانتیمتر است.

۲۹ - قرآن خطی جلد سوخته اعلا، کاغذ ترمه‌ورق اول و دوم تذهیب خیلی عالی، سوره حمد واول سورهٔ بقره‌بامرکب سفید روی طلای اشرفی نوشته شده است، سایر صفحات واوراق قرآن تمام حاشیه ها زر افشان با طلاست، هر صفحه ده‌سطر دارد، یك‌سطر با مرکب مشکی یك سطر با طلای اشرفی، عدد اوراق ۳۵۱، کاتب‌حاج غیاث الدین‌محمد بن احمد الحسینی التبریزی، تاریخ کتابت ۹۹۲، طول ۳۰ و عرض ۲۰ سانتیمتر میباشد، واقف فاطمه مادر شاه سلیمان صفوی، سال وقف ۱۰۹۸.

۳۰ - قرآن خطی جلدسوخته اعلا کارقدیم، دورجلد آیة الکرسی تمام اوراق تذهیب شده با آب طلای اشرفی در کاغذ خانبالق و حاشیه آن لاجوردی و طلا، هر صفحه سه سطر بخط درشت ثلث که دوسطر

بالاو پائین خط لاجوردی و خط وسط طلای اشرفی ، کاتب یاقوت، عدد اوراق ۳۷۲، طول ۳۲ و عرض ۲۰ سانتیمتر، واقف شاه سلیمان، سال وقف ۱۰۷۷.

۳۱- قرآن خط کوفی روی پوست آهو صفحه اول قرآن پشت صفحه تذهیب و نقاشی کار خیلی قدیم، سرسوره نقاشی قدیم باطلای اشرفی، عدد اوراق ۲۳۹ و صفحه آخر با طلا منقش میباشد و این علائم قدمت آنرا میرساند ولی جلد قدیمی قرآن نیست فعلاً جلد چرمی دارد بعلاوه تمام قرآن یك ورق خط کوفی در روی پوست که ازطرف عرض پوست نوشته شده در جوف قرآن است و بقیه اوراق حاضر نیست، طول هر ورق ۲۵ سانتیمتر، عرض ۱۹ سانتیمتر، کتابت قرن سیم است.

۳۲ - قرآن کوفی خیلی اعلا کارقدیم یك ورق ازآن تذهیب خیلی قدیمی دارد و روی یك صفحه آن پنج سطر که بخط سبز و قرمز و ماشی در روی جلد نوشته شده، این یك ورق براوراق دیگر ترجیح دارد، کلیه اوراق موریانه خورده، طول یك صفحه درست ۲۲ و عرض ۱۸ سانتیمتر است.

(هـ) اشیاءِ متفرقه

۳۳ - صندوق خاتم مقبرهٔ شاه صفی که دور آن با خط ثلث برجسته سورهٔ یس است و هنرها در ساختن آن بکار رفته است وفعلاً در موزه و جزو نفایس است.

۳٤ - قندیل طلای مرصع بجواهرات دارای شش ترك پائین و شش ترك بالا و چهارده ترك وسط و مکلل بدانه های یاقوت و زمرّد درشت وریز و الماس، وزن یك من و یکچارك که از طرف سلطان وقت در سال ۱۲٤۲ وقف شده .

۳۵ ـ قندیل طلای میناکاری برجسته اعلا مصوّر با گـل و بوته، ارتفاع آن ۲۱ سانتیمتر است.

۳۶ ـ شمشیر و غلاف آن ـ دسته شمشیر شیرماهی و طلاکوب و ته غلاف چهار انگشت باز از طلای منبت ساختـه‌شده، بند غلاف در یك رشته متصل به دوبست، دارای دوازده دانه یاقوت وزمرّد که در طلای مینا نصب شده، بند چرم، دارای شیرو قلاب طلا دروسط بندو بازو بند یشم مرصع بیاقوت و دارای ٦٦ دانه یاقوت درشت و روی تیغه بسم الله تعالی، واقف حسینعلی خان قاجار، سال وقف ۱۲۱٦ .

۳۷ ـ سپر مرصع روی پوست منبت بگلهای برجسته و دارای یك حاشیه ووسط سپر دارای یك گل چهار پر که دور آن نیز حاشیه دارد و شش دانه قپه طلا که روی آنها مینا بوده و ریخته و قدر کمی باقی است، واقف حسینقلی خان قاجار.

۳۸ ـ ساعدبندفولاد دو لنگه‌دست راست روی ساعد بند پنج ترنج دارد و دست چپ روی ساعدبند هفت جفت ترنج برجسته، واقف حسین علیخان قاجار .

۳۹ ـ تبرزین که سرآن فولاد و پائین و بالای آن روی طلامینای برجسته وسط دسته تیماج سیاه که روی آن مفتول طلا بشکل مار پیـچ پیچیده شده است و درجلو تبرزین دانه های یاقوت بوده که حالیه خرد شده است، واقف حسینعلی خان قاجار.

٤۰ـ قمه دسته قمه شیرماهی روی تیغه با طلا نقش غلاف قمه طلای مینای برجسته و منقوش، واقف حسینعلی خان قاجار.

٤۱ ـ شمشیر مرصع ـ دسته شمشیر دارای ۱۳٤ تخمه است کـه عبـارت از المـاس و یاقوت درشت و ریز و زمرّد است و متن دسته

طلای مینا و مرصع بدانه های مزبوراست، غلاف شمشیر دارای دوبسته طلای مینای مرصع پشت دو صورت مینا دارای ۲۴ دانه یاقوت کوچك و چهار دانه یاقوت درشت و دودانه زمرّد درشت، بند غلاف دارای ۷۴ عدد یشم و روی یشمها یاقوت ریز هرکدام نه دانه و دو عدد از یشمها بزرگتر و هریك دارای بیست و چهار دانه یاقوت میباشد ودارای یکدانه شیر قلاب طلا که در منتهی الیه بند غلاف است و در پائین غلاف طلای مینا باگل و بوته میباشد، تیغه شمشیر فولاد و بخط طلا وقف صاحب الزمان دارد، واقف حسینعلی خان قاجار.

۴۲ ـ بخورسوزنقره مشبك متعلق بقرن هفتم هجری، ارتفاعش ۴۵ سانتیمتر.

۴۳ ـ شمعدان برنجی دو شاخه که شاخه های آن ازسروگردن دواژدها تشکیل یافته متعلق بسال ۱۰۷۷ هجری، ارتفاعش ۲۷ سانتیمتر.

۴۴ـ چراغ برنجی روغنی متعلق بقرن دهم‌هجری، کبوتریست که درداخل آن مخزن روغن قرارداده اند، پس ازسوختن روغن‌از لوله‌ای که در سینه کبوتر است مجدداً روغن بطرف زیر پای کبوتر ریخته و سوختن را ادامه میدهد، طول ۱۸ وعرضش ۱۶ سانتیمتر است.

۴۵ ـ رحل‌روغنی دارای نقّاشی بسیارعالی مرکب ازاقسام حیوانات و پرندگان، زمینه مشکی، ارتفاعش ۴۸ وعرضش ۱۷ سانتیمتراست.

۴۶ ـ درب طلا که صفحه زیرین آن نقره و روی نقره پارچه های طلا با نقش اژدر درهم‌کوبیده اند و نیز صفحه های طلا باشکال مختلف مضلّع کوکبی و غیرکوکبی که درآنها نامهای خداوند و اشعار نوشته و کنده شده است متن و حاشیه آن جای داده‌اند، طول آن ۳/۲۰ متر

عرض ۱/٤ متر که از طرف سلطان وقت وقف شده و سال وقف ۱۲۲۱ هجری قمری است.

٤۷ ـ درب نقره کـه سراپای صفحه سیم است و در وسط قسمت فوقانی و تحتانی هر مصراع مانند بیضی شکل بیرون آورده اند و اطراف آن کتیبه واشعـاری بخط بر جسته نوشته اند، واقف حسینقلی خان مافی (نظام السلطنه)، سال وقف ۱۳۱۰ هجری قمری میباشد.

تنبیه چنانچه مذکـور گردید اشیاء نفیسهٔ آستانه منحصر باشیاء نامبرده نیست و اشیاء مزبوره بلحاظ اهمیّتی که از حیث نفاست یا قدمت در درجـهٔ اوّل بوده اختصاص بذکر یافت و برای سایر آثار نفیسه باید بگراورها و شرحیکه زیر هریك نوشته‌شده مراجعه نمود.

فصل ششم

اسامی رجالیکه در اطراف آستانه مدفونند

پیشتر گفتیم که در آستانه حضرت معصومه ع تغییراتی روی داده و بتدریج بر بناهای آن افزوده شده است و قطعی است که در این تغییرات قبور بسیاری از اعاظم ازطبقه دانشمندان و رجال بزرك ازمیان رفته‌است و تعیین آرامگاه آنان دشوار میباشد از آنجمله قبر محمد بن حسن صفّار قمی مؤلف کتاب بصائر الدرجات میباشد که فقیه و محدّث بارعی بوده و از صحابه حضرت عسگری است و از آنجمله قبر ابو عبدالله محمد بن خالد برقی است که در علوم غریبه نیز احاطه داشته و مؤلّفاتش بسیار است و از آنجمله قبر حکیم بلند پایه و دانشمند گرانمایه مولی عبد الرزاق لاهیجی ملقب به فیّاض صاحب تألیفات رشیقه مانند شوارق الالهام درشرح تجریدالکلام و گوهر مراد وغیر اینها و از آنجمله قبر مشیّد کاخ عرفان و حکیم کوچك قمیان قاضی سعید قمی وغیر اینان ازفقها وادبا وشعرا و وزراء که قبورشان مجهول میباشد و از بزرگانی که قبورشان معلوم است بعضی ازآنان را یاد میکنیم تا رشتهٔ نگارش بطول نیانجامد .

ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی پدر بزرگوار رئیس محدثین شیخ صدوق میباشد، قبرش درقسمت شرقی قبرستان واقعست

جائیکه بابن بابویه معروفست و دارای صحن کوچك و گنبد شلجمی شکل کاشی کاری و بقعه وضریح چوبین میباشد. ابوالحسن از فقهای معتبر قم بشمار میرفته و عهد همایون حضرت عسکری را دریافته و توقیعی از آن حضرت بافتخار وی رسیده است و دارای مصنّفاتی میباشد از آن جمله: کتاب التوحید، کتاب الامامة، کتاب التبصرة من الحیرة، کتاب الاملاء، کتاب المنطق، کتاب التفسیر، کتاب الاخوان، کتاب الطب، کتاب المعراج، وفاتش درسال ۳۲۹ هجری اتفاق افتاد.

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه در زمان غیبت صغری متولد گردید و در فقه و حدیث مهارتی بسزا داشت وشیخ مفید که ازاعاظم فقهای امامیه است فقه را ازوی آموخت. مصنفاتش بسیار است از جمله کتاب تاریخ شهور و حوادث، کتاب قضا و آداب احکام، کتاب الشهادات، کتاب کامل الزیاره، وفاتش درسال ۳٦۹ واقعشده و قبرش درشرقی شیخان جائی که اکنون حاشیهٔ باغ ملی است میباشد.

علی بن ابرهیم بن هاشم القمی از فقهای شهیرشیعه امامیهاست و کتبی تصنیف فرموده است از جمله کتاب تفسیر القرآن، کتاب قرب الاسناد، کتاب التوحید والشرك، کتاب الشرایع، کتاب المغازی و سال وفاتش معلوم نیست و قبرش نزدیك قبرابن قولویه ودر شمال آن میباشد.

زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد الاشعری القمی از اصحاب کبار حضرت رضا علیه السلام است و در نزد آنحضرت منزلتی داشت و دو کتاب تصنیف فرمود یکی در حدیث و دیگردرمسائلیکه ازحضرت رضاع شنیده است، سال وفاتش معلوم نیست و قبرش درشیخان زیر قبهٔ کوچکی که بنام‌اوست میباشد.

قطب‌الدین سعد (۱) **بن هبةالله الراوندی** فقیهی بزرگمایه بوده است و پدر و جد واولاد او همگان در شمار علماء و محدثین اند و مصنفاتی دارد از جمله کتاب‌الخرائج والجرائح، کتاب الایجاز، کتاب المغنی در ده جلد، کتاب خلاصة التفاسیر، کتاب المستقصی، کتاب ضیاء الشهاب، کتاب حل العقود فی شرح الجمل والعقود، کتاب غریب الاحکام، کتاب منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، کتاب تهافت الفلاسفه، کتاب نفثة المصدور، کتاب فقه القرآن، کتاب قصص‌الانبیاء، کتاب البحر، وفاتش در چهاردهم شوال سال ۵۷۳ واقعشد و قبرش درقسمت جنوبی صحن جدید میباشد و مزاری مشهور است.

ابوجریر زکریابن ادریس محدّثی بارع و جلیل القدر است واز حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا علیهم السلام احادیث فراگرفته است و کتابی تصنیف نمود وقبرش درغربی‌شیخان واقعست.

ادم بن اسحق بن ادم الاشعری القمی از فقها و محدّثین بزرگ امامیه است و کتابی تصنیف فرمود و قبرش درغربی شیخان واقعست.

محمد طاهربن محمد حسین القمی از فقهای مشهورقم میباشد و معاصر فیض و فیاض بوده و با فرَق صوفیه سخت تعصب می ورزیده است و با علمائیکه نماز جمعه‌را ترك می کردند پیوسته درکشاکش بوده است و با مولی خلیل قزوینی داستانها دارد و بعضی از مصنفاتش مذکور می گردد: کتاب اربعین درفضائل امیرالمؤمنین، کتاب بهجة الدارین، کتاب حکمة العارفین، کتاب شرح تهذیب الحدیث، کتاب حجة الاسلام فی اصول الفقه و الکلام، کتاب الفوائد الدینیه فی الرد علی الحکماء و

۱ـ در تمام‌کتب رجال سعد بن هبةالله ضبط شده است مگردر نسخهٔ اقبال که سعید است وگویا اشتباه از ناسخ باشد.

الصوفیه ، قبرش در قم در زاویهٔ شمالی بقعهٔ زکریا ابن آدم است .

میرزا حسن فرزند مولی عبد الرزاق لاهیجی از علمای جلیل - القدر است و در قم تدریس مینموده و از مصنفاتش یکی شمع الیقین است در امامت و دیگری جمال الصالحین در ادعیه و قبرش در جنوب شرقی قبرستان قم واقعست .

ابوالقاسم بن محمد حسن الجیلانی مشهور بمیرزای قمی محقق گرانمایه وفقیهی بلند پایه بوده است و از فنون ادبیه نیز بهرهٔ کافی داشته و از اخلاق ستوده اش داستانها گویند . ریاست شیعه بوی رسید و الحق بجای بود و مصنفانش بسیار است از جمله قوانین الاصول و کتاب غنایم در ابواب عبادات و کتاب مناهج و کتاب جامع الشتات در اجوبه مسائل و دیوان شعر فارسی و عربی درحدود پنجهزار بیت ومنظومه‌ای درعلم معانی وبیان، ولادتش در سال ۱۱۵۲ و وفاتش در سال ۱۲۳۱ واقع شد و در ماده تاریخ وفاتش گفته شده است : ازاین جهان بجنان صاحب قوانین رفت و بر روی لوحهٔ قبرش ماده تاریخ وفاتش غزال است .

(نقطه مشکین گشا از ناف مشگین غزال)

حاج شیخ عبد الکریم حائری دانشمند شهیر قرن اخیر و مفتی دیار شیعه بود، ولادتش درسال ۱۲۷۶ هجری قمری در قریه مهجرد یزد واقعشد و پس از تحصیل و تکمیل علوم عربیه و ادبیه بعتبات رفت واز دروس اساتید بزرك بهره‌ای بسزا گرفت و از آن پس چندی در کربلا تدریس مینمود و در سال ۱۳۳۲ آغاز جنك عمومی بایران بازگردید و در سلطان آباد عراق زیستن نمود و حوزهٔ علمیه تأسیس فرمود و در سال ۱۳٤۰ بعزم زیارت بقم آمد و براثر درخواست علماء درقم توقف

نمود و حوزهٔ علمیه را وسعت داد و فضلاء و دانشمندان گردش انجمن شدند و مقارن این تاریخ قم یکی از بزرگترین شهر های علمی و دینی گردید و اخلاقش ستوده وصفاتش پسندیده بود ومریضخانه‌ای در قم تأسیس نمود و از مصنفاتش که بطبع رسیده یکی درر الاصول است و دیگری کتاب صلوة و وفاتش در شب شنبهٔ هفدهم شهر ذی القعده سال ۱۳۵۵ قمری واقعشد و عالم جلیل سیّد صدر الدین صدر در ماده تاریخ وفاتش گفته است (لدی الکریم حلّ ضیفاً عبده) وقبرش دربقعه‌ای که در طرف جنوبی دار السّیاده است میباشد و چنانکه پیشتر گفتیم علاوه بر مشاهیر مزبور اشخاص جلیل القدر دیگری نیز درقم بخصوص در شیخان مدفون میباشند.

و امّا شاهانی که در قم مدفونند شش تن میباشند چهار کس ازشاهان صفوی و دو تن از سلاطین قاجار بترتیبی که نکاشته میگردد :

شاه صفی اول پسر صفی میرزا پسر شاه عباس بزرك و نامش سام میرزا بوده و چون اورا بسلطنت بر داشتند نام شاه صفی بر خود نهاد و در سن هفده سالگی بسلطنت رسید و در سال ۱۰۵۲ در سن سی ویك سالگی وفات نمود و جنازه اش را بقم حمل کردند و در ضلع جنوبی حرم مطهر دفن نمودند و چون قبرش در مدخل حرم مطهر از طرف صحن زنانه بود صندوق قبرش را بر داشتند و اکنون قبرش باسطح رواق مساوی است و صندوق قبرش که کنده کاری و منتهی مهارت را در آن بکار برده اند در موزهٔ آستانه میباشد.

شاه عباس ثانی پسرشاه صفی است و درسن ده سالگی بسلطنت رسید و درسال ۱۰۷۷ در خسرو آباد دامغان وفات نمود و جنازه اش را

بقم حمل نمودند و در ضلع جنوب غربی حرم جائی که اکنون بقعهٔ مخصوص اوست دفن نمودند.

شاه سلیمان پسر شاه عباس ثانی است و در سال ۱۱۰۵ در سن چهل و نه سالگی از دنیا برفت و جنازه اش را بقم آوردند ودربقعه ای که در جنوبی مسجد بالای سر و شمالی‌موزهٔ آستانه است بخاك سپردند.

شاه سلطان حسین پسر شاه سلیمان است که در سرای سلطنتی بدست اشرف افغان کشته شد وجنازه اش‌را بقم حمل کردند ودربقعه‌ای که در طرف شرقی بقعهٔ شاه سلیمان است دفن نمودند.

فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۵۰ درسن شصت و هشت سالگی در اصفهان وفات نمود و جنازه اش‌را بقم حمل کردند و درطرف شمال صحن عتیق در بقعه مخصوص دفن نمودند.

محمد شاه قاجار در سال ۱۲٦٤ در تجریش وفات یافت و جنازه اش را بقم حمل کردند ودرقسمت غربی صحن عتیق دربقعه‌ای که جنب راهرو مدرسهٔ محمد شاه است دفن نمودند واما رجال وبزرگان دیگر از طبقه وزراء وسفرا و حکام که در پیرامون آستانه مدفونند بدون رعایت ترتیب از اینقرار است:

علی اصغر اتابك پسر محمد ابراهیم امین السلطان که صدارت اعظم ایران در زمان ناصر الدین شاه و مظفر الدین شاه بوی مفوّض بوده وصحن جدید قم از آثارخیریهٔ او است، درسال ۱۳۲۵ قمری وفات یافت و قبرش در بقعه‌ای که جنب ایوان آئینه است میباشد.

کامران میرزا فرزند ناصر الدین شاه کـه نیـابت سلطنت و نیز حکومت طهران را داشته است در سال ۱۳٤۷ قمری وفات یافت ودر بقعهٔ فتحعلی شاه واقع در صحن عتیق مدفون گردید.

حسن مستوفی فرزند کاظم که مستوفی دیوان و از مشاهیر این فن است، وفاتش در سال ۱۲۶۰ واقعشد ومادهٔ تاریخ فوتش این مصراع است (طوبی و تبارك لك بالجنّة مأواك) و قبرش در صحن عتیق در بقعه ای که در قسمت شمالیاست واقع میباشد.

عین الملك داماد محمد شاه بوده وگویند وقتی شغل وزارت را نیز داشته است، سال وفاتش بطور تحقیق معلوم نیست واز روی قرائن ۱۲۸۷ میباشد و قبرش درصحنعتیق در بقعهای که رویآب انبار واقع شده میباشد.

محمد حسن حاجب الدوله فرزند محمد رحیم خان که امیر نظام و وزیر دربار ناصر الدین شاه بوده است، وفاتش درسال ۱۳۰۵ قمری واقعشد و قبرش در صحن جدید در بقعهٔ طرف غربی ایوان آئینه است بنام بقعهٔ حاجبالدوله.

احمد مشیرالسلطنه وزیر دربار و پیشکار ولیعهد مظفر الدین شاه در تبریز بوده است و چندی نیز وزیر خزانه بوده و در سال ۱۳۳۰ وفات یافت وقبرش درصحن جدید در بقعهای که طرف جنوبی است واقع میباشد، مشیرالسلطنه ازمردان نیکو سیرت بوده و ازآثار او یکی بنای مدرسه و مسجد مشیر السلطنه است در تهران و دیگر طبع کتب از قبیل مرآة العقول و معتبر محقق و املاکی بر مدرسه و مسجد مذکور وقف نموده است.

فرخ امینالدوله وزیر ناصر الدین شاه بوده و در سال ۱۲۹۰ قمری وفات یافت و ماده تاریخ فوتش این مصراع است (فرّفرخ زداو باوج جنان) و قبرش در صحن عتیق در بقعه ایست که درقسمت غربی واقع میباشد.

عبدالصمد عزالدوله فرزند محمد شاه ثانی که شغل سفارت داشته و مرد ادیبی بوده و زبان عربی و انگلیسی را خوب می‌دانسته است، وفاتش در سال ۱۳۴۸ بوده و قبرش در صحن عتیق در بقعهٔ محمد شاه است.

جهانگیر ناظم الملك بیشتر عمر را در سفارت و قونسلگری گذرانیده است و بخوبی از عهده بر آمده وزمانی نیز کفیل وزارت خارجه بوده و چندین کتاب تصنیف نموده است از جمله حقیقت نامه که در استانبول بطبع رسیده ووصیّت نامه و دیوان شعری دارد، مردی پاکدل و نیکو سیرت و دانشمند دوست بوده است، وفاتش درسال ۱۳۵۲ قمری واقعشد وقبرش‌دربقعهٔ جنوبی رواق شرقی است متصل بحرم مطهر.

منوچهر معتمد حاکم اصفهان بوده و در زمان محمد شاه درجنگ خوزستان فرمانده بوده است، وفاتش در سال ۱۲۶۳ و درصحن عتیق در بقعه طرف غربی مدفون است.

نقی رکن‌الدوله فرزند تقی و نواده محمد شاه ثانی‌است و نایب ـ الایاله خراسان و فارس و طبرستان و لرستان بوده و در سال ۱۳۳۵ قمری وفات نمود و قبرش در صحن عتیق در بقعه محمد شاه میباشد.

ملك منصور شعاع السلطنه فرزند مظفر الدین شاه حاکم شیراز بوده است، وفاتش در سال ۱۳۳۹ واقعشد وقبرش درکفش کن صحن جدید جنب بقعه اتابك‌میباشد.

مهدی اعتضاد الدوله فرزند سپهسالار حکومت قم و کاشان و ساوه را داشته و در سال ۱۳۰۷ در کاشان فوت کرده است و قبرش در صحن عتیق در بقعهٔ جنب مسجد بالای سر واقع شده است.

ابراهیم معتمدالسلطنه پسر قوام الدوله حکومت تبریز و قزوین

را داشته است و در سال ۱۳۳۵ فوت کرده و قبرش در صحن عتیق در بقعهٔ طرف شرقی است .

اسد الله نظام الدوله فرمانفرمای فارس بوده و در سال ۱۳۱۹ فوت نموده است و قبرش در صحن جدید در بقعه قائم مقام ترك جنب كفش كن جنوبی ایوان آئینه میباشد .

علینقی بهاء الملك فرزند امان الله از ایل قراگوزلو است ، در اوائل جوانی داخل در خدمت دولت گردید و مورد لطف ناصر الدین شاه گشت و موفق بدریافت مأموریتهای بزرك گردید و بارها مأموریت اروپا یافت و در سال ۱۳۳۲ در پاریس وفات یافت و قبرش در صحن جدید میباشد .

باقر سعد السلطنه حکومت قزوین و زنجان را داشته و در سال ۱۳۲۵ فوت کرده است وقبرش درصحن جدید دربقعهٔ طرف شمالی است.

عبد الرحیم قائم مقام ترك نائب الحکومه تبریز بوده و درسال ۱۳۱۹ قمری فوت کرده است و قبرش در صحن جدید در بقعهٔ جنب کفش کن جنوبی ایوان آئینه است.

محمد اقبال الدوله پسر هاشم امین الدوله حکومت کرمان را داشته و در سال ۱۳٤۲ وفات نموده است و قبرش در صحن عتیق در بقعهٔ امین الدوله است .

زین العابدین امیر افخم همدانی حکومت شهرهای بزرك را کرده و در صحن عتیق در بقعهٔ جنب بقعهٔ عین الملك مدفون است .

فصل هفتم

تشکیلات قدیم و جدید استانه

و اسامی موقوفات فعلی و بودجهٔ سال ۱۳۱۶

ابنیه آستانه پیش‌ازدورهٔ‌صفویه‌توسعهٔ نداشته و موقوفات آنهم خیلی کمتر ازموقوفات فعلی آن بوده باین‌مناسبت تشکیلات‌مفصلی هم‌نداشته و مطابق مدارکیکه موجوداست عدّهٔ خدّام در اوائل دوره‌صفویه پنجاه نفر و کار این عده پاسبانی حرم و انتظام داخلی آستانه بوده است.

سلاطین صفویه که از دو نقطهٔ نظر «یکی جنبه مذهبی و دیگر ازنقطه نظر مقابری که در پیرامون آستانه داشتند» توجه خودرا برفزونی ابنیه و توسعهٔ تشکیلات آستانه معطوف داشتند وبنا های مجلل و باعظمتی ایجاد نمودند که فعلاً بعض از آنها جزء آثار تاریخی و از جنبه صنعت معماری اهمیّت فوق العاده دارد.

برای توسعه تشکیلات آستانه شاه طهماسب صفویه یکی از پسران (۱) میر سیّد حسین خاتم المجتهدین(۲)را بتولیت آستانه حضرت

---

۱ - میرزا سید حبیب الله جد حاجی سید محمد باقر متولی باشی فعلی.

۲ - خاتم المجتهدین اصلاً جبل العاملی و بدعوت شاه طهماسب صفوی بایران آمد و پادشاه صفوی اورا بخاتم المجتهدین ملقب گردانید و چون ازعلمای درجه اول آن زمان و مورد توجه پادشاه و مردم بود وهمچنین خود و پسرانش بصحت عمل ودرست کاری معروف بودند سه پسر او بتولیت آستانه حضرت معصومه و حضرت عبد العظیم و مقبره شیخ صفی منسوب گردیدند.

از اینقرار که میرزا حبیب الله بتولیت آستانه حضرت معصومه ومیرزا سید هدایت بتولیت آستانه حضرت عبد العظیم و میرزا سید حسن بتولیت مقبرهٔ شیخ صفی معیّن شدند.

معصومه منصوب و از اصفهان بقم اعزام داشت، تولیت مزبور مطابق مقتضیات زمان و احتیاجات آستانه هفتاد نفر بر عدّهٔ خدّام افزود و مشاغل آنها را بطریقی که ذیلاً شرح داده میشودتعیین کرد:

۱ - **مستوفی** - مسئول تنظیم حساب در آمد و هزینه آستانه و مصرف آن و نگاهداری سوابق خدّام بوده،

۲ - **مشرف** - مسئول نگاهداری وتنظیم دو دفتربوده یکی ثبت اسناد آستانه و دیگر ثبت تعداد و مشخصات هدایا،

۳ - **خازن** - مسئول نگاهداری نفایس آستانه بوده است،

٤ - **ضابط** - اثاثیه خارج ازخزانه راکه در حرم یابیوتات دیگر بوده یامورد احتیاج کشیك خدام میبود مسئول نگاهداری وضبط آنها بوده است،

٥ - **سر کشیك** - مسئول انتظام داخلی آستانه بوده است،

٦ - **خطیب** - هرشب باحضورخدام خطبه‌ای شامل حمدوثنای پیغمبر و دعای سلطان وقت قرائت مینموده است،

۷ - **خادم** - تحت نظر سرکشیك عهده دار پاسبانی آستانه و سرکشیك مسئول تولیت وقت بوده.

در قرن اخیر بار دیگر ابنیه آستانه توسعه پیدا کرد و قسمتهائی بر آن افزوده گشت وچون عدهٔ خدام برای نگاهبانی آستانه کافی نبودند شصت نفر دیگر بر یکصد و بیست خادم اضافه شد و مانند سابق در سه کشیك مشغول انجام وظیفه بودند وحقوق خودرا نیزمانند دورهٔ صفویه که حقوق نقدی آنها حد اقل پنج ریال و حد اکثر صد ریال بوده از در آمد مستغلات در یافت میکردند و چون غالب موقوفات

مزروعی و جنسی بود لذا به تناسب حقوق نقدی بین آنها تقسیم میشد وهرزمان که در آمد آستانه زیاد میگردید آن زیادی نیز به تناسب حقوق اولیه که آنرا (بنچه) میگفتند بین خدام تقسیم میشد فقط فرقی که در قرن اخیر پیدا شد مبلغ مهمّی از در آمد موقوفات بمصرف تعمیرساختمان های آستانه و تبدیل روشنائی شمع بچراغ و بمصارف تشریفاتی دیگر میرسیده و در این موقع حقوق خدام هشت برابر (بنچه) گردیده و ثابت ماند. بطوریکه گذشت برای نگاهداری ابنیه و انتظامات داخلی آستانه عدهٔ خدام بتدریج زیاد شد و متجاوز از یکصد و هشتاد نفر گردید، علت آنهم نبودن امنیّت وانتظام مملکتی بوده که ناچار بایستی این قبیل اماکن باعده زیاد اداره و نگاهداری شود.

ولی اکنون که در پرتو توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی کشور ایران دارای امنیّت کامل گردیده و در هریك از شئون ملّی اصلاحات اساسی بعمل آمده لازم بود نسبت بامور آستانه نیز تجدید نظر شده تشکیلات آنرا مطابق روح عصر و زمان بر اساس متینی منظم و استوارنمود. این بود که در سال ۱۳۱٤ برحسب دستور وزارت معارف و اوقاف آقای فیوضات رئیس اداره کل اوقاف بقم آمده و با مساعدت و موافقت تولیت آستانه اساس نامه جدیدی تهیه و پس از تصویب مقام وزارت تشکیلات آستانه برطبق اساس نامه مزبور و آئین نامه داخلی که ذیلاً درج میشود تنظیم و نسبت بهر قسمتی اصلاحات لازمه بعمل آمد که از جمله ساختمان یکباب دبیرستان و تأسیس موزه است بشرحیکه در فصل بعد مذکور میگردد.

صورت اساسنامه

بتاریخ هیجدهم اردی بهشت ۱۳۱٤

برای اینکه درعصر سلطنت باعظمت اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی ارواحنا فداه انتظام امور آستانه مقدسهٔ حضرت معصومه سلام‌الله علیها افزون گردد و اوضاع این مطاف از حیث روشنائی و نظافت و حفظ و نگاهداری اشیاء نفیسه و غیره مانند سایر امور مملکتی و شئون ملی اصلاح شود و رونق بسزا گیرد مواد ذیل مابین وزارت جلیله معارف و اوقاف و تولیت محترم آستانه مقدسه منعقد و برقرار گردید:

(۱) تولیت آستانه مکلف است نظامنامه داخلی آستانه را راجع بتعیین تکالیف خدام وکارکنان آن تهیه وتدوین نموده بتصویب وزارت اوقاف برسانند.

(۲) تعیین خدام وکارکنان آستانه (بجز مدیرموزه که از طرف وزارت اوقاف تعیین و اعزام خواهد شد) بعهده تولیت آستانه است که سواد مصدق سجل هریك از آنهارا بایك قطعه عکس وسواد ابلاغ انتصاب بخدمت و تعیین شغل و حقوق آنان بمرکز خواهند فرستاد.

(۳) اجاره رقبات موقوفات آستانه بطریق مزائده و با اطلاع و تصویب وزارت اوقاف صورت خواهدگرفت.

(٤) در مقابل هر نوع عایدات مربوطه بآستانه قبض چاپی صادر ووجه در بانك ملّی گذارده خواهد شد.

(۵) حقوق اعضاء و کارکنان آستانه مقدسهٔ ماه بماه طبق بودجه مصوّب و مطابق مقررات از طرف تولیت آستانه پرداخت و یك نسخه از لیست ماهیانه که بامضاء صاحبان حقوق رسیده باداره اوقاف ونسخهٔ دیگر بوزارت اوقاف ارسال خواهد شد.

(۶) مخارج بنائی و قنائی و اعتبارات بااطلاع ونظارت وزارت اوقاف انجام خواهد یافت.

(۷) دفاتر محاسباتی و اثاثیه و موزه و دفتر حضور و غیاب کارکنان آستانه ودفتر بانك و دفتر چك وغیره مطابق نمونه‌ای خواهد بود که بتصویب وزارت اوقاف رسیده باشد.

(۸) تولیت مسئول اجراء این مواد میباشد.

(۹) این اساسنامه که شامل نه ماده است بتصویب وزارت اوقاف رسیده و بموقع اجرا گذارده خواهد شد . محمد باقر الحسینی

وزیر معارف و اوقاف علی اصغر حکمت

آئین نامهٔ داخلی آستانه مقدسه فاطمیه علیه الاف التحیه

مادهٔ ۱ ـ کلیهٔ امور آستانهٔ مقدسه طبق اساسنامهٔ مصوب با تولیت آستانه و نظارت وزارت اوقاف اداره و بچهارشعبه تقسیم میشود:

الف ـ دفتر آستانه ،

ب ـ موزه ،

ج ـ کشیك خدام،

د ـ تنظیف .

دفتر آستانه از سه نفر تسکیل میشود: معاون تولیت ـ مدیردفتر و محاسب ـ مباشر تعمیرات ووصول عایدات .

۳ ـ معاون تولیت کلیه وظایف تولیت آستانه را عهده داراست .

وظایف دفتر

٤ ـ نظارت در کلیهٔ امور آستانه وحسن انتظام آن واجرای اساسنامه ونظامنامهٔ داخلی.

٥ ـ نگاهداری دفاتر منظم جمع و خرج و اجرای بودجه مصوب سالیانه و تهیهٔ صورت حساب و بودجهٔ آستانه و تقدیم بمقام وزارت جلیلهٔ اوقاف.

٦ ـ تنظیم دفتر کل اموال منقول (اشیاء عتیقه ، فرش ، نذورات تقدیمی بآستانه) .

۷ ـ ازدیاد عوائد بامزائده مطابق قوانین موضوعه در رقبات موقوفهٔ آستانه و غیره با نظارت وزارت اوقاف و سعی و اهتمام در صرفه جوئی نسبت بمخارج اعتباری.

۸ ـ تشکیل دوسیهٔ پرسنلی برای خدام کشیك و مستخدمین آستانه.

۹ ـ وصول عوائد آستانه و تمرکز دادن در بانك و تهیه اسناد خرج از لیست حقوق و مخارج اعتباری طبق نمونه .

موزه

۱۰ ـ موزهٔ آستانه مقدسه دارای یکنفر مدیر خواهد بود که از طرف وزارت جلیلهٔ اوقاف انتخاب و طبق دستور انجام وظیفه خواهد نمود.

۱۱ ـ کشیك موزه با ششنفر پلیس خواهد بود که جزء خدام آستانه معین و هر کشیکی عبارت از دو نفر پلیس خواهد بود.

کشیك استانه

۱۶ ـ کشیك خدام نود نفر در سه کشیك تقسیم میشوند و هر کشیك دارای یکنفر سر کشیك . یکنفر ضابط و بیست و ششنفر خادم و دو پلیس میباشد که بر حسب پیشنهاد تولیت آستانه و تصویب وزارت اوقاف منصوب خواهند شد.

۱۳ ـ سر کشیك مسئول انتظام کشیك واجرای اوامر تولیت آستانه و مقررات جاریهٔ کشیك است و باید مراقبت نماید خدام انجام وظیفه نمایند و راپورت اتفاقات را بدفتر آستانه بدهد.

۱٤ ـ دفتر حضور و غیاب را سر کشیك باید در موقع ورود و و خروج در کشیکخانه محفوظ نگاهداشته از یکربع بغروب برای ورود

الی غروب کشیك و همچنین موقع خروج جهة امضاء حاضر داشته باشد، حضور و غیاب خدام را بدفتر اطلاع دهد و هر گاه خادمی در مدت کشیك غفلت یا تقصیر در وظایف خود نماید راپورت نماید .

۱۵ ـ ضابط در وظایف سر کشیك مساعدت و در غیاب سر کشیك تصدی وظایف اورا خواهد داشت .

۱۶ ـ خدام در تمام مدت کشیك مسئول حفظ اثاثیه منقول و غیر منقول آستانهٔ مقدسه خواهند بود و تحت نظر سر کشیك حرم مطهر و بیوتات آستانه را مراقبت نموده در گردش رفاهیت زائرین را تهیه و تذکرات مفیده برای جلوگیری از دستبرد و غیره بآنان خواهند داد.

۱۷ ـ خدام در مدت خدمت و کشیك ملبس بلباس متحد الشکل خواهند بود که با تصویب وزارت اوقاف از طرف تولیت آستانه معین است با نشان مخصوص (درغیر کشیك اختیاری است) .

۱۸ ـ خدام حق ندارند بزائرین تکلیف زیارت وذکر مصیبت بنمایند در صورتیکه زائر بشخصه میل داشته باشد و اظهار نماید قبول تقاضا مینماید و در محلهای معینه که محل آسایش و زیارت دیگران نباشد قرائت مینمایند .

۱۹ ـ هر یك از خدام که اتفاقات ضروری و مرض و غیره غیبت موقت آنان را ایجاب نماید باید بدفتر آستانه با ذکر علت موجه از قبیل تصدیق طبیب منتخب از طرف آستانه درخواست مرخصی بدهند در صورت موافقت کتباً مرخصی داده خواهدشد .

۲۰ ـ هر خادمی که بدون عذر موجه از کشیك غیبت نماید تا سه مرتبه بتناسب از حقوق آنان کسر میشود در صورت تکرار و همچنین

بدون اجازهٔ مرخصی کشیك را ترك گویند بتشخیص دفتر آستانه محکوم بجریمهٔ نقدی وانفصال موقت خواهند شد .

تنظیف

۲۱ - تنظیف و پاکیزه نگاهداشتن حرم مطهر و بیوتات آستانه مقدسه (مساجد اطراف حرم مطهر ، مقابر سلاطین صفویه ، موزه صحنها و مدرسهٔ فیضیه) با دوازده نفر فراش است که یکنفر از آنان سمت فراشباشی خواهد داشت .

۲۲ - هر شب برای حفظ اثاثیه مقابر و بستن وباز نمودن دربهای صحن سه نفر از فراشان صحن بنوبه کشیك خواهند داد و تمام روز و شب موقع باز بودن دربها کلیه فراشها باید حاضر و مراقب نظم و آسایش زائرین و عابرین باشند و راپورت اتفاقات را توسط فراشباشی بدفتر آستانه بدهند .

خاتمه

۲۳ - چون خدمت مقدس آستانهٔ مبارکه حضرت معصومه صلواة الله علیها از نقطهٔ نظر مذهبی و روحانیت محض انجام میشود خدام باید این مطاف را مبارك دانسته با پاکی نظر و صحت عمل مشرف و مفتخر باشند، هرگاه حرکت نا شایسته و خلافی که منافی مقام عالی خدمت آستانه مقدسه باشد از آنان بظهور برسد بانفصال موقت و اخراج دائم محکوم میشوند .

تولیت آستانهٔ مقدسهٔ قم

بودجهٔ استانه درسال ۱۳۱۶

نمره	شرح	محل رقبه	در آمد رقبات ریال	د	متفرقه ریال	د	جمع کل ریال	د
	املاك مزروعی							
۱	اجارهٔ باغ معصوم آباد و اراضی	قم	۸۰۲۷	۵۰				
۲	اجاره اراضی مراد آباد	»	۱۵۰۰					
۳	اجازه مبارك آباد	»	۵۵۰					
٤	مزرعه قهیان و اراضی باغچه	»	٦٤۵۰					
۵	مزرعه زیدان و اراضی باغچه	»	۳۳۰۰					
٦	اراضی باجاك	»	۱۱۵۰					
۷	اراضی طیشقران	»	۲۰۰					
۸	اراضی زاویه و قلدور	»						
۹	قنات شریف آباد	»	۲۹۵۰۰					
۱۰	قنات والیجرد	»	۱۲۰۰۰					
۱۱	قنات علی آباد سراجه	»	۱۵۵۰۰					
۱۲	قنات ٤ دانگه	قهستان قم	۹۵۰۰					
۱۳	قنات زالون آباد	قم	٤۰۰۰					
۱٤	فردو	قهستان قم	٦۰۰					
۱۵	ششدانك از هشتدانك قنات گارزان	ساوه	۱٦۵۰۰					
۱٦	۱۵ طاق از ۱٦ طاق تبرته	عراق	۳۲۰۵۰					
۱۷	چرخستانك و دره شیراز	بروجرد						
۱۸	یکدانك لکان	»						
۱۹	سه دانك شیرویرجون	زنجان	۲۵۰۰					
۲۰	ششدانك برهان آباد	کرمان	۵۰۰۰					
۲۱	» خمسه	بروجرد	۱۰۲۰۰				۱۵۹۰۲۷	۵۰

(الف) اسامی موقوفات و درآمد آستانه در سال ۱۳۱۶

شماره	شرح	محل رقبه	درآمد رقبات ریال	درآمد رقبات د	متفرقه ریال	متفرقه د	جمع کل ریال	جمع کل د
	مستقلات							
۲۲	حمام وخانه وگاراژ ودکاکین	قم	۵۳۰۰۰					
۲۳	گاراژ میرزا ابو القاسمی	«	۱۰۸۰۰					
۲۴	حمام غیاثیه	«	۲۵۰۰					
۲۵	تتمهٔ اجارهٔ حمام خواجو	همدان	۱۸	۶۵			۶۶۳۱۸	۶۵
	متفرقه							
۲۶	درآمد از نذور شمع				۱۲۶۵۰			
۲۷	درآمد از کفشخانه				۲۱۰۰۰		۳۳۶۵۰	
۲۸	درآمد از محل آبونمان چراغ	صاحبان مقابر وغیره			۶۰۰۰			
۲۹	اعتبار بقاع سلاطین صفویه	اداره مالیه قم			۱۵۰۰			
۳۰	درآمد فروش کارت موزه				۴۰۰۰			
۳۱	سید حسین لسانی بابت محکومیت عدلیه				۲۳۱۷۴	۵۰		
۳۲	اداره شهرداری بابت خسارت معصوم آباد				۱۸۵۰			
۳۳	تتمه درآمد فروش اشیاء و بقایای مستاجرین آستانه ازسال ۳۱۵ بابت محکومیت				۱۲۰۰۰۰			
۳۴	متصرفین اراضی خیابان حضرتی				۲۰۰۰۰		۱۷۶۵۲۴	۵۰
			۲۲۵۳۴۶	۱۵	۲۱۰۱۷۴	۵۰	۴۳۵۵۲۰	۶۵
							۴۱۸۷۷۹	۴۰
							۱۶۷۴۱	۲۵

ازطرف تولیت آستانه قم ـ رئیس معارف واوقاف قم ـ رئیس کل اوقاف ـ ازطرف وزیر معارف واوقاف

هزینه آستانه در سال ۱۳۱٦

شماره	شرح	مصارف ملکی وملکی (د)	مصارف ملکی وملکی (ریال)	هزینه لازم (د)	هزینه لازم (ریال)	جمع کل (د)	جمع کل (ریال)
۱	اعتبار هزینه ملکی وملکی وحق‌النظاره از قرار ۲۵٪		۵٦۳۳٦				۵٦۳۳٦
۲	اعتبار ثبت اسناد و املاک آستانه و مخارج محاکمه و حق الوکاله وکیل آستانه				۲۰۰۰۰		
۳	تعمیر حوض و صحن بیوتات آستانه				٦۰۰۰۰		
٤	اعتبار پی برداری محل جدید موزه و کاشیکاری سر درب موزه و قیمت آلبوم و کارت و متفرقه موزه و غیره				۱۰۰۰۰		
۵	هزینه تعلیماتی				۱۲۰۰۰		
٦	عشر حق التولیه				۲۱۸۳۳٤۰		
۷	حقوق سالیانه مدیر دفتر ومحاسب (یکنفر)				۷۲۰۰		
۸	« « مباشر آستانه				۲٤۰۰		
۹	« « مدیر موزه				۹٤۸۰		
۱۰	« « دفتردار موزه آستانه				۲٤۰۰		
۱۱	« « امان الله شهاب				۳۰۰۰		
۱۲	« « پاسبان موزه و مستخدم ٤ نفر				٤۲٦۰		
۱۳	« « ۹۸ نفر پاسبان وقراء وسر کشیک				۳٤۹۲۰		
۱٤	« « ۱٤ نفر فراش و فراشباشی				۱۷٦٤۰		
۱۵	اعتبار روشنائی حرم مطهر و بیوتات و مقابر سلاطین صفویه				۲۰۰۰۰		

شماره	شرح	مصارف ملکی و ملکی (ریال)	(د)	هزینه لازم (ریال)	(د)	جمع کل (ریال)	(د)
۱۶	اعتبار شام سه کشیك			۱۸۰۰۰			
۱۷	اعتبار ملبوس ۱٤ نفر فراشها (سالیانه یکدست)			۱۷۵۰			
۱۸	اعتبار ملبوس چهار نفر پاسبان و مستخدم موزه			۱۵٦۰			
۱۹	اعتبار حقوق مرتزقه و وراث و خدام			٦۰۰۰			
۲۰	اعتبار فرع دفتر آستانه در بانك ملی و مصارف متفرقه دفتر آستانه			۱۰۰۰۰			
۲۱	قرضه دفتر آستانه باداره معارف قم جهت ساختمان دبیرستان			۱۰۰۰۰۰		۳٦۲٤٤۳٤	۰
		۵٦۳۳٦		۳٦۲٤٤۲٤	۰	٤۱۸۷۷۹٤	۰

تولیت آستانه قم - رئیس معارف و اوقاف قم - رئیس کل اوقاف - از طرف وزیر معارف و اوقاف

فصل هشتم

ساختمان موزه و کیفیت افتتاح ان

و بنا های آن در ۱۳۱٤ و ترتیب ادارهٔ آن

پیش از آنکه موزهٔ فعلی آستانه تأسیس گردد اشیاء نفیس و گران بهای آستانه در یك اطاق متصل برواق بنام خزانه مضبوط بود وخدام آستانه آن را پاسبانی میکردند و بطوریکه در فصل هفتم ذکر شد یکی از وظایف حتمیهٔ خدام آستانه در هر کشیك حفظ و حراست کلیهٔ اشیاء آستانه بود. اشکالی که تشکیلات سابق داشت این بودکه اشیاء ونفایس مزبور بهیچوجه مورد استفادهٔ عموم قرار نمیگرفت. برای آنکه در هر سال فقط یك یا دوبار دَرِ خزانه باز میشد آنهم برای گردگیری وبازرسی و شاید علت بزرگ این کار این بوده است که نه امنیت کامل بر قرار بوده و نه وسائل علمی برای نگاهداری و محفوظ بودن آنها از تباهی موجود بوده است، تا دراین عصر فرخندهٔ اعلیحضرت همایون پهلوی که هم امنیت کامل بر قرار و هم وسایل علمی برای حفاظت آنها فراهم میبود بر حسب دستور وزارت معارف واوقاف واستقبال تولیت آستانه محلی مناسب در نظر گرفته شد و در اردی بهشت ماه ۱۳۱٤ شمسی در قسمت غربی صحن زنانه بر طبق نقشهٔ مهندس اعزامی وزارت معارف دو

سالن برای این منظور ساخته و پرداخته گردید وراستی پس از تشکیلات جدید آستانه این دوم قدمی بود که درراه اصلاح آستانه برداشته شد.

پس از آنکه بنای سالن موزه انجام یافت اشیاء نفیسه از محل سابق بآنجا برده شد و در روز بیستم ابان ماه ۱۳۱٤ هیئت دولت مرکب از آقایان رئیس الوزراء و آقای وزیر معارف و آقای وزیر داخله و جمعی از محترمین و رؤسای عالی رتبه برای افتتاح موزهٔ آستانه در صحن زنانه حضور بهمرسانیدند و دو ساعت و نیم بعد از ظهر گشایش رسمی بعمل آمد باین طریق که جناب آقای حکمت وزیر معارف قبلا نطق افتتاحیهٔ موزه را ایراد فرمودند:

نطق جناب اقای وزیر معارف

امروز برای بنده این افتخار جمع وحاصل گردیده است که در دو مورد که هر دو پیوستگی با دانش و تمدن دارد یعنی راجع بحضور و شرکت در نصب اولین سنگ بنای دبیرستان و راجع بافتتاح موزه از آقایان تشکر کنم.

لازم بذکر نیست که وجود موزه تا چه اندازه درعالم علم وتمدن اثرات نیك داشته است.

اولین موزهٔ بزرگ و معروفی که میتوانیم در تاریخ سراغ بگیریم موزهٔ اسکندریه بوده است که کتابخانه بزرگی هم داشته و بعد از بین رفته است.

مجددا درقرون متأخر فکر تشکیل موزه پیدا شد ودو موزه یعنی از قرن پانزدهم ببعد موزه های مهمی درفرانسه وانگلستان تشکیل گردید.

همانطوری که کتابخانه هم برای اهل علم و دانش لازم میباشد

موزه هم برای اهل صنعت و هنر لازم است. تشکیل موزه در این مملکت تا بحال صورتی چنانکه باید نداشته است ولی بطور کلی خزائن سلاطین که آثار نقاشی و صنعت در آن حفظ میشده صورت کوچکی از موزه را داشته و در اثر تصادفات و پیش آمد ها از بین میرفته است ولکن آنچه که در مقابر و آرامگاه مردم بزرگ و معابد وجود داشته بمناسبت عقاید مذهبی باقیمانده است.

از جملهٔ آنها آثاری است که در آستانهٔ قم موجود ومدتها متروك بود و اخیراً اقداماتی بعمل آمد که آثار مزبور جمع آوری و صورتی چنانکه شایسته است بدان داده شود.

امروز آقای رئیس الوزراء موزهٔ آستانهٔ قم را افتتاح میفرمایند، مقداری از آثار برای تکمیل موزهٔ قم از تهران ارسال گردیده است و امیدواریم افتتاح موزه در قم نظایر و امثال پیدا کند که در سایر شهر ها هم موزه تأسیس کنیم تا اهل دانش و صنعت و سیاحان جهان از آن استفاده کنند. اگر اجازه فرمائید آقای فیوضات مختصری راجع باشیاء موزه توضیح دهند وبعداً افتتاح شود، سپس آقای فیوضات رئیس ادارهٔ کل اوقاف گزارش ذیل را ایراد نمودند:

آقایان عظام اگرچه تاریخ بخوبی نشان میدهد که ایران از قدیم مهد تمدن بوده پادشاهان توانا و دانشمندان بزرگ، شعراء و حکمای نامی دراین مملکت بوجود آمده و هر یك بنوبت خود بعالم انسانیت و تمدن خدمات مهم و برجسته کرده اند معذلك ممکن است در نتیجهٔ عدم اطلاع و کوته نظری و یا اعمال غرض نوشته های تاریخ را با تردید تلقی کنند و آنها را حمل بر مدیحه سرائی ومبالغه نمایند، خوشبختانه مدارك قوی و ادله و براهین قاطع دردست است و ثابت میکند که نویسندگان و مورخین

آنطور که باید و شاید ازعهدهٔ توصیف و معرفی نوابغ و مشاهیر ایران بر نیا مده اند و آن ادله عبارتست از ابنیه و آثار تاریخی و اشیاء ودفاین و صنایع نفیسه که ازقرون گذشته ازنیاکان ما بیادگار مانده است. بااینکه ابنیه و آثار تاریخی ایران دراثر حوادث وزلزله ها و در نتیجهٔ حمله های اسکندر و عرب و مغول دستخوش دستبرد ها شده و خرابی زیاد دیده حتی طعمهٔ حریق گشته باز امروز هر سیاح و مستشرقی از هر کدام از سر حدات وارد خاك ما میشود آنقدر ابنیه و آثار تاریخی از قبیل طاق بستان در غرب، مسجد گوهر شاد درشرق، تخت جمشید وپازار گاد در جنوب، مسجد کبود ومقبرهٔ شیخ صفی‌را در شمال می بیند که خیال میکند ایران‌موزهٔ دنیا است وچون باصفهان رسیده چشمش‌بمسجد شیخ‌لطف‌الله ومسجد شاه ومسجدجامع وچهل‌ستون وسایرابنیهٔ با عظمت تاریخی‌میافتد بی اختیارمیگوید «اینجا موزهٔ ایران‌است» ووقتی‌درشهرها وقصبات دیگر تفریح میکند و از سنگهای مرمر نفیس ابرقو و گچ بریهای زیبای جامع اردستان و کاشیکاریهای ظریف مسجد نطنز و صد ها بلکه هزاران نظیر این بنا های بی نظیررا مشاهده نموده با نهایت خضوع و خشوع دراعماق قلب خود اذعان و اعتراف مینماید که درهر گوشه از زوایای این‌مملکت « آثار پدیداست صنادید عجم را ».

آقایان محترم همه میدانند که در اثر غفلت و جهالت ملت ودر نتیجهٔ ضعف و بیعلاقگی دولت های وقت روز بروز این ابنیه و آثار تاریخی رو بخرابی میرفت و اگر چند سال بدینمنوال میگذشت شاید اثری از اغلب آنها باقی نمیماند و همچنین بقیّة السیف قالیهای پر بها یا پارچه های زیبا، کتب خطی و سایر اشیاء نفیس " : ـ از این‌مملکت

بر می بست و بموزه های اروپا منتقل میشد تا اینکه خداوند خواست
عظمت وسعادت این ملت نجیب را تجدید فرماید وجود مبارك اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی را بر انگیخت که با عزم خستگی نا پذیر و ارادهٔ توانا
و نظر بلند و قدمهای سریع بترمیم و خرابیهای گذشته و تأمین سعادت
نسل آینده اقدام فرمودند و از یمن نیّات ملوکانه و از برکت توجهات
شاهانه دولت شاهنشاهی موفق شد با یکدست بتربیت جوانان و تجهیز
آنان با علوم امروزه پرداخته از یکطرف محصلین باروپا اعزام دارد و
ازطرف دیگر دانشکده ودبیرستانها و دبستانها و دانشسرا های مقدماتی
دخترانه وپسرانه درمملکت تأسیس کند و برای مؤسسات معارفی ودبیرستانها
ساختمانها نماید و با دست دیگر بترمیم و تعمیر ابنیه و آثار تاریخی که
اسباب افتخار ایران وایرانیان است بپردازد بطوریکه ازپارسال بتعمیرات
طاق بستان ومسجد شیخ لطف الله ومسجد شاه ومدرسهٔ چهارباغ اصفهان
و مقبرهٔ شیخ صفی در اردبیل وهمچنین تعمیرات سایر ابنیه تاریخی واماکن
مقدسه شروع شده و برای حفظ و جمع آوری اشیاء عتیقه و صنایع نفیسه
نیز وزارت معارف و اوقاف با جدیت تمام مشغول اقداماست که شش باب
موزه در ایالات وولایات تأسیس نماید. امسال موزهٔ قم و شیراز، سال آینده
اصفهان و اهواز و سال بعد دو موزهٔ دیگر باز میشود تا اشیاء گرانبها
که برای ما یادگار رسیده با اسلوب صحیح حفظ و مورد استفادهٔ علمی
واقع گردد. ضمناً سیاحان و دانشمندان سایر ممالك بتوانند از دیدن آنها
بهره مند شوند. خوشبختانه در هذه السنه درضمن اصلاحات امور آستانه
حضرت معصومه و موقوفات آن که تفصیل آن درضمن راپورت سالیانه
اوقافی بعرض آقایان خواهد رسید که چه قدمهای بلند برداشته شده از
جمله عایدات آن از ۲۰۰۰۰ ریال به ۲۵۰۰۰۰ ریال رسیده موفق شد

که بااعزام مأمورین لایق موزهٔ قم تأسیس شود. بااینکه خیلی وقت نیست از اواخراردی بهشت ماه شروع باصلاحات امور آستانه شده ودرظرف این پنج ماه چندین مرتبه آقای گدار مدیر عتیقات وهمچنین آقای دکتر فرهمندی رئیس ادارهٔ عتیقات و موسیو سیرو به قم آمده و بالاخره بنحویکه امروز مشاهده خواهند فرمود وزارت معارف توانسته است اشیاء گرانبها خصوصاً قالیهای بی نظیر آستانه راکه در نمایشگاه لندن جلب دقت متخصصین را نموده و سایر اشیاء خزانه را با اسلوب معمولی امروزهٔ دنیا در معرض تماشا و مورد استفادهٔ علاقه مندان قرار بدهد و علت این پیشرفت سریع در اصلاحات امور آستانه خصوصاً تأسیس موزه همانا جدیت و اهتمام آقای مصباح معاون تولیت بوده که باکمال عشق و علاقه در اجرای نیات ودستورهای وزارتمعارف کوشیده است. رجاء واثق دارم که جناب آقای وزیر معارف که همواره ازخدمتگذاران مملکت تشویق وقدر شناسی میفرمایند آقای مصباح را نیزمورد تقدیرقرار خواهند داد. بعد از راپورت فوق آقای رئیس الوزراء وسایر آقایان برای افتتاح موزه و بازدید آن دعوت گردیدند. در این موقع قیچی طلائی را که در سینی گذارده شده بود ازطرف مدیرموزهٔ آستانه جلوی آقای رئیس الوزراء آوردند و مسیو گدار مدیر فنی عتیقات قیچی مزبور را تقدیم آقای رئیس الوزراء نمود و ایشان نوار سه رنگی که جلوی درب موزه کشیده شده بود درمیان کف زدن حضار پاره کردند وبرای بازدید موزه جمعیت وارد سالونها که در پرتو الکتریك زیبائی بیشتری پیدا کرده بود ومملوّ ازاشیاء نفیس وتاریخی بود گردیدند.

پس ازخاتمهٔ بازدیدموزه آقای رئیس الوزراءو آقای رئیس مجلس وسپس آقایان وزراء و سایر محترمین در دفتر مخصوصی که از طرف موزه در

دسترس آنها گذارده شده بود هر یك چند کلمه بمناسبت روز جشن افتتاح موزهٔ آستانه یاد داشت نمودند، ساعت چهار و ربع بعد از ظهر مراسم افتتاح موزه خاتمه پذیرفت.

در این روز که موزهٔ آستانه افتتاح گردید دو کار مهم دیگر انجام یافت: یکی نصب سنگ بنای دبیرستان پس ازخطابهٔ جالب توجهی که آقای وزیر معارف ایراد فرمودند (رجوع شود بصفحهٔ ۱۲) در محل دبیرستان و دیگر افتتاح بیمارستان فاطمی.

دراین مدت موزهٔ آستانه پیشرفت کاملی نموده است زیرا گذشته از اشیای نفیسی که درآستانه موجود بود بتدریج اشیاء گرانبهای دیگری برآن افزودند.

تولیت آستانه باتصویب مقام وزارت زمینی‌راکه جنب موزه بود خریداری و شروع بساختمان آن نمودند.

و اما ترتیب اداره موزه طبق نظامنامه ایست که از طرف وزارت معارف و اوقاف معین شده است وذیلاً مذکور میگردد:

نظامنامهٔ موزهٔ آستانهٔ قم

وزیر معارف‌واوقاف وصنایع مستظرفه نظامنامهٔ موزهٔ آستانهٔ قم را طی مواد ذیل تصویب مینماید:

۱ ـ تشکیلات

مادهٔ ۱ ـ ادارهٔ موزه بایکنفرمدیرخواهد بود که باپیشنهاد ادارهٔ کل عتیقات و ادارهٔ کل اوقاف از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه منصوب‌میشود.

مادهٔ ۲ ـ موزه دارای اعضائی خواهد بود از قبیل دفتر دار و

متخصص عتیقه شناس و پاسبان که نسبت باحتیاجات و توسعهٔ موزه بااطلاع متولی و پیشنهاد مدیر موزه و موافقت ادارهٔ کل اوقاف و ادارهٔ عتیقات از طرف مقام وزارت منصوب میشوند.

تبصره - مدیر موزه تعلیمات فنی را از وزارت معارف دریافت خواهد نمود ولی نسبت بامورمالی و مخارج جاری آن ادارهٔ کل اوقاف با موافقت ادارهٔ کل عتیقات اقدام خواهد نمود.

مادهٔ ۳ - بودجهٔ موزه جزو بودجهٔ آستانه هر ساله از طرف متولی تنظیم و بعد از تصویب وزارت اوقاف بموقع اجرا گذارده خواهدشد.

۲ - وظائف

مادهٔ ۴ - مدیر موزه نظارت کلی بر امور داخلی موزه داشته و شخصاً مسئول حفظ و صیانت دارائی موزه و اجرای مقررات این نظامنامه خواهد بود.

مادهٔ ۵ - مدیر موزه مسئول نگاهداری دفاتر ذیل خواهد بود:

۱ - دفتر دارائی موزه که کلیه آثار ثبت شده در آن وارد میشود،

۲ - دفتر هدایا که کلیهٔ اشیائیکه هدیه میشود در آن وارد میگردد اعم از آنکه بآستانه هدیه میشود یا مستقیماً بنام موزه تقدیم گردد،

۳ - دفتر مراسلات وارده و صادره.

مادهٔ ۶ - مدیر موزه موظف است که لا اقل هر سه ماه یکبار راپورتی از وضع موزه و عایدات و مخارج آن و صورت اشیائیکه جدیداً بدارائی موزه اضافه یا از آن خارج گردیده تهیه و دو نسخه از آن را بوزارت معارف و اوقاف برای ضبط در ادارهٔ کل عتیقات و ادارهٔ کل اوقاف ارسال و یك نسخهٔ از آن را بمتولی آستانه تسلیم نماید.

۳ ـ انتظامات داخلی

مادهٔ ۷ ـ عجالتاً موزه هفته‌ای دو روز پنجشنبه و جمعه از دو تا پنج بعد از ظهر برای واردین باز خواهد بود.

مادهٔ ۸ ـ ورود بموزه برای عموم آزاد است ولی هر کس وارد میشود مکلف است لا اقل یك کارت پستال از اشیاء موزه که قیمت حد اقل آن دو ریال است خریداری و قبض دریافت دارد، همان قبض بمنزله جواز ورود است که در موقع ورود از طرف پاسبان مسئول معاینه و علامت خواهد شد.

تبصره ـ عایداتی که از محل فروش کارت پستال و عکس و آلبوم و اشیاء موزه حاصل میشود جزو عایدات اختصاصی موزه محسوب خواهد گردید و در دفتر عایدات ثبت خواهد شد.

مادهٔ ۹ ـ بلند حرف زدن ـ آب دهان ریختن ـ سیگار کشیدن ـ توقف خارج از مدت مناسب در موزه ـ کلیهٔ حرکاتیکه باعث اختلال نظم موزه و پریشانی حواس واردین بشود ممنوع است و متخلف فوراً از موزه خارج و لدی الاقتضاء بادارهٔ شهربانی جلب و بر طبق نظامات جاریه مجازات خواهد شد، همچنین اطفال خردسال که سن آنان از هفت سال کمتر است حق ورود بموزه را ندارند.

مادهٔ ۱۰ ـ وارد شدن با لباس کثیف یا وارد کردن اشیائیکه باعث آلودگی موزه بشود ممنوع است و متخلف جریمه خواهد شد.

مادهٔ ۱۱ ـ دست زدن بآثاری که در موزه ضبط است ممنوعست و متخلف جریمه خواهد شد.

مادهٔ ۱۲ ـ محصلین دبستانها با معرفی مدیر مدرسه و با سرپرستی

یکنفر از آموزگاران محصلین دبیرستان ها و دانشکده ها با ارائهٔ کارنامه مجاناً حق ورود بموزه را خواهند داشت.

٤ ـ هدایا

مادهٔ ۱۳ ـ کلیهٔ اشیاء و آثار که بآستانه و یا بموزهٔ آستانه اهدا شده ومیشود با ذکر صفات و مختصات آن باید دردفتر هدایای موزه وارد شود.

مادهٔ ۱۴ ـ متولی آستانه موظف است کلیهٔ هدایائی که بترتیب مذکور در مادهٔ فوق بعمل میآید فوراً برای ثبت در دفتر هدایا باطلاع و بنظر مدیر موزه برساند و در صورت تخلف مدیر موزه مکلف است فوراً باطلاع ادارهٔ اوقاف برساند و ادارهٔ کل اوقاف مکلف است که برطبق نظامنامه تولیت آستانه‌را تعقیب نماید.

مادهٔ ۱۵ ـ هر ساله در ماه خرداد کلیهٔ اشیائی که بترتیب مذکور در مادهٔ ۱۳ بآستانه یا بموزهٔ آستانه وقف یا هدیه شده در هیئتی مرکب از یکنفر عتیقه شناس نمایندهٔ ادارهٔ کل عتیقات و رئیس معارف و اوقاف شهر قم و متولی آستانه یا نمایندهٔ او و مدیر موزه مورد رسیدگی واقع شود و اشیائی که دارای حیثیت تاریخی یا علمی یا صنعتی باشند وقابل ثبت بعنوان آثار ملی هستند انتخاب و بوزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای تشخیص صدور اجازهٔ ثبت مطابق قانون ۱۲ آبان ۱۳۰۹ پیشنهاد میشود، پس از صدور اجازه از طرف وزیر اشیاء مزبور آثار ملی تشخیص داده شده و وقف موزهٔ آستانه میگردد.

مادهٔ ۱٦ ـ اشیاء و هدایائی که قابلیت ثبت ندارند با پیشنهاد هیئت مذکور در مادهٔ ۱۵ و اجازهٔ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تحت نظارت متولی آستانه و مدیر موزه و رئیس معارف شهر قم تبدیل

باحسن شده و با قیمت آنها اشیائی که جنبهٔ آثار ملی دارند خریداریشده و وقف موزه میگردد.

تبصره- اشیائی که برای منظوری معین و مشخص هدیه و وقف شده است از فروش آنها خود داری میشود و نسبت بآنها بر طبق نظر مهدی وواقف عمل خواهد شد.

مادهٔ ۱۷ - پیشنهاد خریداری اشیاء برای ضبط در موزه باید از طرف ادارهٔ کل عتیقات تصدیق شده و بتصویب ادارهٔ کل اوقاف برسد.

مادهٔ ۱۸ - اشخاصی که هدایائی بموزه تقدیم میکنند اسم آنها در صورت اهداکنندگان ثبت میشود درصورتیکه قیمت هدایا از ۱۰۰۰ ریال تجاوز کند هدایای مزبور باسم آنها در تالار موزه گذاشته خواهد شد و اگر از ۱۰۰۰۰ ریال تجاوز نماید لوحهٔ مخصوصی بنام هدیه کننده در تالار موزه نصب خواهد شد و در صورتیکه از ۵۰۰۰۰ ریال تجاوز نماید به وزارت معارف پیشنهاد میشود که از طرف وزارت به هدیه کنندگان نشان علمی از درجهٔ مقتضی تقدیم شود.

ماده ۱۹ - مواد این نظامنامه بموجب پیشنهاد یکی ازادارتین کل اوقاف و کل عتیقات و تصویب وزارت قابل جرح و تعدیل و اضافه و نقصان میباشد.

این نظامنامه که مشتمل بر نوزده ماده است تصویب میشود، مدیر موزه مواد لازمه راکه برای اطلاع عموم لازم باشد استخراج کرده و با خط خوب زیبا درلوحه‌ای نگاشته درمرئی و منظر عمومی نصب خواهد نمود.

۱۴ آذر ماه ۱۳۱٤ شمسی

وزیر معارف و اوقاف **علی اصغر حکمت**

فصل نهم - بنا های کهن

در شهر قم ابنیه قدیمه که از چندین قرن پیش بنا شده بسیاراست، برای نمونه برخی از آنها را نام میبریم :

نخست - بنای گنبدمطّهر حضرت معصومهع که‌در سال ۵۲۹ هجری ساختمان شده‌وشرح آن جداگانه نگاشته گردید .

دوم - گنبد علی بن جعفر که بشکل مخروطی دوازده ترك استو ودر سال ۷۱۰ بنای آن بپایان رسیده است، بارگاه علی‌بن جعفر بخصوص درب هشت آن از کاشی های گرانبهای خشتی و کوکبی هشت ترك با شکوهی هرچه تمامتر آراسته بود که اکنون‌کاشی های آن آستان‌درموزه استانه است و در قسمت نفایس موزه بنفاست آنها اشارت شده است.

سیم - گنبد احمد بن قاسم که درجنب دوازده قلعه قسمت جنوبی شهر قم واقعست و دربیستم محرم در سال ۷۰۸ علی بن اسحق که‌ازرجال نامی آن عصر بوده آنرا بنا نهاد ،گنبد قدیمی آن اکنون بـر جای نیست لکن سقف درونی گنبد در داخل رواق چنانکه بوده هست و گچ بریهای دلپذیر آن ابتهاج خاطر بینندگان را فراهم مینمایدودارای‌سه کتیبه‌است کتیبه‌ای‌بخط کوفی که‌درقسمت منطقه‌علیای بناست ، کتیبه‌ای‌بخط ثلث که در وسط واقعست ، کتیبه‌ای‌بخط نسخ که در قسمت‌زیرین میباشدوسوره

یس‌را بر آن از گچ بریده اند، در کتیبه وسط نوشته است امر بناء هذه
العمارة الرفیعة والروضة الشریفة مرقد الامـام المظلوم احمد بن
قاسم بن موسي بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسین بن علی
بن ابیطالب علیهم السلام الصـاحب الاعظم الاعدل الاعلم ملاذ
طوائف الامم مستعبد ارباب السیف واصحاب القلم صاحب دیوان
الممالك والامم ملجاء العظماء العالم موئل صنادید بني آدم ولـي
الموهب والنعم عضد الحق المنصور ینصره الناصرین قوام الحق
والدنیا والدین مغیث الخلائق اجمعین علي بن الصاحب الاعظم
السعید عز الحق والدنیا والدین اسحق بن علي صفي الماضي عظم
الله تعالي جلالة قدره بعمل محمد علي ابوشجاع.

چهارم ـ گنبد حـارث بن احمد بن زین العابدین ع که بخاك فرج معروف است. این گنبد نیز مخروطی دوازده ترك کاشی است، کاشی‌های آن فیروزه و چندان نفـاست ندارد و البته میدانیم که کاشی کاری آن چندان قدیمی نیست لکن بنای اصل گنبد در اوائل قرن هشتم هجری و تقریباً با بنای علی بن جعفر و احمد بن قاسم مطابق است، روی قبر حارث ابن احمد کاشی های خشتی اوائل قرن هشتم هجری بود و ازجنس کاشی‌های علی بن جعفر که برروی آن نام حارث بن احمد بن زین العابدین بـاخط برجسته کنده اند داخل گنبد گچ بری رنگ آمیز است و پیداست که این گچ بری چندان کهن نیست، ایوان شمالی آن بنـای منوچهر خان است و در وسط ایوان کتیبه ایست بخط نستعلیق مشتمل بر هیجده شعر از فتحعلی‌خان صبا

و ماده تاریخ بنا اینست (این بقعه دلکش زمنوچهر آباد). درضلع غربی امامزاده خاك فرج بنائی است مسدس و بدون سقف معروف بکعبه و در وسط بناء مزبور گنبد آجری بارتفاع سه متر بطور مسدس ساخته شده و معروف است که حجرالاسود از محل مزبور بـمکه حمل شده است و در زیر این گنبد گودالی است بعمق یك متر و معمولا در روز عید قربان جمع کثیری از اهالی از زن و مرد برای زیارت بمحل مزبور رفته از آن گودال برای تبرك خاك میبرند و نیز مرسوم است که سنگ ریزه هائی بر بالای گنبد می اندازند و معتقدند اگر چنانچه سنك کسی بالای گنبد ماند و پائین نیفتاد مرادش حاصل و حجش قبول است .

پنجم - بنای امامزاده جعفر در اراضی مزد جان هرچند بنای آن چندان کهن بنظر نمیرسد ولی ازچند خشت کاشی فیروزه که درایوان جلو رواق نصب میباشد معلوم میشود که بنای آن کهن بوده بلکه از بنای گنبد امامزادگانی که نامبرده شد قدیمتر است زیرا در آن کاشی تاریخ آنرا سال ششصد و هفتاد و هفت نوشته است و از این کاشی های گرانبها چند کاشی بیش برجانمانده بود وجای شادمانی است که تاریخ آن مضبوط است و اکنون این چند خشت درموزهٔ آستانه محفوظ است .

ششم - بنای امامزاده ابراهیم کـه به پنج واسطه بموسی بن جعفـر نسبش منتهی میشود. گنبد بشکل عرقچین وازآجر تراش و رواق آن هشت ضلعی وازآجر تراش وازنوك گنبد تاسطح رواق چهارده متراست،هرچند تاریـخ بنای آن معلوم نیست ولی مسلم است کـه بیش از چهار صد سال قبل بنا شده است . کاشی روی قبر ساده و صورت دومرقد را تشکیل میدهد یکی بنام ابراهیم بن موسی بن جعفر و دیگر بنام محمد بن موسی بن جعفر و چون بنیان آن رو بخرابی میرفت گرجی تهرانی که از مردان بلند همت

و آبادی دوست است آنرا تعمیر و سطح بیرونی گنبد را کاشی کاری ساده فیروزه مینماید.

ششم و هفتم و هشتم - بناهای باغ سبز بیرون دروازه کاشان که در اواخر قرن هشتم هجری بنا شده است. آنچه بنظر میرسد گنبدی که در قسمت شمالی واقعست قدیمترین بناها میباشد و پیش از قرن هشتم ساختمان شده باشد لکن تاریخ آن در دست نیست وانکه در وسط واقعست کتیبه‌ای در بالا دارد بخط کوفی و کتیبه‌ای در وسط که ابتدای آن سوره مبارکه

قد افلح المؤمنون است تا والذین هم لامانانهم و عهدهم راعون

بعد از آن است اغفر لساکني المرقد اللطیف الصاحب الاعظم

الدستور الاعلم المعروف بقاطبة الالقاب خواجه جمال الحق والدین

علي والامیر جلال الدین و اخاه خواجه عماد الدین محمود و اخاه

خواجه صفي الدین ادخلهم الله في رحمته اجمعین في سنه ۷۹۲

از این کتیبه معلوم میشود که در این مکان سه برادر مدفونند اول خواجه جمال‌الدین علی، دوم خواجه عمادالدین محمود، سیم خواجه صفی و جمله والامیرجلال الدین و اخاه خواجه عمادالدین نام دو کس نیست بلکه جمله و اخاه در هر دو مورد عطف است بر ما سبق چنانکه بر ادیب و آگاه از مبانی عربیّت مخفی نیست گرداگرد ستونها از بالا بزیر بطوریکه در هرستون دو کتیبه واقعست سوره یس بخط ثلث گچ بری است و پیرامون گنبد درقسمت داخل نقش گل و بوته است که نامهای مبارك ائمه معصومین در وسط آن افتاده است و نیز گچ بریهائی که نام محمد و علی بشیوه و طرزی بدیع در آن گنجانیده اند و آن بنا که در قسمت جنوبی است گنبد

آن از میان رفته وفقط تاکمربند بنابرجاست. در این بنا کتیبه ایست بخط ثلث که ازگچ بریده اند و از بر آن سوره انا فتحنا تا وکان الله علیما حکیما بیرون آورده اند زیر آن کتیبه دیگری هم بخط ثلث است که از ابتدا بمقدار یکمتر ریخته است. بعد از آن است بناء هذه القبه الرفیعة والسدة المنیعة المولي الاجل الاعظم اعدل العرب والعجم بعد از این بفاصله دومتر ریخته‌است ومقداری که برجاست لایقرء است بعداز آن‌است صفي الاسلام والمسلمین علي اعزالله انصاره و ضاعف اقتداره رسم مرقد عمه الصاحب ازاینجا نیز مقدارنیم‌متر ریخته است بعدازآن است اصیل الدوله والدین جمال الاسلام و المسلمین و ولده وفلدة کبده الصاحب الشهید المغفور جمال الدوله‌والدین علي بن ابي المعالي ابن علي صفي بردالله مضجعهما و جعل الجنه مرجعهما في شهور سنه احدی‌وستین وسبعمائه(٧٦١) از این کتیبه معلوم میشود که در این آرامگاه دو تن مدفونند یکی عم‌صفی علی که بانی این بناست و بابو المعالی مکنی است و نامش در کتیبه ریخته و معلوم نیست ودیگر فرزندش‌علی.

نهم – گنبد موسی مبرقع که در قسمت شرقی قم واقعست هر چند تاریخ بنای آن معلوم نیست لکن میتوان حدس زد که پیش از قرن هفتم هجری است.

دهم – بنای آستانه زیدبن علی در طرف غربی صحن موسی‌مبرقع. گنبد آن مختصر است لکن از کتیبه سردرب آن که بشکل مثلث گچ‌بری کرده اند معلوم میشود که تاریخ بنای‌آن درسال٨٤٧ بوده است وبانی آن

صدر کبیر خواجه بهاء الدین هبة الله قمی است، تعجب اینجاست بااینکه این کتیبه گچ بری در معرض باد و اران است از میان نرفته و خطوطش همچنان باقی گوئی که تازه گچ ی آن را پرداخته اند.

یازدهم - بنای گنبد امامزاده ابراهیم بیرون دروازه کاشان نزدیك گنبد های باغ سبز و سمت شمالی گنبد علی بن جعفر که از بناهای اوائل قرن هشتم هجریست و گنبد آن مخروطی شکل و کاشی فیروزه ساده است.

دوازدهم - بنای مسجد جمعه است و هرچند تاریخ درستی از آن در دست نیست ولی از نوشته‌ای که دریکی ازستونهای آن دیده میشود معلوم میگردد که از بناهای اواسط قرن هفتم هجریست.

سیزدهم - بنای چهل دختران که در سال ۹۳۵ بناشده است و در سر درب آن کتیبه ایست که این عبارات در آن نوشته شده است:

قدصدر الحکم المطاع ببناء هذه العمارة الشریفه عن السلطان السلاطین ابو المظفر بهادرخان شاه طهماسب خلدالله ملکه و سلطانه و فاض بره و احسانه علی العالمین فی سنه ۹۳۵ این گنبد هرچند باآجر تراش است ولی بمناسبت وسعت و گشادی دارای صفا و روح مخصوصی است.

فصل دهم
تاسیسات جدید و سایر اصلاحاتیکه اخیراً بمنظور عمران و آبادانی شهر قم شروع یا انجام شده

الف ـ خط آهن و ایستگاه قم

چون محسنات خط آهن ایران و اهمیت آن در عمران و آبادانی کشور و بالاخص در شهرهائیکه خط مزبور از آن عبورمیکند که از آن جمله یکی شهر قم است بر کسی پوشیده نیست از این جهة در این قسمت شرح و بسطی نداده وفقط بذکر ایستگاهقم که یکی از ایستگاه های‌مهم خط مزبور است و در حقیقت در رأس اصلاحات شهرستان مزبور قرار گرفته اکتفا میکنیم .

ایستگاه قم

ایستگاه راه آهن قم در ۱۸۱ کیلومتری جنوب پایتخت واقع شده و دارای ابنیه و تأسیسات ذیل میباشد :

یك عمارت بزرك مسافرین باتونل پیاده رو برای ایاب و ذهاب در جاده های ایستگاه .

یك جایگاه جهت ٦ لکوموتیو و یك کارخانه تعمیر و مرکز برق .

یك انبار بوسعت ۵۰۰ متر مربع .

یك مخزن روغن .

یك برج آب .

چند دست عمارت برای سکونت ۱۱ خانواده و ۳۰ نفر عضو .

مبلغ ۶٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال هزینه ساختمان این ایستگاه شده است. تمام بناهای ایستگاه دارای آب جاری و برق هستند . آب لازم از مسافت ۲/۳ کیلومتری ایستگاه آورده شده است .

عمارت مسافرین به سبك ایرانی ساخته شده که با سایر بناهای قم مطابقت نماید . این عمارت توسط کارگران ایرانی ساخته شده و اغلب مصالح آن از داخله کشور است .

برای مسافرین درجه اول و دوم یك سالن با حیاط قشنك و ایوان و حوض ساخته شده است .

ادارات ایستگاه در اطاقهای جنبین حیاطی که دارای ایوان نیز میباشد واقع شده .

ب ـ اصلاحات شهرداری

شهرداری قم در این چند سال اخیر برای عمران و زیبائی شهر اقدامات اساسی از قبیل تسطیح قبرستان و ایجاد باغ ملی و ساختن سد رودخانه و احداث خیابانها نموده و همه ساله نیز مطابق برنامه مخصوص اصلاحاتیرا در نظر میگیرد که برای نمونه برنامه سال ۱۳۱۷ که برطبق آن مشغول اقدام میباشد ذیلاً نگاشته میشود :

(۱) خیابان از پل الی میدان کهنه که بطول ۱۱۹۹ متر و بعرض ۲۲ متر در سال ۱۳۱۶ احداث گردیده .

(۲) خیابان آستانه که از اول بازار معروف به سلامگاه تا باجك

فعلا امتداد داده شده بطول ۲۸۰ متر و بعرض ۲۲ متر که درسال ۱۳۱۶ شروع و بقیهٔ آن تا آخر شهر در دست اقدام است .

(۳) خیابانیکه از طرف جنوب باغ ملی در امتداد خیابان ارم تا سرای بناها بخیابان مقابل پل متصل گردیده بطول ۴۴۰ متر و بعرض ۲۲ متر است که در ۱۳۱۶ احداث گردیده .

(٤) میدان جدیدی بطول ۸۵ متر وعرض ۶۰ متر درشمالی اتصال به پل احداث و شهرداری مشغول ساختمان است .

(٥) خیابان ایستگاه که از پل تاایستگاه بطول ۸۰۰ متر وبعرض ۲۶ متر احداث و ساخته شده در سال ۱۳۱۶ بوده است .

(٦) خیابان طهران که ازپل خارج شهر تاجادهٔ سلطان آباد مستقیماً امتداد پیدا میکند دردست اقدام است بطول ۱۲۵۰ متر وبعرض ۲۶ متر خواهد بود .

(۷) خیابان فعلی طهران که ازپل شروع و به خیابان ردیف شمارهٔ ۷ متصل میشود بطول ۵۴۰ متر وبعرض ۲٤ متر است که آن نیز دردست اقدام است .

ج - کارخانه ریسباف

بمنظور تأسیس کارخانه نخ ریسی وپارچه بافی درشهرقم در تاریخ ۱٤/۱۱/۱۹ در شهر طهران شرکتی بنام شرکت سهامی ریسباف قم با سرمایهٔ سه میلیون ریال تأسیس گردید و بعداً چون سرمایهٔ نامبرده برای انجام منظورشرکت کافی نبوده مبلغ دومیلیون ریال نیز بسرمایه شرکت اضافه و سرمایهٔ پرداخت شده به پنج میلیون ریال بالغ گردید .

در بدو تأسیس شرکت در نظر بوده است که ده هزار دوك ماشین نخ ریسی و دویست دستگاه پارچه بافی وقسمتهای رنگرزی و اطوکشی

مورد احتیاج ماشینهای نامبرده تهیه گردد و برای محل کارخانه درحدود هفت هکتار اراضی در شهر قم خریداری و محصور گردیده و برای نصب ماشینها و موتور چند سالون وسیع طبق نقشه های مهندسین کارخانه جات فروشندهٔ ماشینهای ریسندگی وقوهٔ متحرکه تحت نظر متخصصین خارجی ساخته شده.

شرکت موفق گردیده چهار هزار و ششصد و هشت دوك ماشینهای نخ ریسی از آلمان خریداری و در محل نامبرده نصب نماید.

برای قوهٔ محرّکه ماشینهای کارخانه دو دستگاه موتور دیزل هریك بقوه سیصد و شصت اسب از آلمان خریداری یکی وارد و نصب گردیده و یکی دیگر از کارخانه حمل شده و در بین راه است، سایر احتیاجات اتصالی قوه برق و روشنائی نیز از آلمان خریداری و وارد گردیده است.

محصول کارخانه درصورت ۲۰ ساعت کار در شبانه روز چهارصد بقچه (۴۵۰۰ گرم) ریسمان نمرهٔ ده و نمرهٔ بیست تهیه میگردد لیکن بواسطه نبودن پنبه بقدر کافی اکنون کارخانه در شبانه روز فقط هشت ساعت کار میکند و محصول روزانه از یکصد و شصت بقچه ریسمان تجاوز نمیکند.

برای ساختمان بناهای کارخانه دو میلیون ریال و برای خرید ماشینها و مصارف حمل و نقل و نصب سه میلیون ریال مصرف گردیده.

کارگران کارخانه همه ایرانی هستند و فقط یك نفر متخصص فنی تبعه آلمان است.

عدهٔ کارگر مورد احتیاج برای هر ۸ ساعت کار ۳۷۰ نفر مرد و زن و بچه و اعضاء دفتری شرکت در کارخانه پانزده نفر میباشد.

هیئت مدیره شرکت و مؤسسین آن:

آقایان عبدالحسین نیکپور. علی قیصریه. احمد اخوان. محمد علی نصرتیان و محمد حسین یزدی میباشند.

د ـ مریضخانهٔ فاطمی

مؤسس بیمارستان فاطمی قم جناب آقای حاج میرزا سید محمد فاطمی رئیس شعبه دیوان عالی تمیز است که در سال ۱۳۱۰ باین اقدام نیك قیام فرموده و مرحوم آیة الله آقای حاج شیخ عبدالکریم طاب ثراه این اقدام را تمجید و تشویق و نیز در این امر بسیار کوشش نموده و مخصوصاً حضرت معظم له اولین کلنگ بنای بیمارستان را پنجم ماه ذیقعدهٔ ۱۳۱۵ زمین زده وشروع به بنائی وساختمان نمودند که تا ۱۵ شعبان ۱۳۵۴ بطول انجامید.

مساحت کلیهٔ زمین بیمارستان چهارده هزار ذرع مربع است و مقدار ۱۱۰۰ ذرع از این زمین زیر بنا میباشد و ۸۰۰ ذرع بقیه که جلوخان بیمارستانرا تشکیل میدهد از زمینهای وقفی معصوم آباد است که آقای فاطمی اجاره نموده اند.

کلیه مخارج ساختمانی بیمارستان از بدو شروع به بنائی تا افتتاح بیمارستان ۲۸۰۰۰۰ ریال شده ۱۸۰۰۰۰ ریال آقای فاطمی از جیب فتوت خود شخصاً خرج نموده و مقدار ۱۰۰۰۰۰ ریال هم از طرف دولت توسط ایشان بمصرف رسیده و اخیراً نیز مبلغ ۴۵۰۰۰ ریال بمصرف ساختمان رخت شویخانه و غیره رسیده است که ازطرف دولت پرداخت شده است.

بیمارستان مزبور در ۱۵ شعبان ۱۳۵۴ با جشن مفصلی که ازطرف جناب آقای محمود جم رئیس الوزراء و جمع کثیری ازمحترمین شهر نیز در آن حضور داشتند مفتوح شده است.

تشکیلات داخلی بیمارستان فاطمی عبارت است از مطب عمومی جراحی و مطب عمومی امراض داخلی وشعبه قابلگی و پست پزشك کشیك ودواخانهٔ مخصوص برای مرضای فقیر وبی بضاعت و مداوای مرضائیکه

در بیمارستان بستری و تحت معالجه قرار میگیرند .

بیمارستان فاطمی دارای سی تخت خواب مجانی است که مخصوص مرضای فقیر و بی بضاعت است .

ریاست بیمارستان از اول تأسیس تاکنون باشخاص مفصلة الاسامی ذیل بوده است : ۱ ـ آقای دکتر صمدی ، ۲ ـ آقای دکتر سالاری ، ۳ ـ آقای دکتر مدرسی که فعلا در تحت نظر ایشان اداره میشود .

علاوه بر بیمارستان فاطمی که جدید التأسیس است بیمارستان دیگری نیز بنام بیمارستان سهامی درشهرقم دائرومفتوح میباشد .

خاتمه

تاریخچهٔ معارف قم و بنای دبیرستان

الف ـ تاریخچهٔ قم

تاقبل‌از سال ۱۳۱۸ هجری قمری دبستانی بطرز اصول جدید درقم وجود نداشت وبنگاههای‌معارفی منحصر بیك عده مکاتیب بود که باروش قدیمی تدریس و تعلیم میکردند.

در سال ۱۳۱۸ آقای حاج میرزاحسن‌رشدیه که در تبریز وبعضی نقاط دیگر سابقه تأسیس مدارس جدیده داشت در قم آمد و دبستانی بنام مدرسه فاطمیه تأسیس نمود لکن بر اثر پیش آمدهائیکه ذکرش مناسب نیست در اواسط‌سال ۱۳۱۹ مدرسهٔ نامبرده‌منحل گشته و آقای حاج میرزا حسن رشدیه بطهران رهسپار گردید. شاگردانیکه در اینمدرسه تحصیل نموده بودند ترقی فوق‌العاده کرده بودند و آقای رشدیه در اینباب فضل تقدم برسایرین‌پیدا نمودند. درسال ۱۳۲۰ ملاّ علی‌اصغر نامی مدرسهٔ بنام معصومیه تأسیس‌کرد و این مؤسسه نیز برای عدم تکافو درآمد و هزینه بیش از پنجسال نپائید و در سال ۱۳۲۵ منحل گردید.

در سال ۱۳۲۶ آقای سید جوادخطیب مدرسه‌ای‌بنام‌رضویه‌تأسیس نمود، هرچند مؤسس مزبوردر انجمنهای خوبی که در آن اوقات بسیار دائر بود نطق و خطابهای مفصلی ایراد مینمود و برای پیشرفت مؤسسهٔ

نامبرده مساعدت میطلبید لکن این کوششها نیز بی‌اثر مانده و پس از یکسال منحل گردید.

درسال ۱۳۲۶ هجری قمری آقای سید محمد باقر متولی باشی مدرسه‌ای بنام باقریه تأسیس نمود و هر چند اینمدرسه چندین سال بحال ضعف بود لکن مجدداً در نتیجه مساعدت اداره معارف و آستانه قوتی بخود گرفته و فعلا دارای شش کلاس ابتدائی و بااعانه ماهی ۳۵۰ ریال از طرف اداره معارف و آستانه اداره میگردد.

درسال ۱۳۲۹ آقای سید محمود مدیر مدرسه‌ای بنام محمودیه تأسیس نمود و باکمك آقای ابوالقاسم صاحب جمعی شروع بکار کرد و چندین سال دائر بود تااینکه در سال ۱۳۳۶ منحل و ضمیمهٔ مدرسه احمدیه که ذکرش بعد از این بیاید گردید.

درسال ۱۳۳۲ باکمك آقای سلیمان محسنی وجمعی ازمعارف خواهان مدرسه‌ای بنام خیریه که از بیست نفر شاگرد یتیم تشکیل میشد تأسیس گردید بطوریکه کتاب و لباس یتیمان را نیز میدادند. آقای سید عزیزالله رضائی بسمت مدیریت مدرسه نامبرده معرفی شدند و پس از یکسال جزو مدرسهٔ احمدیه گردید وسرمایه شرکت معارف خواهان نیز بمصرف اثاثیه مدرسه احمدیه رسید.

در سال ۱۳۳۳ آقای سید حسن رضائی فرزند سیدعزیزالله مذکور مدرسه‌ای بنام احمدیه باسرمایه شرکت خیریه تأسیس نمود ودر سال ۱۳۳۶ سه نفر فارغ‌التحصیل نهائی ابتدائی بیرون داد و در سال ۱۳۰۰ خورشیدی مدرسه نامبرده دولتی گردید و اینمدرسه اولین مؤسسه معارفی دولتی در قم میباشد که اکنون بنام حکمت نامیده میشود.

در سال ۱۳۳۷ آقای ابوالقاسم صاحبجمعی و آقای علی اصغر موید

که از آموزگاران مدرسه احمدیه بودند مدرسه‌ای بنام اتحادیه قدسیّه تأسیس کردند و اینمدرسه نیز بیش از دو سال دائر نبود و در سال ۱۳۳۹ منحل گردید .

در سال ۱۳۳۵ هجری قمری معارف قم رسمیّت بخود گرفت و از سال ۱۳۳۸ اوقاف نیز که بطور مستقل اداره میشد جزو اداره معارف گردید .

درسال ۱۲۹۸ خورشیدی یکباب دبستان دو کلاسی دولتی با بودجه سالیانه شش هزار ریال بمدیریت سید عزیزالله رضائی دائر گردید و پس از دو سال جزو مدرسه احمدیه گردید و این دو باب مدرسه باهم تشکیل یکباب دبستان شش کلاس دولتی دادند .

در سال ۱۳۰۱ خورشیدی دبستان دولتی چهار کلاسی در محلات علیا تأسیس گردید که هم اکنون دائر و بنام دبستان شش کلاسهٔ ۱۵ بهمن نامیده میشود و محل دبستان وقف و در تصرف معارف میباشد .

در سال ۱۳۰۶ خورشیدی معارف قم نسبةً بسطی پیدا کرد و پنج باب دبستان دو کلاسه دولتی که هریك با یکنفر مدیر و آموزگار اداره میشد در شهر قم و محلات سفلی و جاسب و دستجرد و راهجرد تأسیس گردید .

در سال ۱۳۰۸ خورشیدی یکباب دبستان دو کلاسه دولتی بشرح فوق در نراق تأسیس گردید و در سال ۱۳۱۲ — ۱۳۱۳ این شش باب دبستان که دو کلاسه بود دارای چهار کلاس گردید و دبستانهای محلات سفلی و جاسب و نراق فعلاً دارای پنج کلاس میباشد .

در سال ۱۳۱۰ خورشیدی با کمك آقای همایون سیاح یکباب دبستان دو کلاسه ملّی تحت ادارهٔ یکنفر مدیر و آموزگار از قرار ماهی دویست ریال در محل قریه خورهه که از قرای محلات است تشکیل گردید

و در سال ۱۳۱۱ رسماً دولتی و در سال ۱۳۱۲ یك کلاس دیگر بران اضافه گردید که فعلاً دارای ٥ کلاس میباشد .

در سال ۱۳۱۳ خورشیدی دانشپایه اول دبیرستان در شهر قم ضمیمهٔ دبستان حکمت گردید و در سال ۱۳۱٤ دانشپایه دوم و در سال ۱۳۱٥ دانشپایه سوم تشکیل شده و درسال ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ دانشپایه چهارم نیز تأسیس خواهد گردید. درسال ۱۳۱۳ آقای حاج حسن رشدیه که درمعارف ایران سوابق روشنی دارند درقم مدرسه ای بنام رشدیه تأسیس نمود و پس از یکسال بواسطه عزیمت آقای رشدیه بمشهد مقدس جزو دبستان ملّی محمدیه گردید و پس از یکسال که آقای رشدیه بقم مراجعت کردند از نو دبستان رشدیه را دائر نمود و فعلاً با ماهی پانصد ریال اعانه معارف و شهریه محصلین اداره میشود. درسال ۱۳۱۳ خورشیدی مکتب‌خانه‌ای بنام اتحادیه‌لکن بطرز دبستان سیّد فتح الله برقعی در قم تأسیس نمود وچون اجازه نامه رسمی نداشت و ادارهٔ معارف بادرخواست ایشان موافقت نمی نمود آقای سیّد علی اکبر برقعی که از دانشمندان این شهر میباشد بوسیله اداره معارف کسب اجازه افتتاح دبستان حیات از وزارت معارف نمود و درسال ۱۳۱٥ خورشیدی آقای سیّد علی اکبر برقعی موفق باخذ امتیاز دانشپایه های دوره اول دبیرستان گردید و اکنون دبیرستان ملّی حیات مرکب از شش پایهٔ ابتدائی و سه دانشپایه متوسطه است که بااعانه ماهی ٥٨٠ ریال از طرف وزارتمعارف وماهیانه محصلین اداره میگردد.

درسال ۱۳۱۲ خورشیدی آقای محمد فارابی که تقریباً ازسال ۱۳۰٥ مکتبی بنام محمدیه و بطرز دبستان تأسیس و اداره مینمود باخذ امتیاز

دبستان شش کلاسه موفق گردید و در سال ۱۳۱۶ خورشیدی امتیاز دورهٔ اول متوسطه‌را دریافت نمود و اکنون دبیرستان ملّی محمدیه باشش پایهٔ ابتدائی و دانشپایه اول متوسطه با اعانه معارفی ماهی ۳۲۰ ریال و ماهیانه محصلین اداره میشود. در آغازسال تحصیلی ۱۳۱۳ یکباب دبستان دو کلاسی دولتی تحت مراقبت یکنفر مدیر و آموزگار در شهر قم از محل بودجه شهرداری تأسیس گردید و از اول سال تحصیلی ۱۳۱۶ دارای سه کلاس و سه نفر آموزگار گردید و نیز درسال تحصیلی ۱۳۱۳ و ۱۳۱٤ چهار باب دبستان دوکلاس دولتی هر کدام تحت مراقبت یکنفر مدیر و آموزگار در قراء دلیجان و کُمك و اردهان و قنوات قم دائر گردید و در سال بعد بدبستان اردهان و دلیجان یك کلاس دیگر اضافه گردید.

در سال ۱۳۱۳ دبستان بدر و دبستان دختران تأسیس گردید که فعلاً هردو دارای شش کلاس ابتدائی میباشد.

درسال ۱۳۱۵ خورشیدی یکباب دبستان مختلط سه کلاسه درشهر بنام هدایت و یك دبستان دو کلاسه در محلاّت تحت مراقبت یکنفرمدیر وآموزگار تأسیس گردید.

درآغاز سال تحصیلی ۱۳۱٦ یکباب دبستان دو کلاسه درنخجیروان (از توابع محلات) که محل آن از محلّ درآمد اوقافی ساخته شده است و یکباب دبستان سه کلاسه بنام حکیم نظامی درشهر نو قم تأسیس گردید.

بنا برآنچه که مذکور گردید بنگاههای معارفی قم از سال ۱۳۱۳ بسطی بسزا یافته و اکنون که آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ است شهرقم دارای سه باب دبیرستان دولتی و ملّی و هشت باب دبستان دولتی و ملّی است بشرح ذیل:

۱ - دبیرستان دولتی حکمت دارای ۴ دانشپایه
۲ - « ملّی حیات « ۳ «
۳ - « « محمّدیّه « ۱ «
۴ - دبستان دولتی حکمت « ٦ «
۵ - « « بدر « ٦ «
٦ - « « دختران « ٦ «
۷ - « « حکیم نظامی « ۳ «
۸ - « « هدایت « ۳ «
۹ - « « ۱۷ دی « ۳ «
۱۰ - « ملّی باقریه « ٦ «
۱۱ - « « رشدیه « ۴ «

و حومه قم دارای سیزده باب دبستان است بشرح ذیل :

۱ - دبستان شمارهٔ ۳ جاسب دارای ۴ پایه
۲ - « « ۴ راهجرد « ۴ «
۳ - « « ۵ « ۴ «
۴ - « « ٦ (۱۵ بهمن) محلاّت علیا ٦ «
۵ - « « ۷ محلاّت سفلی « ۵ «
٦ - « « ۸ نراق « ۵ «
۷ - « « ۹ خورهه « ۵ «
۸ - « « ۱۰ دلیجان « ۴ «
۹ - « « ۱۱ اردهان « ۴ «
۱۰ - « « ۱۲ کهک « ۴ «
۱۱ - « « ۱۳ قنوات « ۲ «

۱۲ - دبستان شمارهٔ ۱٤ نخجیروان دارای ۲ پایه
۱۳ - » » مختلط محلّات » ۲ »

آموزشگاههای اکابر

درسال ۱۳۱٥ خورشیدی برحسب امر بندگان اعلیحضرت پهلوی آموزشگاههای اکابر در سر تا سر کشور تأسیس گردید و در همان سال در شهر قم و حومه نیز دوازده باب آموزشگاه اکابر تأسیس گردید ودر سال ۱۳۱٦ سه باب دیگر بران افزوده گشت، بطوریکه در ارقام زیر ملاحظه میشود حوزهٔ معارفی قم دارای پانزده باب آموزشگاه اکابر دولتی است بشرح زیر :

۱ - آموزشگاه اکابردولتی شمارهٔ ۱ ۱۷ دی قم دارای ۲ پایه
۲ - » » » » ۲ هدایت » » ۲ »
۳ - » » » » ۳ بدر » » ۲ »
٤ - » » » » ٤ حکمت » » ۲ »
٥ - » » » » ٥ قم » » ۲ »
٦ - » » » » ٦ جاسب » ۲ »
۷ - » » » » ۷ دستجرد » ۲ »
۸ - » » » » ۸ راهجرد » ۲ »
۹ - » » » » ۹ محلّات علیا » ۲ »
۱۰ - » » » » ۱۰ محلّات سفلی » ۲ »
۱۱ - » » » » ۱۱ نراق » ۲ »
۱۲ - » » » » ۱۲ خورهه » ۲ »
۱۳ - » » » » ۱۳ دلیجان » ۲ »
۱٤ - » » » » ۱٤ قم » ۱ »
۱٥ - آموزشگاه شبانه ملّی حکمت » ۱ »

ادارهٔ معارف و رؤسای آن

اداره معارف قم چنانکه پیشتر بدان اشارت رفت در سال ۱۳۳۵ هجری قمری رسمیّت بخود گرفته و از آن تاریخ تاسال ۱۳۰۲ خورشیدی ریاست اداره معارف قم در عهدهٔ آقای سید حسن رضائی بود و در سال ۱۳۰۳ ریاست اوقاف با آقای سید حسین برقعی و آقای سید حسن رضائی فقط عهده دار ریاست اداره معارف بودند تا در سال ۱۳۰٤ اوقاف جزو معارف گردید و ریاست هر دو را آقای رضائی دارا بود و در سال ۱۳۰٦ آقای رضائی بطهران منتقل گردید و آقای سید مرتضی پیغمبر زاده بجای ایشان منصوب گشت و درسال ۱۳۰۷ آقای پیغمبرزاده بمرکز احضار و بجای ایشان آقای محسن قدر بریاست معارف قم مأمور شد و در مهرماه همان سال آقای قدر بمرکز احضار و آقای عبد الحسین امامی (آل اقا) بریاست معارف قم منصوب و در خرداد ماه ۱۳۰۹ بدرود زندگانی گفتند و در اول شهریور آقای غلامرضا معارفی بسمت ریاست معارف معرفی شد و پس از یکسال بجای ایشان آقای سید هادی روحانی معیّن و در آذرماه ۱۳۱۲ آقای مهدی کازرونی (صباح) بریاست معارف قم منصوب گردید و در ۱۸ مرداد ۱۳۱۳ آقای علی حبیبی مأمور معارف قم شدند و از اول دیماه ۱۳۱٤ تاکنون تصدّی معارف و اوقاف بعهدهٔ آقای اسد الله سرمدی آشتیانی میباشد.

موزهٔ قم

چنانچه در فصل هشتم این کتاب مصرح است درسال ۱۳۱٤ خورشیدی بر حسب دستور وزارت معارف و اوقاف برای نگاهبانی اشیاء نفیس آستانه و بمنظور استفاده عامه در ضلع غربی صحن زنانه بنائی بنام موزهٔ آستانه پرداخته گشت و از همان تاریخ آقای محمودراد

بسمت مدیریت موزه معرفی و منصوب گردید . در اول شهریور ماه ۱۳۱۵ آقای راد بشیراز منتقل و آقای محمد تقی سپهبدی بمدیریت موزه منصوب شدند، برای سایر تفاصیل بفصل هشتم صفحهٔ ۱۱۸ مراجعه شود.

ب ـ بنای دبیرستان

چون توسعه روز افزون تعلیمات و کثرت داوطلبان دوره متوسّطه بنای دبیرستانی را که از هرحیث موافق روح عصر و مطابق شون ملّی باشد ایجاب مینمود ازین جهت برای این منظور بدستور وزارت معارف محلّ مناسبی در نظر گرفته شده و پس از ترسیم نقشه ساختمان بوسیلهٔ متخصصین فن و مهندسین اعزامی وزارتخانه در روز ۲۰ آبان ۱۳۱٤ مطابق ۱۵ شعبان ۱۳۵٤ مجلس جشن باشکوهی برپا و مراسم نصب اولین سنگ بنای مدرسه بعمل آمد بدواً از ناحیه جناب وزیر معارف نطق جامعی ایراد سپس سنگ مزبور که قبلاً تهیه و برآن عبارت [نخستین سنگ بنای دبیرستان قم در روزگار پادشاهی شاهنشاه پهلوی که زندگانیش دراز باد نصب گردید آبانماه ۱۳۱٤ خورشیدی] نقش شده بود بوسیله جناب آقای رئیس الوزراء نصب گردید.

مجموع مساحت زمینی که برای دبیرستان اختصاص داده شده است هفتاد و پنجهزار متر مربع میباشد که از اینمقدار یکهزار و پانصد متر مربع زیر بنا واقعشده است.

بناء دبیرستان شامل شش دانشپایه بعرض ٦ و بطول ۷ متر و آزمایشگاه شیمی بطول ۱۲ و عرض ٦ متر و آزمایشگاه فیزیك بطول ۷ و عرض ٦ متر و تالار سخن رانی وسن بطول ۲٤ و عرض ۹ متر و اطاق های رئیس و دفتر و روشوئی و عکّاسی باضافه چندین ساختمانهای فرعی که از ساختمان اصلی مجزّی است . این بناها از هرجهت نظر بینندگان را

جلب میکند زیرا از حیث استحکام نهایت جدیت و کوشش در پی برداری آن بکار رفته و بر روی پایه هائی که از آهن و سنگ و سمنت و آهك بالا برده اند قرار گرفته است و از حیث زیبائی و اسلوب بنا و خوبی مصالح مراقبت کامل بعمل آمده ، مصالحی که در این ساختمان بمصرف رسیده از قرار ذیل است :

۱ - آهك	٤٢٢٠٢٠	کیلو
۲ - آجرسفید و ابلق ونظامی	١٠٠٢٣٠٩	دانه
۳ - قزّاقی	٢٣٩١٧٠	دانه
٤ - سنگ لاشه	٣١٨٤٧٠٧	کیلو
٥ - ماسه	١٥٠٥	مترمکعب
٦ - سیمان	٧١٠٠٠	کیلو
۷ - گچ	٤٤١٨١٤	کیلو
۸ - سنك رگی	٥٠٧	متر
۹ - تیر آهن	١٠٠١٩٤	کیلو
۱۰ - تخته و تیر	٢١٣٢٧	کیلو
۱۱ - سنگ پله	١٤٥	متر
۱۲ - سنگ سر ستون	٥١/٥	دانه
۱۳ - میخ مفتولی	١٥٣	کیلو
١٤ - پیچ و مهره	١٩٧	دانه
۱٥ - کاه	٢٢٠٠٣	کیلو
١٦ - الوار گردو	٥٣٣٧٠	کیلو
۱۷ - سنك خاقانی وجدول	٨٤٥	متر
۱۸ - لولا	١٠٥٠	دانه

مصالحی که نامبرده شد مصالح کلی بناست واز تفصیل مصالح دیگر از قبیل آهن سفید برای شیروانی وناودان ولوازم لوله کشی آب ومیزهای آهنین و منبع آب و شیر و مایحتاج رنگ آمیزی و درخت ولوازم باغبانی و میخها و کلافهای آهنین و مفتول و غیره صرف نظر شد .

عدهٔ کارگرانی که تااین تاریخ در ساختمان کار کرده اند :

۱ - بنّاء	٤٥١٨ نفر
۲ - ناوه کش	٤١٦٥ »
۳ - متفرقه از معمار و سرعمله و باغنان و نقّاش	۲۳۳۱ »
٤ - عمله	۲٦٤٨۱ »
٥ - سقّا	٤٤۲ »
٦ - نجّار	۲۸۲ »
۷ - شیشه بر	۲۰٥۷ »
۸ - آهنگر	۸۹ »
۹ - سنگتراش	٥۹ »
۱۰ - مقنّی	۱۱۳ »
۱۱ - کاشی تراش	۱۳۱ »
جمع کلّ	٤۰٥٦۹ »

کارگران نامبرده کارگرانی هستند که روز مزد در این ساختمان مشغول کار بوده اند امّا نجاران در و پنجره و سنگتراشان ولوله کشان و سیم کشان و آهن کوبان وغیرهم که بطور کنترات کار کرده اند داخل در ارقام بالا نیستند .

معمار مخصوص ساختمان استاد ابو القاسم معمار پور بوده که از آغاز ساختمان تاخاتمهٔ بنیان سَرِکار بوده وازعهدهٔ وظیفه بخوبی برآمده است و آقایان قادسی وکشاورزی و حسین عنایت نیز مأمورین اعزامی وزارت معارف بوده اند که هریك بنوبت خود درپیشرفت امر ساختمان بامساعدتهای آقای سرمد رئیس معارف وقت جدیت و اهتمام نموده اند و دبیرستان مزبور رسماً در تاریخ روز پانزدهم شعبان ۱۳۵۷ مطابق ۱۸ مهر ماه ۱۳۱۷ افتتاح خواهد گردید .

فهرست

اعلام ـ کتب و مؤلفات ـ اماکن مندرجه در کتاب راهنمای قم

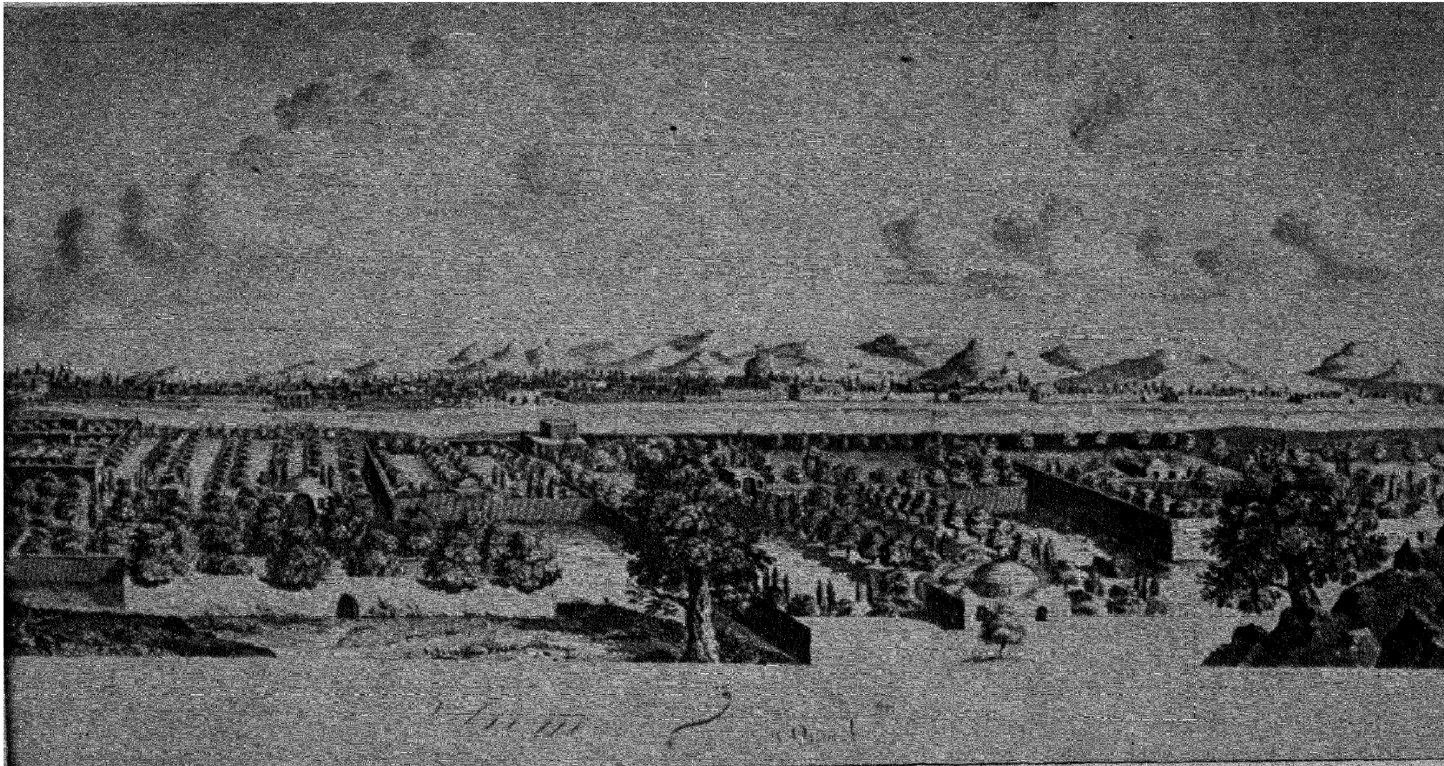
فهرست اسامی کتب مندرجه در کتاب راهنمای قم

فهرست اماکن
کتاب راهنمای قم

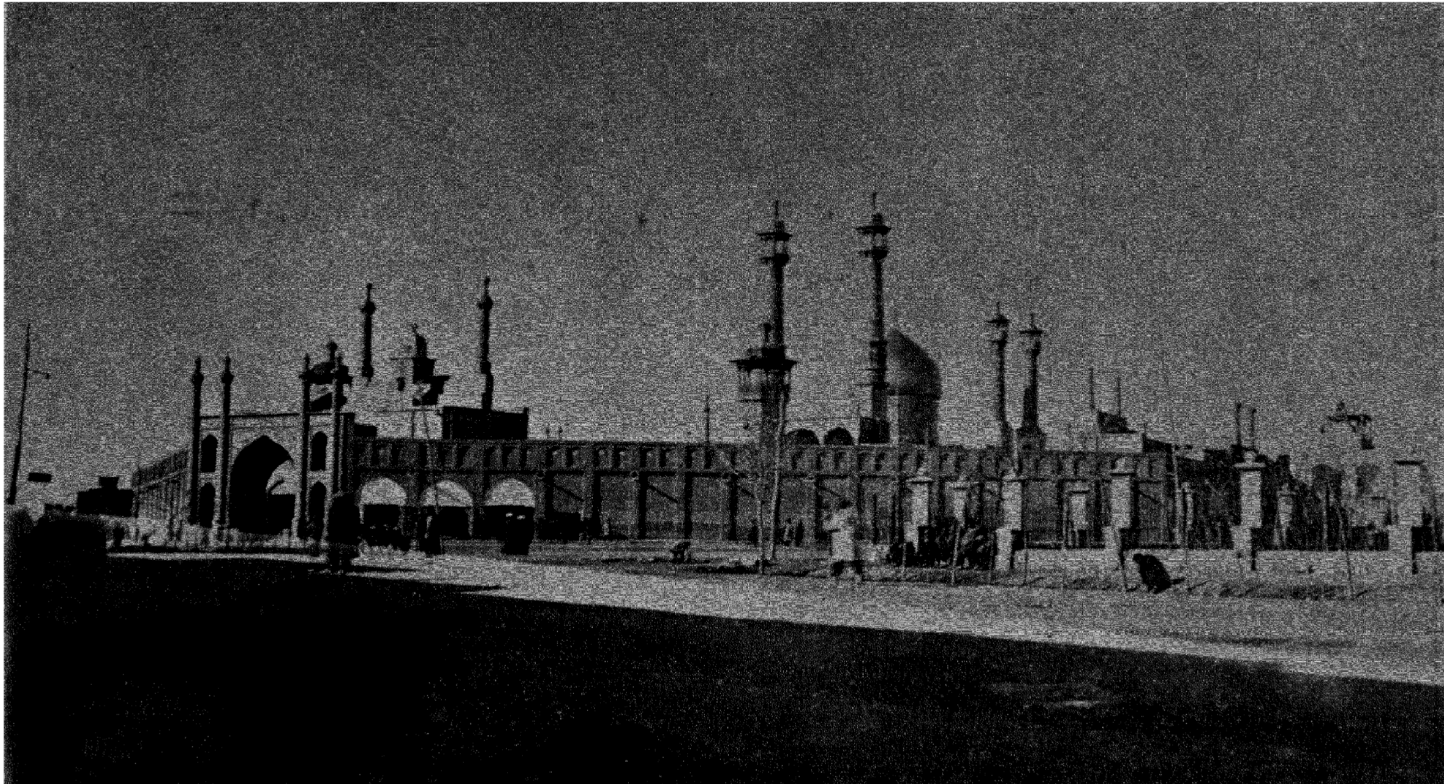
ن

و

ه



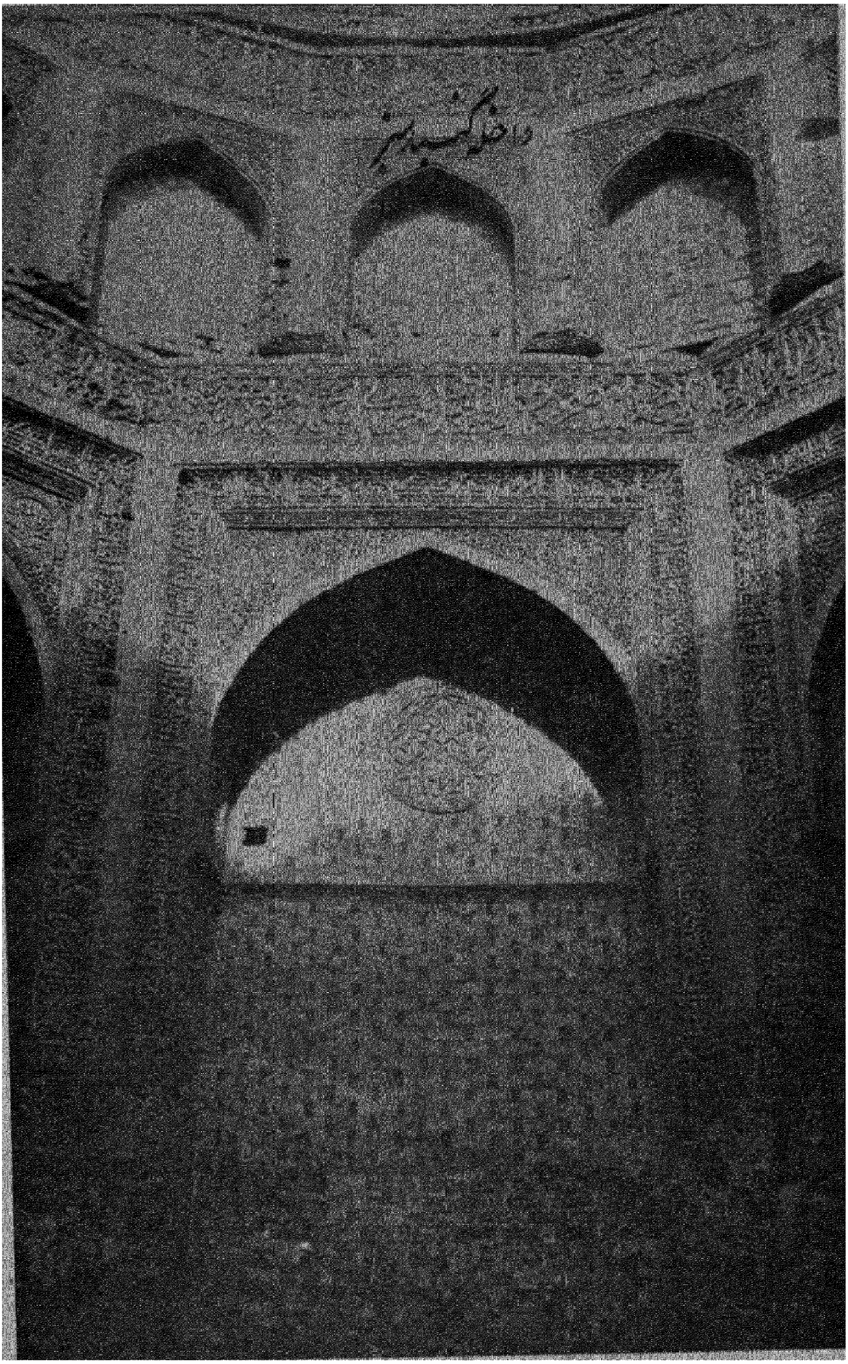
۱ ـ دور نمای شهر قم که یکی از سیاحان اروپائی برداشته ودرموقعی بوده است که گنبد حرم کاشی داشته



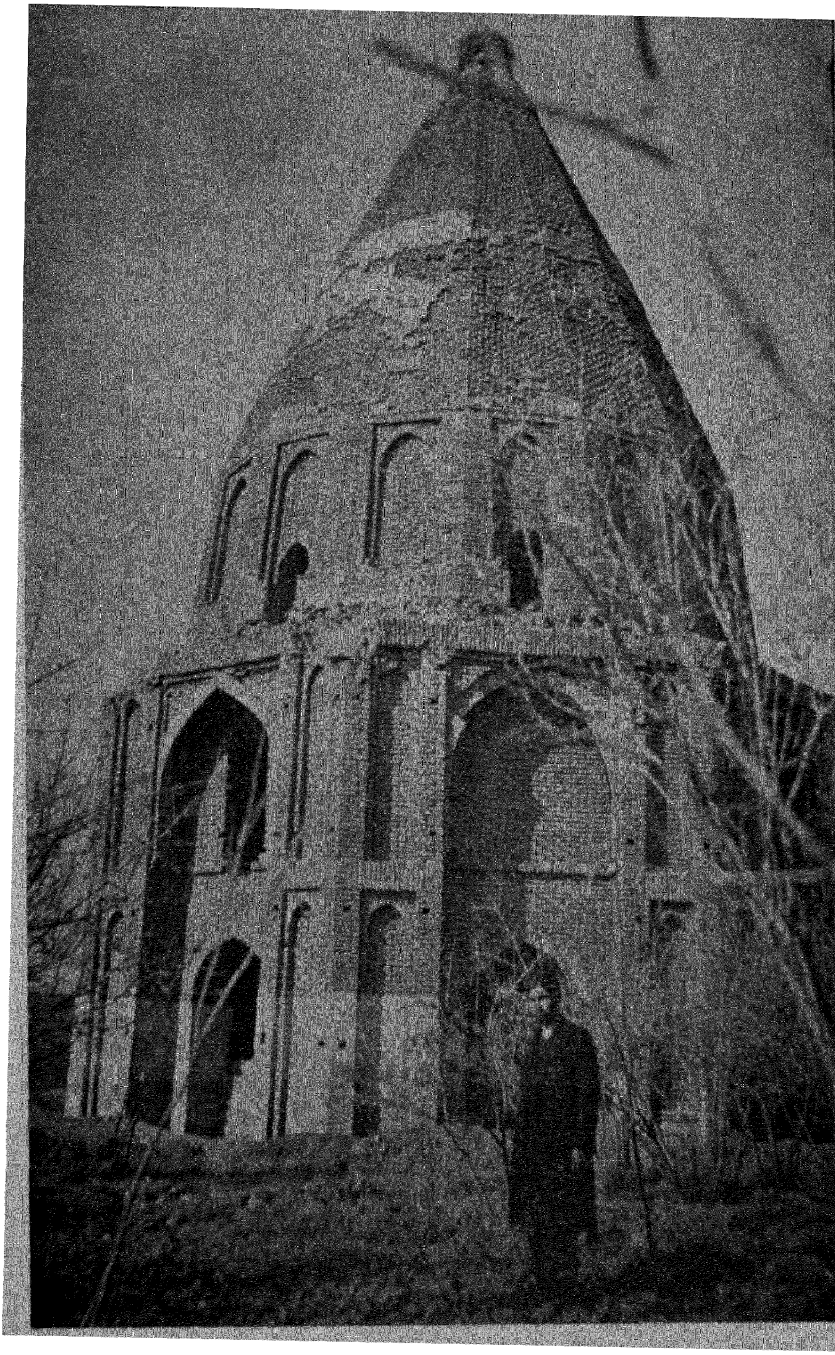
۲ ـ دور نمای آستانه



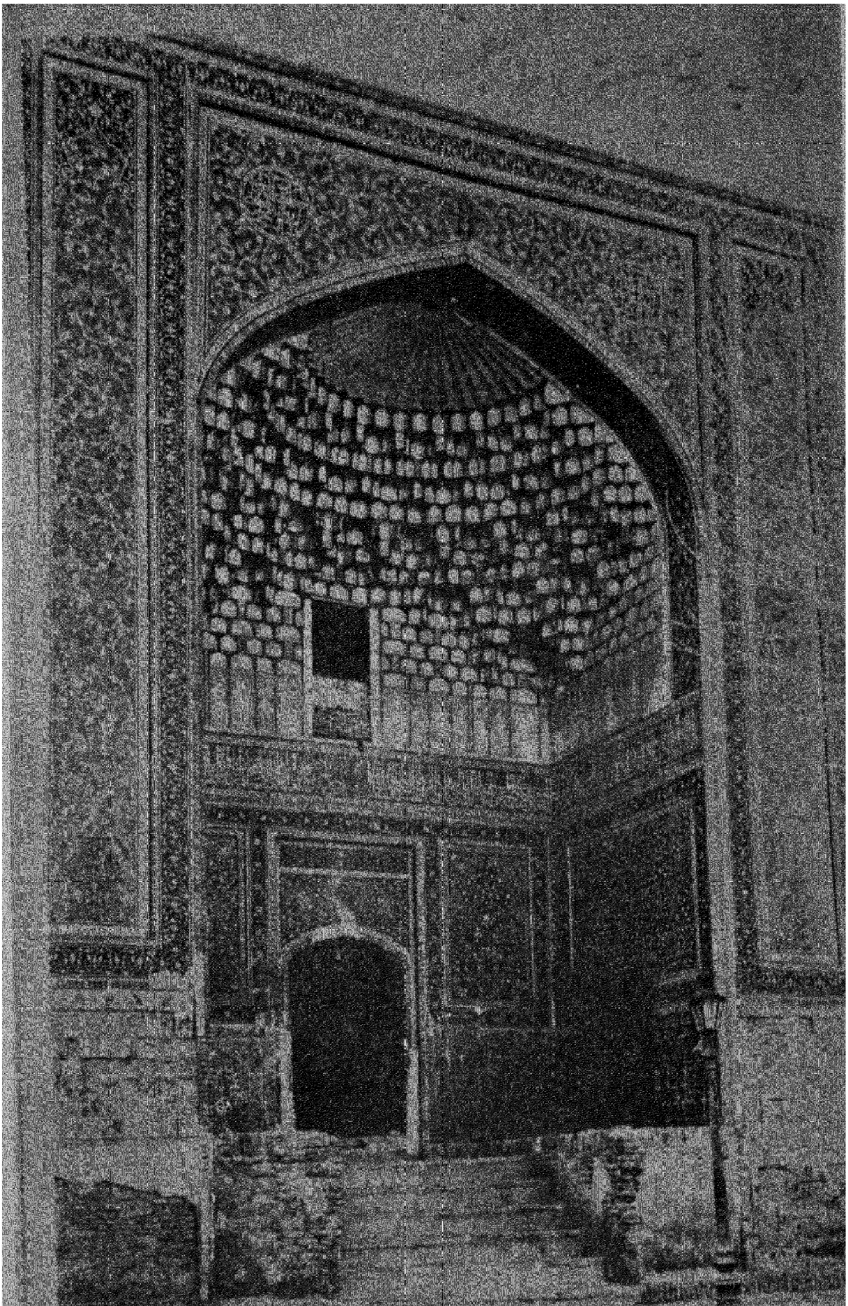
۳ - خیابان اِرَم جنب آستانهٔ مقدسه که یك قسمت از بنای آستانه را نشان میدهد



٤ ـ گچ‌بری داخلهٔ گنبد سبز



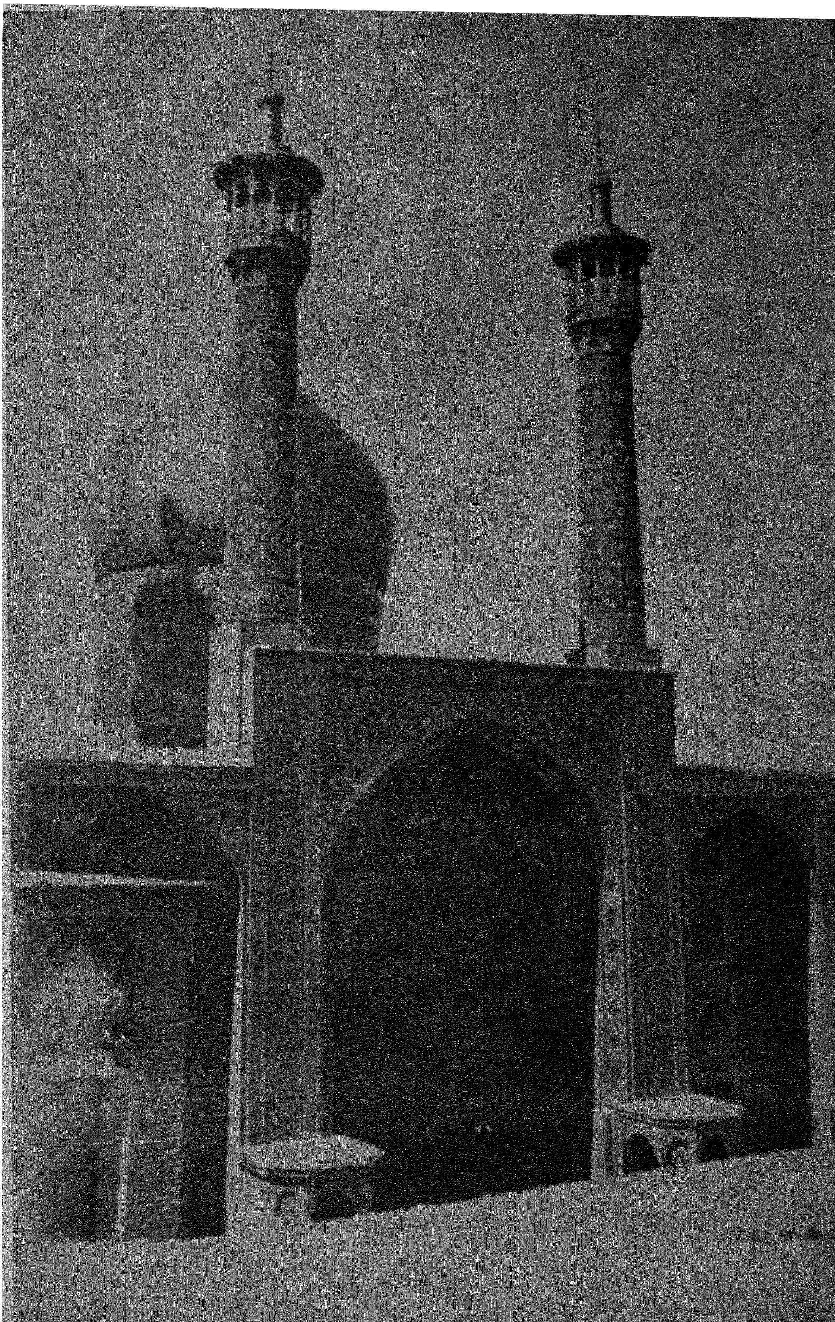
۵ ـ نمای خارجی گنبد سبز



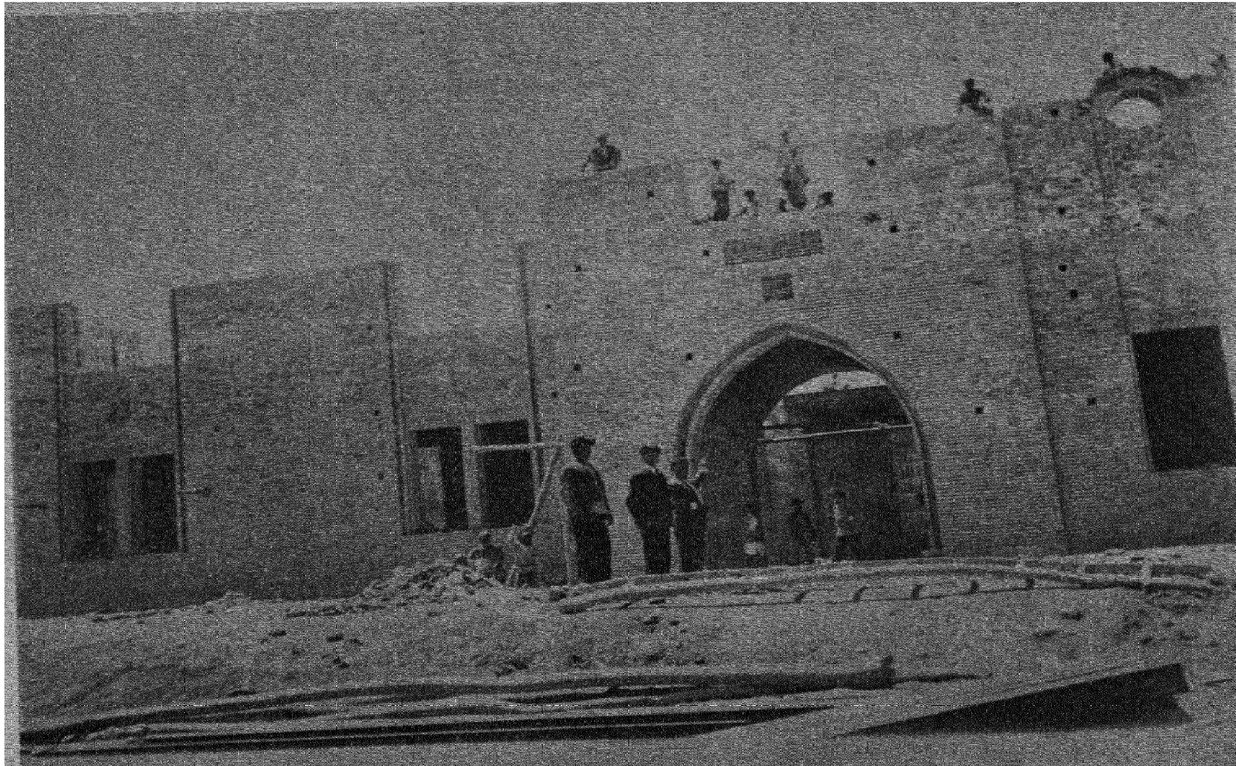
٦ - درب ورود صحن کوچك از طرف مدرسه فیضیه



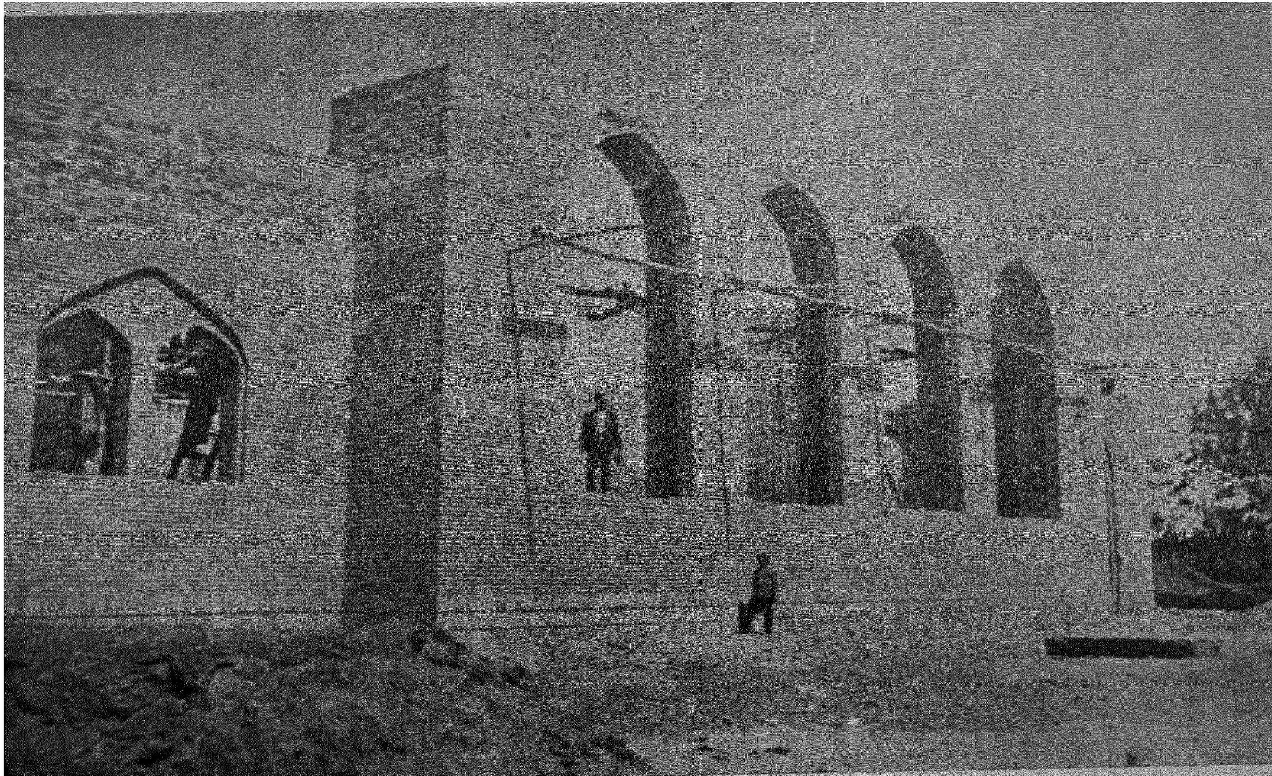
۷ ـ شیخان که در باغ های و مقابل صحن بزرگ آستانه واقع است



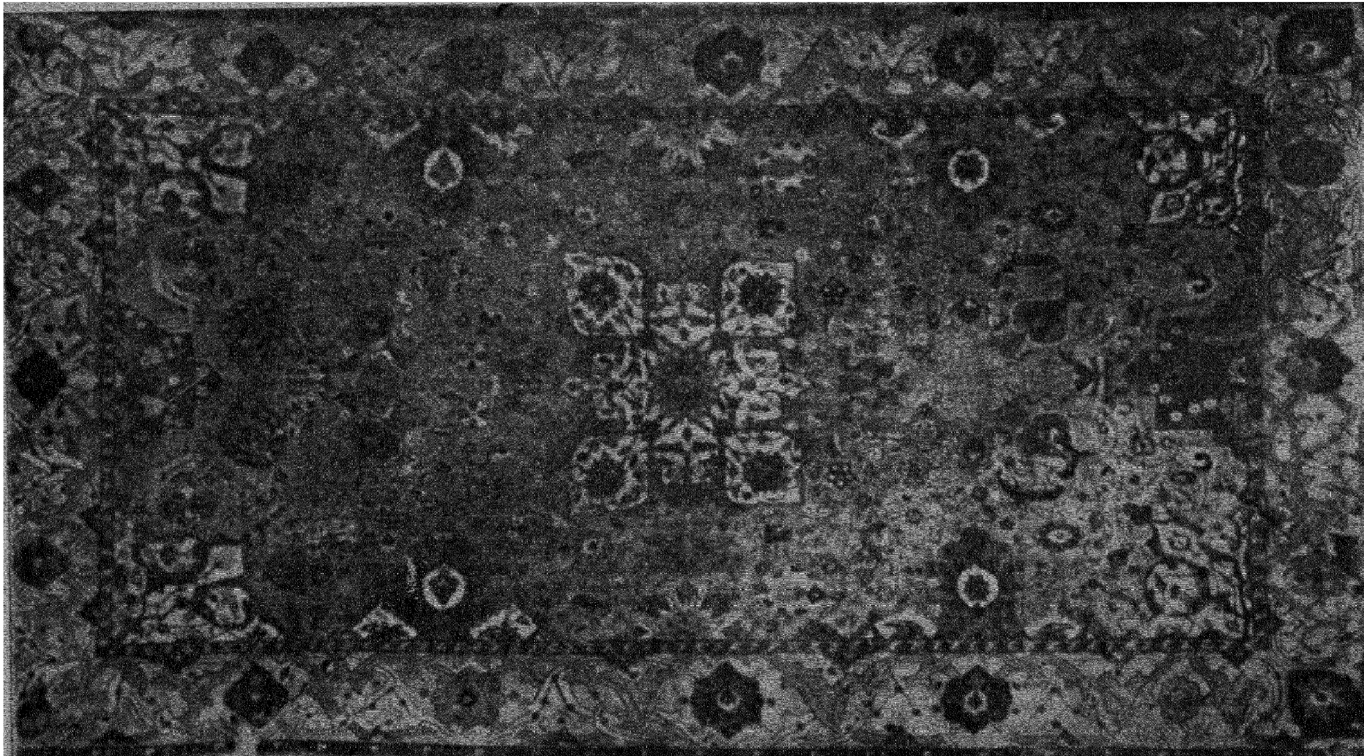
۸ ـ قسمتی از ایوان صفوی (ایوان طلا)



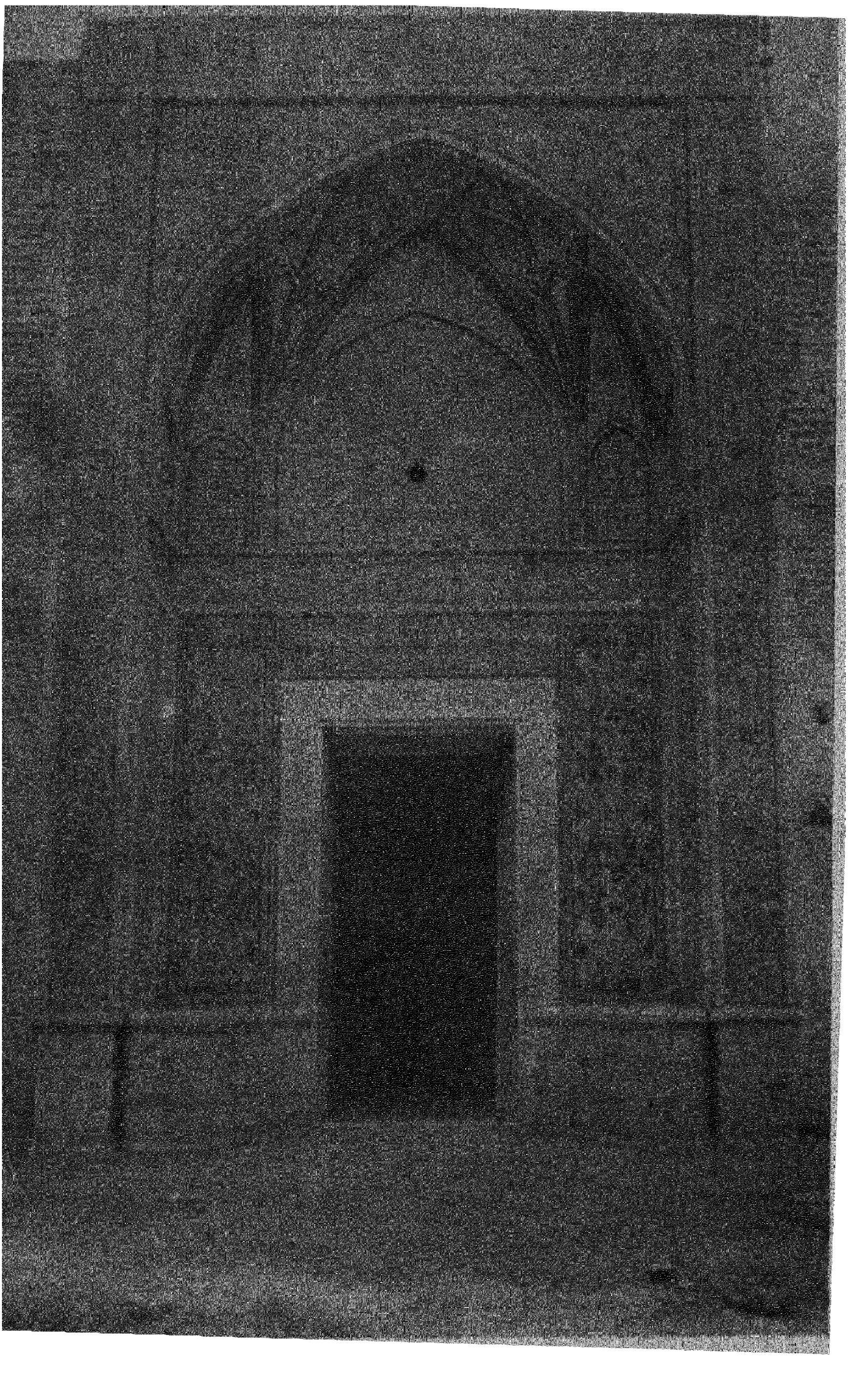
۹ - درب ورودی دبیرستان قم



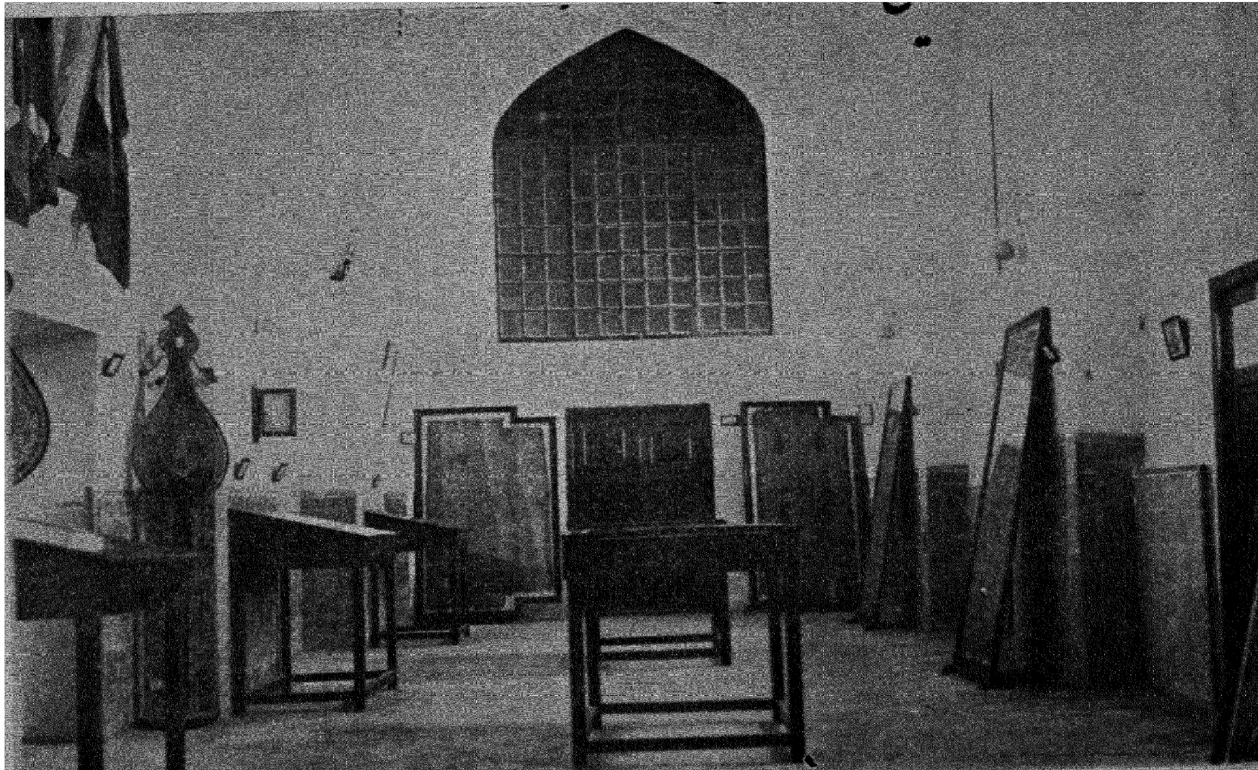
۱۰ - یك قسمت از نمای دبیرستان قم



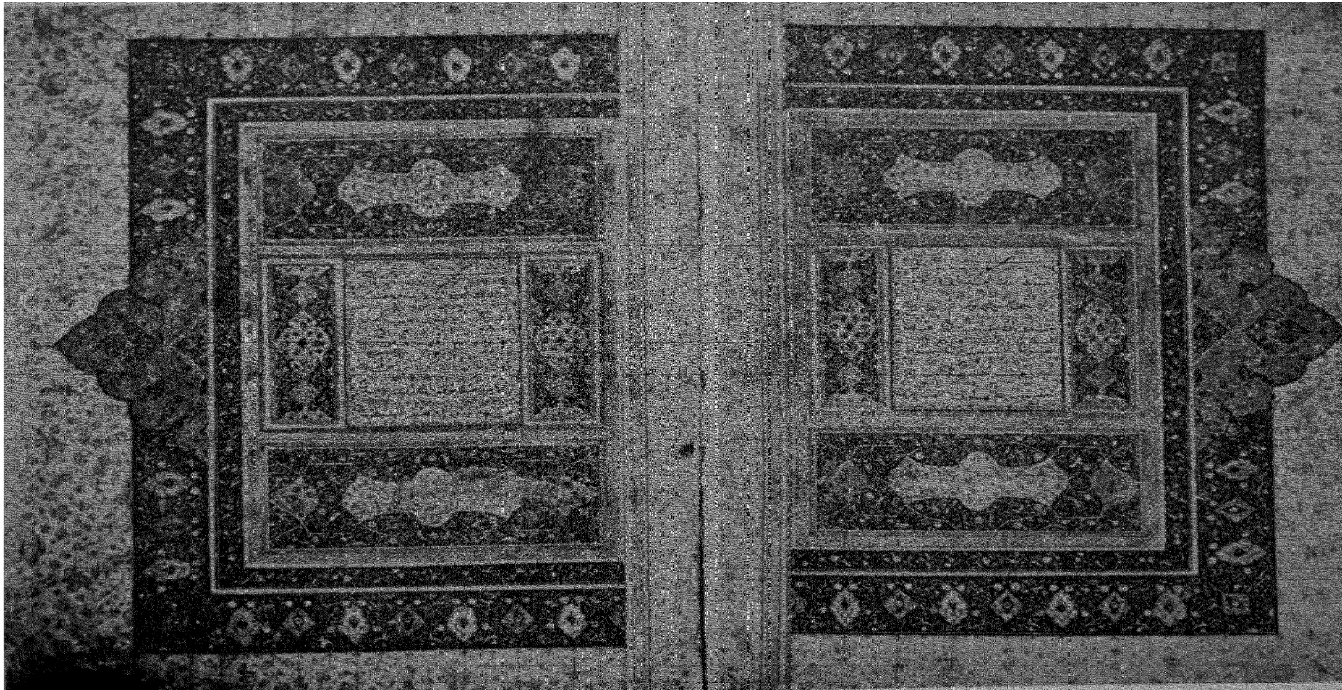
۱۱ ـ قالیچه روی قبر شاه عباس دوم که در سال ۱۰۸۲ بدست استاد نعمت‌الله جوشقانی بافته شده



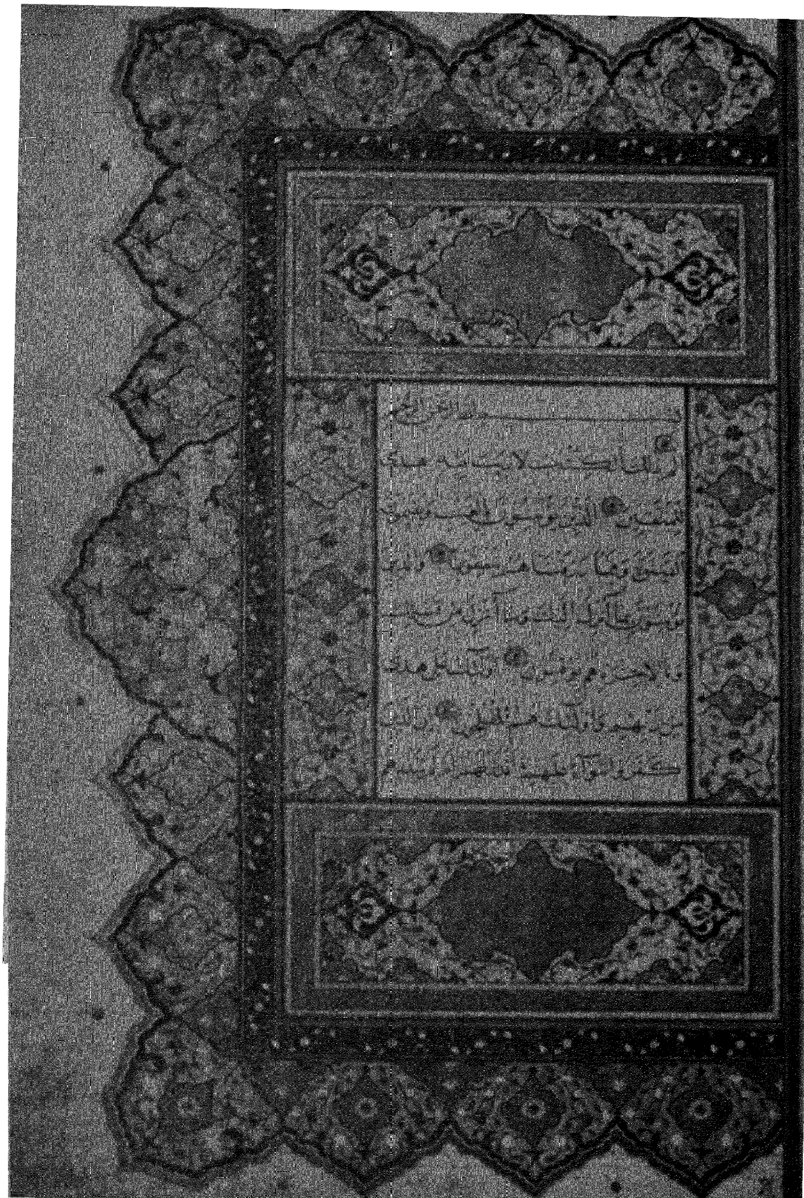
۱۲ـ درب ورودیهٔ موزهٔ آستانه که در آبانماه شمسی ۱۳۱٤ ساخته شده



۱۳ – یکی ازسالونهای موزهٔ آستانه



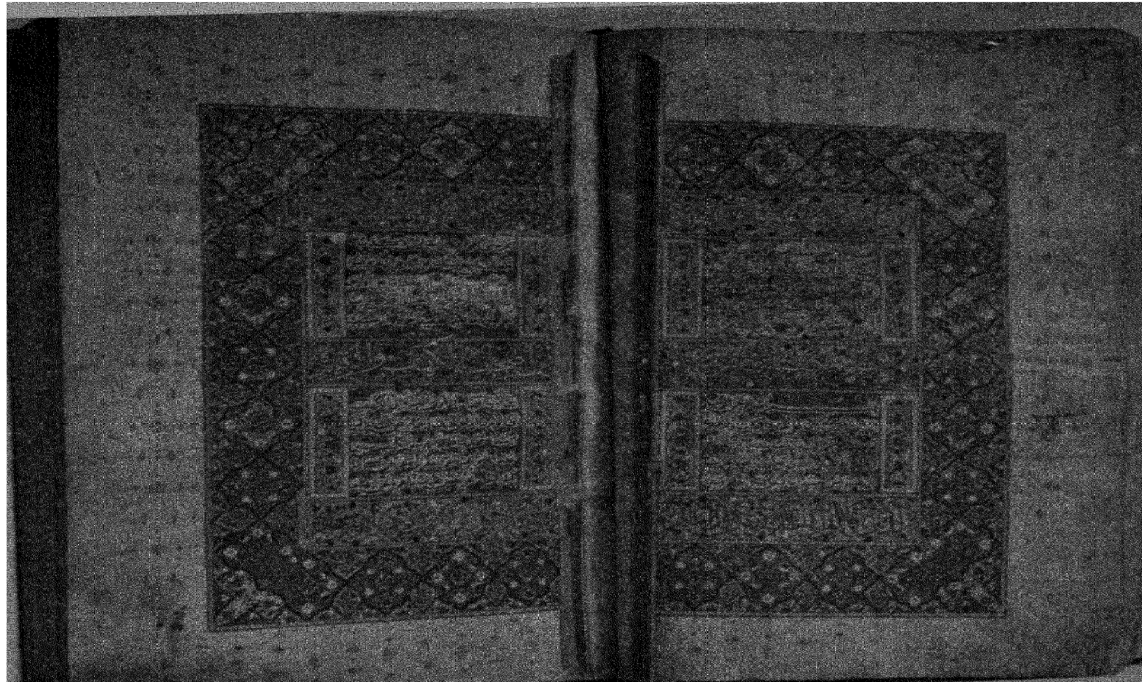
۱۴ - قرآن خط میرسنجری روی کاغذ ترمه که‌در سنهٔ ۹۳۰ هجری بخط ثلث‌نوشته ورق اول تذهیب شده با طلا ولاجورد وشنجرف میباشد . خطوط وسط هر ورق بخط ثلث با آب طلانوشته شده ، حاشیه اوراق با تذهیب مینا وطلا منقش گردیده، طول ورق ۳۵ و عرضش ۲۵ سانتیمتر و در سنهٔ ۱۲۳۰ فخرالملوك وقف آستانه حضرت معصومه ع نموده است



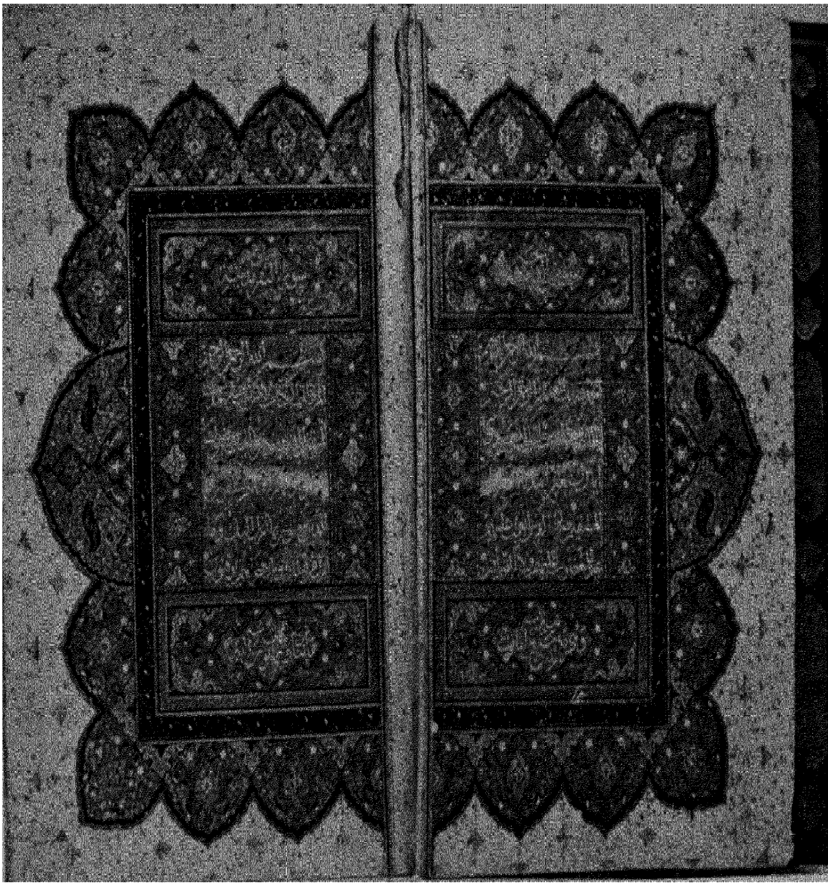
۱۵ - قرآن تذهیب کاری بقطع ۳۵ در ۲۲ سانتیمتر روی کاغذ ترمهٔ هندی بخط ثلث ونسخ، خط ثلث را با آب طلاوخط نسخ را بامر کب مشکی نوشته‌اند و در تاریخ شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۰۸۵ شاه سلیمان صفوی وقف نموده و ذیل وقفنامه دارای مهر بیضی شاه سلیمان بمضمون (بندهٔ شاه دین سلیمان است) میباشد، کاتب معلوم نیست وامضا ندارد .



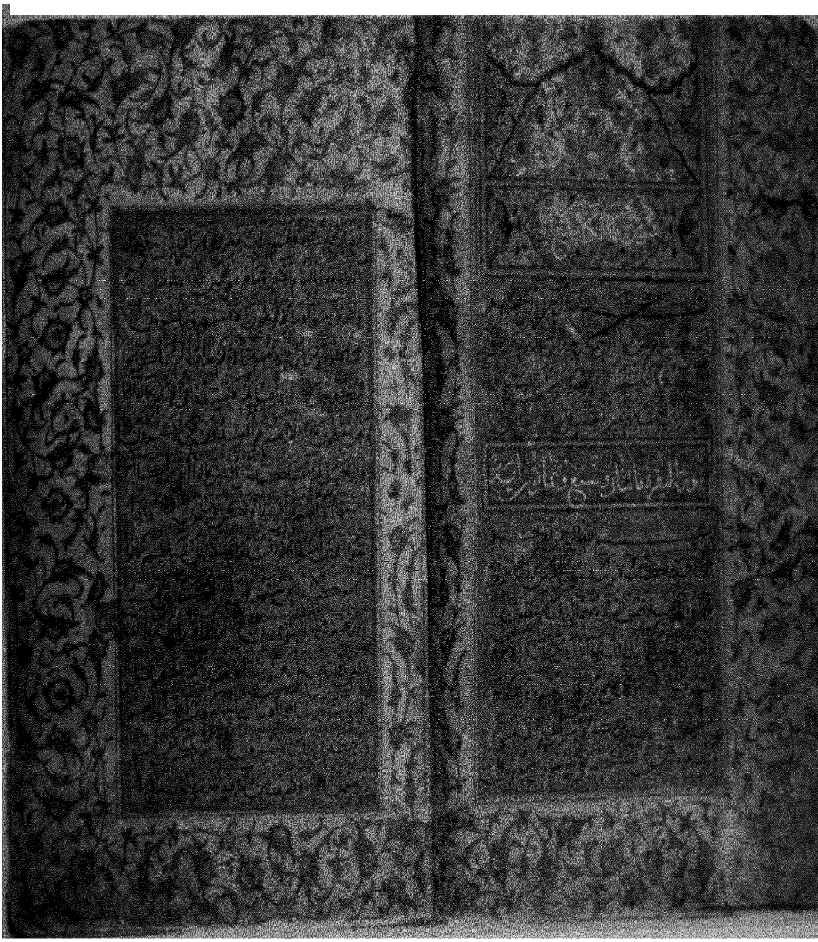
۱٦ - قرآن تذهیب کاری خیلی عالی با طلا ولاجورد روی کاغذ ترمه باخط ثلث بسیارممتاز نوشته شده، سه‌سطر در هرصفحه باثلث درشت سطر بالا و پائین بالاجورد وخط وسط با طلای اشرفی است، تمام اوراق تذهیب‌طلا و لاجورد دارد ودر غره شهر رجب سنهٔ ۱۰۵۳ مادر شاه صفی وقف مقبرهٔ شاه نموده، اندازهٔ ورق ۳۰ در ۲۰ سانتیمتر ، کاتب معلوم نیست



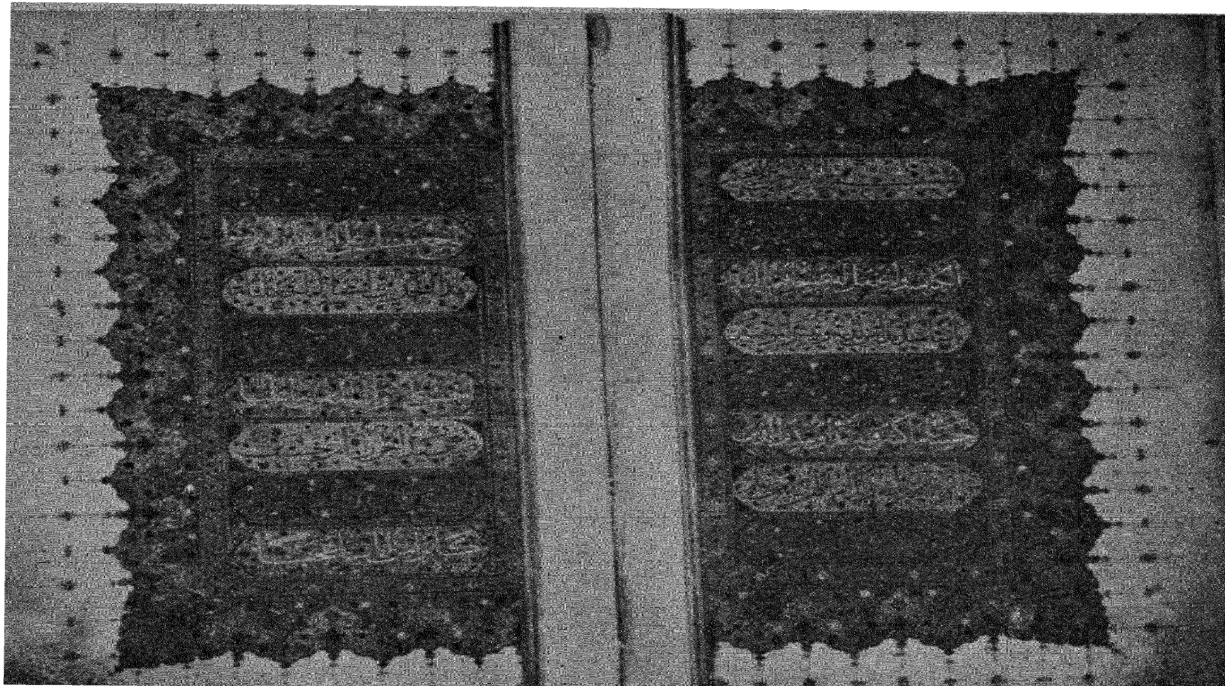
۱۷- قرآن بزرگ جلد سوخته برجسته عالی، ورق اول و دوم تذهیب خیلی اعلا با طلای اشرفی و لاجورد و درسنهٔ ۱۱۲۰ هجری توسط شمس‌الدین عبدالله با خط ثلث نوشته شده ، وسط قرآن دو صفحه تذهیب شده، هرصفحه دارای ۱۲ سطر که یك سطر با مرکب مشکی ویکسطر با طلای اشرفی‌است، طول ورق ۴۷ و عرضش ۴۱ سانتیمتراست



۱۸ - قرآن خطی کاغذ ترمه تذهیب کاری با جلد سوخته خیلی عالی بقطع ۳۰ در ۲۰ سانتی‌متر، کاتب حاجی غیاث‌الدین احمد الخلیلی تبریزی که تاریخ تحریر آن سنهٔ ۹۲۲ هجری است ودر سنهٔ ۱۰۹۸ فاطمه مادر شاه سلیمان صفوی وقف نموده تمام قرآن یکسطر با مرکب مشکی و یکسطر باطلای اشرفی نوشته شده ، تمام حاشیه های اوراق زرافشان و دارای مهر مادرشاه سلیمان بمضمون ذیل است از فاطمه مادر سلیمان دارد در حشر چشم احسان ذیل وقفنامه قرآن بامضاء محمد باقر مجلسی است



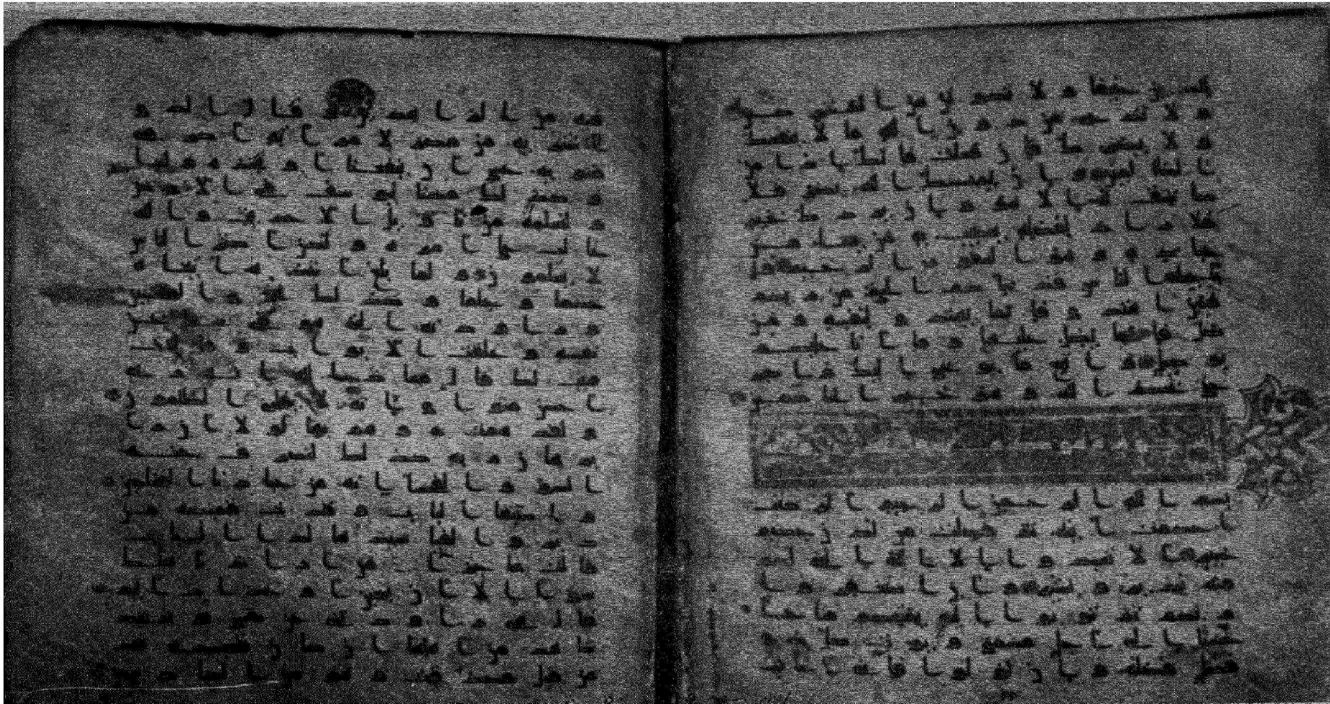
۱۹ - قرآن خطی کاغذ ترمه جلد روغنی زمینه عنابی دور جلد خط ثلث و کوفی بامضای احمد نیریزی است ، ورق اول باطلای اشرفی تذهیب گردیده ، سرهرسوره بخط کوفی با آب طلا ودر سنهٔ ۵۹۰ هجری توسط ابن مقله ابن سلیمان محمود تحریر گردیده و درسنهٔ ۱۱۱۸ شاه سلطان حسین صفوی وقف نموده ودارای مهر شاه‌سلطانحسین بمضمون ذیل است بسم‌الله الرحمن‌الرحیم کمترین کلب امیر المؤمنین سلطانحسین اندازهٔ ورق۲۸ در ۱۶ سانتیمتر



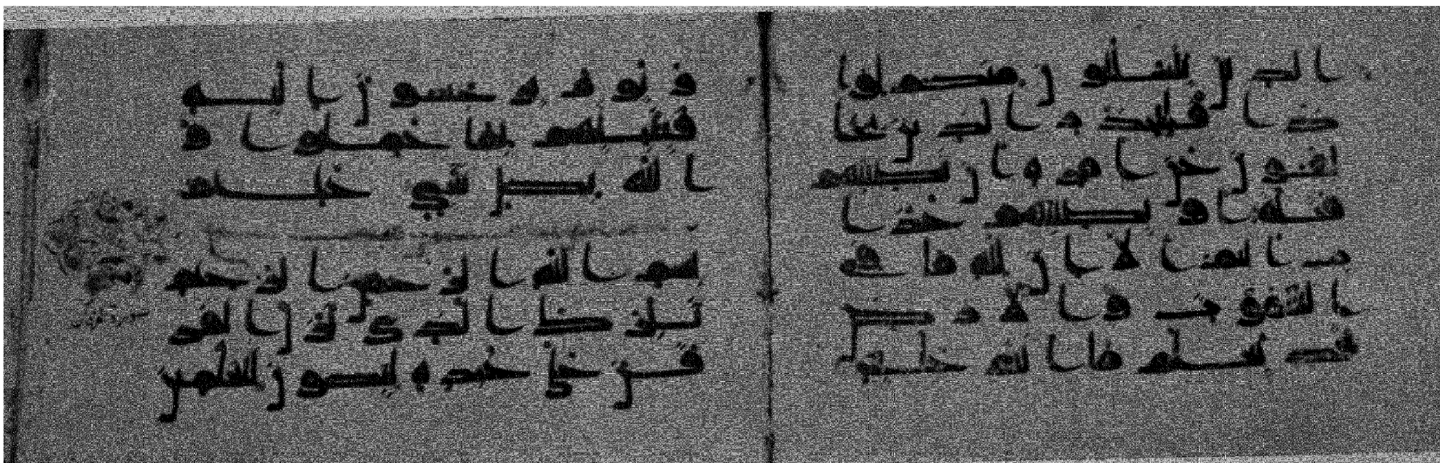
۲۰ ـ قرآن خطی جلد سوخته اعلا که دورجلد آیةالکرسی نوشته شده، تمام اوراق تذهیب شده با طلای اشرفی‌است، حاشیه‌ها لاجوردوطلا درهر ۳ سطر خط‌درشت ثلث که دوسطر بالاوپائین بالاجورد و سطر وسط باطلای اشرفی‌است، درسنهٔ ۱۰۷۷ محمد مهدی وقف مقبرهٔ شاه‌عباس ثانی نموده، طول ورق ۳۳ و عرضش ۲۰ سانتیمتر است



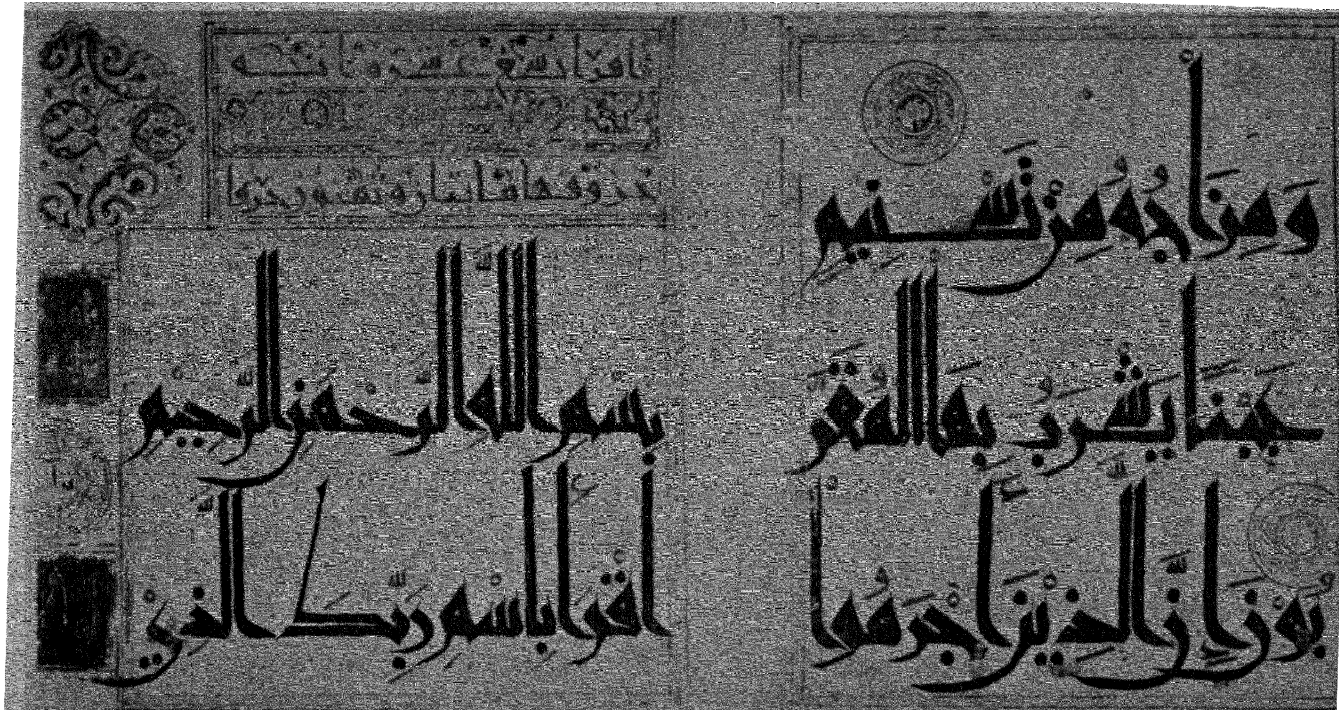
۲۱ - قران خطی جلد سوخته طلای اشرفی پشت جلد تذهیب طلا و لاجورد روی کاغذ ترمه ، ورق اول قرآن تذهیب خیلی عالی با طلای اشرفی‌دارد ، تمام صفحه های قرآن سه سطر بخط ثلث باطلای اشرفی بین سطور دیگر نوشته شده، کاتب محمدبن سلیمان هروی درسنهٔ ۹۶۸ هجری ودر سنهٔ ۱۰۹۴ حاجی آقا کافورصاحبجمع وقف نموده، طول ورق ۳۵ و عرضش ۲۶ سانتیمتر است .



۲۲ - قرآن بخط کوفی روی پوست آهو متعلق بقرن دوم هجری که سر هر سوره با آب طلا تذهیب گردیده طول ۲۹
و عرض ورق ۲۵ سانتیمتر است



۲۳ - قران بخط کوفی بسیار عالی متعلق بقرن سوم هجری روی پوست آهو که در سنهٔ ۱۲۲۱ محمد تقی نام اصفهانی وقف نموده طول ورق ۲۱ و عرضش ۱۲ سانتیمر است



۲۴ ـ قسمتی از قرآن بخط کوفی با کاغذ خیلی قدیمی و خط بسیار عالی متعلق بقرن چهارم هجری که هر سوره و روی هر صفحه دو یاسه نقش کرد با طلا و لاجورد تذهیب گردیده ، طول ۲۲ و عرض صفحه ۱۸ سانتیمتر است

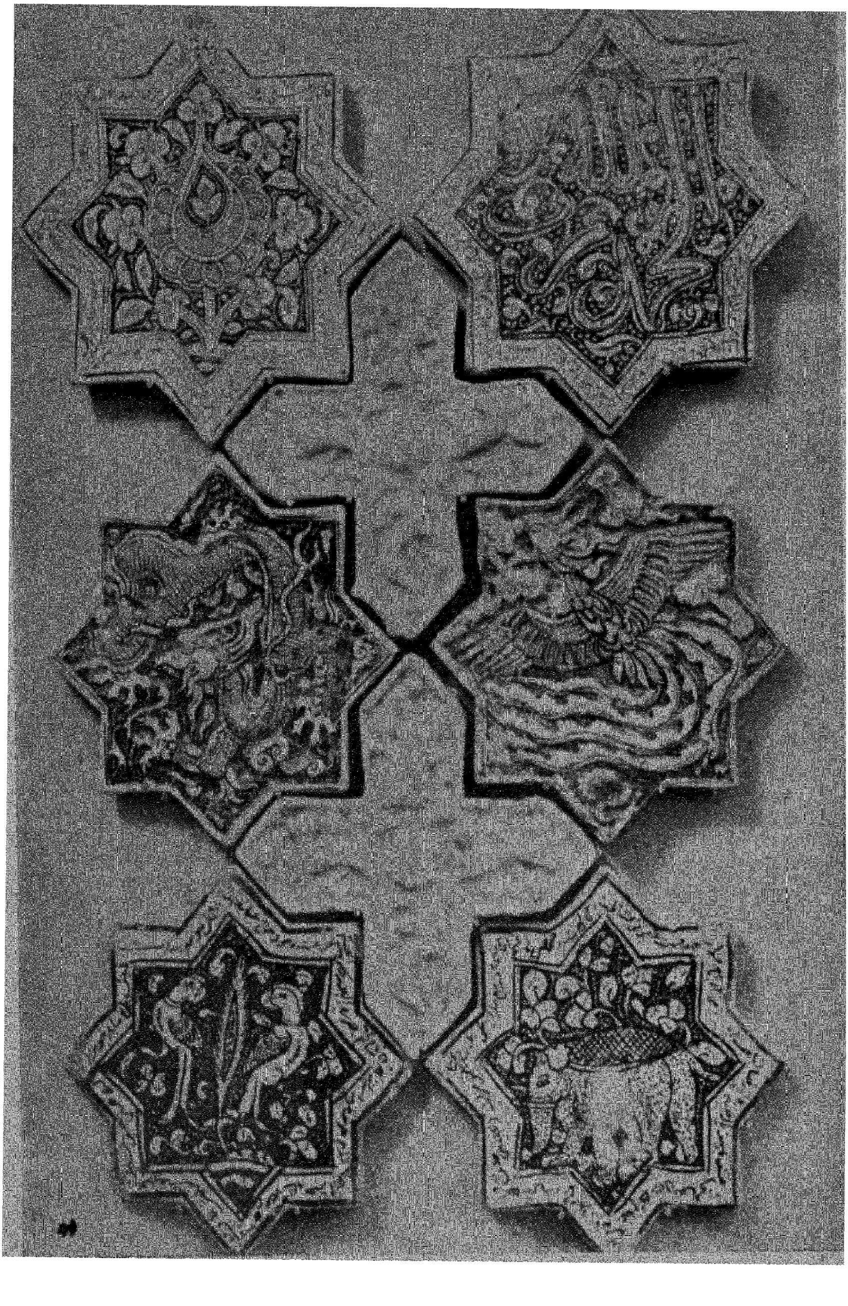


۲۵ ـ کاشیهای کتیبه‌علی بن جعفر متعلق باو ایل قرق هشتم هجری که در کارخانه سید رکن الدین در کاشان توسط استاد جمال نقاش ساخته شده است ، کاشیهای لاجوردی دارای گل وبوته طلائی که سوره (یس) باخط ثلث برجسته عالی نوشته شده، خشتها مربع ۳۲ در ۳۲ سانتیمتر دارای حاشیه باندازه ۸ سانتیمتر که مزین بگل و بوته طلائی میباشد

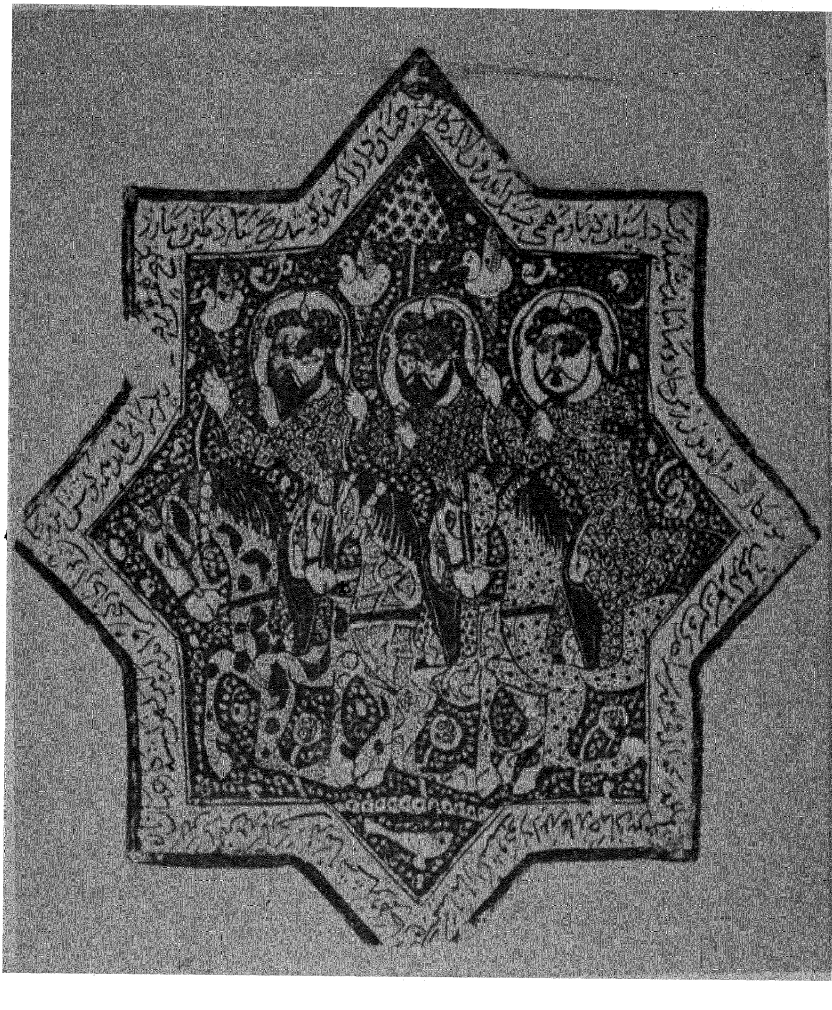


۲۶ - کاشی محراب علی بن جعفر معروف بدر بهشت که از تاریخ ۷۱۰ الی ۷۴۰ هجری که‌در کاشان توسط استاد جمال نقاش ساخته شده، زمینه لاجوردی وسط گل و بوته بر جسته ۷۲ در ۵۱ سانتیمتر، حاشیه ۱۰ سانتیمتر باخط بر جسته نوشته شده

الهم صل علی محمد المصطفی وعلی المرتضی وفاطمه الزهرا و الحسن والحسین والعباد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والزکی محمد الحسن صاحب الزمان صلوات الله علیهم اجمعین



۲۷- کاشیهای ازاره علی بن جعفر متعلق باوایل قرن هشتم هجری ۸ ترك دارای نقش حیوانات و طیور و گل و بوته طلائی که در کاشان توسط استاد جمال نقاش تهیه گردیده بعضی در حاشیه اشعاری نوشته و بعضی بدون نوشته میباشد



۲۸- کاشی امام زاده شاه‌زاده اسمعیل که در سنهٔ ۶۶۱ هجری ساخته شده کوکبی وسط خشت زمینه قهوه طلائی دارای گل و بوته وسه سوارمغول، حاشیه دو سانتیمتر، زمینه سفید اشعار ذیل نوشته شده :

چو پیکار کیخسرو آمد پدید	ز من جادوئیها بباید شنید
بر این داستان بر شمارم همی	بسنگ اندرون لاله کارم همی

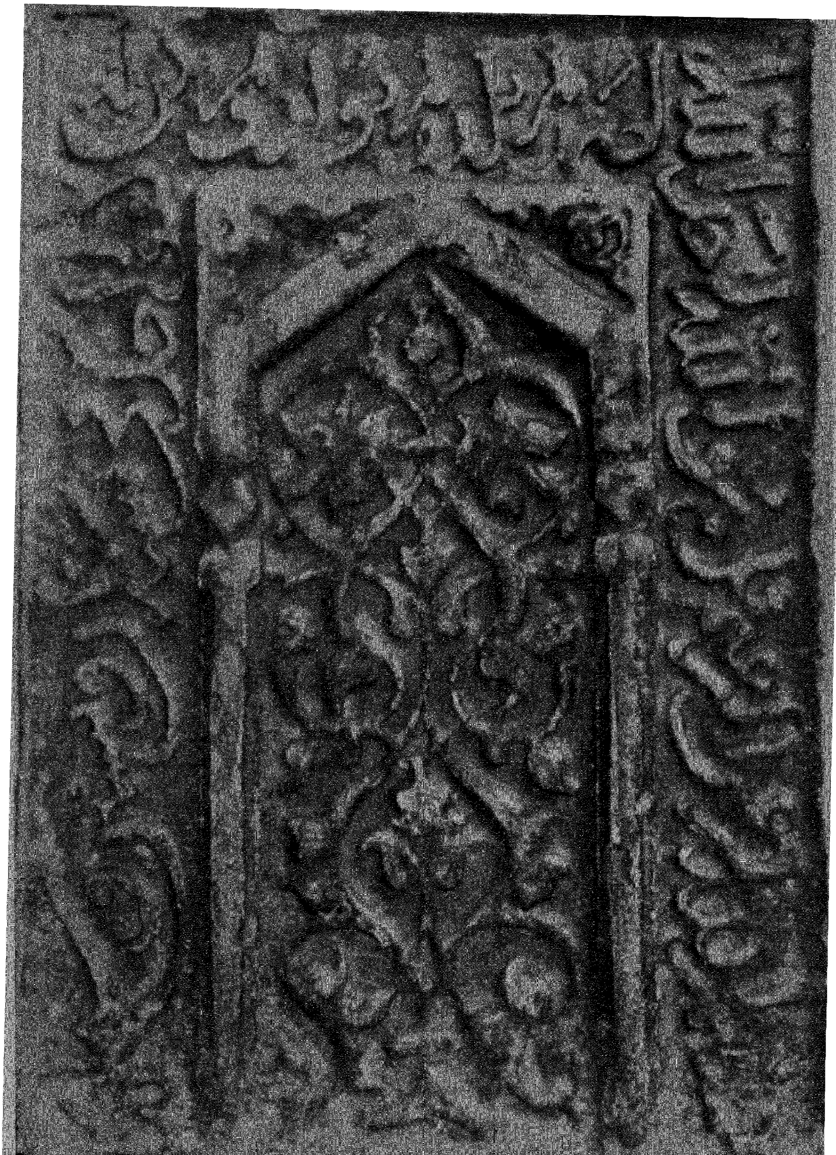
اندازهٔ خشت ۳۰ در ۳۰ سانتیمتر



۲۹- کاشی متعلق باواسط قرن هفتم هجری شش ضلعی زمینه فیروزهٔ ساده دارای نقش اژدها برجسته که از شاهزاده اسماعیل بموزه آستانه آورده شده ، ۲۵ در ۲۰ سانتیمتر.



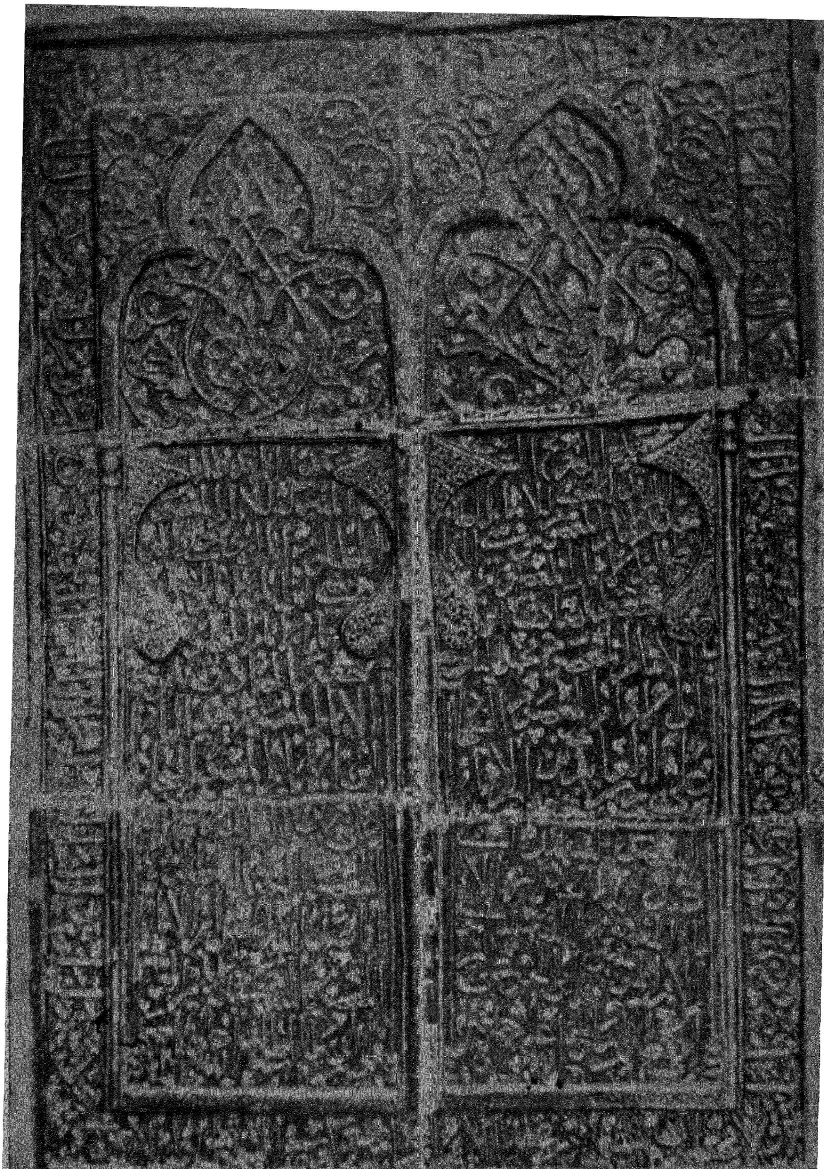
۳۰ – کاشی زمینه بنفش متعلق به ۶۶۱ هجری وسط یك گل برجسته دو طرف حاشیه برجسته و دو طرف غیر برجسته طرفین گل وسط صورت یك شکار و سه مرغ بشکل طاوس و طوطی و لك‌لك نقاشی شده ، مربع ۲۳ در ۲۳ سانتیمتر



۳۱ ـ خشت کاشی متعلق به ۶۶۷ هجری زمینه بنفش پر رنگ حاشیه ۶ سانتیمتر سورهٔ قل هوالله برجسته نوشته شده وسط کاشی دارای گل و بوته برجسته طول ۴۰ و عرضش ۳۰ سانتیمتر است



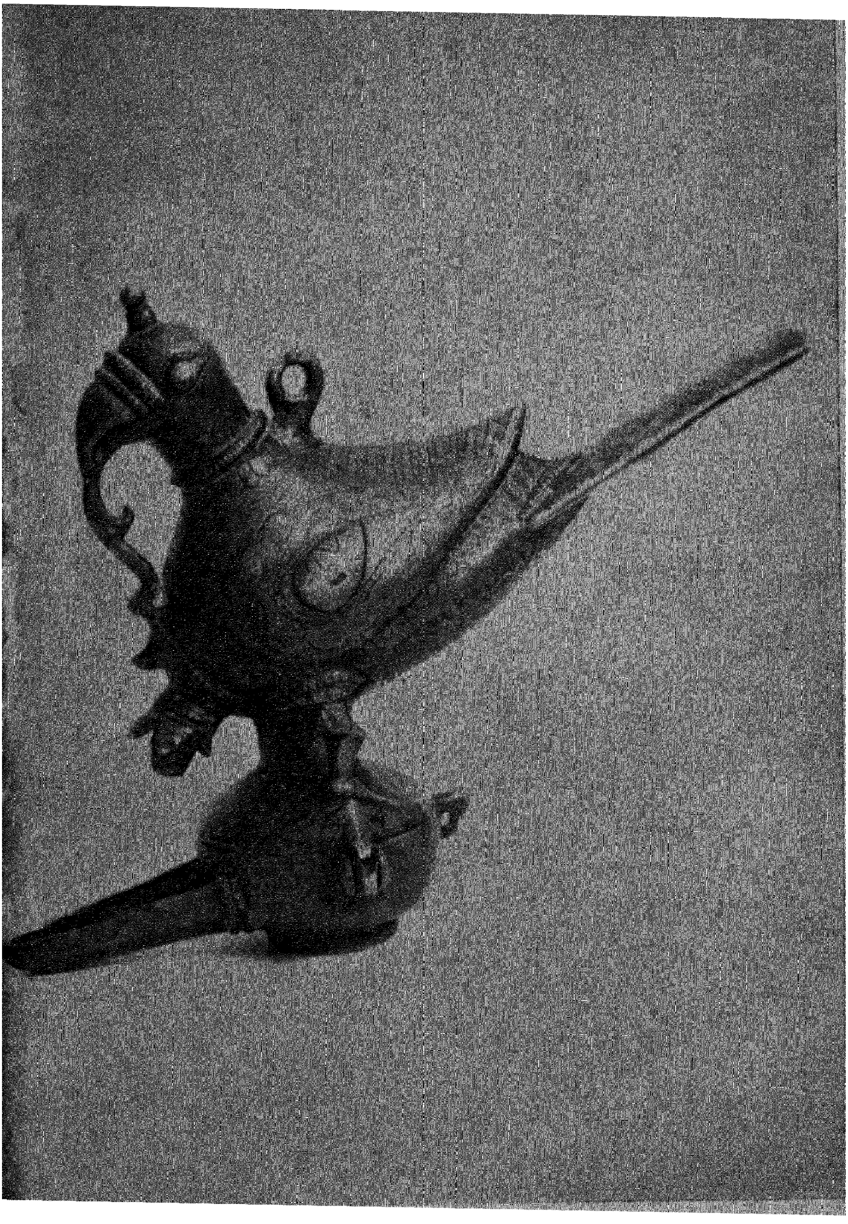
۳۲ - کاشی شاهزاده اسماعیل کوکبی زمینه قهوه طلائی با نقش اژدها برجسته متعلق باواسط قرن هفتم هجری ۲۳ در ۲۳ سانتیمتر است



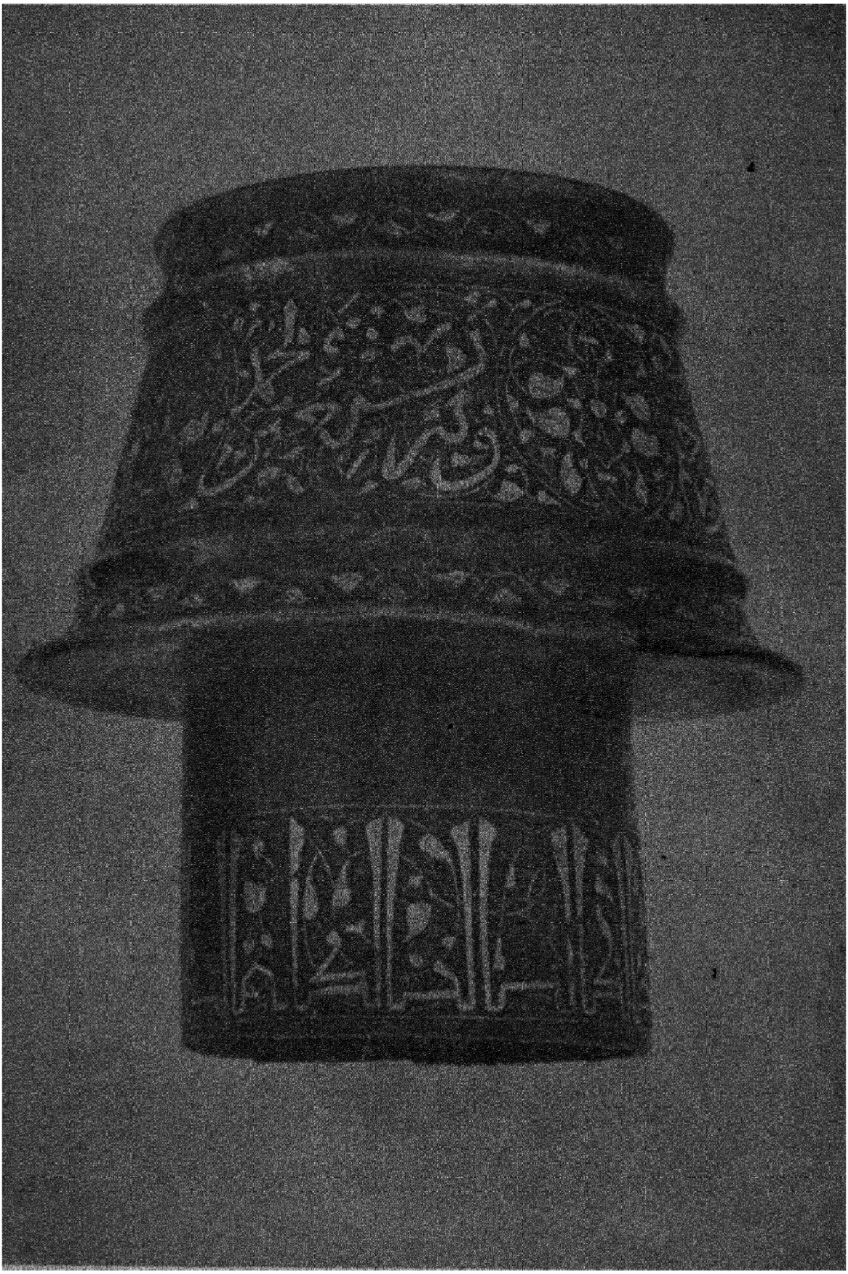
۳۳ - خشتهای رو قبری علی بن جعفر متعلق باوایل قرن هشتم هجری شش دانه ۷۵ در ۷۰ سانتیمتر زمینه لاجوردی دارای اشکال مرغ وشاخهای افشان حاشیه‌ده سانتیمترسوره آیةالکرسی نوشته شده برجسته



۳٤ ـ شمعدان برنجی دوشاخه که شاخه های آن از سر و گردن دو اژدها ساخته شده
متعلق بقرن یازده هجری با رتفاع ۲۷ سانتیمتر و درسنه ۱۰۷۷ محمد حسن نام وقف
نموده و از مشهد اردهار بموزه قم انتقال داده شده



۳۵ ـ چراغ روغنی متعلق بقرن دهم هجری کبوتری است که درداخل آن مخزن روغن قرار داده شده و پس از سوختن روغنی که در ظرف زیر پای کبوتر است ازلولهٔ که دروسط سینه کبوتر میباشد روغن بخودی خودمقدار کافی مجدداً در ظرف ریخته و روشنائی را ادامه میدهد طول آن ۱۸ و ارتفاعش ۱۶ سانتیمتر است از مشهد اردهار بموزهٔ قم انتقال یافته



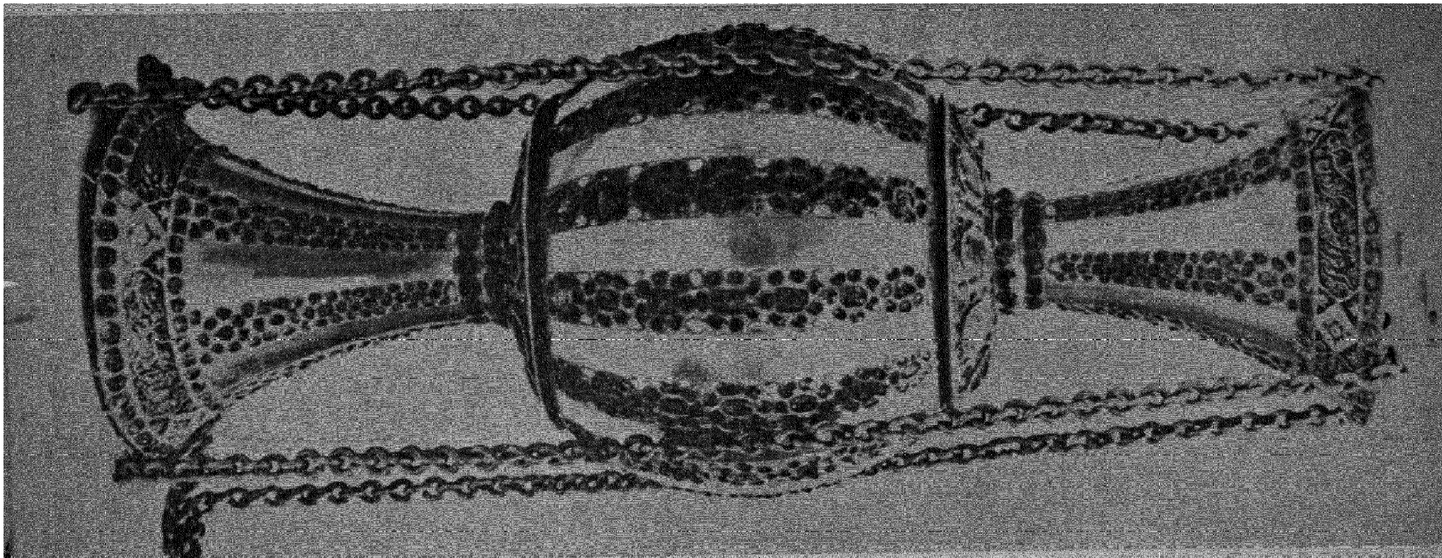
۳۶ ـ سر شمعدان برنجی که در قسمت پائین با خط کوفی نقره کوبی شده و قسمت بالا با خط نسخ و گل و بوته نقره کوبی گردیده، متعلق بقرن شش هجری است ارتفاعش ۱۸ سانتیمتر از مشهد اردهار بموزهٔ آستانه قم انتقال داده شده



۳۷ ـ شمعدان برنجی دورهٔ صفوی که اطراف آن آیات قرآن و گل بوته نقره کوبی گردیده ، از بهترین کارهای استادان دوره صفوی است ۳۰ در ۲۰ سانتیمتر از مشهد اردهار بموزهٔ آستانه انتقال یافته



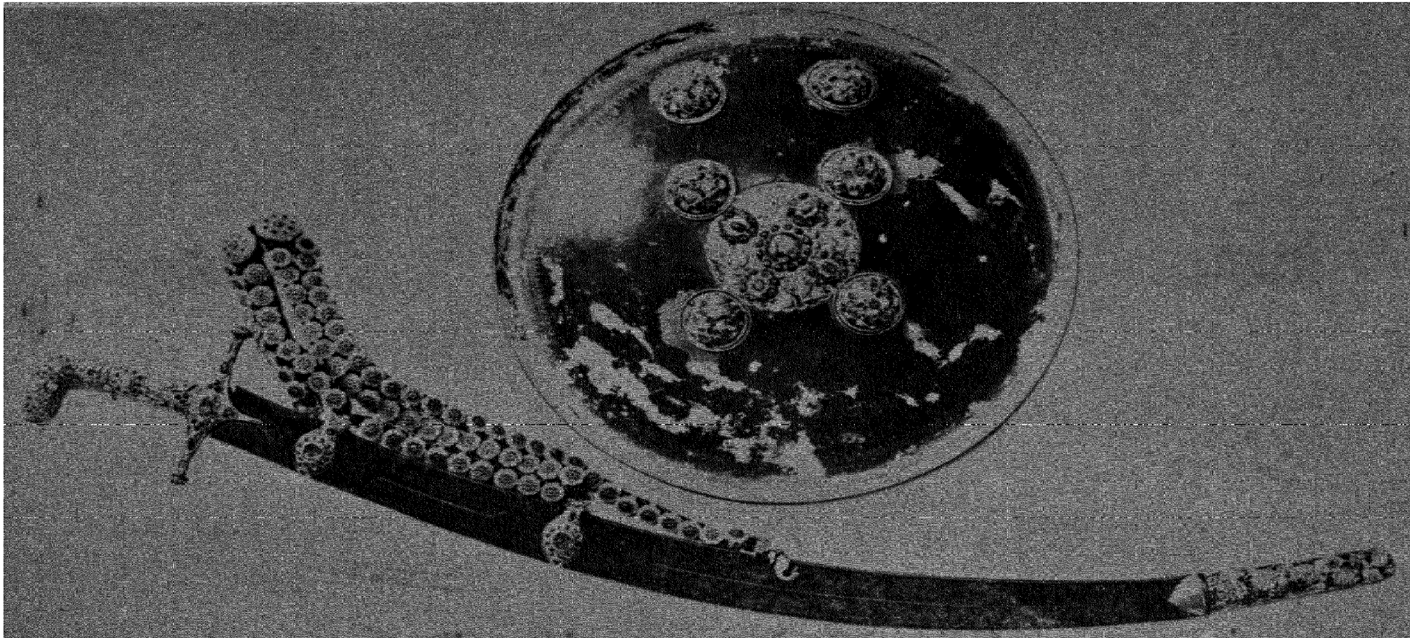
۳۸ - قندیل طلای میناکاری برجسته خیلی اعلا مصور بگل و بوته متعلق
بقرن سیزده هجری که از حیث صنعت و ظرافت در ردیف کارهای
درجه اول میباشد. پائین و بالای قندیل شش ترك بارتفاع ۱۲ سانتیمتر



۳۹ ـ قندیل طلای مرصع بجواهرات دارای ۱٤ رک دانه های یاقوت و زمرد درشت وریزه الماس سرِ و ته قندیل مطابق باهم، لبه بالای قندیل یکرج زمرد نصب زیر زمرد کتیبه مینا که روی آن اشعار ذیل با طلای برجسته نوشته شده

ای قندیل دخت شه عرش اورنگ　　کز گوهر تو شسته گردون سنگ
مهری تو نه کو مهر جهان آرائی　　در قبه چرخ سا چرائی اورنگ

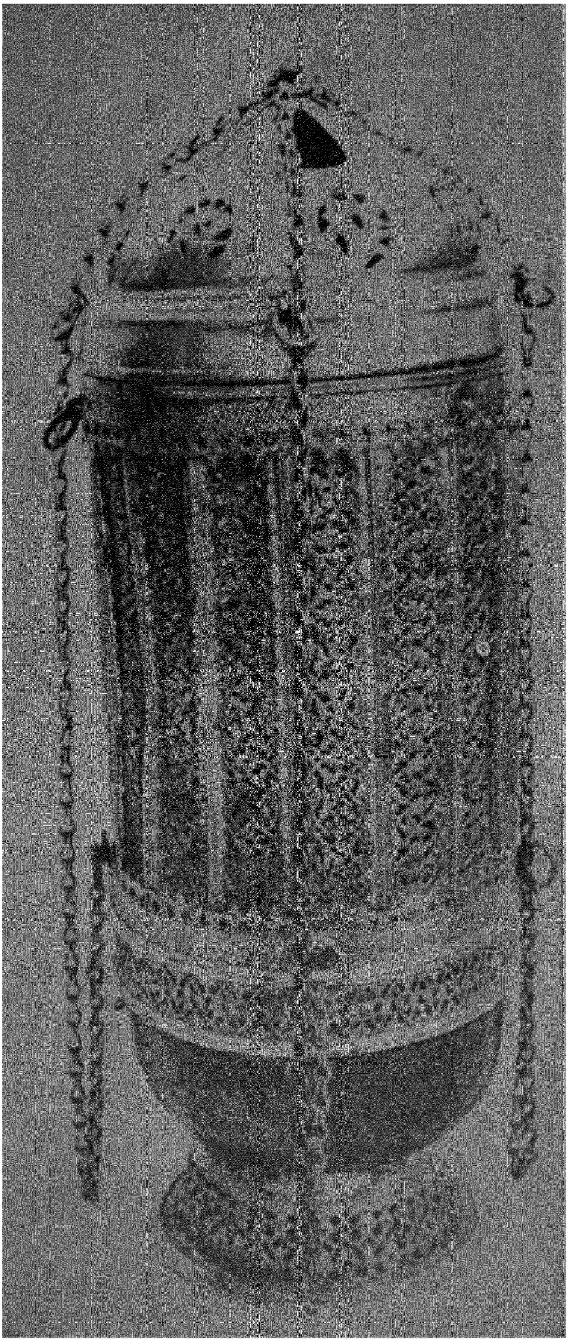
لبه پائین نیز دارای مینای بر جسته میباشد متعلق باوایل قرن سیزده هجری است وزن قندیل یکمن و چارك و ارتفاعش ٤۰ سانتیمتر است



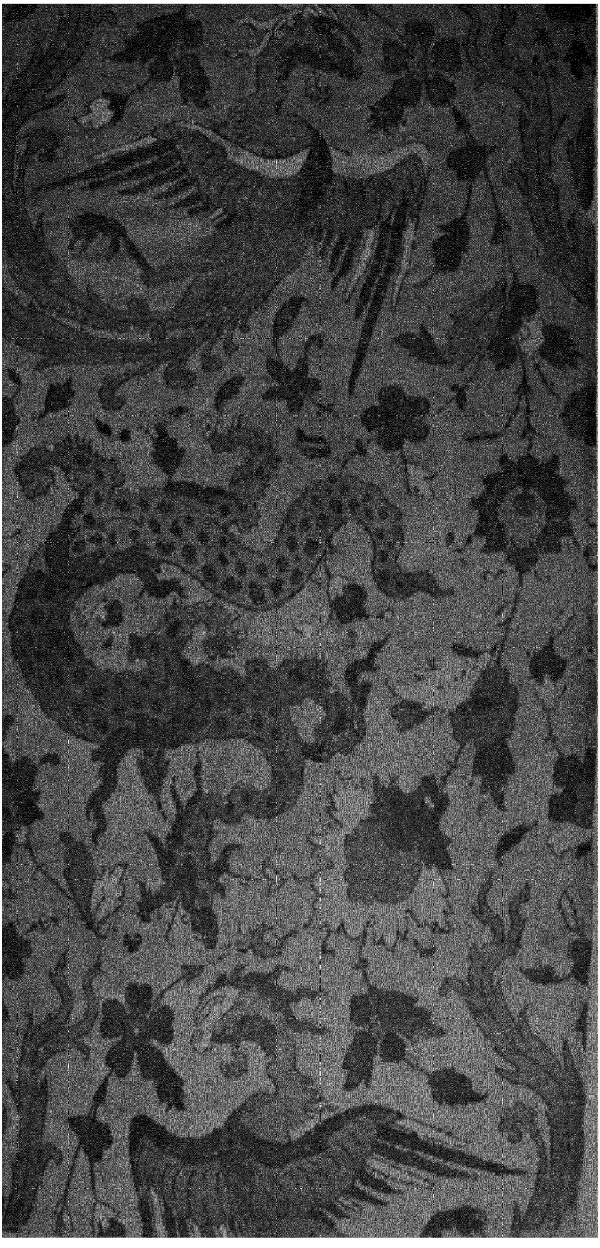
۴۰ـ شمشیر مرصع ومکلل بجواهرات متعلق باوایل قرن سیزده هجری، درپائین‌قلاف طلای مینا کاری باگل بوته وتیغه‌شمشیر فولاد بند غلاف مرکب از یکرشته سنك یشم یاقوت نشان و در روی دسته‌شمشیر با مینا نوشته شده ـ :

ای‌شیخ تراشیر فلك‌آمده نخجیر درملك‌ستانی نکند تیغ تو تقصیر آویخته دردامنت‌ای‌شاه جهانگیر تابوسه‌زند دست تو بر قبضه‌شمشیر

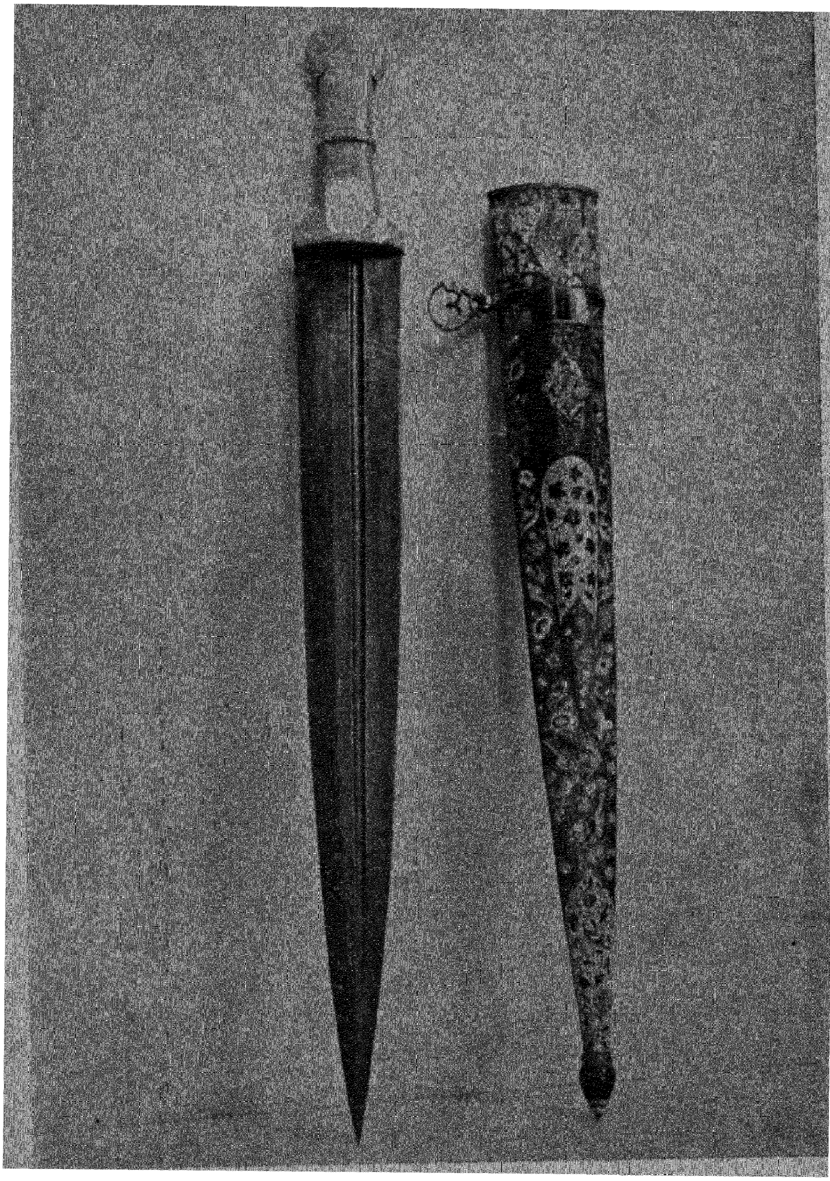
سپر مرصع پوست کرك که با طلا و مینا تذهیب شده متعلق باوایل قرن سیزده هجری دروسط یك تخمه زمرد درشت که تمام اطراف آن گل و بوته میناکاری شده



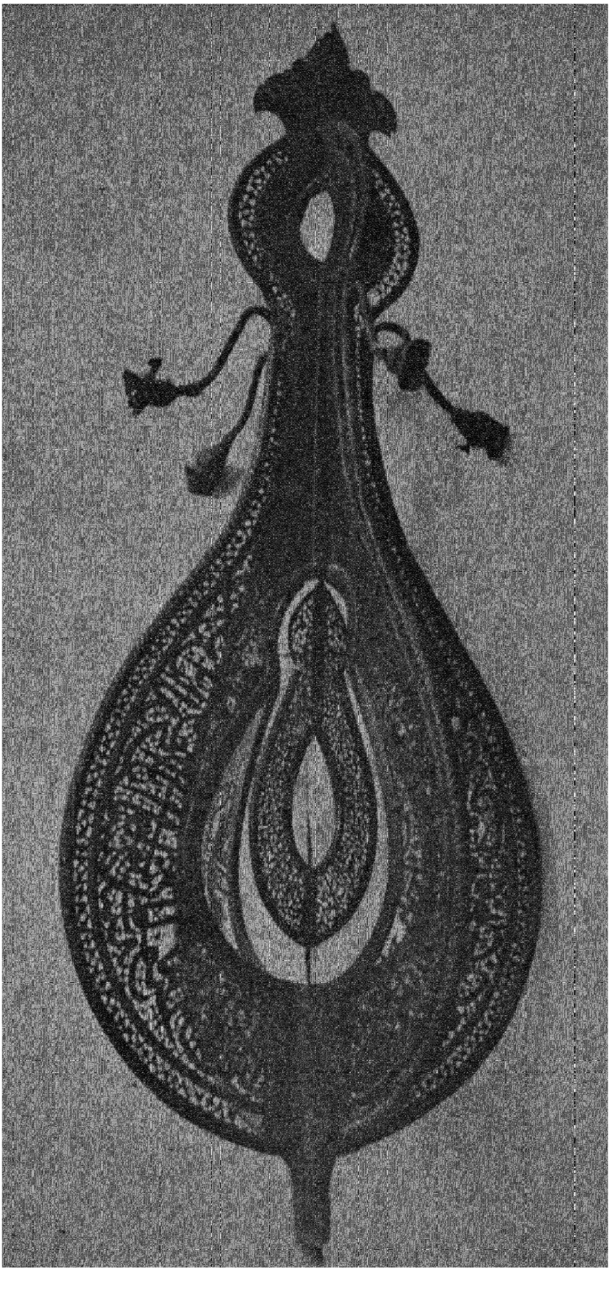
۴۱ . بخور سوز نقره مشبك متعلق بقرن هفتم هجری که
ارتفاعش ۴۵ سانتیمتر است



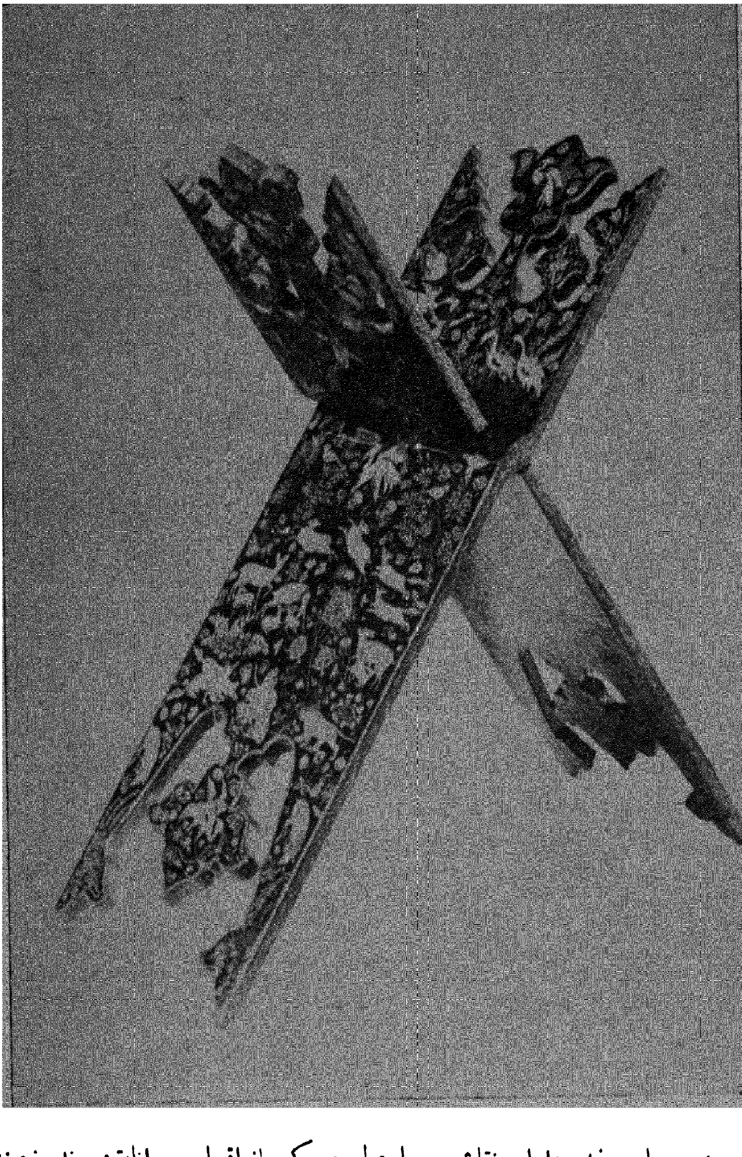
۴۲- قسمتی اززری زمینه آبی دارای گل و بوته برنگهای مختلف سفید
نخودی و قرمز یك عقاب بحال پرواز در بالا و یکی درقسمت پائین
و یك اژدها در وسط ۶۵ سانتیمتر طول وعرضش ۳۵ سانتیمتر است
نقشه چین و کار استادان عهد صفوی است



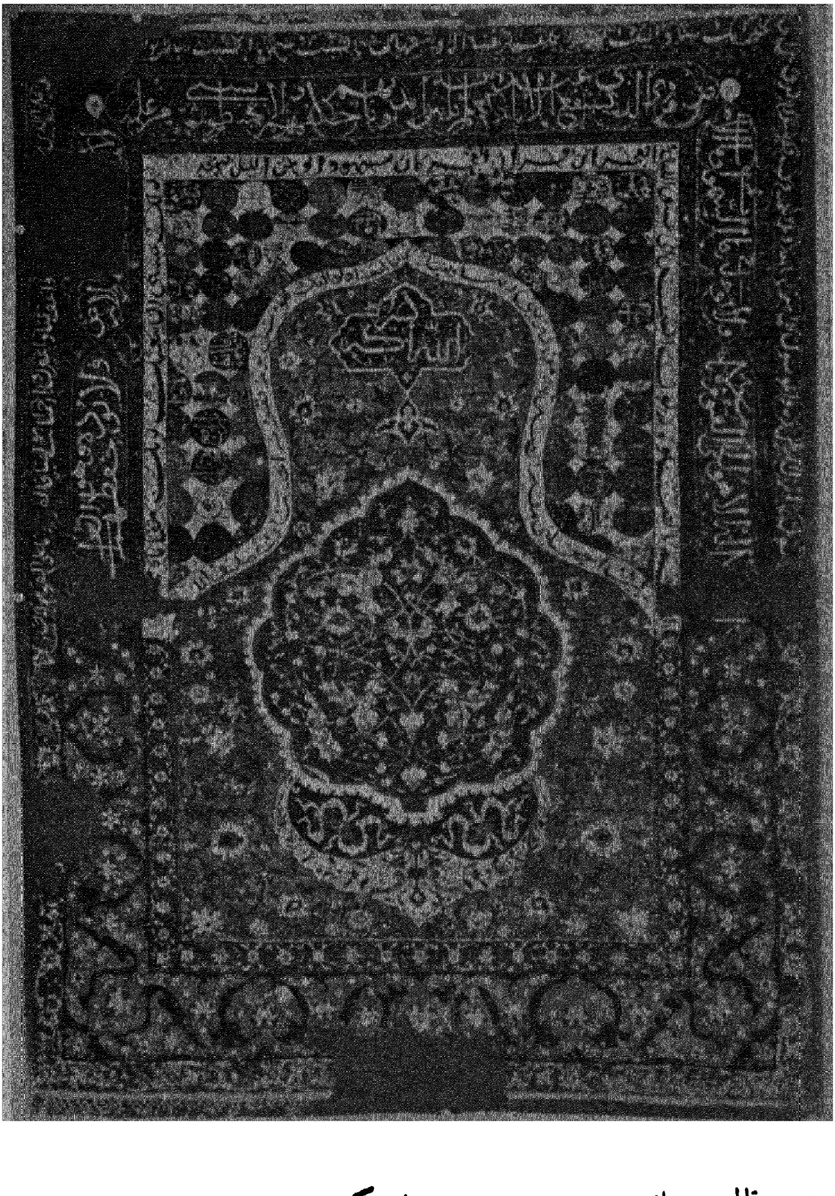
۴۳- قمه که دسته آن شیر ماهی و غلاف قمه دو طرف مینا کاری بسیار عالی برجسته در یك طرف غلاف بالا نقش شیری است که گاوی را گرفته کمی فاصله صورت پلنگی است درحال راه رفتن کمی فاصله بازی است که شکاری نموده و در پائین غلاف نقش خرگوشی است در حال نشسته و در سمت دیگر غلاف مینا کاری آن مرکب از گل و بوته شاخ و برگ و پرنده میباشد ومتعلق باوایل قرن سیزده هجری است



٤٤- سر طوق متعلق بقرن دهم هجری فولادی دارای ٤ نیم
دایره هریك بعرض ۱۰ سانتیمتر که سوره انا فتحنا لك فتحاً مبینا
بخط ثلث کنده کاری شده ارتفاعش ۱۱۰ سانتیمتر میباشد

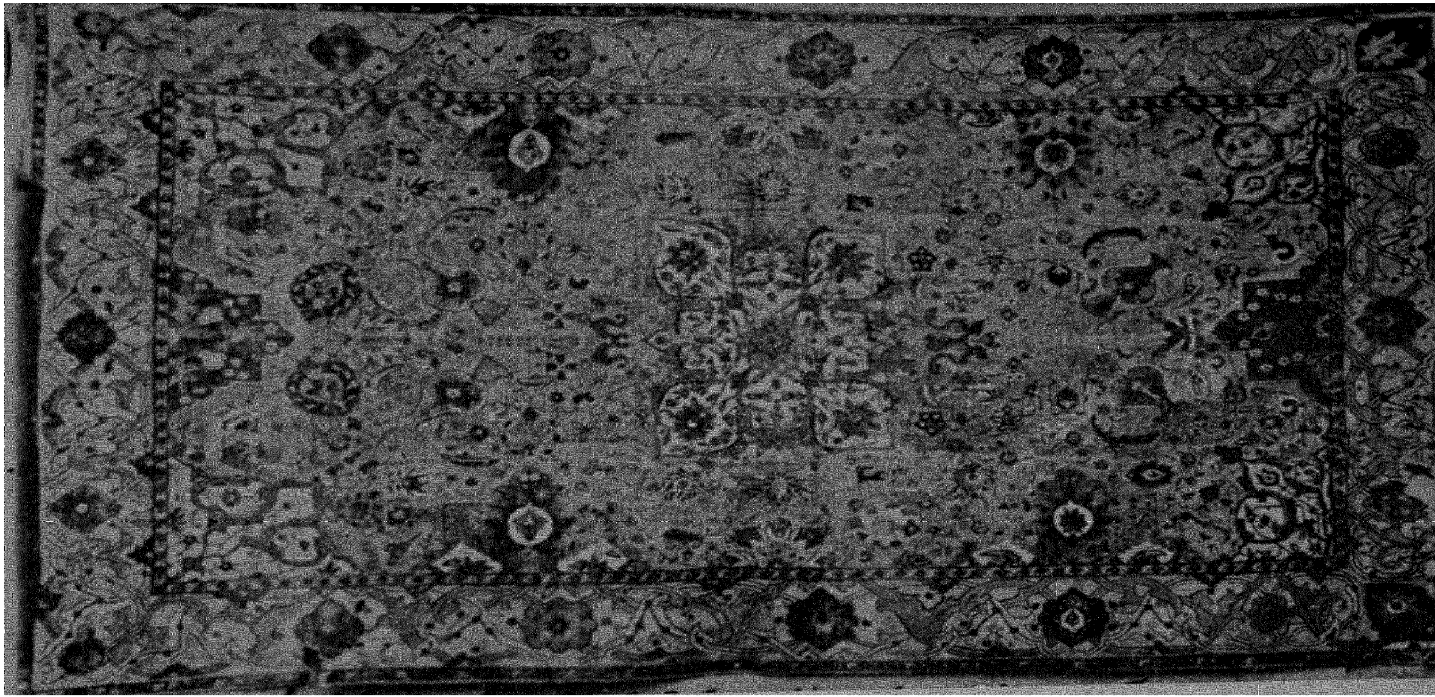


٤٥ـ رحل روغنی دارای نقاشی بسیارعالی مرکب از اقسام حیوانات وپرنده زمینه مشکی نقاشی بارنگهای مختلف گل و بوته باشاخ وبرگهای مختلف النقش ارتفاع ٤٨ سانتیمتر و عرضش ١٧ سانتیمتر متعلق بدوره صفویه است

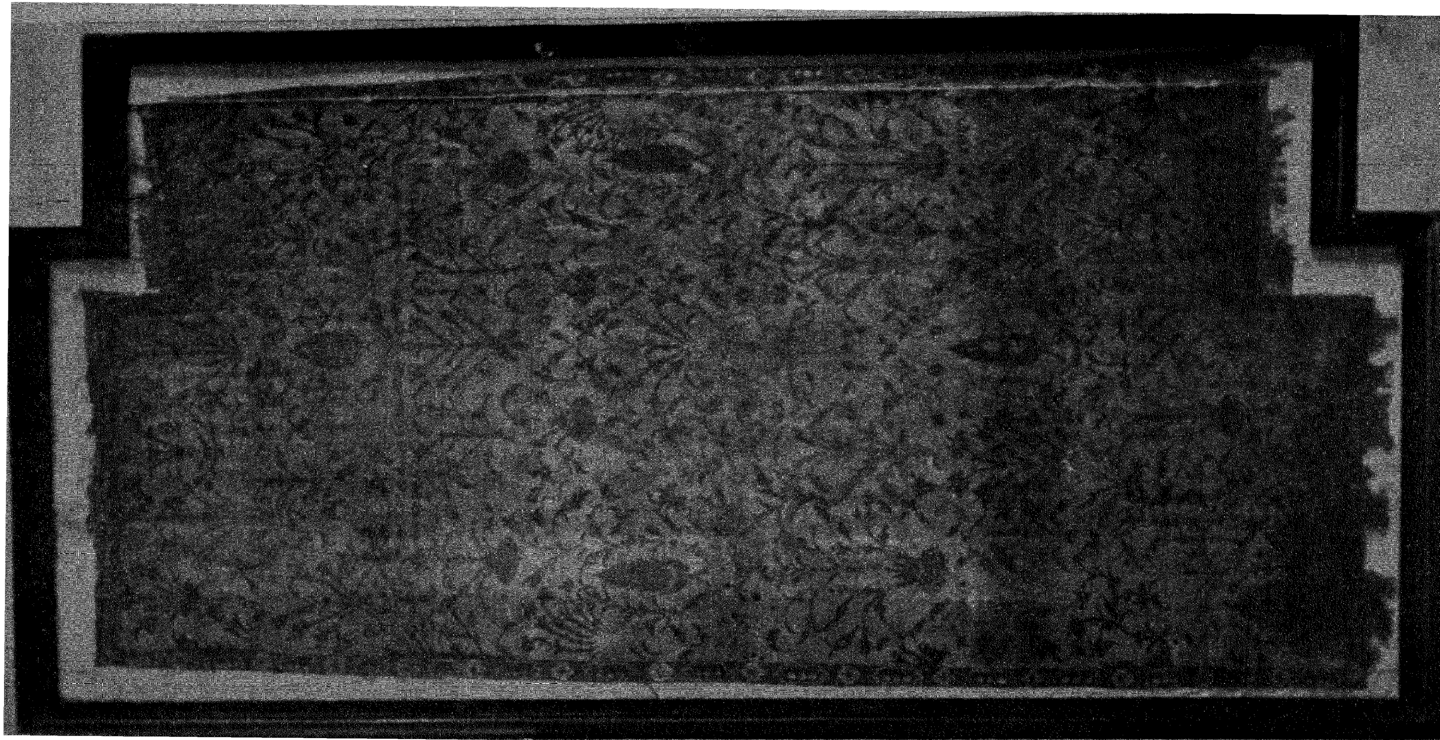


٤٦ ـ قالیچه نمازی دوره صفوی زمینه عنابی گلابتون ابرشمی ۱,٤۰ متر ۱,۳۵ متر دارای سه حاشیه

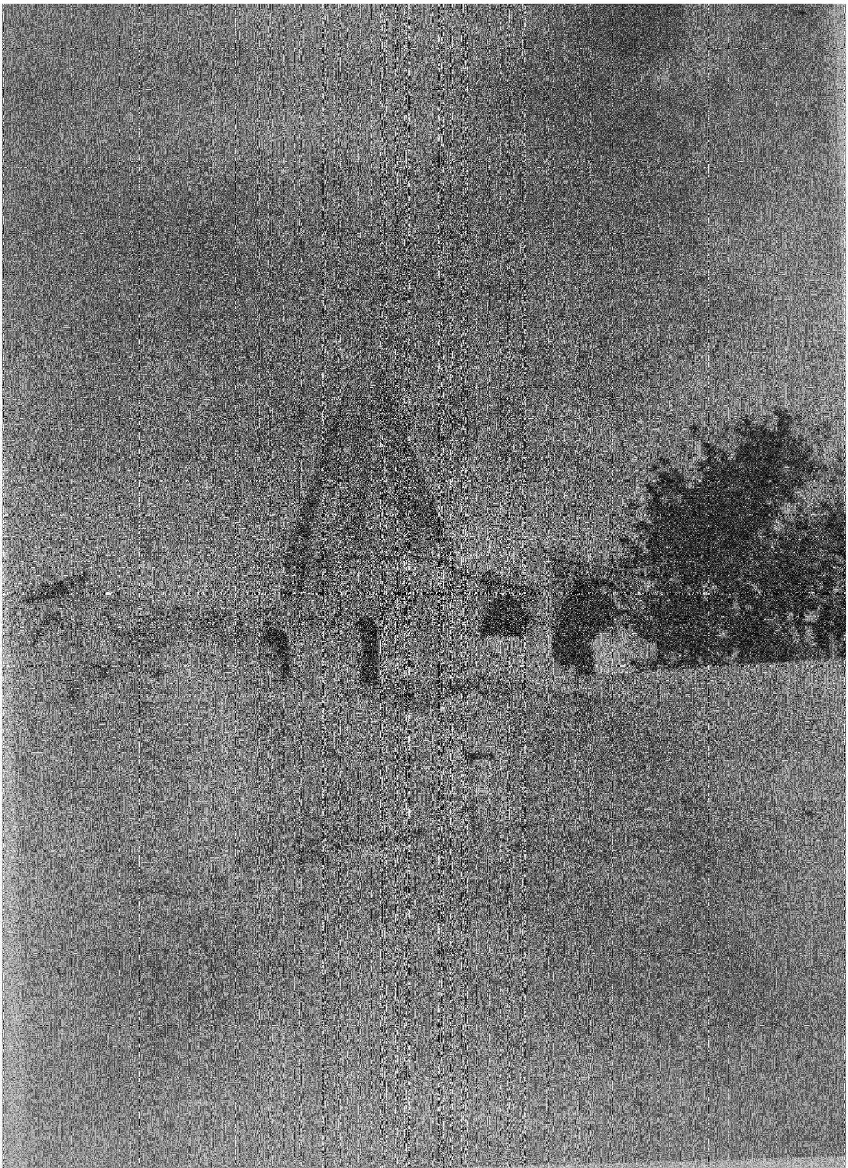
حاشیه اول ٤/۲ سانتیمتر ، حاشیه دوم ۸/۲ سانتیمتر ، حاشیه سوم ۳ سانتیمتر حاشیه اول (امن الرسول الی آخر)حاشیه دوم (اية الكرسی الی آخر) حاشیه سوم (اقم الصلوة الی آخر) درمتن (رباجعلنی مقیم الصلوة) در بالای قالیچه اسماالله با ابریشم برجسته بافته شده



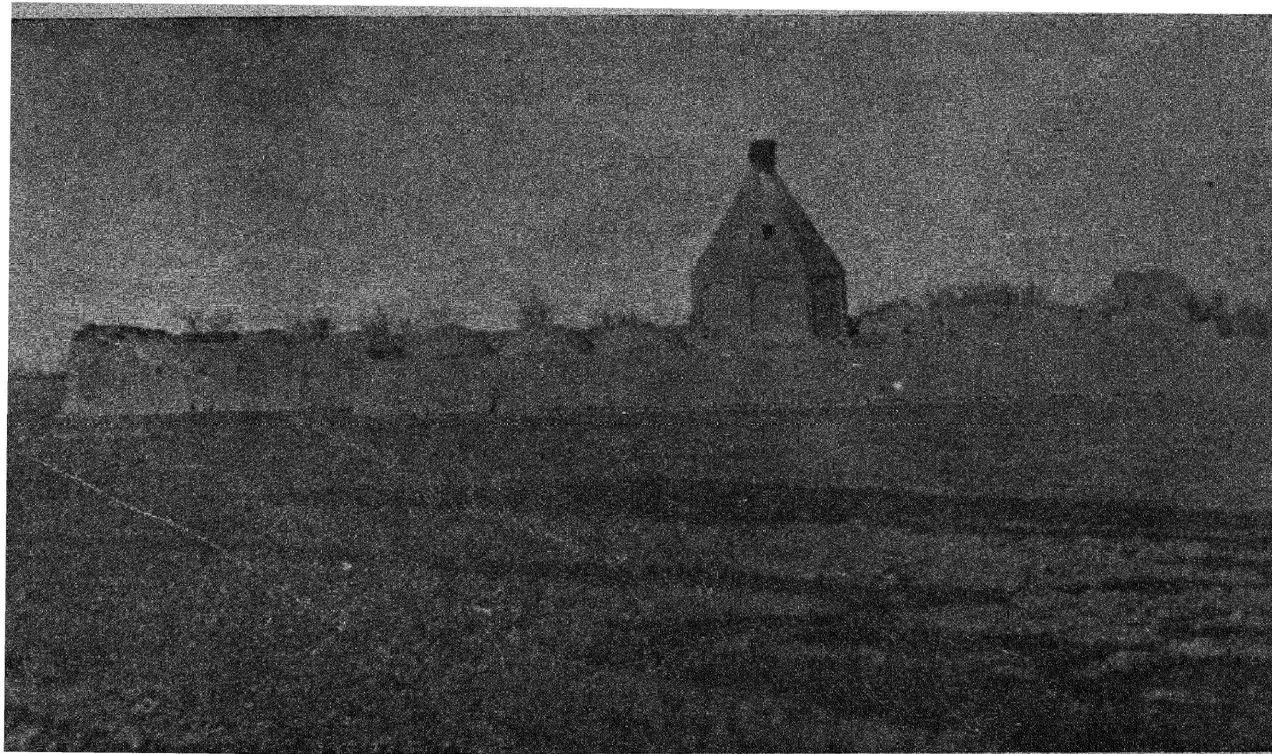
۴۷- قالی شاه عباسی متعلق بروی قبر شاه عباس ثانی که در سال ۱۰۸۲ توسط استاد نعمت الله جوشقانی بافته شده زمینه گلابتون ابریشمی وسط یك ترنج چهار گلدان که شاخه نسترن دارد حاشیه رنگ گل کاسنی خود قالی برنگهای زرد لیموئی و آبی و رنگهای دیگر دارای گلهای برجسته ابریشمی، طول ۲,۸۷ متر و عرضش ۱,۷۱متر است



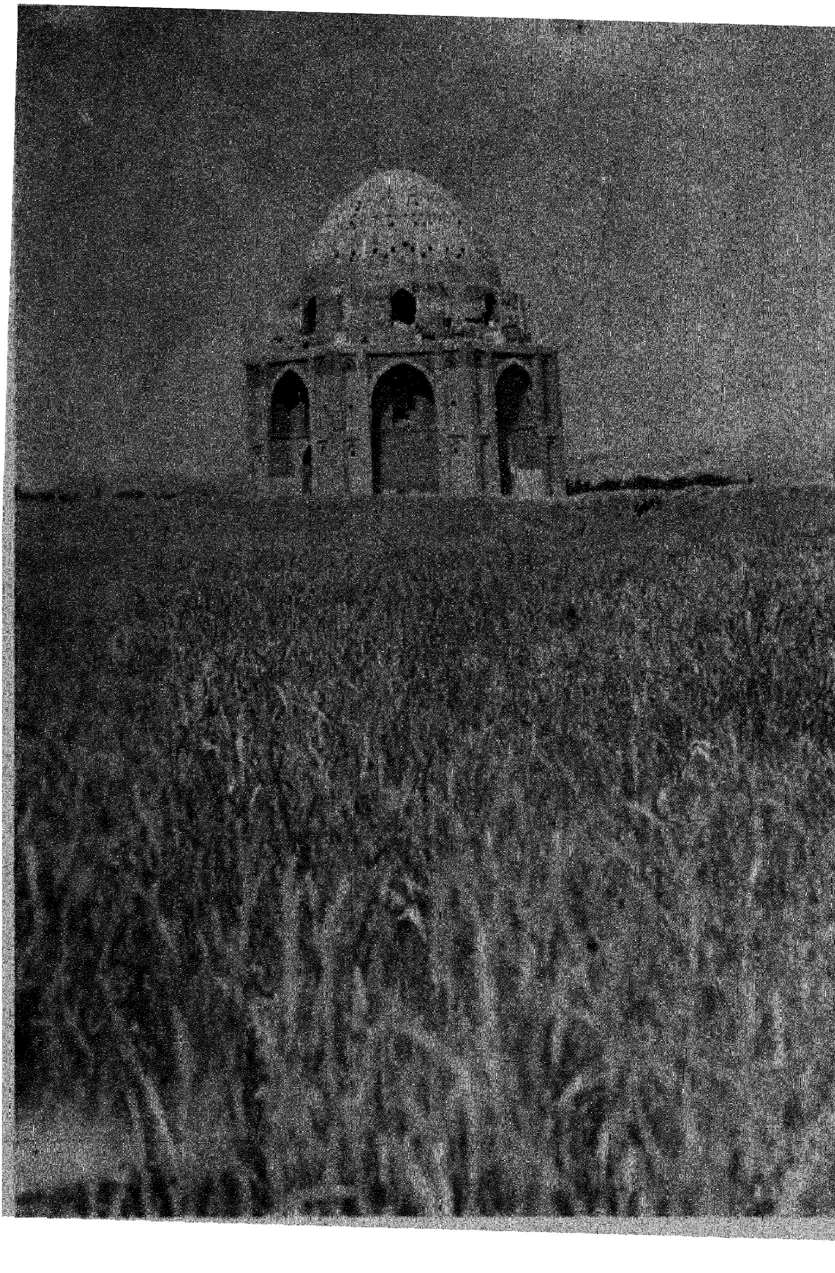
۴۸ ـ ده عدد قالیچه‌های رواق شاه عباس ثانی که‌درسال۱۰۸۲ توسط استاد نعمت‌الله جوشقانی‌بافته شده ابریشمی خیلی‌نازك برنك ونقشه های مختلف که دارای اقسام پرنده ودرخت سیر و گل وبوته افشان میباشند تقریبا ۱,۸۰ مترطول‌و ۷۰ سانتیمترعرض آنهاست



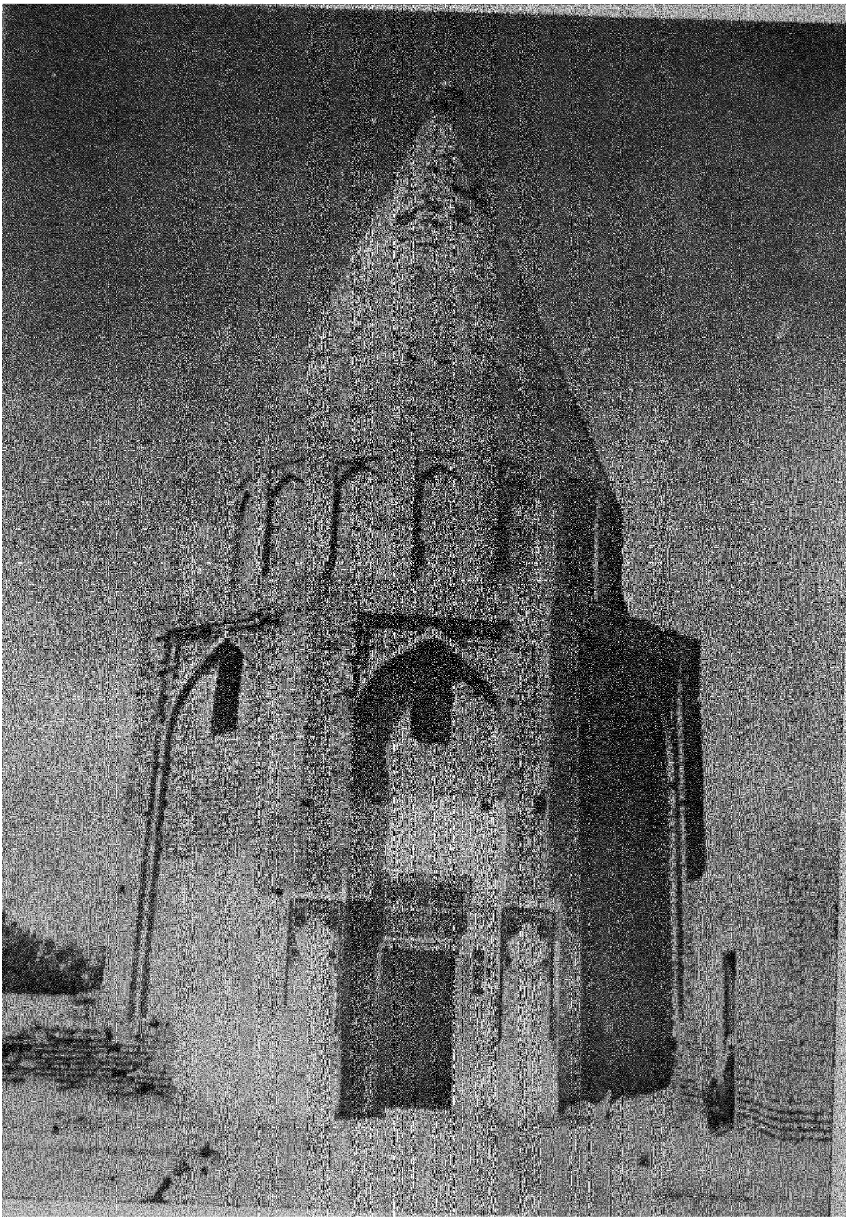
۴۹ ـ گنبد امام زاده حارث [خاك فرج]



۵۰ ـ امام زاده شاه جعفر در شمال غربی قم



۵۱ - گنبد شاه ابراهیم در شمال غربی قم



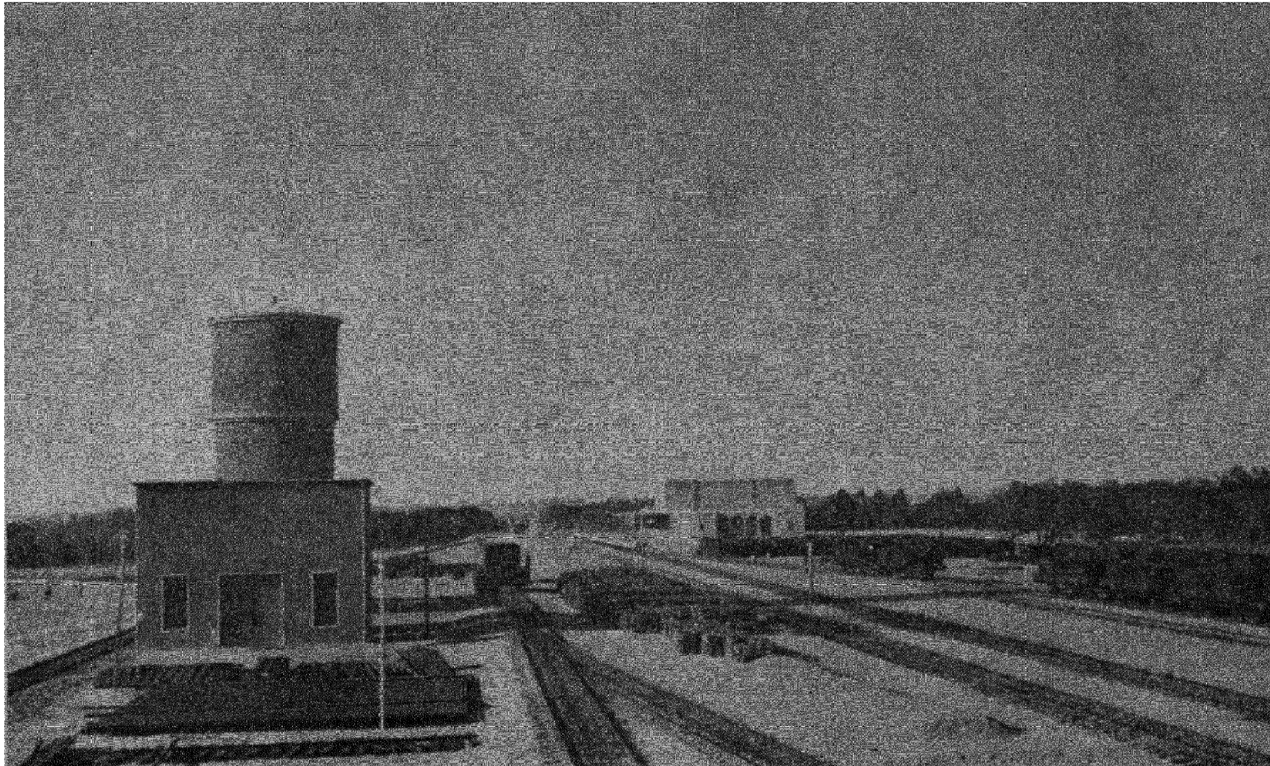
۵۲ - گنبد امام زاده ابراهیم نزدیک علی بن جعفر



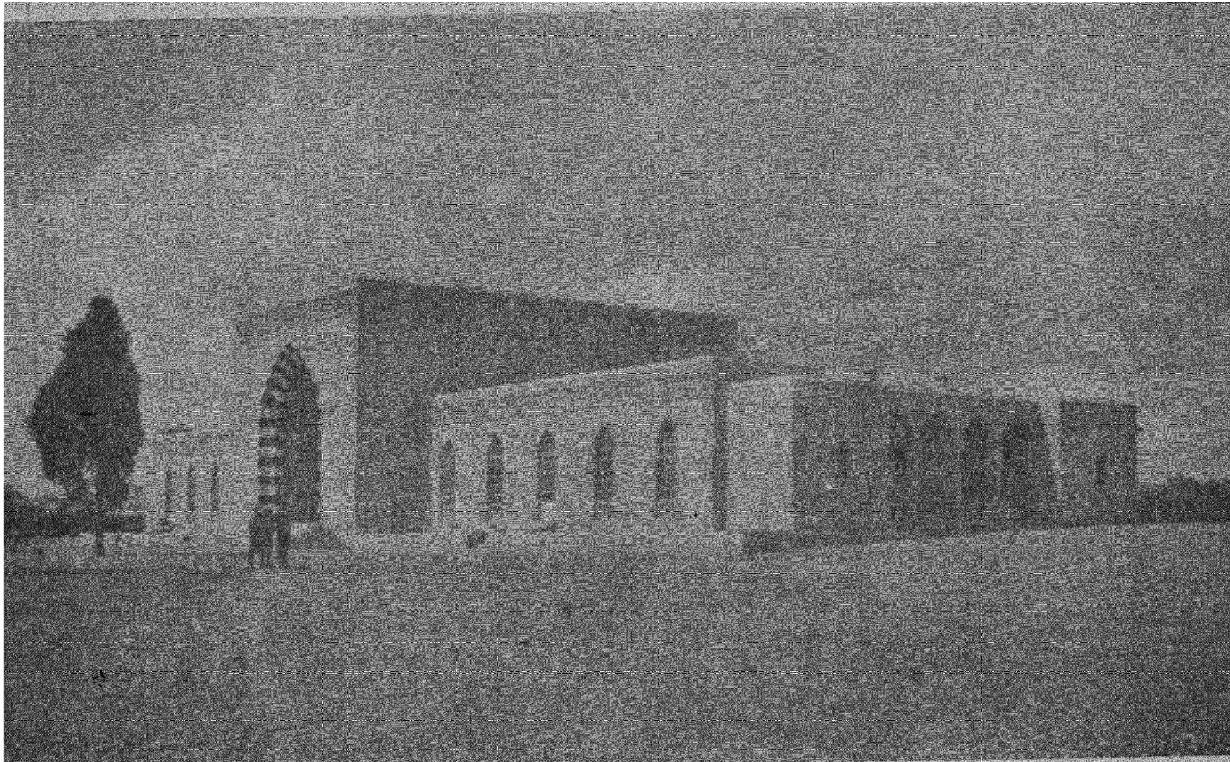
۵۳ ـ نزدیك ایستگاه قم



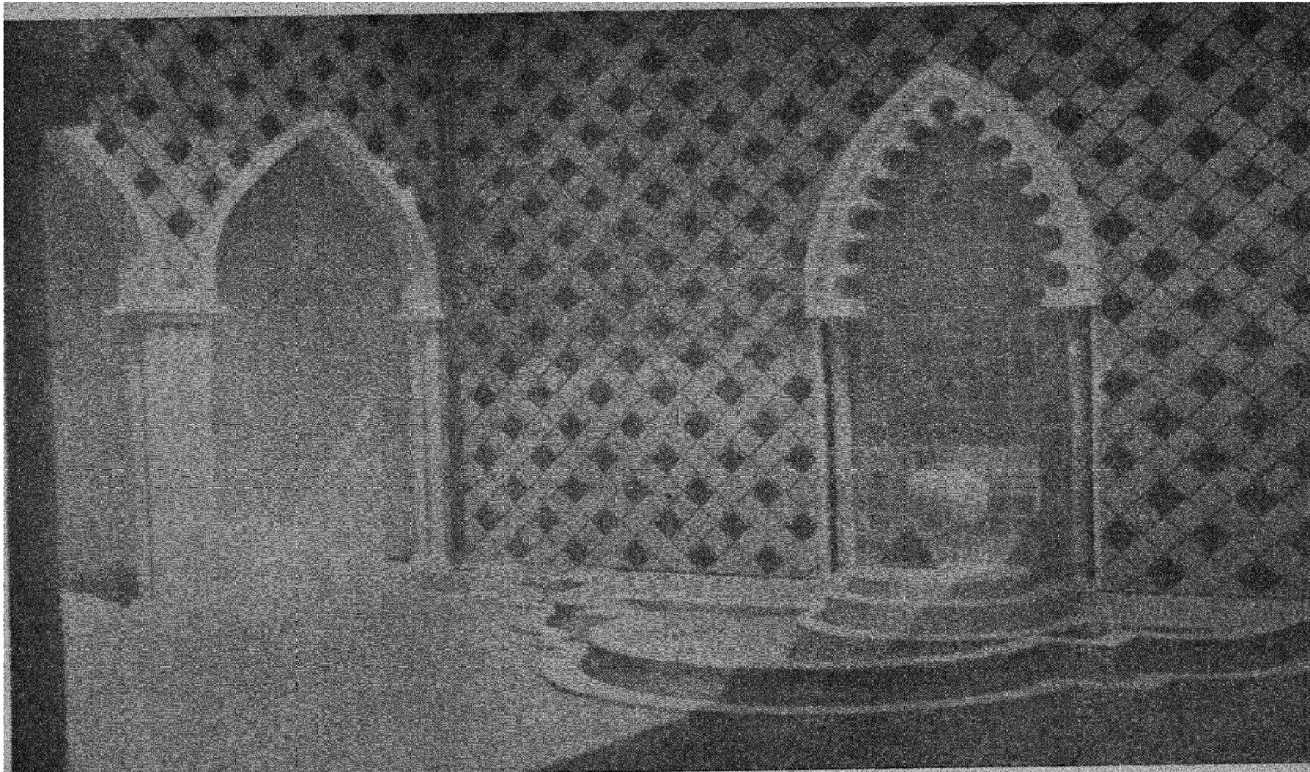
٥٤ - ایستگاه راه آهن در قم



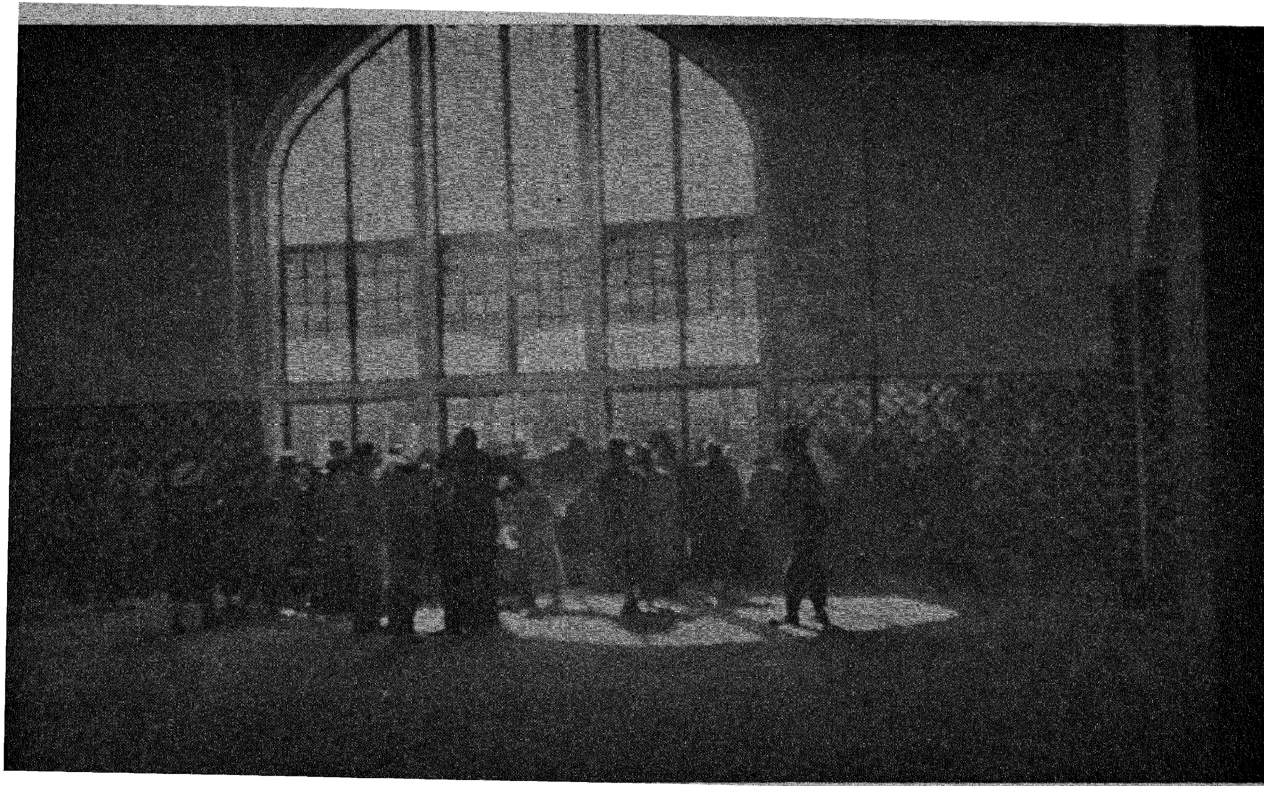
۵۵ - ایستگاه راه آهن قم



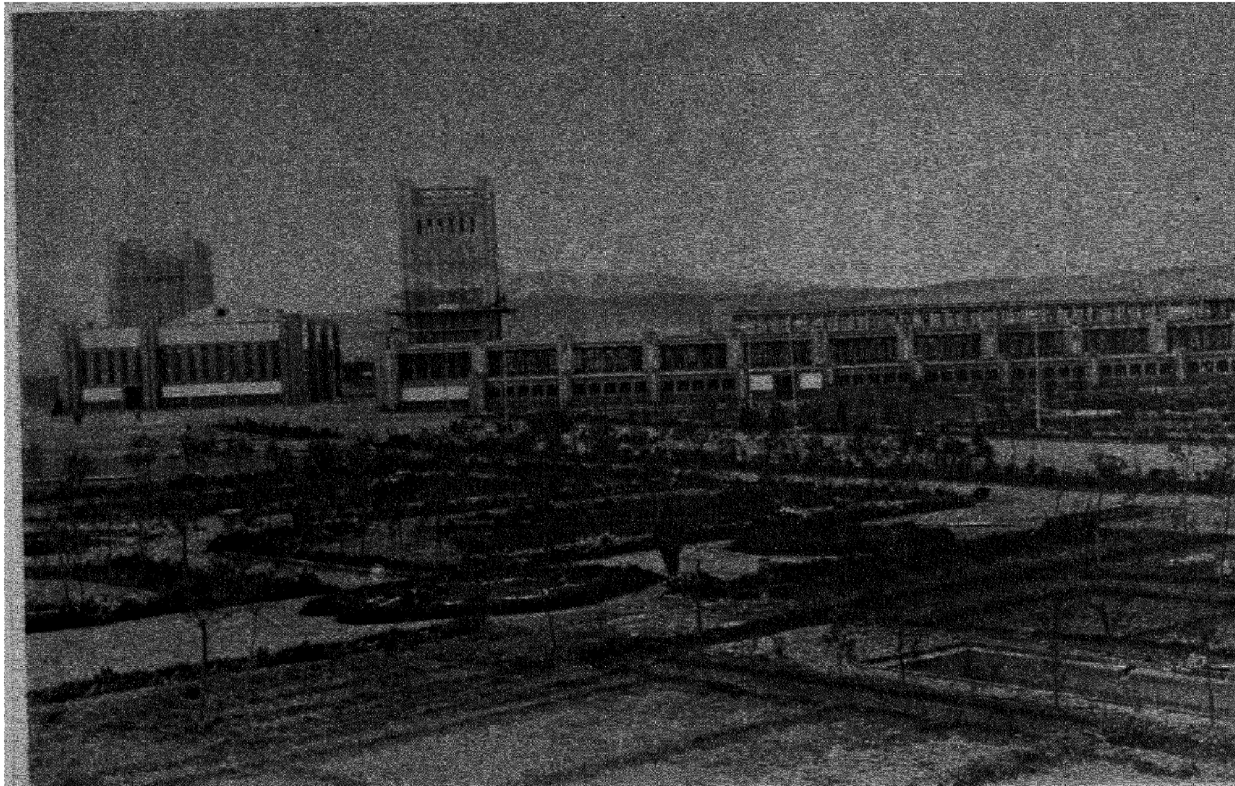
٥٦ ـ قسمتی از ایستگاه قم



۵۷ ـ قسمتی از ایستگاه راه آهن قم



۵۸ - قسمتی از ایستگاه راه آهن قم



۵۹ - کارخانه ریسباف در قم



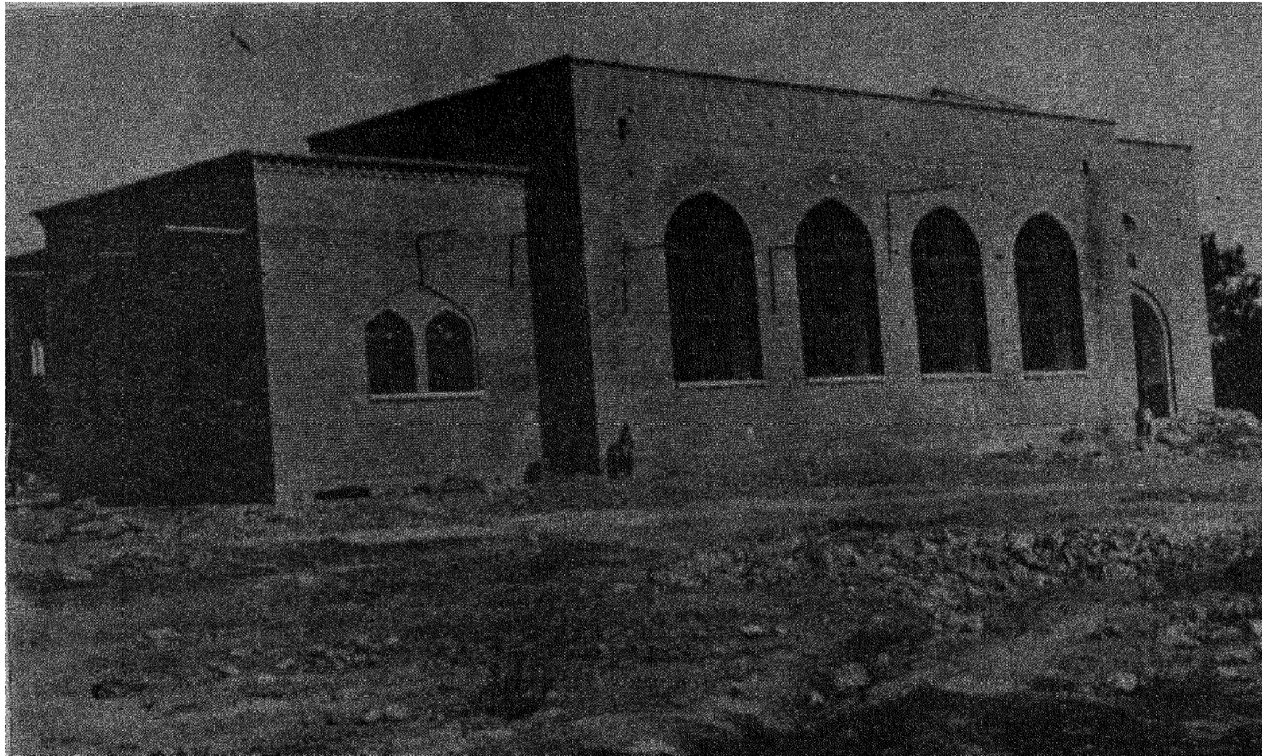
۶۰ - مدخل بیمارستان فاطمی قم



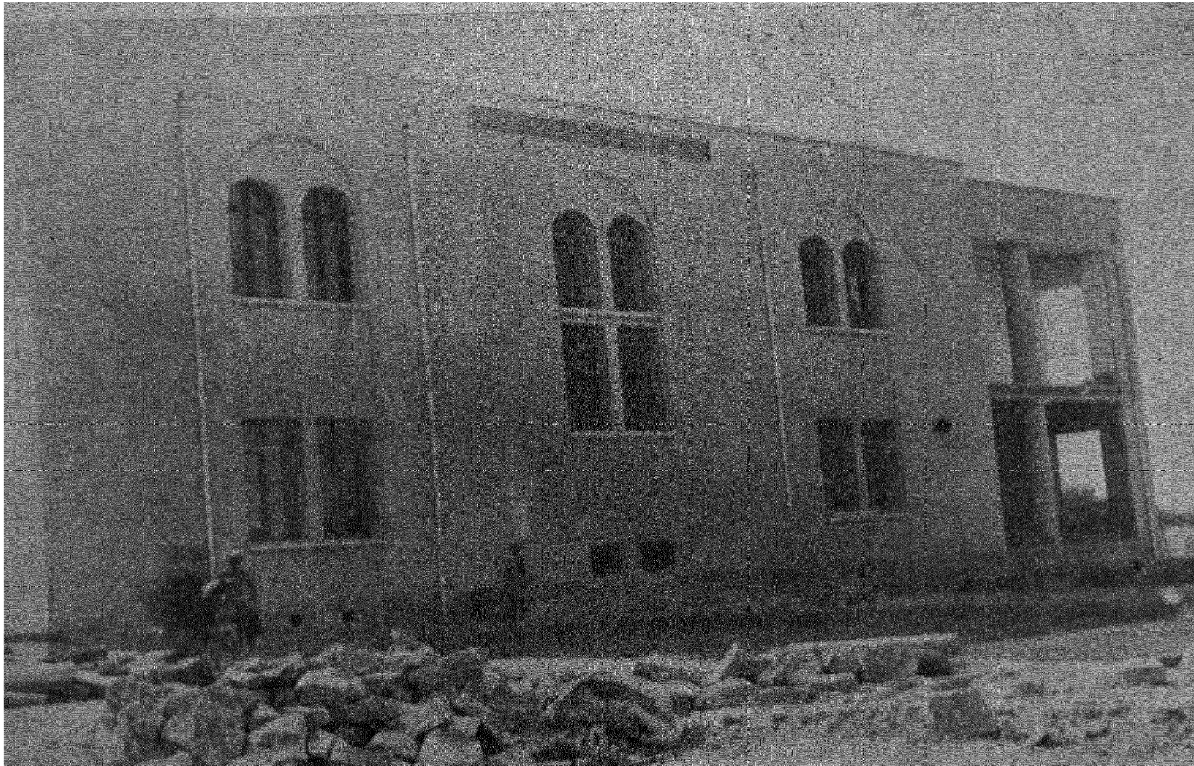
٦١ - ضلع شمالی دبیرستان قم



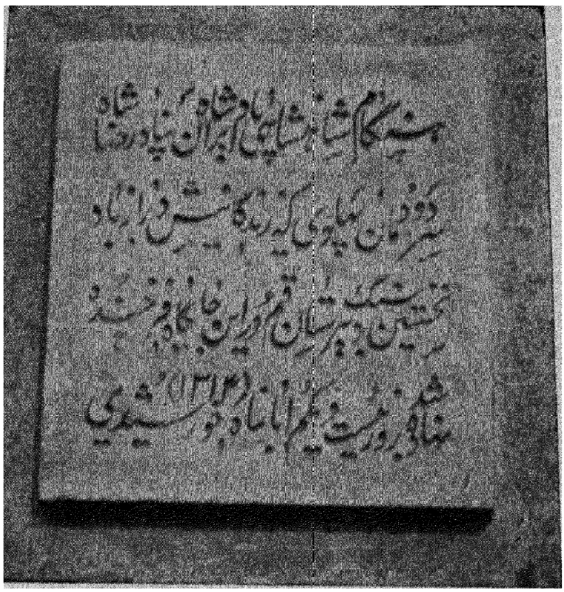
۶۲ - ضلع جنوبی دبیرستان قم



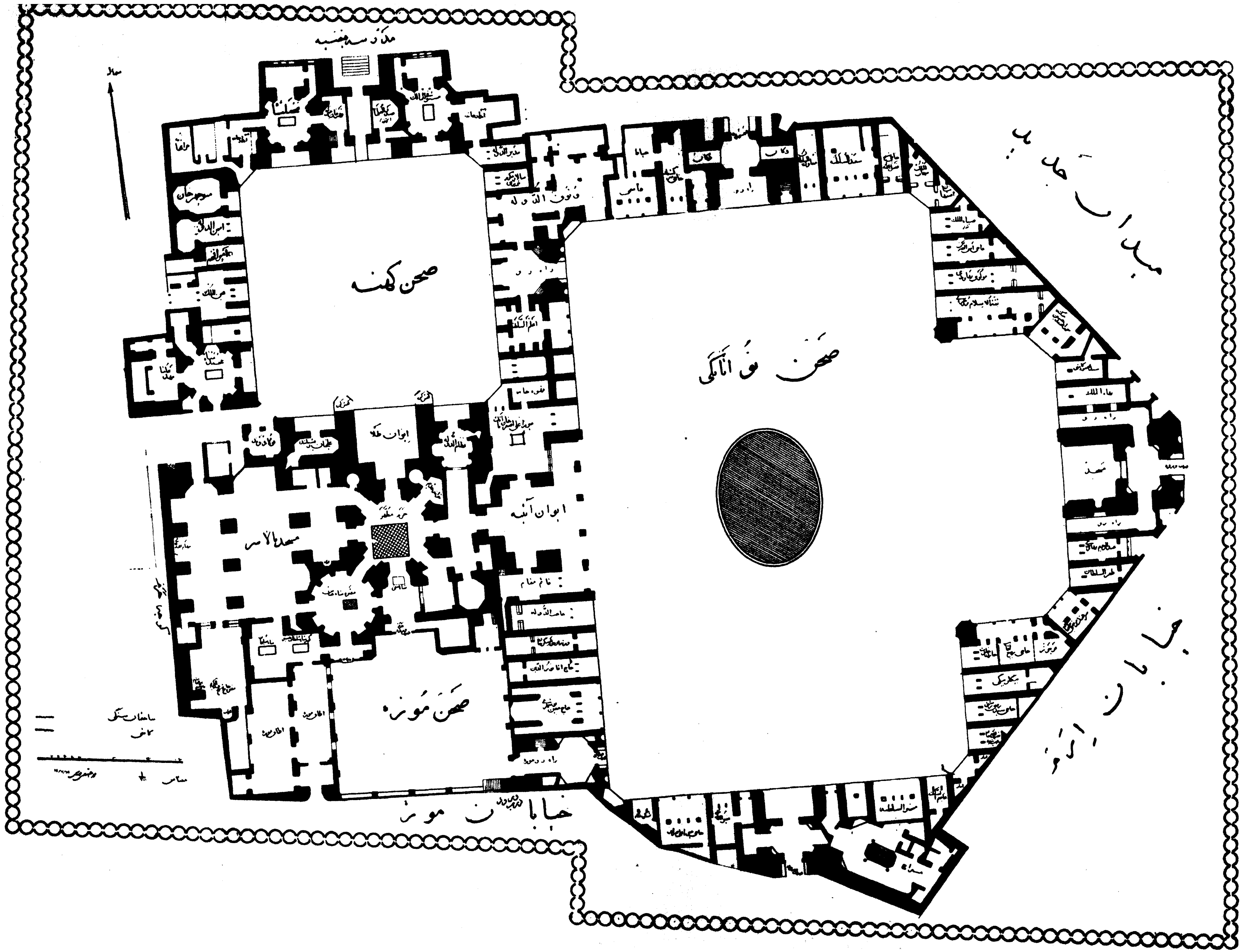
۶۳ - ضلع شرقی دبیرستان قم



٦٤ - ضلع غربی دبیرستان قم



عکس فوق صورت سنگی است مشتمل بر تاریخ بنای دبیرستان که بپارسی سره نگاشته و حکاکی شده و بنام مبارك شاهنشاه در زیر پله درب بزرگ ورود بعمارت در زیر زمین نهاده اند . **توضیح** چون سنگ سابق که درسالنامه ساختمانی وزارت فرهنك عکس آن موجود است شامل اغلاطی چند بود بعداً حسب امر وزارت فرهنك تجدید شده و سنگ جدیدی مطابق عکس بالا تهیه گردید .



صحن کهنه
ایوان طلا
ایوان آینه
مسجد بالاسر
صحن موزه
خیابان موزه